



علاء علی اکبر مہندی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهه مهدوی

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	پژوهه مهدوی
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۲۲	امام شناسی
۲۳	ضرورت وجود امام
۲۳	اشاره
۲۴	شرایط امام :
۲۴	اشاره
۲۴	۱ . عصمت :
۲۵	۲ . نصّ :
۲۶	۳ . افضلیت :
۲۶	ضرورت شناخت امام
۴۲	سیمای امام در آئینه ی قرآن
۵۹	فراتر از خورشید
۵۹	اشاره
۵۹	۱ . خدا
۶۰	۲ . قرآن
۶۰	۳ . پیامبر صلی الله علیه و آله
۶۲	۴ . امیرمؤمنان علیه السلام
۶۳	۵ . ولایت علی علیه السلام
۶۴	۶ . امامان علیهم السلام
۶۷	۷ . حضرت مهدی علیه السلام
۷۳	نقش امام در زدودن تاریکی ها

۸۰	واژه و اصطلاح شناسی مهدویت
۸۰	اشاره
۸۲	گلواژه مهدی
۸۷	فرق هادی و مهدی
۹۰	مهدی در آئینه وحی
۹۰	مهدی در آئینه عترت
۹۰	اشاره
۹۰	کتاب سلیم بن قیس
۹۲	گستره واژه مهدی
۹۶	موعودباوری در ادیان آسمانی
۹۶	اشاره
۹۶	مهدی موعود در زبور داود
۹۶	اشاره
۹۸	شماری از نویدهای موعود در زبور داود
۱۰۶	سیمای موعود در عهد عتیق
۱۰۶	اشاره
۱۱۲	همسویی و همخوانی بشارات عهد عتیق با روایات اسلامی
۱۱۲	اشاره
۱۱۳	۱. فراگیر شدن توحید
۱۱۳	۲. فراگیر شدن عدالت
۱۱۳	۳. آسایش همگانی
۱۱۴	۴. امنیت جهانی
۱۱۴	۵. بهداشت جهانی
۱۱۴	۶. وفور نعمت
۱۱۵	۷. بی نیازی از نور خورشید
۱۱۵	۸. سیمای جهان در آستانه ظهور

- ۹ . شور انتظار ۱۱۶
- ۱۰ . گستره دانش ۱۱۶
- تبلور اعتقاد به موعود در نیایش ها ۱۱۶
- سیمای موعود در عهد جدید ۱۱۸
- اشاره ۱۱۸
- سیمای موعود در منابع عهد جدید ۱۲۰
- اشاره ۱۲۰
- ۱ . انجیل متی : ۱۲۲
- ۲ . انجیل مرقس : ۱۲۲
- ۳ . انجیل لوقا : ۱۲۳
- ۴ . مکاشفه یوحنا : ۱۲۳
- پسر انسان کیست ؟ ۱۲۴
- همسویی ویژگی های موعود در اسلام و مسیحیت ۱۲۴
- و اما دیگر نقاط مشترک : ۱۲۵
- سیمای موعود در آیین زرتشت ۱۳۰
- اشاره ۱۳۰
- سیمای مجوس در احادیث ۱۳۱
- مجوس از دیدگاه دانشمندان ۱۳۴
- زرتشت کیست ؟ ۱۳۵
- سیمای موعود در آینه زرتشت ۱۴۰
- همسویی بشارت های زرتشت با بشارت های اسلام پیرامون موعود ۱۴۵
- موعودباوری در ادیان زمینی ۱۴۹
- اشاره ۱۴۹
- موعودباوری در کتب مقدسه هندوها ۱۵۱
- موعودباوری در میان اهل سنت ۱۵۸
- اشاره ۱۵۸

- ۱۶۲ ----- موعودباوری در میان حنفیان
- ۱۶۸ ----- موعودباوری در میان مالکیان
- ۱۷۱ ----- موعودباوری در میان شافعیان
- ۱۸۴ ----- موعودباوری در میان حنبلیان
- ۱۹۲ ----- موعودباوری و مهدویت در میان شیعیان اثناعشریه، اسماعیلیه و زیدیه
- ۱۹۲ ----- اشاره
- ۱۹۴ ----- گلواژه شیعه
- ۱۹۴ ----- اشاره
- ۱۹۶ ----- واژه « شیعه » در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۹۶ ----- اشاره
- ۲۰۰ ----- دوازده امام در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۰۲ ----- اسامی مقدسه امامان در گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۰۶ ----- موعودباوری در میان شیعیان اثناعشری
- ۲۰۶ ----- اشاره
- ۲۰۶ ----- ۱ . نسب والا
- ۲۰۷ ----- ۲ . مادر والاگهر آن حضرت
- ۲۰۹ ----- ۳ . نام نامی و یاد گرامی آن حضرت
- ۲۱۲ ----- ۴ . میلاد نور
- ۲۱۳ ----- ۵ . شاهدان عینی
- ۲۱۴ ----- ۶ . غیبت صغری
- ۲۱۵ ----- ۷ . نَوَاب اربعه
- ۲۱۶ ----- ۸ . مدت سفارت
- ۲۱۷ ----- ۹ . غیبت کبری
- ۲۱۷ ----- ۱۰ . راز بقا
- ۲۱۹ ----- ۱۱ . طول عمر
- ۲۲۰ ----- ۱۲ . تشرفات

- موعودباوری در میان شیعیان اسماعیلی ۲۲۶
- اشاره ۲۲۶
- بیوگرافی اسماعیل ۲۲۶
- موعودباوری در کیش اسماعیلی ۲۳۱
- اشاره ۲۳۱
۱. شش امامی یا هفت امامی ؟ ۲۳۳
۲. هفت ناطق ۲۳۴
۳. هفت دُور ۲۳۴
۴. هفتمین دُور ۲۳۵
۵. قائم القیامه ۲۳۵
۶. موعودباوری در انشعابات مختلف اسماعیلیه ۲۳۷
- موعودباوری در میان شیعیان زیدی ۲۴۰
- اشاره ۲۴۰
- زید بن علی علیه السلام ۲۴۰
- سیمای زید در آینه پیشوایان ۲۴۳
- خروج زید از دیدگاه معصومان ۲۴۶
- اساتید و شاگردان زید ۲۵۱
- مهدویت از دیدگاه زیدی ۲۵۴
- مهدویت از نظر امامان زیدی ۲۵۹
- اشاره ۲۵۹
- مدعیان مهدویت از ائمه زیدیه ۲۶۲
- اشاره ۲۶۲
- جعل احادیث برای اثبات مهدویت نفس زکیه ۲۶۵
- موعود منتظر از دیدگاه زیدیه ۲۷۱
- شخصیت وجودی حضرت مهدی علیه السلام در منابع حدیثی اهل تسنن و تشیع ۲۷۷
- اشاره ۲۷۷

- ۲۸۴ مجامع حدیثی اهل سنت
- ۲۸۹ مجامع حدیثی اهل تشیع
- ۲۸۹ اشاره
- ۲۸۹ آمار احادیث مهدویت
- ۲۹۳ کتاب های پایه و مرجع در حوزه مهدویت
- ۲۹۳ سیری در متون حدیثی صدر اسلام
- ۲۹۳ اشاره
- ۲۹۳ الف (قرن اول
- ۲۹۳ اشاره
- ۲۹۵ جایگاه سلیم
- ۲۹۶ اعتبار کتب سلیم
- ۲۹۸ احادیث حضرت مهدی علیه السلام در کتاب سلیم
- ۳۰۲ ب (قرن دوم
- ۳۰۲ اشاره
- ۳۰۵ سرگذشت اصول اربعمائه
- ۳۰۷ بقایای اصول اربعمائه
- ۳۰۸ سیمای موعود در اصول موجود
- ۳۰۸ اشاره
- ۳۰۸ ۱ . اصل زید زژاد
- ۳۱۰ ۲ . اصل درست بن ابی منصور
- ۳۱۱ ۳ . اصل جعفر بن محمد بن شریح حصرمی
- ۳۱۲ ۴ . اصل ابوسعید عباد عصفری
- ۳۱۲ ج (احادیث غیبت در آثار بر جای مانده از دوران پیش از غیبت
- ۳۱۲ اشاره
- ۳۱۵ آثار پربرار فضل بن شاذان
- ۳۱۹ سرگذشت کتاب اثبات الرجعه

۳۲۲ ----- احادیث غیبت در اثر برجای مانده از پیش از دوران غیبت

۳۳۴ ----- نض صریح بر غیبت صغری و کبری از عهد رسالت تا عصر غیبت

۳۴۲ ----- کتابنامه غیبت پیش از وقوع غیبت

۳۴۹ ----- برخی از آثار چاپ شده ی مؤلف

۳۵۲ ----- درباره مرکز

سرشناسه: مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور: پژوهه مهدوی / علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر: قم: رسالت، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.

شابک: ۳۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۶۸۳۸-۳۰-۷

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: این کتاب توسط سازمان تبلیغات اسلامی استان خوزستان به عنوان کتاب "کنگره مهدویت" در سال ۱۳۸۸ ارائه گردید.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - غیبت

موضوع: مهدویت-- انتظار

رده بندی کنگره: ۱BP۵۱/م۹پ۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۵۶۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۹۳۷۸۷

ص: ۱

امام در لغت به معنای: «پیشوا» و «مقتدا» می باشد .

خلیل بن احمد ، پیشوای ارباب لغت می گوید :

كُلُّ مَنْ أُقْتَدِيَ بِهِ وَقَدَّمَ فِي الْأُمُورِ فَهُوَ إِمَامٌ ؛

هر کسی که جلودار امور باشد و به او اقتدا کنند ، او « امام » است .^(۱)

راغب در این رابطه گوید :

الإمام : الْمُؤْتَمُّ بِهِ إِنْسَانًا ؛

امام انسانی است که او را پیشوا قرار دهند .^(۲)

ابوبشر لغوی می گوید :

امام در لغت عرب جلودار مردم را گویند ... که در طول سفر و تاریکی شب راهبر راهروان است .^(۳)

امام و پیشوا در اصطلاح به کسی گفته می شود که جلودار جماعتی باشد و رهبری ایشان را در یک مسیر اجتماعی ، یا مرام سیاسی ، یا مسلک علمی و یا دینی برعهده بگیرد .^(۴)

امامت ریاست فراگیر دینی ، همراه با ترغیب و تشویق مردمان بر حفظ مصالح

ص: ۱۱

۱-۱ . خلیل بن احمد ، کتاب العین ، ماده « امم » ؛ ترتیب العین ، ص ۵۵ .

۲-۲ . راغب اصفهانی ، المفردات فی غریب القرآن ، ص ۲۴ .

۳-۳ . شیخ صدوق ، معانی الأخبار ، ص ۹۶ .

۴-۴ . علامه طباطبایی ، شیعه در اسلام ، ص ۱۰۹ .

دینی و دنیایی و منع آنها از هر چیزی که بر مصالح دینی و دنیوی آنها لطمه می زند. (۱)

امام رضا علیه السلام در یک حدیث گسترده از جایگاه امام علیه السلام سخن گفته ، که فزاهایی از آن در اینجا تقدیم می شود :

جایگاه امام والاتر ، ابعادش گسترده تر و ژرفایش عمیق تر از آنست که مردمان با اندیشه و درایت خود به آن دست یابند ، یا امامی را از سوی خود برگزینند ...

امام همانند خورشید فروزان نورافشانی می کند ، دست ها و دیده ها به جایگاه بلندش نمی رسد .

امام ماه تابان ، ستاره ی فروزان ، مشعل درخشان و اختر هدایتگر در تاریکی های شب دیجور و تیرگی های دریاها و صحراها می باشد .

امام آب گوارای هدایت بر دلهای تشنه ، راهبر مطمئن بر شاهراه هدایت ، نجات بخش انسانها از لغزش و سقوط در پرتگاهها می باشد ...

امام یگانه ی دهر است ، هرگز احدی با او برابری نکند ، هیچ دانشوری با او قیاس نشود ، هیچ شبیه و نظیری برای او پیدا نشود ، که همه ی فضایلش اختصاصی است ، هرگز به دنبال کسب دانش نرود که همه معلوماتش از سوی خداوند متان به او افزوده شده است ، دیگر چه کسی می تواند جایگاه او را بشناسد ، یا درصدد گزینش او برآید ؟ ! هیئات ! (۲)

ضرورت وجود امام

اشاره

هر عاقل فرزانه ای که از وضع جهان و رفتار مردمان آگاه باشد ، در ضرورت وجود رئیسی نافذ ، مدیر و مدبر ، برای جلوگیری از خصومت ها ، تجاوزها و تباهی ها تردیدی به خود راه نمی دهد .

با توجه به خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و استمرار شریعت و عدم نسخ آن تا روز

ص: ۱۲

۱- ۱ . خواجه نصیر ، قواعد العقاید ؛ علامه حلی ، کشف الفوائد ، ص ۷۷ .

۲- ۲ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۸ _ ۲۰۵ ؛ نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۱۶ _ ۲۲۴ .

رستاخیز، وجود شخصی به عنوان نگهبان، مرزبان و مرزدار آیین اسلام از هرگونه تغییر، تبدیل و تباهی ضروری می باشد (۱).

بزرگان شیعه ضرورت وجود امام را از روی قاعده‌ی لطف به صورت گسترده تشریح نموده، اثبات کرده‌اند که وجود تکلیف و ادامه‌ی آن در طول قرون و اعصار، ضرورت وجود امام را در هر عصر و زمانی ضروری می نماید (۲).

شرایط امام:

اشاره

با توجه به جایگاه رفیع امام در اجتماع، برای او شرایط ویژه‌ای هست که او را از هر فرد دیگری از افراد امت ممتاز می سازد که از آن جمله است:

۱. عصمت:

انسان برای ادامه‌ی زندگی به خوراک، پوشاک، مسکن و ... نیاز دارد، او نمی تواند همه‌ی آنها را شخصاً تأمین کند و لذا جامعه‌ی بشری به تعاون و همیاری نیاز دارد.

این تعاون و تعامل آنها را در معرض تجاوز به حقوق همدیگر قرار می دهد.

برای جلوگیری از بروز فتنه، بازستاندن حق مظلوم و ایصال حق به صاحب حق نیاز مبرم به وجود امام معصوم _ که از هر لغزشی مصون باشد _ احساس می شود و گرنه او نیز به امامی دیگر محتاج خواهد بود (۳).

امام در تنفیذ احکام، اقامه‌ی حدود، حفظ شریعت و تأدیب امت جانشین پیامبر است، از این رهگذر عصمت در امام دقیقاً همانند عصمت در پیامبر است، که باید هرگز گناه صغیره و کبیره از او سر نزد و سهو و نسیان بر او راه نداشته باشد و این عقیده‌ی همه‌ی شیعیان است، به جز آنان که از راه صحیح منحرف شده‌اند (۴).

اعتقاد شیعه‌ی امامیه در مورد پیامبران و امامان این است که هرگز گناه صغیره یا

ص: ۱۳

۱- ۱. علم الهدی، الذخیره، ص ۴۱۰ _ ۴۲۴.

۲- ۲. شیخ مفید، تمهید الاصول، ص ۴۴۵ _ ۴۶۳؛ علم الهدی، الشافی فی الامامه، ج ۱، ص ۴۷ _ ۱۰۲.

۳- ۳. علامه حلی، منهاج الکرامه، ص ۱۳۷.

۴- ۴. شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۳۵.

کبیره از آنها سر نزند ، چه پیش از نبوت و امامت یا بعد از آن .(۱)

۲. نصّ :

شرط عصمت در امام ایجاب می کند که از سوی خداوند بالخصوص « منصوص » باشد ، زیرا جز خداوند کسی از اسرار و مکنونات قلبی افراد آگاه نیست .

امام سجاد علیه السلام در این رابطه می فرماید :

الْإِمَامُ مَنْ لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا ، وَلَيْسَتْ الْعِصْمَةُ فِي ظَاهِرِ الْخَلْقِ فَيَعْرِفَ بِهَا ، وَلِذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَنْصُوصًا ؛(۲)

امام از ما خاندان باید معصوم باشد ، نشانه ی معصوم بودن در ظاهر خلقت نیست تا همگان آن را بازشناسند ، از این رهگذر باید منصوص باشد .

ضرورت عصمت امام از ضرورت نصّ از سوی خدا حکایت می کند ، که تنها او واقف بر سرایر و ضمائر افراد می باشد ، از این رهگذر حق انتخاب و گزینش به مردم داده نشده ، بلکه باید از سوی پروردگار نصب شده ، توسط پیامبر معرفی شده ، به وسیله ی امام پیشین اعلام گردد ، چنانکه قرآن کریم می فرماید :

« وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ، مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ » ؛(۳)

پروردگارت آنچه بخواهد می آفریند و برمی گزیند ، آنها حق انتخاب و گزینش ندارند .

ص: ۱۴

۱- ۱ . علم الهدی ، تنزیه الأنبياء ، ص ۱۵ .

۲- ۲ . شیخ صدوق ، معانی الأخبار ، ص ۱۳۲ .

۳- ۳ . سوره قصص (۲۸) ، آیه ۶۸ .

امام علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

امام را خداوند برمی‌گزیند ، مردم حق‌گزینش امام را ندارند .(۱)

۳. افضلیت :

امام علاوه بر عصمت و نص ، باید افضل انسانهای موجود در روی زمین باشد ، یعنی نسبت به احکام شریعت ، اقسام سیاست و تدبیر امور امت از همه داناتر ، در کمالات از همه برتر ، از نظر نیروی بدنی از همه قوی تر و در رغبت به موجبات اجر و پاداش الهی از همه نیرومندتر باشد .(۲)

امام و پیشوای امت باید از همه ی افراد امت افضل باشد ، زیرا تقدیم مفضول بر فاضل عقلاً و نقلاً قبیح است ، اما عقلاً ، پس همه ی عقلا بر آن اعتراف دارند و اما نقلاً ، قرآن کریم می‌فرماید :

« أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ »؛(۳)

آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند برای پیروی کردن شایسته تر است ، یا کسی که خود هدایت نمی‌شود مگر اینکه هدایتش کنند ؟ شما را چه می‌شود ، چگونه داوری می‌کنید ؟

ضرورت شناخت امام

دلایل عقلی و نقلی فراوانی دلالت می‌کنند بر اینکه باید همه ی انسانها در همه ی

ص: ۱۵

۱-۱ . علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، ج ۲ ، ص ۱۴۳ .

۲-۲ . علم الهدی ، الذخیره ، ص ۴۲۹ ؛ همو ، الشافی ، ج ۲ ، ص ۴۱ .

۳-۳ . سوره یونس (۱۰) ، آیه ۳۵ .

قرون و اعصار امام زمان خود را بشناسند و گرنه رشته ی اتصال آنها با دین مقدس اسلام خواهد گسست و به عهد جاهلیت و بربریت خواهند پیوست .

یکی از دلایل روشن آن حدیث معروفی است که محدثان بزرگ شیعه و سنی با سلسله اسناد صحیح و معتبر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود :

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ ؛

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است .

این حدیث شریف را بدون هیچ کم و کاست ، در منابع مهم حدیثی شیعه ، بزرگان جهان تشیع روایت کرده اند ، که از آن جمله است :

۱ . ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزاز _ قرن چهارم _ (۱)

۲ . ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه ، مشهور به : شیخ صدوق ، متوفای ۳۸۱ هـ . (۲)

۳ . سید مرتضی علم الهدی ، متوفای ۴۳۶ هـ . (۳)

۴ . امین الاسلام ، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی ، متوفای ۵۴۸ هـ . (۴)

۵ . سید ابوالقاسم ، علی بن موسی بن جعفر ، مشهور به سید ابن طاووس ، متوفای ۶۶۴ هـ . (۵)

۶ . علی بن عیسی اربلی ، متوفای ۶۹۳ هـ . (۶)

۷ . حسن بن یوسف بن مطهر حلّی ، متوفای ۷۲۶ هـ . (۷)

۸ . علی بن حسین بن عبدالعالی ، مشهور به محقق کرکی ، متوفای ۹۴۰ هـ . (۸)

ص: ۱۶

۱-۱ . خزاز ، کفایه الاثر ، ص ۲۹۲ .

۲-۲ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۴۰۹ .

۳-۳ . علم الهدی ، الذخیره فی الکلام ، ص ۴۹۵ .

۴-۴ . امین الاسلام طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۵۳ .

۵-۵ . سید ابن طاووس ، اقبال الأعمال ، ص ۴۶۰ .

۶-۶ . اربلی ، کشف الغمه ، ج ۳ ، ص ۳۱۸ .

- ۷-۷. علامہ حلّی ، منهاج الکرامہ ، ص ۲۷ .
- ۸-۸ . محقق کرکی ، نفحات الالہوت ، ص ۱۳ .

۹. شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی، متوفای ۱۰۳۰ هـ. (۱).

۱۰. ملا محسن فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ هـ. (۲).

۱۱. محمد بن حسن، حرّ عاملی، متوفای ۱۱۰۴ هـ. (۳).

۱۲. مولی محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ. (۴).

اما راویان این حدیث به همین تعبیر از بزرگان اهل سنت:

۱. مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ هـ. (۵).

۲. قاضی عبدالجبار معتزلی، متوفای ۴۱۵ هـ. (۶).

۳. محمد بن فتوح حمیدی، متوفای ۴۸۸ هـ. (۷).

۴. مسعود بن عمر بن عبدالله تفتازانی، متوفای ۷۹۱ هـ. (۸).

۵. علی بن سلطان محمد قاری، متوفای ۱۰۱۴ هـ. (۹).

۶. مولی حیدر علی فیض آبادی هندی، متوفای ۱۲۰۵ هـ. (۱۰).

۷. حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، متوفای ۱۲۹۴ هـ. (۱۱).

این متن با تعبیرهای مختلف و طرق متعدد در کتب حدیثی، تاریخی و عقیدتی تشیع و تسنن آمده، که مجموعاً به ۳۲ تعبیر بالغ می‌گردد، گاهی تفاوت آنها یک واو، فاء، قد و فقد می‌باشد (۱۲) که ما در اینجا به متن یاد شده بسنده می‌کنیم.

ص: ۱۷

۱-۱. فیض کاشانی، گلزار قدس، به نقل محدث قمی در سفینه البحار، ج ۶، ص ۷۵.

۲-۲. شیخ بهائی، الأربعین، ص ۲۰۶.

۳-۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

۴-۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۸؛ ج ۳۲، ص ۳۲۱ و ۳۳۱؛ ج ۵۱، ص ۱۶۰؛ ج ۶۸، ص ۳۳۹.

۵-۵. مسلم، الصحیح، به نقل ملا علی قاری در الجواهر المزیئه، ج ۲، ص ۴۷۵.

۶-۶. قاضی عبدالجبار، المغنی، ج ۱، ص ۱۱۶.

۷-۷. حمیدی، الجمع بین الصحیحین، ج ۲، ص ۳۰۶.

۸-۸. تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹.

- ۹-۹. ملاعلی قاری ، الجواهر المضيئه ، ج ۲ ، ص ۵۰۹ .
- ۱۰-۱۰. فیض آبادی ، ازاله الغین ، به نقل شناخت امام ، ص ۴۲ .
- ۱۱-۱۱. قندوزی ، ینابیع الموده ، ج ۳ ، ص ۳۷۲ .
- ۱۲-۱۲. برای دسترسی به منابع دیگر متن ها ر . ک : نگارنده ، او خواهد آمد ، ج ۱۲ ، ص ۹۴ _ ۱۱۵ .

گروهی از علمای شیعه و شماری از علمای اهل تسنن به تواتر حدیث یاد شده تأکید کرده ، به صراحت اعلام کرده اند که این حدیث در منابع اهل تشیع و تسنن متواتر ، اجماعی و مورد اتفاق می باشد .(۱)

براساس این روایت و ده ها روایت دیگر که به یک مضمون با تعبیرهای مختلف از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کتب پایه و مرجع آمده است ، اگر کسی امامش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است ، یعنی همانند کسی است که پیش از بعثت نبی مکرم به حال بت پرستی ، کفر و الحاد از دنیا رفته باشد .

در اینجا یک سؤال به طور طبیعی در اذهان نقش می بندد و آن اینکه :

کدامین امام ؟

این کدامین امام است که اگر کسی او را نشناسد ، شناخت خدا و پیامبر بدون شناخت او انسان را از مرگ جاهلی نجات نمی دهد ؟

پیروان مکتب خلفا می گویند : امامت با نصّ امام قبلی ، همچنین با انتخاب اهل حلّ و عقد و راههای دیگر محقق می شود ، امامت مفضول با وجود افضل مانعی ندارد ، هاشمی بودن ، عصمت و داشتن معجزه شرط نیست و استدلال می کنند که خلافت خلفای راشدین ثابت است و هر چند آنها فاقد این صفات بودند .(۲)

آنگاه روایات نصّ بر خلفای اثنا عشر را از بخاری و مسلم نقل کرده ،(۳) بر صحت آنها

ص: ۱۸

۱- ۱. شیخ مفید ، الأفصاح ، ص ۲۸ ؛ سید ابن طاووس ، اقبال الأعمال ، ص ۴۶۰ ؛ شیخ بهائی ، الاربعین ، ص ۲۰۶ ؛ علامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۸ ، ص ۳۶۸ ؛ قندوزی ، ینابیع الموده ، ج ۳ ، ص ۴۵۶ ؛ قاضی زنگنه زوری ، تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد ، ص ۱۶۶ .

۲- ۲. ابن حجر مکی ، الصواعق المحرقة ، ص ۹ .

۳- ۳. روایات دوازده امام ، دوازده امیر و دوازده خلیفه در همه ی منابع حدیثی آمده ، که به شماری از آنها براساس تسلسل زمانی اشاره می کنیم : (۱) سلیمان بن داود طیالسی ، متوفای ۲۰۴ ه . در : مسند ، ج ۳ ، ص ۱۰۵ ، ح ۷۶۷ . ب) نعیم بن حماد مروزی ، متوفای ۲۲۹ ه . در : الفتن ، ج ۱ ، ص ۳۹ . ج) احمد حنبل ، متوفای ۲۴۱ ه . در : مسند ، ج ۵ ، ۸۷ ، ۹۲ ، ۹۷ و ۱۰۷ . د) محمد بن اسماعیل بخاری ، متوفای ۲۵۶ ه . ، در صحیح ، ج ۹ ، ص ۱۰۱ . ه) مسلم بن حجاج نیشابوری ، متوفای ۲۶۱ ه . در صحیح ، ج ۳ ، ص ۱۴۵۱ _ ۱۴۵۳ . و) ابوداود ، سلیمان بن اشعث سجستانی ، متوفای ۲۷۵ ه . در سنن ، ج ۴ ، ص ۱۰۶ . ز) ترمذی ، محمد بن عیسی بن سوره ، متوفای ۲۹۷ ه . در سنن ، ج ۴ ، ص ۵۰۱ ، ح ۲۲۲۳ . ح) ابن منادی ، احمد بن جعفر بن محمد ، متوفای ۳۳۶ ه . در الملاحم ، ص ۲۶۸ _ ۲۷۱ . ط) ابوالقاسم ، سلیمان بن احمد طبرانی ، متوفای ۳۶۰ ه . در المعجم الكبير ، ج ۲ ، ص ۲۱۴ _ ۲۸۶ . ی) حاکم نیشابوری ، متوفای ۴۰۵ ه . در المستدرک علی الصحیحین ، ج ۳ ، ص ۱۷

تأکید کرده ، اینگونه توجیه می کنند که منظور از خلفای دوازده گانه دوازده تن از خلفا در طول تاریخ هستند ، که همه ی امت بر خلافت آنها اعتراف کرده اند و در تعیین آنها گفته اند :

آنچه اتفاق افتاده این است که مردم بر خلافت ابوبکر ، عمر ، عثمان و علی اتفاق کرده اند ، تا حادثه ی حکمین رخ داده ، آنگاه معاویه به عنوان خلافت شناخته شده ، بعد از صلح امام حسن مردم بر او نیز اتفاق نموده اند ، سپس بر پسرش یزید اتفاق نموده اند ، پس از مرگ یزید اختلافی پدید آمده ، تا بر عبدالملک بن مروان اتفاق حاصل شده ، آنگاه بر چهار پسرش ولید ، سلیمان ، یزید و هشام اتفاق نظر بوده ، عمر بن عبدالعزیز نیز در میان سلیمان و یزید قرار گرفته ، این هفت نفر بعد از خلفای راشدین و دوازدهمین آنها ولید بن یزید بن عبدالملک است .

این بهترین دست چینی است که ابن حجر عسقلانی در شرح خود بر صحیح بخاری ، در ذیل حدیث دوازده امیر آورده (۱) و بسیاری از بزرگان اهل سنت آن را بهترین توجیه برای دوازده خلیفه دانسته اند . (۲)

ما در اینجا به چهار نکته در کلمات ابن حجر اشاره می کنیم :

۱ . افرادی که ایشان برای مصداق دوازده خلیفه نام برده اند سیزده تن می شوند که باید یکی از آنها به قید قرعه و یا به هر عنوان دیگر حذف شود . (۳)

۲ . یکی از دوازده تن در لیست ابن حجر « یزید بن معاویه » است که جنایات او

ص: ۱۹

۱-۱ . ابن حجر عسقلانی ، فتح الباری ، ج ۱۳ ، ص ۲۱۴ .

۲-۲ . ابن حجر مکی ، الصواعق المحرقة ، ص ۲۰ .

۳-۳ . خلفای دوازده گانه در کلام ابن حجر عبارتند از : ابوبکر ، عمر ، عثمان ، علی ، معاویه ، یزید ، عبدالملک ، ولید ، سلیمان ، عمر بن عبدالعزیز ، یزید و هشام (پسران عبدالملک) و ولید بن یزید بن عبدالملک ، که سیزده تن می باشند .

صفحات تاریخ را سیاه کرده است ، شهادت امام حسین علیه السلام با بیش از هفتاد تن از بهترین اصحابش ، یکی از جنایات اوست که برای همه ی خوانندگان معلوم است .

یکی از جنایات دیگر او داستان « حرّه » است که صفحات تاریخ را لکه دار کرده است ، گوشه ای از این فاجعه ی بزرگ تاریخ را از کتاب « تاریخ الاسلام » ذهبی نقل می کنیم :

یزید مسلم بن عقبه را با ۱۲۰۰۰ سوار به مدینه فرستاد و دستور داد که اگر یک تن از بنی امیه کشته شود ، شمشیر بکشد ، به کسی رحم نکند ، زخمی ها و فراری ها را بکشد ، سه روز مدینه را غارت کند .(۱)

مسلم بن عقبه وارد مدینه شد ، از مردم بیعت گرفت که برده ی یزید باشند ، او هر چه بخواهد در مورد جان ، مال و ناموسشان تصمیم بگیرد ! هر کس امتناع کرد او را گردن زد !

در فاجعه ی حرّه ۳۰۶ تن از افراد سرشناس مهاجر و انصار کشته شدند که اسامی آنها در منابع تاریخی ثبت شده(۲) ۷۰۰ تن از حاملان قرآن کشته شدند و به حریم هزار تن از دوشیزگان تعدی شد ! (۳)

جالب تر اینکه این همه جنایت به قصد قربت و برای خشنودی خلیفه انجام شده ، و لذا مسلم بن عقبه که این همه جنایت را به فرمان یزید انجام داده ، در لحظات سكرات موت می گوید :

بارالها ، من بعد از شهادتین ، کاری انجام ندادم که از کشتار اهل مدینه برای من محبوب تر _ و برای روز رستاخیزم _ امیدوار کننده تر باشد ! (۴)

آخرین جنایت یزید لشکرکشی به مکه ی معظمه بود که در ماه صفر ۶۴ هجری مکه را محاصره کرد ، با منجنیق اهل مکه را سنگباران نمود ، سپاهیان در اطراف کعبه

ص: ۲۰

۱- ۱. ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۵ ، ص ۲۵ .

۲- ۲. همان ؛ خلیفه بن خیاط عصفری ، ص ۲۵۰ .

۳- ۳. همان ، ص ۲۶ _ ۳۰ .

۴- ۴. همان ، ص ۳۳ .

آتش به پا کردند، شعله های آن پرده ی کعبه را طعمه ی حریق نمود، سقف کعبه که از چوب بود آتش گرفت، شاخ های قوچی که به عنوان فدیة برای حضرت اسماعیل آمده بود و از سقف کعبه آویزان بود، در میان شعله های آتش سوخت. (۱)

کدام شخص عاقلی می تواند به خود تحمیل کند که یزید بن معاویه با این جنایات و کارنامه ی سیاه خلیفه ی پیامبر، واجب الاطاعة و مخالفتش حرام باشد.

سوگمندانہ اینکه اهل حل و عقد او را امام زمان دانسته، معرفتش را بر همگان واجب دانسته اند:

ذهبی با سلسله اسنادش از زید بن اسلم روایت کرده که عبدالله بن مطیع در ایام «حَرّه» به نزد عبدالله بن عمر رفته، از او کسب تکلیف کرده، وی در پاسخ گفته: از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود:

مَنْ نَزَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ حُجَّةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ مَاتَ مُفَارِقًا لِلْجَمَاعَةِ فَإِنَّهُ يَمُوتُ مَوْتَهُ جَاهِلِيَّةٍ؛ (۲)

هر کس دست از اطاعت بکشد روز قیام حجتی نخواهد داشت و هر کس در حال جدایی از جماعت بمیرد به مرگ جاهلی مرده است.

۳. دوازدهمین فردی که ابن حجر او را پایان بخش خلفای دوازده گانه شمرده، ولید بن یزید بن عبدالملک، ششمین خلیفه ی عباسی می باشد.

ولید در حدود سال ۹۰ هـ متولد شد، به هنگام فوت پدرش خردسال بوده، پدرش یزید، برادرش هشام را جانشین خود و ولید را ولیعهد او معین کرده است.

احمد در مسند با سلسله اسنادش از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

ص: ۲۱

۱-۱. همان، ص ۳۴.

۲-۲. همان، ص ۲۵.

لَيَكُونَنَّ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ الْوَلِيدُ ، لَهُوَ شَرُّ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ فِرْعَوْنَ لِقَوْمِهِ؛ (۱)

بی گمان در این امت مردی خواهد بود به نام « ولید » که شرّ او بر این امت از فرعون بر قوم خود بیشتر است .

ولید در ربیع الآخر ۱۲۵ هـ . پس از فوت عمویش هشام بر مسند خلافت نشست و در جمادی الآخر ۱۲۶ هـ . به دست مردم کشته شد ، مدت خلافتش در حدود یکسال و دو ماه بود .

در این مدت کوتاه هر جنایتی را انجام داد ، که شماری از آنها به قرار زیر است :

(ا) با دخترش آمیخت و بکارتش را از بین برد !!

(ب) به قرآن تَفَأَّلُ زد ، این آیه آمد :

« وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ »؛ (۲)

طلب گشایش کردند و هر گردنکش کینه توز نوید گردید .

قرآن را بست ، آنقدر به آن تیراندازی کرد که پاره پاره گردید ، پس گفت :

أتوعد كل جبار عنيد فها أناذاك جبار عنيد

إذا لاقيت ربك يوم حشر فقل يا ربّ مزقني الوليد

آیا هر گردنکش کینه توز را تهدید می کنی ؟ بدان که آن گردنکش کینه توز من هستم !

هنگامی که در روز رستاخیز پروردگارت را ملاقات کردی ، بگو که « ولید »

ص: ۲۲

۱-۱ . احمد حنبل ، المسند ، ج ۱ ، ص ۴۹ ، ح ۱۰۹ .

۲-۲ . سوره ابراهیم (۱۴) ، آیه ۱۵ .

مرا پاره پاره کرد!! (۱)

ج) عازم حج بود، گفت: به حج می روم که بر پشت بام کعبه شراب بخورم. (۲)

د) برکه ای از مشروب فراهم کرده بود، چون حال طرب او را رخ می نمود، خود را در برکه می انداخت، آنقدر مشروب می خورد که در آن آثار کاهش ظاهر می شد! (۳)

ه) شبی تا سحر با کنیزش به میگساری مشغول بود، چون اذان صبح گفته شد، سوگند یاد کرد که باید همان کنیز برای مردم امامت کند، پس جامه هایش را بر او پوشانید و او در حالیکه مست و جنب بود بر مردم امامت کرد!! (۴)

و) هنگامی که مردم شورش کردند و او را دستگیر کردند و کشتند و سرش را در دمشق بر نیزه زدند، برادرش سلیمان گفت:

از رحمت خدا دور باد، که من گواهی می دهم که در میگساری افراط می کرد، در فسق و فجور غوطه ور بود، حتی به من هم سوء قصد نمود. (۵)

برای رعایت عفت قلم بیش از این فجایع او را به تصویر نمی کشیم و به همین مقدار بسنده می کنیم.

آیا کدام عاقل به خود اجازه می دهد که او را با این کارنامه ی سیاه که قلم از شرح آن شرم دارد، خلیفه ی مسلمانان بداند، اطاعتش را واجب بداند، و خیال کند که بر همگان لازم است که او را بشناسند و گرنه با مرگ جاهلی از دنیا می روند؟!

ابن حجر عسقلانی او را دوازدهمین خلیفه ی پیامبر و پایان بخش خلفایی معرفی

ص: ۲۳

۱-۱. دیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۳۲۰.

۲-۲. همان.

۳-۳. دمیری، حیاة الحیوان، ج ۱، ص ۱۰۳.

۴-۴. دیار بکری، همان.

۵-۵. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۸، ص ۲۹۴.

کرده که شاهرگ حیاتی اسلام به آنها وابسته است ، تا آنها هستند هیچ آسیبی اسلام را تهدید نمی کند .(۱) و ابن حجر مکی آن را بهترین چینش و توجیه خلفای اثناعشر دانسته است .(۲)

بسیار جای شگفت است که ذهبی پس از آنکه از غوطه ور شدن او در معاصی ، حتی تعدی او به همسران پدرش سخن گفته (۳) می نویسد :

کفر و الحاد ولید ثابت نشده ، فقط به جهت اشتهاش به شرب خمر و لواط بر علیه او خروج کردند .۲

آنگاه نقل می کند که در نزد مهدی عباسی نام « ولید » برده شد ، مردی گفت که او « زندیق » بود ، مهدی عباسی گفت :

مه ، خلافه الله عنده أجل من أن يجعلها فی زندیق ؛(۴)

ساکت باش ، خلافت اللّهی در نزد خداوند بالاتر از آنست که آن را در یک زندیق قرار دهد !

بسیار جالب است که بعد از این همه جنایت و ارتکاب معاصی و تعدی به محارم خود ، مهدی عباسی مقام « خلافه اللّهی » برای او معتقد است !!

اینجا نوبت به بازرگانان حدیث می رسد که برای اثبات مقام خلافه اللّهی برای یزیدها و ولیدها دست به جعل حدیث زده ، به پیامبر اکرم نسبت می دهند که فرمود :

ص: ۲۴

۱- ۱. ابن حجر عسقلانی ، فتح الباری ، ج ۱۳ ، ص ۲۱۴ .

۲- ۲. ابن حجر مکی ، الصواعق المحرقة ، ص ۲۰ .

۳- ۳. ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۸ ، ص ۲۹۳ . ۲. همان ، ص ۲۹۴ .

۴- ۴. همان ، ص ۲۹۱ . ۴. مسلم ، صحیح مسلم ، ج ۳ ، ص ۱۴۷۶ ، ح ۱۸۴۷ .

يَكُونُ بَعْدَى أئِمَّةٍ لَا يَهْتَدُونَ بِهَدَايَ وَلَا يَسْتَنُونَ بِسُنَّتِي ، وَسَيَقُومُ فِيهِمْ رِجَالٌ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ فِي جُثْمَانِ إِنْسٍ ؛

پس از من پیشوایانی خواهند بود که با هدایت من هدایت نمی شوند و با سنت من رفتار نمی کنند ، در میان آنها افرادی متصدی امر می شوند که به ظاهر انسان هستند ، ولی در باطن دل‌های شیاطین در سینه های آنها می تپد .

پرسیدند : اگر چنین روزگاری را درک کنیم چه کنیم ؟ فرمود :

تَسْمَعُ وَتَطِيعُ لِأَمِيرٍ ، وَإِنْ ضَرَبَ ظَهْرَكَ وَأَخَذَ مَالَكَ ، فَاسْمَعْ وَأَطِعْ ؛

گوش به فرمان امیر باش و از او اطاعت کن ، اگر بر پشت تو تازیانه بزنند و مال ترا از تو بگیرند ، گوش کن و اطاعت کن !
۴!

آنگاه حدیث دیگری را ضمیمه می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ ، فَمَاتَ ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً ؛^(۱)

هر کس از اطاعتِ _ سلطان _ بیرون رود و از جماعت جدا شود و از دنیا بمیرد ، به مرگ جاهلی مرده است .

سپس نوبت به متکلمانی چون ابوبکر باقلانی می رسد که در کتاب « تمهید » که کتاب درسی دانشگاه الازهر می باشد و در رشته های فلسفه و کلام تدریس می شود ، می نویسد :

ص: ۲۵

امام هرگز با فسق ، ظلم ، غصب اموال ، ریختن خون ناحق ، تزییع حقوق و تعطیل حدود از امامت خلع نمی شود و خروج بر علیه او واجب نمی باشد!! (۱)

و لذا می بینیم که عبدالله بن عمر شبانه به نزد حجاج بن یوسف می شتابد و اظهار می دارد که آمدم به وسیله ی تو با عبدالملک بیعت کنم ، زیرا شنیدم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

مَنْ مَاتَ وَلَا إِمَامَ لَهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً ؛

هر کس بمیرد و امامی برای او نباشد ، به مرگ جاهلی مرده است .

ولی همین شخص با امیرمؤمنان بیعت نکرد و از اینکه بدون امام بمیرد ترسی به خود راه نداد .

و لذا حجاج او را تحقیر کرد ، پایش را از رختخواب بیرون کرد و گفت : بیا با پای من بیعت کن . (۲)

آیا عقل سلیم باور می کند که انسان با کشیدن دست بر پای حجاج بن یوسف ثقفی از مرگ جاهلی رهایی یابد و بدون آن به مرگ جاهلی بمیرد ؟!

سوگمندان باید گفت که پیروان مکتب خلافت ، نه تنها خلیفه ، بلکه هر یک از کارگزاران دولتی را از مصادیق خلیفه الهی دانسته ، هرگونه مخالفت با او را حرام می پندارند:

زیاد بن کسب عدوی می گوید : با ابوبکره پای منبر « ابن عامر » بودیم ، لباس نازک پوشیده بود و خطبه می خواند . ابوبلال گفت : به امیر ما نگاه کنید که لباس فاسقان را می پوشد !

ابوبکره گفت : ساکت باش که از پیامبر شنیدم که گفت :

ص: ۲۶

۱-۱ . ابوبکر باقلانی ، التمهید ، ص ۱۸۶ .

۲-۲ . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۳ ، ص ۲۴۲ .

مَنْ أَهَانَ سُلْطَانَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، أَهَانَهُ اللَّهُ؛^(۱)

هر کس به «سلطانِ خدا در زمین» اهانت کند، خداوند او را خوار می سازد!

ابوبکره آزاد شده ی پیامبر است، در بصره اقامت گزید، از فقهای بصره به شمار می رفت، هنگامی که به والی معاویه اهانت می شود، او را «سلطانِ خدا در روی زمین» می نامد و به اصطلاح نهی از منکر می کند، ولی هنگامی که احنف بن قیس را می بیند که لباس رزم پوشیده به قصد یاری امیرمؤمنان و جنگ با سپاه معاویه حرکت کرده، به او می گوید:

این کار را نکن که اینها برای دنیا می جنگند و حکومت را بدون مشورت به دست گرفته اند! ^(۲)

ظاهراً جای تعجب نیست، زیرا «ابوبکره» در دامن «سمیه» تربیت شده، و با زیاد بن ابیه از یک پستان شیر خورده است. ^(۳)

نگارنده از قدیم الایام در مورد پیروان مکتب خلفاء از خود می پرسید: آنانکه از کارنامه ی سپاه خلفای بنی امیه و بنی مروان آگاه هستند، چگونه آنها را خلیفه ی خداوند و سلطانِ خدا در روی زمین می دانند؟! چگونه آنها را واجب الاطاعه می پندارند و هر گونه خروج بر علیه آنها را حرام می دانند؟!

اخیراً با دانشمند فرهیخته ی مصری استاد «صالح الوردانی» آشنا شدم که قبلاً از پیروان مکتب خلافت بود، اخیراً به مکتب اهل بیت پیوسته است ^(۴) او گفت:

ص: ۲۷

۱-۱. ترمذی، سنن، ج ۴، ص ۵۰۲.

۲-۲. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۸.

۳-۳. همان، ص ۶.

۴-۴. محقق برجسته، دانشمند فرهیخته، استاد صالح الوردانی، از علمای برجسته ی مصری، اخیراً به مکتب اهل بیت پیوسته، و به همین دلیل سه سال تمام در پشت میله های زندان در مصر باستان، از والاترین حقوق بشر برخوردار شده! دین خود را به پیروان مکتب خلفا ادا کرده، با نشر آثار ارزشمندی چون: (۱) اهل السنه شعب الله المختار ب (ابن باز فقیه آل سعود ج) الامام علی سیف الله المسلول د (تثبیت الامامه لآل بیت النبیه ه) تصحیح العبادات و (الحرکه الاسلامیه فی مصر ز) الخطر الوهابی ح (فقهاء النفط ط) مذکرات معتقل سیاسی ی (موسوعه آل البیت و دهها اثر دیگر به دفاع از حریم اهل بیت عصمت و طهارت پرداخته است.

هنگامی که تاریخ را ورق زدم ، کارنامه ی سیاه خلفای بنی امیه ، بنی مروان و بنی عباس را مشاهده کردم ، با خود گفتم : اینها کیانند که من ناگزیر از شناخت اینها باشم ؟ !

نزدیک بود از اسلام برگردم ، لکن خداوند بر من منت نهاد ، مرا با مکتب اهل بیت آشنا ساخت ، از زیر خروارها خاک که در طول ۱۴ قرن بر روی مکتب راستین نشستہ بود ، اسلام راستین علوی را با تحقیق و پژوهش بیرون کشیدم ، به آغوش اسلام بازگشتم ، اسلامی ناب از سرچشمه ی زلال علوی .

۴ . در ده ها روایت معتبر و مستند اهل سنت ، حضرت مهدی علیه السلام پایان بخش خلفای دوازده گانه معرفی شده ، ولی ابن حجر به این عنوان توجه نکرده « ولید » را با آنهمه جنایت و خباثت دوازدهمین خلیفه معرفی کرده است !!

* * *

سیمای امام در آینه ی قرآن

خداوند منان در آیات فراوان پیرامون امام و امامت سخن گفته ، ابعاد مختلف آن را در لابه لای آیات قرآن بیان فرموده ، که به جهت محدودیت صفحات این نوشتار به

ص: ۲۸

شماری از آنها اشاره می کنیم :

۱. « وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ »؛ (۱)

به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیآزمود ، پس از عهده ی آنها برآمد .

فرمود : من ترا برای مردم « امام » قرار دادم .

گفت : از عترت من نیز ؟

فرمود : عهد من به ستمکاران نمی رسد .

بی گمان واژه ی « امام » در این آیه غیر از نبوت و فراتر از آن است ، زیرا این گفت و گو در اواخر عمر حضرت ابراهیم علیه السلام ، یعنی ده ها سال پس از نبوت او رخ داده است ، زیرا :

۱ . حضرت ابراهیم تا سنین بالا فرزند نداشت و لذا هنگامی که فرشتگان به او نوید فرزند دادند ، فرمود :

آیا پس از آنکه من پیر شدم به من بشارت فرزند می دهید ؟ (۲)

۲ . همسرش نیز با اظهار شگفتی گفت :

آیا من در حالی که پیرزن هستم فرزند می آورم و این شوهرم پیری کهنسال است ؟ به راستی این شگفت آور است . (۳)

ص : ۲۹

۱-۱ . سوره بقره (۲) ، آیه ۱۲۴ .

۲-۲ . سوره حجر (۱۵) ، آیه ۵۴ .

۳-۳ . سوره هود (۱۱) ، آیه ۷۲ .

۳. چون صاحب فرزند شد ، عرضه داشت :

حمد خدای را که در پیری اسماعیل و اسحاق را به من عطا فرمود .(۱)

۴. تقاضای امامت برای عترت خود پس از اعطای اسماعیل و اسحاق بوده ، زیرا تعبیر « ذریّه » به کار برده ، که به معنای فرزندان خردسال می باشد .(۲)

۵. این تقاضا پس از آزمون وی با ذبح حضرت اسماعیل بود که منطق وحی در این رابطه به صراحت می گوید :
به راستی این امتحان آشکاری است .(۳)

روی این بیان حضرت ابراهیم علیه السلام در سنین کهنسالی پس از انجام مأموریت خطیر ذبح فرزند و دیگر آزمونهای سخت به مقام : « امامت » مفتخر شده است ، یعنی سالیان دراز پیامبر بود ، ولی امام نبود ، چنانکه در احادیث فراوان به آن تصریح شده است :

امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید :

خداوند ابراهیم را به « بندگی » برگزید ، پیش از آنکه او را به پیامبری برگزیند .

سپس او را به « نبوت » برگزید ، پیش از آنکه به رسالت برانگیزد .

آنگاه او را به « رسالت » برانگیخت ، پیش از آنکه به « خُلت » برگزیند .

آنگاه او را به « خُلت » (دوستی) برگزید ، پیش از آنکه امامت را به او عطا کند .

هنگامی که همه ی این مقامات برای او گرد آمد فرمود :

ص: ۳۰

۱-۱ . سوره ابراهیم (۱۴) ، آیه ۳۹ .

۲-۲ . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۱ ، ص ۲۶۹ .

۳-۳ . سوره صفات (۳۷) ، آیه ۱۰۶ .

« إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا » ؛

من ترا برای مردم « امام » قرار دادم .

این مقام به قدری در نظرش باشکوه جلوه کرد که برای فرزنداناش نیز آرزو کرد ، خطاب شد که : عهد من به ستمگران نمی رسد . (۱)

امام رضا علیه السلام در همین رابطه می فرماید :

امامت مقام بسیار بلندی است که خداوند آن را پس از نبوت و خلت ، به عنوان سومین فضیلت و شرف به ابراهیم عطا نمود و او را با مدال :

« إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا » مفتخر فرمود .

ابراهیم خلیل از روی خوشحالی برای ذریه اش نیز این مقام را تقاضا نمود ، خطاب شد :

« لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ » .

فَأَبْطَلْتُ هَذِهِ الْآيَةَ إِمَامَةً كُلِّ ظَالِمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَصَارَتْ فِي الصَّفْوَةِ ؛ (۲)

این آیه امامت هر ستمگری را تا روز قیامت مَهر بطلان زده و منحصرأ امامت در میان برگزیدگان قرار گرفته است .

شماری از مفسران عامه نیز با این آیه ی شریفه استدلال کرده اند که هرگز ستمگر به مقام امامت و منصب خلیفه الهی نمی رسد :

۱ . طبری در تفسیر این آیه از مجاهد و عکرمه نقل کرده که گفته اند :

شخص ستمگر هرگز امام نمی شود . (۳)

ص: ۳۱

۱- ۱ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۷۵ ؛ شیخ مفید ، الاختصاص ، ص ۲۳ .

۲- ۲ . شیخ صدوق ، عیون الأخبار ، ج ۱ ، ص ۱۷۱ ، ب ۲۰ ، ح ۱ .

۳- ۳ . طبری ، جامع البیان ، ج ۱ ، ص ۴۱۸ .

۲. آنگاه طبری نتیجه می گیرد که :

هرگز از ظالم پیشوایی که مردم از او پیروی کنند نخواهد بود . خداوند در پاسخ تقاضای ابراهیم خبر داد که تقاضای او را پذیرفته ، جز در مورد آن عدّه از ذریّه ی او که ستمگر باشند .(۱)

۳. قرطبی در تفسیر این آیه می نویسد :

ابراهیم علیه السلام در مورد ذریّه اش تقاضای امامت کرد ، خداوند به او خبر داد که در میان آنها افراد گنهکاری خواهند بود .

۴. آنگاه از گروهی از اهل فضل نقل کرده که آنها گفته اند :

این آیه دلالت می کند که امام باید اهل فضل ، احسان ، عدل و صاحب توان بر اداره ی امور باشد ، پس اهل فسق و فجور شایستگی امامت را ندارند .(۲)

۵. قرطبی سپس از «ابن خويز منداد» نقل می کند که گفت :

هیچ ستم پیشه ای نمی تواند : پیامبر ، امام ، خلیفه ، حاکم ، مفتی یا امام جماعت باشد .

۶. سیوطی در تفسیر این آیه از مجاهد نقل کرده که گفت :

ص: ۳۲

۱-۱. همان . ۴. قرطبی ، الجامع لأحكام القرآن ، ج ۲ ، ص ۱۰۷ .

۲-۲. همان ، ص ۱۰۸ . ۲. همان ، ص ۱۰۹ .

خداوند هیچ ستمگری را به امامت نصب نمی کند که مردم از او پیروی کنند. (۱)

۷. نظام الدین حسن بن محمد بن حسین نیشابوری، متوفای ۷۲۸ ه. در تفسیر خود می نویسد:

کسی که کفر بورزد، ولو به اندازه یک چشم به هم زدن، شایستگی پیامبری را ندارد، همچنین شخص فاسق در حال فسق، به اتفاق جمهور مسلمین عقد امام بر او جایز نیست، زیرا هر فاسق و گنهکاری ظالم می باشد.

سپس می افزاید:

میزان در عدالت ظاهر افراد است، ما به ظاهر افراد نگاه می کنیم، خدا از باطن اشخاص آگاه است. برخلاف شیعیان که آنها عصمت را شرط می دانند و می گویند: امام باید معصوم باشد، ظاهراً و باطناً. (۲)

آری شیعه ی امامیه براساس منطق عقل و رهنمودهای قرآن کریم معتقد هستند که باید امام معصوم و منصوص باشد، چنانکه از این آیه ی شریفه به خوبی استفاده می شود. (۳)

۲. « وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ »؛ (۴)

آن را کلمه ای پایدار در نسل او قرار داد.

ص: ۳۳

۱-۱. سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲-۲. نیشابوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان _ در حاشیه تفسیر طبری _ ج ۱، ص ۳۹۲.

۳-۳. علامه طباطبائی با دلایل بسیار محکم و استوار اثبات کرده که این آیه شریفه دلالت می کند که باید امام معصوم و منصوص باشد. ر. ک: علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۶۷ _ ۲۷۹.

۴-۴. سوره زخرف (۴۳)، آیه ۲۸.

در این آیه ی شریفه از اجابت دعای ابراهیم و قرار گرفتن عهد امامت در دودمان او سخن رفته است .

جالب توجه است که گزارش این دعا و استجاب آن در تورات نیز آمده و در کتاب مقدس که هزاران بار توسط انجمن پخش کتاب مقدسه چاپ و منتشر شده و به بیش از یکهزار زبان ترجمه شده ، تا به امروز دست نخورده باقی مانده است و اینک متن تورات :

و اما در خصوص اسماعیل ترا اجابت فرمودم ، اینک او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم ، دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم .(۱)

در تفسیر آیه ی فوق ده ها حدیث از پیامبر اکرم ، اصحاب و اهل بیت علیهم السلام وارد شده که توضیح می دهد منظور از ضمیر « جَعَلَهَا » امامت و منظور از ضمیر « عَقِبِهِ » ابراهیم خلیل می باشد ، که به شماری از آنها اشاره می کنیم :

۱ . سُدی در این رابطه می گفت :

منظور از تبار حضرت ابراهیم آل محمّد علیهم السلام می باشند .(۲)

۲ . امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

یعنی امامت را تا روز قیامت در نسل حضرت ابراهیم قرار داد .(۳)

۳ . امیرمؤمنان علیه السلام به هنگام تلاوت این آیه فرمود :

ص: ۳۴

۱-۱ . کتاب مقدس ، عهد عتیق ، سفر پیدایش ، ب ۱۷ ، فراز ۲۰ .

۲-۲ . ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابی طالب ، ج ۱ ، ص ۳۰۷ .

۳-۳ . همان .

رسول خدا از تبار ابراهیم بود ، ما اهل بیت نیز از تبار ابراهیم و از تبار پیامبر هستیم .(۱)

۴. از ابوهریره پرسیدند : آیا منظور از « اهل بیت » همسران پیامبر هستند ؟

گفت :

نه ، بلکه منظور از اهل بیت ایل و تبار آن حضرت می باشند و آنها امامان دوازده گانه هستند ، که خداوند آنها را در آیه ی : « وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ » بیان فرموده است .(۲)

۵. امام باقر علیه السلام با توضیح بیشتر به جابر جعفری فرمود :

امامان همانها هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را با اسم معرفی کرده و فرموده : در شب معراج اسامی امامان را دیدم که با نور بر عرش الهی نوشته شده بود ، و آنها دوازده تن بودند .

سپس امام باقر علیه السلام آنها را اینگونه برشمرد :

علی ، دو سبط ، علی ، محمد ، جعفر ، موسی ، علی ، محمد ، علی ، حسن و حجت قائم علیهم السلام که اینها امامان برگزیده از خاندان عصمت و طهارت می باشند .(۳)

در این رابطه احادیث فراوان از طریق پیشوایان معصوم رسیده است ، که به نمونه های یاد شده بسنده کردیم .(۴)

ص: ۳۵

۱-۱. سید شرف الدین ، تأویل الآیات الظاهره ، ج ۲ ، ص ۵۵۵ .

۲-۲. خزاز ، کفایه الأثر ، ص ۸۷ .

۳-۳. همان ، ص ۲۴۶ .

۴-۴. ر . ک : سید هاشم بحرانی ، تفسیر البرهان ، ج ۸ ، ص ۵۴۶ _ ۵۵۶ .

۳. « وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ »؛ (۱)

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبر در موضوعی فرمان دادند _ در برابر فرمان خدا و پیامبر _ از خود حق گزینش داشته باشند .

امام رضا علیه السلام در ضمن خطبه ی بسیار مفصلی که در نخستین روزهای ورودش به مرو ایراد فرموده ، با این آیه ی شریفه به انتصابی بودن امام استشهاد نموده ، می فرماید :

يَخْتَارُ اللَّهُ الْأِمَامَ وَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَخْتَارُوا؛ (۲)

امام را خداوند برمی گزیند ، آنها حق گزینش ندارند .

روزی خلیفه ی دوم در ضمن یک گفتگوی طولانی به ابن عباس گفت :

قریش نمی خواست که نبوت و خلافت در خاندان شما جمع شود ، از این رهگذر رایزنی کردند و خلیفه ی خود را برگزیدند و انتخاب درستی نمودند .

ابن عباس گفت : آیا در امان هستم ؟ خلیفه گفت : آری ، هر چه می خواهی بازگویی .

ابن عباس گفت : این که گفتمی : « قریش نمی خواست » خداوند می فرماید :

« ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ »؛ (۳)

ص: ۳۶

۱-۱ . سوره احزاب (۳۳) ، آیه ۳۶ .

۲-۲ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۸ _ ۲۰۵ ؛ علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۱۴۳ .

۳-۳ . سوره محمّد (۴۷) ، آیه ۹ .

این بدان جهت است که آنها دوست نداشتند آنچه را که خداوند برای ایشان نازل کرده بود ، پس اعمالشان را حبط و نابود کرد .

و اما این که گفتی : « قریش ریزنی کرد و برگزید » ، خداوند می فرماید :

« وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ »؛ (۱)

پروردگارت آنچه را بخواهد می آفریند و هر چه را بخواهد برمی گزیند . آنها حق گزینش ندارند .

تو خود آگاهی که خداوند از میان بندگانش کسی را که می خواست برگزید ، پس اگر قریش برگزیده ی خدای را برمی گزیدند ، در آن صورت انتخاب درستی بود . (۲)

این گفتگو بسیار طولانی است ، علاقمندان به متن کامل آن مراجعه کنند . (۳)

آیه ی بعدی راز این حقیقت را برملا کرده می فرماید :

« وَ رَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَ مَا يُعْلِنُونَ »؛ (۴)

پروردگار تو می داند آنچه را که در سینه های خود مخفی داشته و آنچه را که ابراز می دارند .

این دو آیه (۵) به صراحت و شفافیت کامل اعلام می کند حق گزینش منحصرأ از آن

ص: ۳۷

۱-۱ . سوره قصص (۲۸) ، آیه ۶۸ .

۲-۲ . عبدالفتاح عبدالمقصود ، الامام علی بن ابی طالب ، ج ۱ ، ص ۲۲۰ .

۳-۳ . همان ، ص ۲۱۷ _ ۲۲۱ .

۴-۴ . سوره قصص (۲۸) ، آیه ۶۹ .

۵-۵ . یعنی : آیه ۶۸ قصص و ۳۶ احزاب .

خداست ، جز او احدی حق گزینش ندارد ، زیرا تنها او از اعماق دل مردمان و فرجام کار آنان خیر دارد .

۴ . « وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا »؛ (۱)

آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند .

قرآن کریم در آیه ی دیگری در همین رابطه می فرماید :

« وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ »؛ (۲)

آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند ، زیرا شکیبایی پیشه کردند و به آیات ما باور داشتند .

علامه ی طباطبایی از مقرون گشتن هدایت در آیات مربوطه به امام به این نتیجه رسیده که در قرآن کریم همه جا امامت مقرون به هدایت و مقید به « بِأَمْرِنَا » می باشد ، یعنی : امام هادی امت است ، لکن به فرمان خدا ، نه به فرمان مردم . آنگاه به تفصیل در مورد فرمان خدا سخن گفته است . (۳)

*

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید :

از آنها پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند ، نه به فرمان مردم . آنها فرمان خدا را بر فرمان مردم مقدم می دارند و حکم خدا را بر حکم آنها

ص: ۳۸

۱-۱ . سوره انبیاء (۲۱) ، آیه ۷۳ .

۲-۲ . سوره سجده (۳۲) ، آیه ۲۴ .

۳-۳ . علامه طباطبایی ، المیزان ، ج ۱ ، ص ۲۷۲ .

مقدم می دارند. (۱)

و در حدیث دیگری فرمود :

این آیه منحصرأً درباره اولاد فاطمه علیهاالسلام نازل شده است. (۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه از پدر بزرگوارشان روایت کرده اند که فرمود :

منظور امامان از تبار حضرت فاطمه می باشند ، که خداوند به وسیله ی روح _ بزرگترین فرشته _ به سینه های آنها وحی می کند. (۳)

زید شهید در یک حدیث طولانی از جابر بن عبداللّه انصاری نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ایشان فرموده بود :

چون پسر محمد (باقر) را درک کردی ، سلام مرا به او برسان ، او همان من و شبیه ترین مردمان به من می باشد . دانش او دانش من و داوری او داوری من است .

هفت امام معصوم از نسل او پدید آیند ، که آنها امین ، معصوم ، امام و نیکوکار می باشند .

هفتمین آنها مهدی آنهاست که زمین را پر از عدل و داد کند ، آنگونه که پر از جور و ستم شده باشد .

ص: ۳۹

۱-۱ . علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۱۷۰ .

۲-۲ . فرات بن ابراهیم کوفی ، تفسیر فرات ، ج ۱ ، ص ۳۲۹ ؛ حاکم حسکانی ، شواهد التنزیل ، ج ۱ ، ص ۵۸۳ .

۳-۳ . بحرانی ، البرهان ، ج ۶ ، ص ۴۸۸ .

آنگاه آیه ی شریفه را تلاوت نمود. (۱)

*

۵. «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»؛ (۲)

به یاد آورید روزی را که هر گروهی از مردمان را با امامشان می خوانیم .

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

إِمَامُهُمُ الَّذِي بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ وَهُوَ قَائِمُ أَهْلِ زَمَانِهِ؛ (۳)

هر کسی با امامی خوانده می شود که در عهد او می زیسته ، که او قائم اهل آن زمان می باشد .

امام باقر علیه السلام در این رابطه فرمود :

پیامبر اکرم با قوم خود ، امیرمؤمنان با قوم خود ، امام حسن با قوم خود ، امام حسین با قوم خود می آیند و هر کسی در زمان

هر امامی در گذشته با او می آید . (۴)

هنگامی که این آیه نازل شد ، اصحاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرضه داشتند :

یا رسول الله ! مگر شما امام همه ی مسلمانان نیستید ؟ فرمود :

من رسول خدا هستم بر همه ی مسلمانان ، لکن پس از من امامانی از اهلیت من از سوی خدا خواهند بود که در میان مردم به

امر امامت قیام کنند ، مورد

ص: ۴۰

۱-۱ . خزاز ، کفایه الأثر ، ص ۲۹۸ .

۲-۲ . سوره اسراء (۱۷) ، آیه ۷۱ .

۳-۳ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۵۳۶ .

۴-۴ و ۴ . عیاشی ، التفسیر ، ج ۳ ، ص ۶۳ .

ایذاء و تکذیب قرار می گیرند . هر کس از آنها پیروی کند از من است ، با من است و مرا دیدار می کند .

آگاه باشید که هر کس به آنها ستم کند ، یا بر ستم آنها اعانت کند ، یا آنها را تکذیب نماید ، از من نیست ، با من نیست و مرا دیدار نخواهد کرد . ۴

امام رضا علیه السلام از طریق پدران بزرگوار خود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که در تفسیر این آیه فرمود :

يُدْعَى كُلُّ أُنَاسٍ بِإِمَامِ زَمَانِهِمْ وَكِتَابِ رَبِّهِمْ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ؛ (۱)

هر گروهی با امام زمان خود ، با کتاب پروردگار خود و با سنت پیامبر خود فراخوانده می شوند .

سیوطی و آلوسی در ذیل این آیه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود :

يُدْعَى كُلُّ قَوْمٍ بِإِمَامِ زَمَانِهِمْ؛ (۲)

هر قومی با امام زمان خود خوانده می شوند .

عین همین تعبیر در منابع شیعه نیز از طریق اهل بیت علیهم السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است . (۳)

از محضر سالار شهیدان امام حسین علیه السلام پرسیدند : معنای « شناخت خدا » چیست ؟ امام حسین علیه السلام فرمود :

ص: ۴۱

۱-۱ . ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابی طالب ، ج ۳ ، ص ۸۰ .

۲-۲ . سیوطی ، الدر المنثور ، ج ۴ ، ص ۱۹۴ ؛ آلوسی ، روح المعانی ، ج ۱۵ ، ص ۱۱۲ .

۳-۳ . شیخ صدوق ، عیون الاخبار ، ج ۲ ، ص ۳۲ ، ح ۶۱ ؛ مشهدی ، کنز الدقایق ، ج ۷ ، ص ۴۵۵ .

مَعْرِفَةَ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛^(۱)

شناخت خدا عبارت است از شناخت اهل هر زمانی امامی را که اطاعتش بر آنها واجب است .

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می فرماید :

با توجه به فراگیر بودن عنوان « کُلُّ أُنَاسٍ » که همه ی انسانها را در طول قرون و اعصار شامل می شود ، آیه ی شریفه دلالت می کند که باید هیچ زمانی از امام حق خالی نباشد .^(۲)

مفسر کبیر قرآن کریم در عصر حاضر از بررسی همه ی آیات مربوط به امامت در قرآن کریم به این نتیجه رسیده است که :

۱ . امام باید منصوب و منصوب از طرف خداوند باشد .

۲ . امام باید معصوم به عصمت الهی باشد .

۳ . تا یک انسان در روی زمین هست ، باید روی زمین خالی از امام حق نباشد .

۴ . امام باید مؤید به تأییدات الهی باشد .

۵ . باید اعمال مردم از امام پوشیده نباشد .

۶ . امام باید بر همه ی آنچه مورد نیاز مردم در امور دین و دنیا است ، عالم باشد .

۷ . هرگز امکان ندارد که در میان مردم کسی پیدا شود که در فضایل نفسانی از او برتر باشد .

سپس می فرماید : این ها هفت مسأله از امتهات مسائل امامت است که از بررسی آیات مربوط به امامت در قرآن کریم به دست می آید .^(۳)

ص : ۴۲

۱- ۱ . شیخ صدوق ، علل الشرایع ، ص ۹ ؛ کراچکی ، کنزالفوائد ، ج ۱ ، ص ۳۲۸ .

۲- ۲ . علامه طباطبائی ، المیزان ، ج ۱ ، ص ۲۷۳ .

۳- ۳ . همان ، ص ۲۷۲ _ ۲۷۵ .

آنگاه در پرتو آیات قرآن و تعمق در معانی آن به این نتیجه می‌رسد که هدایت امامان با هدایت پیامبران متفاوت است :

۱. هدایتی که برعهده ی پیامبران بوده ، از نوع « اِرَائَهُ الطَّرِيقَ » بود .

۲. هدایتی که برعهده ی امامان هست ، از نوع « اِيصَالٌ بِمَطْلُوبٍ » می‌باشد. (۱)

* * *

ص: ۴۳

۱-۱. همو، ج ۱۴، ص ۳۰۴.

در محیط زیست ما نورهای فراوانی هستند که همه روزه با آنها سر و کار داریم، همانند نور شمع، چراغ، مشعل، ماه، اختران و خورشید فروزان، که همواره محیط زندگی ما را روشن نگه داشته، تیرگی‌ها را کنار زده، دیدگان ما را نوازش داده، دل‌هایمان را صفا بخشیده، ارتباط ما را با آنچه در پیرامون ما هست ممکن ساخته‌اند.

آیا تا به حال در مورد انواری فرا تر از نور خورشید، مفیدتر از نور خورشید و سریع تر از سرعت نور اندیشیده‌اید؟

در این بخش از کتب، در پرتو انوار درخشان آیات قرآن، از انواری سخن می‌گوییم که فرا تر از نور خورشید می‌باشند:

۱. خدا

خداوند منان در قرآن کریم خود را «نور» نامیده می‌فرماید:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ [\(۱\)](#)

خدای نور آسمانها و زمین است.

راغب گوید: خدای را از این جهت «نور» می‌نامند که او «منور» است، یعنی: نوربخش و نورانی کننده، که از باب مبالغه در فعل تنویر خود را «نور» نامیده است. [\(۲\)](#)

علامه ی طبرسی گوید: سه معنا برای این آیه گفته شده:

۱. هدایتگر آسمانها و زمین است به آنچه مصلحت آنهاست.

۲. نوربخش آسمانها و زمین است به وسیله ی خورشید، ماه و ستارگان.

۳. زینت بخش آسمانهاست با فرشتگان و زینت بخش زمین است، پیامبران و دانشوران. [\(۳\)](#)

ص: ۴۵

۱-۱. سوره نور (۲۴)، آیه ۳۵.

۲-۲. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۵۰۸.

۳-۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۲۴.

امام رضا علیه السلام در تفسیر این فراز از آیه فرمود :

هَادٍ لِأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَهَادٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ؛^(۱)

خدا هدایتگر اهل آسمانها و هدایتگر اهل زمین است .

*

۲. قرآن

در برخی از آیات قرآن ، از آن نور تعبیر شده ، از جمله :

« وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ »؛^(۲)

و پیروی می کنند از نوری که با او نازل شده است .

بسیاری از مفسران نور را در این آیه به قرآن تفسیر کرده اند و در نقلی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز روایت شده

است.^(۳)

*

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله

در شماری از آیات قرآن از رسول عالمیان نور تعبیر شده ، از جمله :

« قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ »؛^(۴)

برای شما از سوی خداوند نور و کتابی بیانگر آمده است .

که منظور از نور رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، امیرمؤمنان و امامان علیهم السلام می باشند.^(۵)

*

ص: ۴۶

۱-۱. کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۸۹ ؛ شیخ صدوق ، التوحید ، ص ۱۵۵ ؛ همو ، معانی الأخبار ، ص ۱۵ .

۲-۲. سوره اعراف (۷) ، آیه ۱۵۷ .

۳-۳. طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۴ ، ص ۷۵۰ .

٤-٤ . سورة مائده (٥) ، آيه ١٥ .

٥-٥ . علي بن ابراهيم ، تفسير القمي ، ج ١ ، ص ١٦٤ .

در بسیاری از آیات قرآن از امیر مؤمنان علیه السلام نور تعبیر شده است ، از جمله :

۱. « وَ لَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا »؛ (۱)

لکن ما او را نوری قرار دادیم که به وسیله ی او هر کسی از بندگان خود را بخواهیم هدایت می کنیم .

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود : منظور از نور در این آیه علی علیه السلام است . (۲)

و در حدیث دیگری فرمود : منظور از نور علی بن ابی طالب علیه السلام است . (۳)

۲. « أَمْ مَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ »؛ (۴)

آیا آن کسی که خداوند سینه اش را برای اسلام گشوده است ، پس او بر نوری از پروردگار خود می باشد .

واحدی گفته این آیه در حق حمزه سیدالشهداء و علی علیه السلام نازل شده است . (۵)

۳. « يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا »؛ (۶)

هان ای مردم برای شما برهانی از سوی پروردگارتان آمده و به سوی شما نوری آشکار فرستادیم .

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

منظور از برهان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و منظور از نور علی علیه السلام است . (۷)

*

ص: ۴۷

۱-۱. سوره شوری (۴۲) ، آیه ۵۲ .

۲-۲. علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۲۷۹ .

۳-۳. شرف الدین ، تأویل الآیات ، ج ۲ ، ص ۵۵۱ .

۴-۴. سوره زمر (۳۹) ، آیه ۲۲ .

۵-۵. واحدی ، اسباب النزول ، ص ۲۴۸ ؛ ابن شهر آشوب ، مناقب علی بن ابی طالب ، ج ۳ ، ص ۸۰ .

۶-۶. سوره نساء (۴) ، آیه ۱۷۴ .

۷-۷. عیاشی ، التفسیر ، ج ۱ ، ص ۲۸۵ .

۵. ولایت علی علیه السلام

در شماری از آیات قرآن از ولایت امیرمؤمنان و دیگر امامان علیهم السلام نور تعبیر شده ، که از آن جمله است :

۱. « لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ »؛ (۱)

تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد .

امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر این آیه فرمودند :

یعنی شما را از کفر به ایمان ، یعنی به سوی ولایت علی علیه السلام بیرون آورد . (۲)

۲. « يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ »؛ (۳)

می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند .

از امام کاظم علیه السلام پرسیدند : منظور از نور خدا چیست ؟ فرمود :

ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد . (۴)

۳. « يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ »؛ (۵)

خداوند هر کس را بخواهد به سوی نور خود هدایت می کند .

امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

خداوند هر کس را بخواهد به ولایت ما هدایت می کند . (۶)

ص: ۴۸

۱-۱ . سوره حدید (۵۷) ، آیه ۹ .

۲-۲ . سید هاشم بحرانی ، تفسیر البرهان ، ج ۹ ، ص ۳۸۰ .

۳-۳ . سوره صف (۶۱) ، آیه ۸ .

۴-۴ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۵۸ .

۵-۵ . سوره نور (۲۴) ، آیه ۳۵ .

۶-۶ . بحرانی ، البراهان ، ج ۷ ، ص ۸۷ .

امام رضا علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرمود :

خداوند هر کس را دوست بدارد به ولایت ما هدایت کند. (۱).

ابن مغزلی نیز با اسناد خود از امام کاظم علیه السلام روایت کرده که فرمود :

خداوند هر کس را بخواهد به ولایت ما هدایت می کند. (۲).

*

۶. امامان علیهم السلام

در آیات فراوان از امامان معصوم علیهم السلام نور تعبیر شده ، از جمله :

۱. « نُورٌ عَلَى نُوْرٍ »؛ (۳)

نوری بر فراز نور .

امام صادق علیه السلام در تفسیر این فراز از آیه ی نور فرمود :

یعنی : امام به دنبال امامی دیگر. (۴).

امام باقر علیه السلام در همین رابطه فرمود :

یعنی : اماماً مُؤَيِّداً بِنُوْرِ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ فِي أَثَرِ إِمَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ (۵)

یعنی : امامی تأیید شده با نور دانش و فضیلت ، به دنبال امام دیگری از

ص : ۴۹

۱-۱ . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۷ ، ص ۲۲۶ .

۲-۲ . ابن مغزلی ، مناقب علی بن ابی طالب ، ص ۳۱۶ ، ح ۳۶۱ .

۳-۳ . سوره نور (۲۴) ، آیه ۳۵ .

۴-۴ . شیخ صدوق ، التوحید ، ص ۱۵۷ .

۵-۵ . همان ، ص ۱۵۸ .

آل محمد عليهم السلام .

حافظ ابن مغازلی از امام کاظم علیه السلام روایت کرده که در این رابطه فرمود :

یعنی : امامی پشت سر امامی دیگر . (۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آن فرمود :

یعنی : امامی پشت سر امامی دیگر از تبار فاطمه علیها السلام . (۲)

۲ . « وَ يَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ » ؛ (۳)

برای شما نوری قرار می دهد که در پرتو آن حرکت کنید .

امام صادق علیه السلام در تفسیر آن فرمود :

منظور از نور امامی است که از او پیروی کنید . (۴)

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرمود :

برای شما امامی قرار می دهد که از او پیروی نمایید . (۵)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه مصداق را مشخص کرده فرمود :

ص : ۵۰

۱-۱ . ابن مغازلی ، مناقب علی بن ابی طالب ، ص ۳۱۷ ، ح ۳۶۱ .

۲-۲ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۵ .

۳-۳ . سوره حدید (۵۷) ، آیه ۲۸ .

۴-۴ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۴ و ۴۳۰ ، ح ۸۶ .

۵-۵ . شرف الدین ، تأویل الآیات ، ج ۲ ، ص ۶۶۸ .

منظور از نور در این آیه علی علیه السلام است. (۱)

امام باقر علیه السلام با بیان شفاف تر فرمود :

یعنی : برای شما امام عادل قرار می دهد که از او پیروی کنید و آن علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد. (۲)

۳. « وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ »؛ (۳)

برای او نوری قرار دادیم که در پرتو آن در میان مردم گام بسپارد .

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه نیز فرمود :

منظور از نور امامی است که از او پیروی کنند. (۴)

۴. « فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا »؛ (۵)

به خدا ، پیامبر خدا و نوری که فرو فرستادیم ایمان بیاورید .

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه خطاب به ابوخالد کابلی فرمود :

ای اباخالد ، سوگند به خدا نور همان امامان از آل محمد علیهم السلام هستند تا روز رستاخیز ، به خدا سوگند آنها همان نور خداوند هستند که فرو فرستاده ، به خدا سوگند آنها نور خدا هستند در آسمانها و زمین. (۶)

ص : ۵۱

۱-۱ . همان ، ص ۶۶۹ .

۲-۲ . بحرانی ، البرهان ، ج ۹ ، ص ۴۱۵ .

۳-۳ . سوره انعام (۶) ، آیه ۱۲۲ .

۴-۴ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۸۵ ؛ عیاشی ، التفسیر ، ج ۱ ، ص ۳۷۵ ، ح ۸۹ .

۵-۵ . سوره تغابن (۶۴) ، آیه ۸ .

۶-۶ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۴ .

۷. حضرت مهدی علیه السلام

در آیات فراوان از جان جانان ، حجت یزدان ، ماه تابان ، خورشید فروزان ، کعبه ی مشتاقان ، امام عصر و زمان ، حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفداء ، به نور تعبیر شده ، که از آن جمله است :

۱. « يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ »؛ (۱)

خداوند هر کس را بخواهد به نور خودش هدایت می کند .

جابر بن عبدالله انصاری تفسیر کامل آیه ی نور را از مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده ، امیرمؤمنان در این تفسیر ، « مشکات » را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، « مصباح » را به خویشان ، هر فراز دیگری را به یکی از امامان نور تطبیق نموده ، سرانجام فراز « يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ » را به آن حضرت تطبیق نموده فرمود :

منظور از آن مهدی قائم علیه السلام می باشد. (۲)

۲. « الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ »؛ (۳)

آن بلور همانند ستاره ی فروزانی است که از درختی فرخنده برافروخته می شود .

امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی پاسخ های مولای متقیان علیه السلام را از چند پرسش تفسیری نقل کرده ، در تفسیر فراز بالا از آیه ی نور فرمودند :

منظور از « زُجَاجَةُ » (بلور) فاطمه ی زهرا و منظور از « شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ » رسول اکرم صلی الله علیه و آله و منظور از « كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ » همان قائم منتظر است که زمین را پر از عدل

ص: ۵۲

۱-۱. سوره نور (۲۴) ، آیه ۳۵ .

۲-۲. سید هاشم بحرانی ، البرهان ، ج ۷ ، ص ۸۸ ؛ همو ، المحجّه ، ص ۱۴۷ ؛ همو ، اللوامع القرآنیّه ، ص ۲۴۷ .

۳-۳. سوره نور (۲۴) ، آیه ۳۵ .

و داد می نماید. (۱)

۳. « وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ »؛ (۲)

خدا نور خود را به اتمام خواهد رسانید .

امام کاظم علیه السلام در تفسیر این فراز از آیه فرمود :

خداوند با ولایت قائم علیه السلام نور خود را به اتمام می رساند. (۳)

۴. « فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا »؛ (۴)

به خدا ، پیامبر خدا و نوری که فرو فرستادیم ایمان بیاورید .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن خطبه ی غدیر خم مضمون این آیه شریفه را تلاوت کردند ، سپس فرمودند :

مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّورُ مِنَ اللَّهِ فَيَسْئَلُوكَ تَمَّ فِي عَلِيٍّ ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَلْنَا
(۵)؛

هان ای مردمان ، این نور در من قرار گرفته ، سپس در علی ، سپس در نسل او تا قائم مهدی ، که حق خدا و همه ی حقوق ما را می گیرد .

آنگاه به تفصیل ویژگیهای حضرت مهدی علیه السلام را برشمرده ، در پایان می فرماید :

ص: ۵۳

۱-۱ . نعمانی ، رساله محکم و متشابه ، ص ۴ .

۲-۲ . سوره صف (۶۱) ، آیه ۸ .

۳-۳ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۴۳۲ ، ح ۹۱ .

۴-۴ . سوره تغابن (۶۴) ، آیه ۸ .

۵-۵ . طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۱ ، ص ۶۱ .

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّهٌ وَلَا حُجَّهَ بَعْدَهُ ، وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ ، وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ ، أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ؛ (۱)

آگاه باشید که او بازمانده ی حجت ها می باشد ، پس از او حجتی نیست ، حق تنها با اوست ، نور تنها در نزد اوست ، هرگز احدی به او غالب نمی شود و کسی بر او چیره نمی گردد .

۵ . « وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا »؛ (۲)

زمین با نور پروردگارش روشن گردد .

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

رَبُّ الْأَرْضِ يَعْنِي إِمَامَ الْأَرْضِ ؛

منظور از « رَبُّ الْأَرْضِ » ، امام زمین است .

مفضل پرسید : هنگامی که او خروج کند چه اتفاقی رخ می دهد ؟ فرمود :

إِذْ نَ يَسْتَعْنِي النَّاسُ عَن ضَوْءِ الشَّمْسِ وَنُورِ الْقَمَرِ ، وَيَجْتَرُونَ بِنُورِ الْإِمَامِ؛ (۳)

در آن هنگام مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند و به نور امام علیه السلام بسنده می کنند .

و در حدیث دیگر با بیان روشن تر فرمود :

ص : ۵۴

۱-۱ . همان ، ص ۶۴ .

۲-۲ . سوره زمر (۳۹) ، آیه ۶۹ .

۳-۳ . علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۲۵۳ .

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَغْنَى النَّاسُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ؛ (۱)

چون قائم ما قیام نماید، زمین با نور صاحبش روشن گردد و مردم از نور خورشید بی نیاز شوند و تاریکی از بین برود.

در برخی نقلها این فراز نیز آمده است که :

وَصَارَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَاحِدًا؛ (۲)

شب و روز یکی شود.

جالب توجه است که این مضمون در کتب آسمانی نیز آمده است، به عنوان نمونه دو فراز از انجیل را در اینجا می آوریم :

شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد، زیرا که جلال خدا آن را منور می سازد. (۳)

دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب ندارند، زیرا که خداوند خدا برایشان روشنایی می بخشد. (۴)

این بود نمی ازیم، قطره ای از دریا و اندکی از بسیار ویژگیهای امامان نور در آیات نورانی قرآن کریم، که تحت عنوان « فراتر از خورشید » تقدیم گردید.

ص: ۵۵

۱-۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۱؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۳.

۲-۲. طبری، دلائل الامامه، ص ۴۵۴ و ۴۸۶.

۳-۳. کتاب مقدس، عهد جدید، مکاشفه یوحنا، ۲۱: ۲۴.

۴-۴. همان، ۲۳: ۵.

این بخش را با حدیثی از امام باقر علیه السلام در همین رابطه حُسن ختام می بخشیم :

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ی هشتم از سوره تغابن خطاب به ابوخالد کابلی فرمود :

وَاللّٰهُ يَا اَبَا خَالِدٍ : لِنُورِ الْاِمَامِ فِي قُلُوْبِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْوَرُ مِنْ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ ؛

وَهُمْ وَاللّٰهُ يُنَوِّرُوْنَ قُلُوْبَ الْمُؤْمِنِيْنَ ، وَيَحْجُبُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ نُورَهُمْ عَمَّنْ يَشَاءُ فَتُظْلَمُ قُلُوْبُهُمْ ؛ (۱)

به خدا سوگند ای اباخالد ، نور امام در دل‌های مؤمنان از نور خورشید فروزان در وسط روز پرنورتر است .

به خدا سوگند امامان دل‌های مؤمنان را منور می سازند ، لکن نور آنها را از هر کس بخواهد در حجاب قرار می دهد ، پس دل‌های آنها تاریک می گردد .

ص: ۵۶

نور و ظلمت دو واژه ی متقابل هستند ، و هر دو بر دو قسم هستند :

۱ . محسوس

۲ . غیر محسوس

خداوند منان از روی حکمت بالغه و رحمت واسعه اش برای زدودن ظلمتهای مادی ، انوار مادی و برای زدودن ظلمتهای معنوی ، انوار معنوی قرار داده است .

خداوند برای زدودن تاریکی های محسوس ، خورشید ، ماه ، ستارگان ، چراغ ، شمع ، انواع پرتو افکن های نفتی ، گازی ، برقی و غیره در اختیار انسانها قرار داده است .

این خورشید جهان افروز میلیونها سال است که با نور خود به کرات منظومه نور و حرارت داده ، با خاصیت میکروب زدایی خود محیط زیست را قابل زیست نموده ، با خاصیت پرورش خود گیاهان و جانداران را پرورش داده است .

ماه و ستارگان در غیاب خورشید نقش او را در سطحی فروتر انجام داده اند ، ولی هرگز خورشید ، ماه ، ستارگان و دیگر ابزار پرتوافکن و انرژی زا نمی توانند تاریکی دلها را بزدايند و از انوار درخشان خود بر دلهاي تاریک بتابانند و تاریکی جهل ، حرص ، شقاوت و ... را از آن ها بزدايند .

برای زدودن تاریکی های معنوی انوار معنوی لازم است ، که با تابش آنها بر دلهاي تاریک ، هر گونه تاریکی را از آنها بزدايند و با انوار الهی آنها را روشن و منور بنمایند .

در بخش پیشین با جلوه هایی از نور امام آشنا شدیم و دانستیم که نور امام از نور خورشید فراتر و پرفروغتر است .

برای زدودن تاریکی های معنوی خداوند نور امام را با قدرت و وسعت بسیار والایی قرار داده ، که بر هر دلی بتابد زوایای تاریک آن را منور می سازد و او را از تاریکی بیرون آورد به ساحل نجات ، سعادت ، رحمت و نور می رساند .

نور امام برافروخته از نور خدا و نور رسول خدا است ، از این رهگذر این عمل امام را قرآن کریم ، گاهی به خدا ، گاهی به رسول خدا و گاهی به امامان نور

۱. « اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ »؛ (۱)

خدا ولی کسانی است که ایمان آورده اند ، آنها را از تاریکی ها به سوی نور بیرون می برد .

ظلمات در این آیه بی گمان ظلمتهای معنوی ، از قبیل گناه ، جهل و پیروی خلفای جور می باشد و نور در مقابل عبارت از توبه ، ایمان و پیروی از اولیای الهی است ، چنانکه امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

از ظلمت های گناه به سوی نور توبه و مغفرت به وسیله ی پیروی از امام عادل انتخاب شده از سوی خدا بیرون می برد . (۲)

۲. « كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ »؛ (۳)

این کتابی است که آن را به سوی تو فرفرستادیم تا مردمان را از تاریکی ها به سوی نور بیرون ببری .

در این آیه نیز منظور از تاریکی ها ، تاریکی های معنوی می باشد .

۳. « أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا »؛ (۴)

آیا کسی که مرده است ، پس او را زنده کردیم و برای او نوری قرار دادیم که به وسیله ی آن در میان مردم گام می سپارد ، آیا او همانند کسی است که در میان تاریکی ها باشد و از آن بیرون شدنی نباشد ؟ !

در آیه ی نخستین از بیرون آمدن انسانها از تاریکی های معنوی به وسیله ی خدا ، در آیه ی دوم به وسیله ی پیامبر اکرم و در آیه ی سوم به وسیله ی امامان گفتگو شده است .

در آیات فراوان تأکید شده که هدایت نور و ضلالت ظلمات است ، هدایت زندگی

۱-۱ . سوره بقره (۲) ، آیه ۲۵۷ .

۲-۲ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۷۵ .

۳-۳ . سوره ابراهیم (۱۴) ، آیه ۱ .

۴-۴ . سوره انعام (۶) ، آیه ۱۲۲ .

و ضلالت مرگ است ، از این رهگذر معلوم می شود که مهم ترین نقش امامان نور ، زنده کردن دل‌های مرده و بیرون آوردن آنها از تاریکی ها به سوی نور ایمان می باشد .

از تقابل نور و ظلمات در این آیات استفاده می شود که امام عادل مشعل هدایت و خلفای جور کانون ظلمات هستند ، چنانکه در احادیث فراوان به این حقیقت اشاره شده است :

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود :

« مَیْت » یعنی کسی که چیزی نمی داند ، « نُور » یعنی امامی که از او پیروی کنند ، « ظُلُمَات » یعنی کسی که امام را نشناسد [\(۱\)](#).

و در حدیث دیگری فرمود :

مَیْت ؛ کسی که امامت را نمی داند ، نُور ؛ امامی که از او پیروی کنند ، که علی بن ابی طالب است و ظُلُمَات ؛ این مردمانی که چیزی نمی داند [\(۲\)](#).

و در تفسیر قمی آمده است :

مَیْت ؛ جاهل به حق و ولایت ، نُور ؛ ولایت و ظُلُمَات ؛ ولایت غیر امامان می باشد [\(۳\)](#).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام گفتگو از خلقت نوری امامان فرمود :

خداوند بعد از من و بعد از علی ، یازده تن امام برگزید ، یکی پس از دیگری ،

ص : ۶۰

۱-۱ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۸۵ .

۲-۲ . عیاشی ، التفسیر ، ج ۱ ، ص ۳۷۶ .

۳-۳ . علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۱ ، ص ۲۱۵ .

هر کدام در گذرد دیگری جای او برخیزد ، همانند ستارگان آسمان ، که هر ستاره ای غروب کند ، ستاره ای دیگر طلوع می کند ، که هدایتگران هدایت یافته هستند ، هر کس به آنها حمله کند ، یا آنها را خوار سازد ، به آنها صدمه نمی زند ، آنها حجت خدا در روی زمین و گواهان خدا در میان بندگان خدا هستند ، هر کس از آنها اطاعت کند ، از خدا اطاعت کرده و هر کس آنها را نافرمانی کند ، خدا را نافرمانی کرده ، آنها همواره با قرآن و قرآن با آنهاست ، از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۱)

همه ی انوار حسی و ظاهری محیط ظاهری و مادی را روشن می سازند ولی انوار درخشان الهی هم محیط زندگی معنوی انسان را در این سرای روشن می سازند ، هم در آن سرای ، پیشوایان نور هم در این جهان راهبر و راهنما هستند و دلهای مستعد را از نور ایمان آکنده می سازند ، هم در سرای آخرت پیشوا و پشتیبان هستند و اهل ایمان را تا مراتب والای رحمت الهی رهنمون می شوند :

« يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ »؛(۲)

روزی که مردان و زنان با ایمان را می بینی که نورشان در پیشاپیش آنها و از سوی راست آنها پیش می تازد .

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

امامان نور روز رستاخیز پیشاپیش مؤمنان و از سوی راست آنان پیش می تازند تا آنها را به جایگاه خود در بهشت برسانند (۳).

ص: ۶۱

۱-۱ . سید هاشم بحرانی ، البرهان ، ج ۹ ، ص ۴۹۷ .

۲-۲ . سوره حدید (۵۷) ، آیه ۱۲ .

۳-۳ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۵ .

انوار درخشان الهی همانند انوار حسی جهان طبیعت است ، اگر کسی نخواهد از نور خورشید استفاده کند ، بین خود و نور خورشید عایق ایجاد کند ، از نور خورشید محروم خواهد بود ، شرط استفاده از انوار الهی نیز پیروی از نور الهی است ، چنانکه در شماری از آیات قرآن این معنی به صراحت آمده است ، از جمله :

« وَ اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ »؛ (۱)

و پیروی کردند از نوری که با او نازل شده است .

پس اگر کسی از این نور پیروی نکند و از تابش نور الهی بر دلش جلوگیری نماید ، از آثار حیاتبخش آن محروم خواهد بود ، و لذا می بینیم که قرآن کریم در مورد هدایتگری خود می فرماید :

« ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ »؛ (۲)

این کتاب که شکی در آن نیست ، هدایت است برای پارسایان .

قرآن برای همه ی انسانها هدایتگر است ، ولی تنها تقوا پیشگان از هدایت آن سود می برند .

امام نیز خورشید فروزانی است که هر لحظه نورافشانی می کند ، ولی تنها کسانی از این انوار بیکران بهره می برند که از آنها پیروی کنند و بین خود و این انوار درخشان با گناهان سدّ ایجاد نکنند .

قرآن کریم شرط استفاده از انوار الهی را ایمان و عمل صالح معرفی کرده می فرماید :

« رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ »؛ (۳)

ص: ۶۲

۱-۱ . سوره اعراف (۷) ، آیه ۱۵۷ .

۲-۲ . سوره بقره (۲) ، آیه ۲ .

۳-۳ . سوره طلاق (۶۵) ، آیه ۱۱ .

پیامبری آیه های روشنگر خداوند را برای شما تلاوت می کند ، تا کسانی را که ایمان آورده عمل صالح انجام دهند ، از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد .

روی این اساس شرط استفاده از نور الهی ایمان و عمل صالح است ، اگر ایمان و عمل نباشد ، انسان از این نور محروم می شود .

اگر مردم نخواهند از نور امام استفاده کنند ، امام در پشت پرده ی غیبت قرار می گیرد و همگان از ارتباط مستقیم _ دو سویه _ محروم می شوند .

وجود مقدس امام عصر علیه السلام به علی بن مهزیار فرمود :

يَا بْنَ الْمَازِيَارِ ، أَبِي : أَبُو مُحَمَّدٍ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ أَجَاوِرَ قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛ (۱)

ای پسر مهزیار ، پدرم ابو محمد (امام حسن عسکری علیه السلام) با من پیمان بسته که با قومی که خداوند به آنها غضب کرده مجاورت نکنم .

امیرمؤمنان علیه السلام در بیان شفافی راز این محرومیت را توضیح می دهد :

وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ لِّلَّهِ عَزَّوَجَلَّ ، وَلَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْمِي خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَجَوْرِهِمْ وَإِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ؛ (۲)

بدانید که زمین هرگز خالی از حجت خدای عزوجل نمی شود ، لکن خداوند آفریده هایش را به جهت جور ، ستم و اسرافشان بر خودشان ، _ از دیدار حجت خدا _ نابینا می سازد .

ص: ۶۳

۱- ۱ . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۱۲ .

۲- ۲ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۱۴۱ .

* * *

ص: ٦٤

« مَهْدَوِيَّت » منسوب به « مَهْدِي » است .

« مَهْدِي » اسم مفعول از واژه « هَدَى » است .

واژه « هَدَى » مطابق گفته اهل لغت دو اصل دارد .

ابن فارس پیشتر از واژه شناسان ریشه یاب در این رابطه می گوید :

لَهُ أَصْلَانِ :

۱ . اَلتَّقَدُّمُ لِلْإِزْشَادِ ؛

۲ . بَعَثَهُ لَطْفًا .

برای واژه « هَدَى » دو ریشه هست :

۱ . جلو افتادن و پیشی جستن به جهت راهنمایی

۲ . هدیه و پیشکش فرستادن .(۱)

آنگاه برای توضیح بیشتر می فرماید :

هَدَيْتُهُ الطَّرِيقَ ؛ یعنی : از او پیشی جستم تا راه را به او نشان دهم ، و هر کس به این منظور جلو بیفتد ، به او : « هادی » می گویند .

« الهُدَى » خلاف « الضَّلَالَةُ » ؛ یعنی : هدایت ، که معنای مقابل ضلالت است . نیز از همان معنی نشأت گرفته است .

به سر و گردن حیوان « هادی » گویند ، زیرا از حیوان پیشی می گیرد . و پیکرش را به دنبال خود می کشد .

به عصا « هادی » گویند ، زیرا از صاحب عصا پیشی می گیرد ، گویی او را هدایت می کند .(۲)

ص: ۶۵

۱-۱ . ابن فارس ، معجم مقاییس اللغه ، ج ۶ ، ص ۴۲ .

۲-۲ . همان .

سپس در مورد ریشه دوم توضیح می دهد :

« الْهَدِيَّةُ » مَا أُهْدِيَتْ مِنْ لَطْفٍ إِلَى ذِي مَوَدَّةٍ ؛ یعنی : « هدیه » چیزی است که به عنوان پیشکش به دوستی اهدا می شود .

به عروس « هَدِيَّ » گفته می شود ، زیرا به داماد اهدا می گردد .

به قربانی « هَدَى » گفته می شود ، زیرا به حرم مکه بیت الحرام تقدیم می گردد . (۱)

خلیل پیشتاز اهل لغت سخنانی در همان مقوله آورده ، می افزاید :

« هادی » از هر چیزی اول آن است ، جوانه هر درختی را « هادی » گویند .

« هُدَى » نقيض « ضلالت » است .

« هَدَى » در لغت « غَوْر » به معنای « تبیین » می باشد ، آیه شریفه : « أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ » (۲) نیز به لغت آنها نازل شده است . (۳)

« غَوْر » سرزمین پست را گویند ، در اینجا سرزمین « تهامه » منظور شده است . (۴)

ابن اثیر گوید : « هادی » از نامهای خداوند متعال است ، زیرا خداوند بندگان را بینش عطا کرده ، راه شناخت را به آنها ارایه

داده ، آنها را به آنچه برای بقا و ادامه زندگی لازم است ، رهنمون شده است . (۵)

از دیگر معانی « هدی » سمت و سوی می باشد ، در حدیث آمده است :

ص: ۶۶

۱-۱ . همان ، ص ۴۳ .

۲-۲ . یعنی : آیا برای آنها آشکار نشده است ؟ سوره طه (۲۰) ، آیه ۱۲۸ .

۳-۳ . خلیل بن احمد ، کتاب العین ، ترتیب کتاب العین ، ص ۸۷۹ .

۴-۴ . غَوْر ؛ دره ، جلگه و سرزمین پست را گویند ، شماری از سرزمین هایی که به غَوْر مشهورند ، عبارتند از : (۱) غَوْر تهامه

، از ذات عرق تا دریا ، در سرزمین حجاز . ب) غَوْر اردن ، از دمشق تا بیت المقدس . ج) غَوْر عماد ، محلی در دیار بنی

سُلیم . د) غَوْر مَلَح ، آب بنی عدویه . همه اینها « غَوْر » به فتح غین است (یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۴ ، ص ۲۱۶) ولی رشته

کوهی در افغانستان هست که « غَوْر » نامیده می شود ، این رشته کوه در میان غزنه و هرات واقع است (یاقوت ، همان ، ص

۲۱۸) و امروزه « هزارستان » نامیده می شود ، ساکنان آن منطقه به « هزاره » مشهوراند ، زبان آنها فارسی و مذهبشان تشیع

است . (مُعین ، فرهنگ فارسی ، ج ۶ ، ص ۲۲۷۶) .

۵-۵ . ابن اثیر ، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر ، ج ۵ ، ص ۲۵۳ .

« وَاهْدُوا هَدَى عَمَّارٍ » .

یعنی : مطابق سیره عمار حرکت کنید و خود را بر اساس سیرت و صورت او شکل دهید .(۱)

ابن منظور می افزاید :

« هُدَى اللَّهِ »(۲) یعنی آن صراط و طریقی که خدا به سوی آن فرا خوانده .

« اِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى »(۳) یعنی : بر ماست که راه را تبیین کنیم .(۴)

« هُدَى » به معنای « هادی » نیز آمده ، مانند : « اَوْ اَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى »(۵)

« تَهَادَى » به معنای به یکدیگر هدیه دادن است ، چنانکه در حدیث آمده :

« تَهَادُوا تَحَابُّوا » .

به یکدیگر هدیه بدهید تا محبت یکدیگر را جلب نمایید .(۶)

*

کلوازه مهدی

ابن اثیر در تشریح واژه مهدی می نویسد :

الْمَهْدِيُّ ؛ الَّذِي قَدْ هَدَاهُ اللَّهُ إِلَى الْحَقِّ ، وَ قَدْ اسْتَعْمَلَ فِي الْأَسْمَاءِ حَتَّى صَارَ كَالْأَسْمَاءِ الْغَالِبَةِ ، وَ بِهِ سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي بَشَّرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ يَجِيءُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ ؛(۷)

ص : ۶۷

۱-۱ . همان .

۲-۲ . سوره بقره (۲) ، آیه ۱۲۰ .

۳-۳ . سوره الليل (۹۲) ، آیه ۱۲ .

۴-۴ . ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۱۵ ، ص ۵۹ .

۵-۵ . سوره طه (۲۰) ، آیه ۱۰ .

۶-۶ . ابن منظور ، لسان العرب ، ص ۶۱ ؛ کلینی ، الکافی ، ج ۵ ، ص ۱۴۴ .

۷-۷ . ابن اثیر ، النهايه في غريب الحديث و الأثر ، ج ۵ ، ص ۲۵۴ .

مهدی ، یعنی : کسی که خدا او را به حق هدایت نموده ، این واژه به عنوان نام آن قدر به کار رفته که همانند عَلَم به غَلَبَه شده است .

آن مهدی که پیامبر نوید آمدنش را در آخر الزمان داده ، به همین عنوان : « مهدی » نامیده شده است .

طریحی در این رابطه می نویسد :

الْمَهْدِيُّ اسْمٌ لِلْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، الَّذِي بَشَّرَ بِمَجِيئِهِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ ... وَ هُوَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ (عَج)
(۱)؛

مهدی نام قائم آل محمد علیهم السلام است ، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آمدنش در آخر الزمان بشارت داده ... او محمد بن الحسن العسکری علیه السلام می باشد .

دستور زبان عربی و قوانین نحوی ایجاب می کند که « مَهْدِي » اسم مفعول از واژه « هَدَى » به معنای هدایت یافته باشد .

در این صورت آن در اصل « مَهْدِيَّ » بر وزن « مَنصُورٌ » بوده ، با توجه به سنگینی خروج از واو ساکنه به سوی یاء ، واو تبدیل به یاء ، و در یاء ادغام شده ، و ضمه دال به جهت رعایت یاء تبدیل به کسره ، و در نتیجه « مَهْدِيَّ » شده ، چنانکه در همه جا این شیوه رایج است ، پس « مَهْدِي » اسم مفعول است ، همانند ، مَرْمِي ، مَقْضِي ، مَنفِي ، مَشْوِي ، مَأْتِي ، مَنْسِي و امثال آنها .

ولی در اینجا یاقوت حموی سه احتمال دیگر نیز داده است :

۱ . مَهْدِي ، به معنای کسی که خود به خود هدایت یافته ، بدون اینکه دیگری او را هدایت نموده باشد .

ص: ۶۸

۲. مَهْدِي، اسم مکان از ریشه هَدَى باشد، یعنی هدایتگاه.

۳. منسوب به « مَهْد » به معنای گهواره باشد، برای تشبیه آن حضرت به حضرت عیسی علیه السلام که در گهواره سخن گفت (۱).

ما در عین اینکه جولان فکری یاقوت را می ستاییم، به پیروی از اهل لغت و بزرگان علم نحو، آن را اسم مفعول می دانیم، ولی معتقدیم که اینجا اسم مفعول به معنای اسم فاعل است.

در ادب عربی و آیات قرآنی مواردی داریم که اسم مفعول به معنای فاعل آمده، مانند « مَأْتِي » در آیه شریفه:

« إِنَّ وَعْدَهُ كَانَ مَأْتِيًا »؛ (۲)

به راستی وعده او آمدنی است.

« مَأْتِي » دقیقاً همانند « مَهْدِي » اسم مفعول از ریشه « أَتَى » می باشد، لکن بسیاری از مفسران و محدثان تصریح کرده اند که « مَأْتِي » در این آیه به معنای « آت » می باشد، یعنی: اسم مفعول به معنای اسم فاعل آمده است. (۳)

آمدن اسم مفعول به معنای اسم فاعل در ادب عربی سابقه دارد، به عنوان یک مثال: اعشی در قول شاعر:

« وَ سَاعَيْتُ مَعْصِيًا إِلَيْهَا وَ شَاتَهَا ».

گفته که « مَعْصِيًا » به معنای « عَاصِيَا » می باشد. (۴)

یکی از شواهدی که می توان برای گلوآژه مهدی آورد و ادعا کرد که « مهدی »

ص: ۶۹

-
- ۱-۱. یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۲۹.
 - ۲-۲. سوره مریم (۱۹)، آیه ۶۱.
 - ۳-۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۸۰۴؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۱، ص ۱۲۶؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۸۲ و ج ۸، ص ۹۰.
 - ۴-۴. ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۶، ص ۲۲۲.

به معنای « هادی » می باشد ، این است که در صدها مورد این دو واژه در کنار هم آمده ، و همه جا « هادی » بر « مهدی » مقدم شده ، و اگر مهدی به معنای اسم مفعول بود ، بلاغت ایجاب می کرد که مهدی بر هادی مقدم شود ، زیرا شخص راهنما باید نخست خود هدایت یافته باشد ، سپس در صدد هدایت دیگران باشد و اینک اشاره ای کوتاه به چند مورد از مواردی که این دو واژه در کنار یکدیگر آمده است :

۱ . يَا أَبَا الْقَاسِمِ امْضِ هَادِيَا مَهْدِيَا . (۱)

۲ . اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ هَادِيَا مَهْدِيَا . (۲)

۳ . اِنْ تُوَلَّوْهُ تَجِدُوْهُ هَادِيَا مَهْدِيَا . (۳)

۴ . اِنْ تَسْتَخْلِفُوْا عَلَيْنَا تَجِدُوْهُ هَادِيَا مَهْدِيَا . (۴)

۵ . اِنَّهُ سَيَكُوْنُ بَعْدِي هَادِيَا مَهْدِيَا . (۵)

۶ . اَقْدِمْ حُسَيْنٌ هَادِيَا مَهْدِيَا . (۶)

۷ . فَهَنَّاكَ يَطْهَرُ مُبَارَكًا زَكِيًّا وَ هَادِيَا مَهْدِيَا . (۷)

۸ . فَمَنْ اَحْبَبَهُ وَ اتَّبَعَهُ كَانَ هَادِيَا مَهْدِيَا . (۸)

۹ . الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيَا مَهْدِيَا . (۹)

۱۰ . جَعَلْتَهُ هَادِيَا مَهْدِيَا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ . (۱۰)

ص : ۷۰

۱-۱ . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۱۸ ، ص ۳۱۴ .

۲-۲ . همان ، ج ۲۱ ، ص ۳۷۱ .

۳-۳ . همان ، ج ۳۴ ، ص ۳۲۳ .

۴-۴ . همان ، ج ۳۵ ، ص ۳۹۸ .

۵-۵ . همان ، ج ۴۳ ، ص ۳۳۴ .

۶-۶ . همان ، ج ۴۵ ، ص ۲۵ .

۷-۷ . همان ، ج ۵۱ ، ص ۱۶۳ .

۸-۸ . همان ، ج ۸۱ ، ص ۱۹۵ .

۹-۹ . همان ، ج ۹۴ ، ص ۷۵ .

ذوق سلیم ایجاب می کند که اگر « مهدی » به معنای « ره یافته » و « هادی » به معنای « راهبر » باشد ، در تمام مواردی که این دو واژه در کنار یکدیگر به کار می روند « مهدی » مقدم بر « هادی » باشد ، در حالی که در سخنان فصیح ترین انسان روی زمین حضرت خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله ، و در بیانات امرای کلام ، حضرات معصومین علیهم السلام همه جا « هادیا » مقدم بر « مهدیا » آمده ، که ده نمونه آن تقدیم گردید .

فرق هادی و مهدی

اگر « مهدی » اسم مفعول و به معنای اسم فاعل باشد ، این سؤال پیش می آید که آیا در میان « هادی » و « مهدی » فرقی هست یا هر دو مترادف می باشند ؟

با توجه به وسعت ادبیات عرب ، و اصرار بسیاری از ادیبان بر اینکه هیچ واژه ای در زبان عربی مترادف نیستند ، بلکه فرقه ای دارند ، اگر چه در مواردی بر ما پوشیده باشد ، ما تصور می کنیم :

۱ . واژه « مهدی » رساتر و بالاتر از واژه « هادی » است ، زیرا : « کثره المبانی تدلّ علی کثره المعانی » . (۱)

۲ . علمای لغت در معنای « مهدی » گفته اند : « أَلَّذِي قَدْ هَدَاهُ اللَّهُ إِلَى الْحَقِّ ؛ مهدی به کسی گویند که خداوند او را به راستی به حق رهنمون شده باشد » (۲) در حالی که « هادی » به مطلق راهبر گفته می شود .

۳ . هنگامی که « مهدی » را به معنای فاعل می گیریم ، به جای تعریف فوق می توانیم بگوییم : المهدی ، أَلَّذِي قَدْ جَعَلَهُ اللَّهُ هَادِيًا ؛ مهدی کسی است که خداوند او را به عنوان راهبر قرار داده است . و این معنی را از آیات شریفه :

« وَ جَعَلْنَا لَهُمْ آيَاتَهُمْ يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا » .

ص: ۷۱

۱-۱ . تشدید یاء مهدی موجب می شود که آن پنج حرفی ، و یک حرف بیش از هادی داشته ، مشمول قاعده کثرت مبانی دلالت بر کثرت معانی می کند باشد .

۲-۲ . ابن اثیر ، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر ، ج ۵ ، ص ۲۵۴ ؛ ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۱۵ ، ص ۵۹ .

ما آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند؛ (۱) و نظایر آنها؛ (۲) استفاده می کنیم ، که این پیشوایان امت را به سوی حق راهبری می کنند ، لکن به فرمان خدا ، و این شرط در واژه هادی منظور نشده است .

۴ . « مهدی » بی گمان از مصادیق « أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَنْ يُتَّبَعَ » (۳) می باشد ، ولی « هادی » به دلیل اعم بودنش ممکن است از مصادیق : « أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى » (۴) باشد .

۵ . امام باقر علیه السلام در مورد اینکه چرا مهدی آل محمد عليهم السلام « مهدی » نام گذاری شد ؟ فرمود :

فَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ ، لِأَنَّهُ يَهْدِي لِأَمْرِ خَفِيِّ ؛ (۵)

او را از این جهت مهدی نامیدند که به رازی پنهان هدایت می کند .

و در نقلی فرمود :

وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ مَهْدِيًّا ، لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيِّ . (۶)

این حدیث در منابع اهل سنت نیز از امام باقر علیه السلام روایت شده است . (۷)

این نکته نیز در واژه هادی منظور نشده است .

در این حدیث شریف ، اگر کلمه « يُهْدَى » را به صیغه معلوم (یهدی) بخوانیم ،

ص : ۷۲

۱-۱ . أنبياء (۲۱) : ۷۳ .

۲-۲ . سجده (۳۲) : ۲۴ .

۳-۳ . یعنی : آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند شایسته پیروی است ؟

۴-۴ . یعنی : و یا کسی که خود هدایت نمی شود ، جز اینکه دیگری او را هدایت کند ؟ (سوره یونس (۱۰) ، آیه ۳۵) .

۵-۵ . شیخ صدوق ، علل الشرایع ، ج ۱ ، ص ۱۶۱ ، ب ۱۲۹ ، ح ۳ ؛ شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۴۹۸ ، ب ۳۲ ، ح ۲۶۸ .

۶-۶ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۳۷ ، ب ۱۳ ، ح ۲۶ .

۷-۷ . سلمی ، عقد الدرر ، ص ۴۰ ، مقدسی ، فرائد فوائد الفکر ، ص ۲۵۳ .

دلیل دیگری می شود بر اینکه «مَهْدِي» به معنای اسم فاعل (هدایتگر) می باشد، نه اسم مفعول (هدایت شده)، ولی چون می توان آن را «يُهْدِي» به صیغه مجهول خواند، از این نظر آن را به عنوان یک دلیل مستقل نیاوردیم.

نکته ظریف دیگری راغب در مفردات آورده و بر آن پافشارده و آن اینکه:

الْهَدَايَةُ دَلَالَةٌ بِلُطْفٍ؛

هدایت، یعنی: راهبری و راهنمایی از روی مهرورزی. (۱)

سپس می فرماید: اگر معنای هدایت، راهبری از روی مهر و محبت است، پس چگونه قرآن کریم می فرماید: «وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ»؛ (۲) او را به سوی عذاب جهنم رهنمون می شود؟ در پاسخ می فرماید: آن از باب تهكّم و مبالغه در ادای مقصود است، از قبیل: «فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ «آنان را با عذابی جانکاه بشارت بده». (۳) یعنی: به طوری که «بشارت» به معنای مژده دادن است، ولی در مواردی در مقام تهدید به شر به کار می رود، «هدایت» نیز به معنای رهبری و راهبری از روی لطف و مهرورزی است، ولی ممکن است در مواردی به دلایل خاصی در رهبری به قهر و شر نیز استعمال شده باشد (۴).

با توجه به همه مطالب یاد شده، معنای اصطلاحی «مهدی» عبارت می شود از: «کسی که خداوند او را به راستی به حق هدایت کرده و او را به راهبری خلق برگزیده، او نیز خلق را از روی مهر و محبت به سوی حق رهنمون می شود».

و آن نام نامی و لقب گرامی مصلح و منجی آخر الزمان است که در همه ادیان نوید آمدنش داده شده، در اسلام نیز در آیات قرآن و کلمات در بار پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام به روشنی و شفافیت بیان شده است. (۵)

ص: ۷۳

۱-۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۳۸.

۲-۲. سوره حج (۲۲)، آیه ۴.

۳-۳. سوره آل عمران (۳)، آیه ۲۱.

۴-۴. راغب اصفهانی، همان.

۵-۵. ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۵، ص ۲۵۴؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۷۵.

مهدی در آئینه وحی

گلوآژه « مهدی » در قرآن کریم نیامده ، ولی بیش از سیصد آیه ، از آیات قرآن کریم ، در احادیث اهل بیت عصمت و طهارت به حضرت مهدی علیه السلام تفسیر و تأویل شده است . (۱)

دیگر مشتقات واژه « هدی » ۳۲۰ بار در قرآن کریم آمده است . (۲)

مشتقات این واژه در قالب ۷۰ شکل در قرآن به کار رفته است . (۳)

مهدی در آئینه عترت

اشاره

گلوآژه « مهدی » در سخنان درر بار پیامبر اکرم و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین صدها بار آمده و احصای آنها غیر ممکن می نماید ، صرفا به عنوان تبرک به یک مورد از آثار بر جای مانده از قرن اول اشاره می کنیم :

کتاب سلیم بن قیس

در تنها کتاب بر جای مانده از قرن اول هجری ، کتاب سلیم بن قیس ، از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام ، گلوآژه « مهدی » مکرر آمده ، از جمله :

۱ . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود :

ص: ۷۴

-
- ۱-۱ . در این رابطه آثار مستقل فراوان تألیف شده ، که از آن جمله است : (ا) المحججه فیما نزل فی القائم الحجه ، از سید هاشم بحرانی ، شامل ۱۱۰ آیه . ب) المهدی فی القرآن ، از آیت الله سید صادق شیرازی ، شامل ۱۰۶ آیه . ج) سیمای امام زمان در آئینه قرآن ، از نگارنده سطور ، شامل ۳۰۰ آیه . کتاب شناسی عناوین فوق با ۲۰ عنوان دیگر را در کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام ملاحظه فرمایید . (نگارنده ، کتابنامه حضرت مهدی ، ج ۲ ، ص ۸۰۸) .
- ۲-۲ . محمد فؤاد عبدالباقی ، المعجم المفهرس ، ص ۷۳۱ - ۷۳۶ .
- ۳-۳ . هیئت تحریریه مجمع اللغه العربیه مصر ، معجم الفاظ القرآن الکریم ، ج ۲ ، ص ۷۸۵ .

مِنَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ، مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةُ؛ (۱)

سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست ، مهدی این امت از ماست .

۲ . آنگاه در مقام بیان فضیلت امامان ، اشاره به امام حسین علیه السلام کرد و فرمود :

سپس اوصیای من از نسل این فرزندانم می باشد، که از آن جمله است مهدی. (۲)

۳ . امیرمؤمنان اسامی دوازده امام را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده ، در پایان خطاب به سلیم بن قیس فرمود :

مِنْهُمْ وَ اللَّهُ يَا بَنِي هِلَالٍ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةُ؛ (۳)

ای سلیم بن قیس هلالی ، به خدا سوگند مهدی این امت نیز از آنهاست .

۴ . امیرمؤمنان در ضمن یک حدیث طولانی عملکرد سپاه سفیانی را برای معاویه شرح می دهد و در پایان می فرماید :

وَ يَبْعَثُ اللَّهُ لِلْمَهْدِيِّ أَقْوَامًا يُجْمَعُونَ مِنَ الْأَرْضِ ، قَزَعُ كَقَزَعِ الْخَرِيفِ؛ (۴)

آنگاه خداوند مردانی را برای یاری مهدی بر می انگیزاند ، که همانند قطعات ابر پاییزی از اطراف زمین گرد آورده می شوند .

۵ . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقام بیان مناقب اهل بیت فرمود :

ص: ۷۵

۱-۱ . سلیم بن قیس ، کتاب سلیم ، ص ۱۸ .

۲-۲ . همان ، ص ۱۹ .

۳-۳ . همان ، ص ۶۵ .

۴-۴ . همان ، ص ۱۶۰ .

أَلَا وَنَحْنُ بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ جَعْفَرُ وَ حَمَزَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ فَاطِمَةُ وَ الْمَهْدِيُّ ؛ (۱)

آگاه باشید که ما فرزندان عبدالمطلب سروران بهشت هستیم ، من ، علی ، جعفر ، حمزه ، حسن ، حسین ، فاطمه و مهدی .

کتاب سلیم بن قیس در عهد امیرالمؤمنین علیه السلام به رشته تحریر در آمده ، در آن ایام بیش از دو قرن به میلاد مسعود حضرت مهدی موعود باقی بود .

نگاهی گذرا به احادیث مهدویت در این تنها اثر بازمانده از نیمه اول قرن اول ، این حقیقت را به وضوح اثبات می کند که عنوان « مهدی » به عنوان یکی از نام های رائج حضرت ولی عصر (عج) در آن زمان مطرح بوده است .

گستره واژه مهدی

در کنار استعمال گلوآژه مهدی در مهدی آخر الزمان ، به مفهوم عام خود در مورد هر یک از معصومین علیهم السلام نیز به کار می رفت ، که به چند نمونه از آنها می پردازیم :

۱ . یک نفر اعرابی به محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شده ، پس از مشاهده معجزه ای اسلام پذیرفته ، آنگاه مدیحه ای در مورد آن حضرت سروده ، به مطلع زیر :

أَلَا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ صَادِقٌ فَبُورِكَتْ مَهْدِيَا وَ بُورِكَتْ هَادِيَا

هان ای فرستاده خدا ، تو راستگوی هستی ، چه راهبر مبارکی و چه راهنمای با برکتی هستی . (۲)

۲ . حسان بن ثابت ، شاعر معروف روز غدیر ، چندین چکامه در سوک رسول خدا سروده ، در یکی از ابیات آن می گوید :

ص: ۷۶

۱-۱ . همان ، ص ۲۰۴ .

۲-۲ . خزاز ، کفایه الأثر ، ص ۱۷۳ .

جَزَعَا عَلَيَّ الْمَهْدِيَّ أَصْبَحَ ثَاوِيَا يَا خَيْرَ مَنْ وَطِئَ الْحِصْيَ لَا تَبْعِدِ

افسوس بر راهبری که در زیر خاک ها نهان شد ، ای بهترین انسانی که گام در ریگستان حیات نهادی ، از ما دور مشو . (۱)

در این دو نمونه ای که تقدیم شد ، واژه « مهدی » در مورد رسول خدا به کار رفته ، که در این موارد به مفهوم عام خود (راهبر معصوم و الهی) به کار رفته است .

۳ . ام سنان بنت خیثمه ، شاعر شیرزن مدح در قصیده ای که در سوک امیر مؤمنان علیه السلام سروده ، می گوید :

أَمَا هَلَكْتَ أَبَا الْحُسَيْنِ فَلَمْ تَزَلْ بِالْحَقِّ تُعْرِفُ هَادِيَا مَهْدِيَا

ای پدر حسین ، تو هرگز نمرده ای ، که همواره به حق راهبر و راهنما هستی . (۲)

در این سوکنامه نیز واژه « مهدی » به مفهوم عام خود در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام به کار رفته است .

۴ . حجاج بن مسروق جعفی ، از شهدای پاک باخته کربلا ، در رجزی که روز عاشورا می خواند ، خطاب به سالار شهیدان می گفت :

أَقْدِمْ حُسَيْنَا هَادِيَا مَهْدِيَا فَالْيَوْمَ تَلْقَى جَدَّكَ النَّبِيَا

ای حسین عزیز ، ای راهبر و راهنما ، به پیش ، که امروز جدّ بزرگوارت پیامبر اکرم را دیدار می کنی . (۳)

حجاج بن مسروق مؤذن امام حسین علیه السلام در این رجز خود سالار شهیدان را مهدی

ص: ۷۷

۱-۱ . ابن سعد ، الطبقات الكبرى ، ج ۲ ، ص ۳۲۲ .

۲-۲ . ابن عبدربه ، العقد الفرید ، ج ۱ ، ص ۳۵۰ .

۳-۳ . ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابی طالب ، ج ۴ ، ص ۱۱۲ .

تعبیر کرده است .

در احادیثی که ده نمونه آن قبلا- در همین بخش تقدیم گردید ، واژه « مهدی » در مورد رسول خدا ، امیرمؤمنان و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام به همان مفهوم عام و وسیع خود به کار رفته است .

به طوری که در طول تاریخ افرادی ادعای الوهیت و رسالت نموده اند ، افرادی نیز ادعای مهدویت کرده اند و از این نام مقدس سوء استفاده نموده اند ، برخی از این موارد را در ادامه همین فصل خواهیم شمرد .[\(۱\)](#)

* * *

ص: ۷۸

۱- ۱ . به هنگام گفتگو از زیدیه و اسماعیلیه .

اشاره

در تمام ادیان آسمانی و مذاهب مختلف جهانی، اعم از وثنیت، کلیتیت، مسیحیت، مجوسیت، اسلام و... از مصلحی که در آخر الزمان ظهور کرده، به جنایت‌ها و خیانت‌های انسان‌ها خاتمه خواهد داد، و شالوده حکومت واحد جهانی را، بر اساس عدالت و آزادی استوار خواهد کرد، گفت و گوی شده و نوید آن مصلح آسمانی علاوه بر قرآن کریم، در تمام کتاب‌های آسمانی، چون: تورات، انجیل، زبور و... آمده است.

اگر چه به جز قرآن، همه کتاب‌های آسمانی دست خوش تحریف شده‌اند، لکن باز جملاتی در آنها از دستبرد متولیان مصون مانده است، که در آنها از آمدن مصلح آسمانی و بنیانگذار حکومت واحد جهانی سخن رفته است.

با توجه به اینکه این مطالب به صورت پیش‌گویی و مربوط به آینده بوده، و مضامین آنها در قرآن کریم و اخبار متواتر اسلامی وارد شده، از این رهگذر روشن می‌شود که این عبارت‌ها از منطق وحی سرچشمه گرفته و از دستبرد انسان‌ها در طول تاریخ مصون و محفوظ مانده است.

اینک ما متن قسمتی از نویدهای مهدی موعود را از کتب مقدسه یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و سایر کتاب‌هایی که در میان پیروان خود به عنوان کتاب آسمانی مطرح هستند، نقل می‌کنیم، تا اصالت موعودباوری و جهانی بودن اعتقاد به مهدی موعود روشن‌تر گردد.

مهدی موعود در زبور داود

اشاره

در زبور داود که تحت عنوان: «مزامیر» در لابه‌لای «عهد عتیق» به همه زبان‌های دنیا ترجمه شده و از سوی «انجمن پخش کتب مقدسه» در سراسر دنیا منتشر شده، بیش از هر کتاب آسمانی دیگر پیرامون موعود آخر الزمان گفتگو شده است.

به جرأت می‌توان گفت: در هر بخشی از زبور اشاره‌ای به انتظار، ظهور موعود، پیروزی صالحان بر شریران، تشکیل حکومت واحد جهانی، تبدیل ادیان به یک آیین

محکم و استوار سخن رفته است .

ما به دلایل مختلف پیش از هر کتاب آسمانی ، زبور حضرت داود علیه السلام را مورد بررسی قرار می دهیم ، که برخی از دلایل آن به قرار زیر است :

۱ . قرآن کریم در میان کتاب های انبیای سلف تنها زبور را مورد عنایت قرار داده ، در کنار تورات ، حتی مقدم بر تورات نام برده و به امت اسلامی اطلاع داده که در این کتاب در مورد موعود آخر الزمان اطلاع رسانی کرده است :

« وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ، أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ »؛^(۱)

ما علاوه بر ذکر (تورات) در زبور نیز نوشتیم که براستی زمین را بندگان شایسته ام به ارث خواهند برد .

طبق روایات متواتر اسلامی از طریق اهل تشیع و تسنن ، این آیه مربوط به ظهور حضرت مهدی علیه السلام است . قرآن کریم این عبارت را از زبور نقل کرده و جالب توجه است که این عبارت عینا در زبور فعلی موجود است :

اما حلیمان وارث زمین خواهند شد ... زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد . و اما صالحان را خداوند تأیید می کند . خداوند روزهای کاملان را می داند . و میراث آنها خواهد بود تا ابد الآباد .^(۲)

۲ . علاوه بر قرآن کریم در انجیل نیز حضرت عیسی علیه السلام از زبور به طور مستقل نام برده می فرماید :

ضروری است که آنچه در تورات موسی ، صحف انبیا و زبور ، درباره من

ص: ۸۱

۱-۱ . سوره انبیا (۲۱) ، آیه ۱۰۵ .

۲-۲ . عهد عتیق ، کتاب مزامیر ، زمور ۳۷ ، بندهای ۱۱ ، ۱۷ و ۱۸ .

مکتوب است به انجام رسد. (۱)

۳. کتاب زبور به همان اندازه که مورد پذیرش و توجه قوم یهود است، به همان اندازه مورد توجه مسیحیان نیز می باشد، و لذا می بینیم که هاکس آمریکایی گوید:

امری غریب و بسیار عجیب است که مزامیری را که اسرائیلیان متقی و پرهیزکار قرن های متعدده قبل از مسیح نگاشتند، فعلا در عبادت کلیسای مسیحی معمول به، و مناسب ذوق جمیع طوائف مسیحی می باشد. (۲)

وی از آنجا به یک نتیجه منطقی رسیده می گوید:

و همین مطلب دلیل قوی بر صحت آنها می باشد که الهامی، و از جانب خداست.

۴. در کتاب زبور بیش از هر کتاب آسمانی دیگر نوید موعود آمده است، نگارنده در حدود چهل سال پیش کتاب زبور را به دقت بررسی کرده، در ۵۵ مزمور از ۱۵۰ مزمور کتاب زبور، نویدهای مربوط به موعود را یادداشت نمود.

از این رهگذر پیش از دیگر کتاب های آسمانی کتاب زبور حضرت داود علیه السلام را مورد بررسی قرار می دهیم:

شماری از نویدهای موعود در زبور داود

در اینجا فرازهای کوتاهی از کتاب زبور را از کتاب مقدس که توسط انجمن پخش کتب مقدسه از زبان های اصلی عبرانی، کلدانی و یونانی ترجمه شده، به سال ۱۹۰۴ میلادی در لندن به چاپ رسیده، برای آگاهی خوانندگان عینا نقل می کنیم:

ص: ۸۲

۱-۱. هاکس آمریکایی، قاموس کتاب مقدس، ص ۷۹۸.

۲-۲. همان.

۱. پیرامون وراثت صالحان :

۱. جان او در نیکویی شب را به سر خواهد برد ، و ذریت او وارث زمین خواهند شد .(۱)
۲. زیرا که شیران منقطع خواهند شد . و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد .(۲)
۳. هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود . و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد .(۳)
۴. و اما صالحان را خداوند تأیید می کند . خداوند روزهای کاملان را می داند . و میراث ایشان خواهد بود تا ابد الآباد .(۴)
۵. و اما نسل شریر منقطع خواهد شد . صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود .(۵)

۲. پیرامون انتظار :

۱. بلی هر که انتظار تو را می کشد خجل نخواهد شد .(۶)
۲. زیرا تو خدای نجات من هستی ، تمامی روز منتظر تو بوده ام .(۷)
۳. زیرا که منتظر تو هستم .(۸)
۴. برای خداوند منتظر باش و قوی شو ، او دلت را تقویت خواهد داد . بلی

ص: ۸۳

-
- ۱-۱ . کتاب مقدس ، عهد عتیق ، کتاب مزامیر ، مزمور ۲۵ ، بند ۱۳ .
 - ۲-۲ . همان ، مزمور ۳۷ ، بند ۹ .
 - ۳-۳ . همان ، بند ۱۱ .
 - ۴-۴ . همان ، بند ۱۷ .
 - ۵-۵ . همان ، بند ۲۹ .
 - ۶-۶ . همان ، مزمور ۲۵ ، بند ۲ .
 - ۷-۷ . همان ، بند ۵ .
 - ۸-۸ . همان ، بند ۲۲ .

منتظر خداوند باش. (۱).

۵. قوی باشید. او دل شما را تقویت خواهد داد، ای همگانی که برای خداوند انتظار می کشید. (۲).

۶. منتظر خداوند باش و طریق او را نگهدار، تا ترا به وراثت زمین برافرازد. (۳).

۷. انتظار بسیار برای خداوند کشیده ام. (۴).

۸. چشمانم از انتظار خدا تار گردیده است. (۵).

۹. منتظر خداوند هستم، جان منتظر است و به کلام او امیدوار. (۶).

۱۰. جان من منتظر خداوند است، زیاده از منتظران صبح، بلی زیاده از منتظران صبح. (۷).

۳. پیرامون روز موعود:

۱. امت ها شادی و ترم خواهند نمود، زیرا قوم ها را به انصاف حکم خواهی نمود. (۸).

۲. آنگاه زمین محصول خود را خواهد داد. (۹).

۳. اما صالحان شادی کنند و در حضور خدا به وجد آیند و به شادمانی خرسند شوند. (۱۰).

۴. او قوم ترا به عدالت داوری خواهد نمود و مساکین ترا به انصاف. (۱۱).

ص: ۸۴

۱-۱. همان، مزمور ۲۷، بند ۱۴.

۲-۲. همان، مزمور ۳۱، بند ۲۴.

۳-۳. همان، مزمور ۳۷، بند ۳۴.

۴-۴. همان، مزمور ۴۰، بند ۱.

۵-۵. همان، مزمور ۶۹، بند ۳.

۶-۶. همان، مزمور ۱۳۰، بند ۵.

۷-۷. همان، بند ۶.

۸-۸. همان، مزمور ۶۷، بند ۴.

۹-۹. همان، بند ۶.

۱۰-۱۰. همان، مزمور ۶۸، بند ۳.

۵. مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد. (۱)

۶. در زمان او صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود. (۲)

۷. او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا، و از نهر تا اقصای جهان. ۲.

۸. فراوانی غله در زمین بر قلّه کوه ها خواهد بود. (۳)

۹. اهل شهرها مثل علف زمین نشو و نما خواهند کرد. ۴.

۱۰. جمیع امت های زمین او را خوشحال خواهند خواند. (۴)

۳. چند نکته

۱) اگر نویدهای زبور را به دقت مورد بررسی قرار دهیم، همسویی عجیبی بین نویدهای زبور با نویدهای موعود در اسلام می یابیم، این همسویی ها منحصر به وراثت صالحان، مسأله انتظار و ویژگی های روز موعود نیست، بلکه در مسائل بسیار جزئی نیز همسویی دارد که به یک نمونه اشاره می کنیم:

شمشیر دو دمه در دست ایشان، تا از امت ها انتقام بکشد. ۶.

بر اساس روایات همه موارد انبیای و ودایع امامت در محضر حضرت ولی عصر (عج) می باشد، که از آن جمله است: « ذوالفقار ».

تعبیر « شمشیر دو دمه » از « ذوالفقار » تعبیر بسیار لطیفی است.

ب) قرآن کریم از کتاب حضرت داود علیه السلام زبور تعبیر کرده، ولی در کتاب مقدس به عنوان « مزامیر » آمده است، پس از کنگاش دو مورد در عهد جدید یافتیم که در آنها « زبور » تعبیر شده:

ص: ۸۵

۱-۱. همان، بند ۴.

۲-۲. همان، بند ۷. ۲. همان، بند ۸.

۳-۳. همان، بند ۱۶. ۴. همان.

۴-۴. همان، بند ۱۷. ۶. همان، زمور ۱۴۹، بند ۷.

۱. و خود داود در کتاب زبور می گوید (۱).

۲. زیرا که در کتاب زبور مکتوب است (۲).

ج) « زَبُور »، از ریشه « زبر » به معنای کتاب و نوشته است.

« زبور » به معنای مفعول، یعنی: « مکتوب » (۳).

« زَبْر » به معنای کتاب و جمع آن « زُبُور » می آید، مانند: « قَدْر » و « قُدُور » به معنای دیگ (۴).

« زبر » دو معنای ریشه ای دارد: ۱. محکم کاری ۲. خواندن و نوشتن (۵).

هر دو معنی را می توان در کتاب حضرت داود ملحوظ کرد: ۱. کتابی است محکم و استوار ۲. کتابی است نوشته شده و قرائت شده.

اما « مزامیر » جمع « زموره » از ریشه « زمر » مربوط به لحن و جنس صوت می شود (۶).

کتاب حضرت داود را از این جهت « مزامیر » می گفتند که آن را با لحن زیبا می خواند (۷).

یکی از اصحاب قرآن را با لحن زیبا تلاوت می کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را شنید و صدایش را ستود و به او فرمود:

أَعْطَيْتَ مِزْمَارًا مِنْ مِزْمَامِيرِ آلِ دَاوُدَ؛ (۸)

لحنی از الحان حضرت داود به تو داده شده.

در اینجا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله لحن زیبای او را به لحن حضرت داود علیه السلام تشبیه نموده است (۹).

ص: ۸۶

۱-۱. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل لوقا، باب ۲۰، بند ۴۲.

۲-۲. همان، اعمال رسولان، باب ۱، بند ۲۰.

۳-۳. طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۱۴.

۴-۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۱۱.

۵-۵. ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۳، ص ۴۴.

۶-۶. همان، ص ۲۳.

۷-۷. ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۷۹.

٨-٨ . علامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ٦ ، ص ٣٠٩ .

٩-٩ . طریحی ، مجمع البحرین ، ج ٣ ، ص ٣١٨ .

قرآن کریم از تأثیر لحن داود بر کوه ها و پرندگان سخن گفته (۱) و در احادیث از نغمه سرایی کوه و دشت و دمن ، همراه با تسبیح و تقدیس وی گفتگو شده است . (۲)

اگر روزی انسان موفق شود که لحن زیبای حضرت داود علیه السلام را از دل صخره ها بازیابی کند ، زیباترین سرود جهان آفرینش را پیرامون موعود آسمانی با گوش جان خواهد شنید . (۳)

کتاب شریف « صحیفه سجاده » به زبور آل محمد صلی الله علیه و آله مشهور شده ، و لحن زیبای آن حضرت به حضرت داود تشبیه شده و در برخی منابع از هم خوانی دشت و دمن با تسبیح آن حضرت سخن رفته است . (۴)

* * *

ص: ۸۷

۱-۱ . انبیا (۲۱) : ۷۹ .

۲-۲ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۵۲۴ ؛ طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۱ ، ص ۳۲۶ .

۳-۳ . با دقت در مضامین زبور تصدیق خواهید نمود که کتاب زبور ، سرود انتظار و اظهار اشتیاق به موعود آخر الزمان در خیمه تاریخ است .

۴-۴ . ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابیطالب ، ج ۴ ، ص ۱۴۹ .

در آیین یهود یکی از مسائل ریشه ای اعتقاد به « ماشیح » ، یعنی : منجی و « گئولا- » ، یعنی : روز ظهور و دوران رهایی می باشد .

بسیاری از فرهیختگان یهود کتاب های فراوان در این رابطه نگاشته ، از ضرورت این عقیده برای هر یهودی سخن گفته اند .

به عنوان یک نمونه : « موسی بن میمون » معروف به : « هارامبام »^(۱) در این رابطه می گوید :

هر فرد یهودی که به « ماشیح » اعتقاد نداشته باشد و یا چشم به راه آمدن او نباشد ، منکر سخنان حضرت موسی و سایر پیامبران بنی اسرائیل است ، زیرا موضوع ماشیح به کرات در متون مقدس عنوان شده است .^(۲)

« ایمانوئل شوحت » پیراون جایگاه رفیع و مقام منبع ماشیح می نویسد :

طبق عقیده هارامبام ، عقل و دانش او از حضرت سلیمان نیز بیشتر خواهد بود .

او از پدران قوم یهود (ابراهیم ، اسحاق و یعقوب) و نیز از همه انبیای بنی اسرائیل که پس از حضرت موسی برانگیخته شده اند ، بلند مرتبه تر خواهد بود .^(۳)

« جولوس کرینستون » در کتاب گرانسنگ خود از مقام عصمت « ماشیح » ، همواره زیر نظر روح القدس بودن او ، آگاهی او از ژرفترین رازها و قدرت او بر زنده

ص : ۸۸

۱- ۱ . شخصیت برجسته قوم یهود ، در قرن ۱۲ میلادی ، موسی بن میمون ، مشهور به : « هارامبام » ، که در سال ۱۱۳۵ م . در قرطبه متولد شده ، در طب سرآمد شده ، به ریاست معنوی قوم یهود برگزیده شد ، ۳۷ سال در قاهره اقامت نمود ، ده ها اثر به عبری و عربی نوشت ، که همه اش به چاپ رسیده ، به سال ۱۲۰۴ م . در فلسطین در گذشت و در طبریه خاکسپاری شد . (زرکلی ، الأعلام ، ج ۷ ، ص ۳۲۹) .

۲- ۲ . انجمن کلیمیان تهران ، « نشریه بینا » ، س ۱ ، ش ۴ ، مرداد شهریور ۷۸ ش .

۳- ۳ . همان .

کردن مردگان به تفصیل سخن می گوید. (۱)

« اریه نیومن » دیگر نویسنده و متفکر یهود می گوید :

هر گونه تحقیق و پژوهش پیرامون یهود ، نمی تواند از اعتقاد به ظهور « ماشیح » غافل گردد. (۲)

مؤلف واژه نامه فرهنگ یهود می افزاید :

بنابر سنن آیین یهودی ، که در گفتار پیامبران ، ادبیات مذهبی ، فلسفه دینی و ادعیه نماز بیان گردیده ، در آینده برای قوم یهود ناجی و رهاننده ای ظهور خواهد کرد که : « ما شیخ صیدقنو » (۳) و « ماشیح بن داوید » (۴) نامیده می شود ، او قوم یهود را از بردگی و آشفته گی رهایی خواهد داد .

ایمان به ظهور « ماشیح » یکی از اصول دین یهود می باشد. (۵)

ما به این مقدار مقدمه کوتاه بسنده کرده ، شماری از نویدهای عهد عتیق را پیرامون منجی می آوریم .

پیشتر گفتیم که خداوند منان در قرآن کریم نوید داده که صالحان وارث زمین خواهند شد و گزارش داده که قبلا این بشارت در تورات و زبور نیز آمده است .

در فصل پیشین متن زبور را آوردیم و اینک همین متن را در سرآغاز نویدهای تورات می آوریم :

ص: ۸۹

۱-۱ . جولوس کرینستون ، انتظار مسیحا در آیین یهود ، ص ۴۸ .

۲-۲ . شلموا شمیدت ، واژه های فرهنگ یهود ، ص ۳۶ .

۳-۳ . یعنی : نجات بخش حقیقی ما ، در مقابل مدعیان دروغین .

۴-۴ . یعنی : نجات بخش از تبار حضرت داود ، که بر اساس اعتقاد رایج یهودیان ، ما شیخ (نجات بخش) از نسل حضرت داود علیه السلام خواهد بود .

۵-۵ . شلموا شمیدت ، همان ، ص ۲۱۶ .

۱) در سفر پیدایش ، اولین سفر از اسفار پنج گانه تورات آمده است: (۱)

۱. خداوند بر ابراهیم ظاهر گشته گفت: به ذریت تو این زمین را می بخشم ، تمام این زمین را که می بینی ، به تو و ذریه تو تا به ابد خواهم بخشید. (۲)

۲. به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار ، هرگاه توانی آنها را شمرد ... ذریت تو نیز چنین خواهند بود ... من هستم یهوه که تو را از کلدانیان بیرون آوردم ، تا این زمین به ارثیت تو بخشم. (۳)

۳. نام تو بعد از این « ابرام » خوانده نشود ، بلکه نام تو « ابراهیم » خواهد بود ، زیرا که تو را پدر امت های بسیار گردانیدم . تو را بسیار بارور نمایم ، و امت ها از تو پدید آورم و پادشاهان از تو به وجود آیند . و عهد خویش را در میان خود و تو ، و ذریت بعد از تو استوار گردانم . که نسلا بعد نسل عهد جاودانی باشد. (۴)

۴. اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم ، اینک او را برکت داده ، بارور گردانم ، و او را بسیار کثیر گردانم ، دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم .

از ابراهیم امتی بزرگ و زور آور پدید خواهد آمد و جمیع امت های جهان از او برکت خواهند یافت. (۵)

ص: ۹۰

۱-۱. سفر ، به کسر سین به معنای کتاب می باشد و جمع آن اسفار می آید . تورات شامل پنج سفر به نام های زیر می باشد :

۱) سفر پیدایش ب (سفر خروج ج) سفر لاویان د (سفر اعداد ه) سفر تثیبه

۲-۲. کتاب مقدس ، عهد عتیق ، سفر پیدایش ، فصل ۱۲ ، بند ۷ .

۳-۳. همان ، فصل ۱۳ ، بند ۱۵ ، و فصل ۱۵ ، بندهای ۵ _ ۸ .

۴-۴. همان ، فصل ۱۷ ، بندهای ۵ _ ۸ .

اهمیت فرازهای یاد شده بسیار فراوان است ، از جمله :

- ۱ . آنچه در سوره انبیا ، آیه ۱۰۵ ، از وراثت صالحان به نقل از تورات آمده بود ، در اینجا به صراحت آمده است .
- ۲ . تصریح شده که این صالحان از تبار حضرت ابراهیم علیه السلام می باشند .
- ۳ . به تعداد امامان از نسل حضرت ابراهیم علیه السلام تصریح شده است .
- ۴ . به صراحت اعلام شده که امامان دوازده گانه از تبار حضرت اسماعیل هستند .
- ۵ . از عظمت ، وسعت و توانمندی امت اسلامی سخن رفته است .
- ۶ . به کثرت و وسعت نسل پیامبر کوثر که شاخه ای از ریشه حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد ، تصریح شده است .
- ۷ . همانطوری که در سوره بقره ، آیه ۱۲۴ ، در رابطه با امامت حضرت ابراهیم و ذریت او ، از امامت به عنوان « عهد خدایی » تعبیر شده ، در اینجا نیز دقیقاً همین تعبیر به کار رفته است .
- ۸ . در آیه فوق آمده بود که حضرت ابراهیم از خداوند برای ذریه اش مقام امامت را طلب کرد ، در فرازهای نقل شده نیز به این مطلب تصریح شده است .
- ۹ . در سوره حج ، آیه ۷۸ ، حضرت ابراهیم سرچشمه و اساس شریعت ، اسلام تداوم راه او ، و او نامگذارِ مسلمانان به این نام مقدس معرفی شده ، به این معانی در فرازهای بالا نیز اشاراتی وجود دارد .
- ۱۰ . فرازهای یاد شده از متن تورات ، آن هم سفر پیدایش که استوارترین بخش تورات است ، نقل شده است .

ب) در کتاب اشعیاء نبی آمده است :

۱ . و نهالی از تنه « یسی » [\(۱\)](#) بیرون آمده ، شاخه ای از ریشه هایش خواهد

ص: ۹۱

۱-۱ . همان ، بند ۲۰ و فصل ۱۸ ، بند ۱۸ .

شگفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت. (۱).

۲. مسکینان را به عدالت، داوری خواهد کرد، و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد. (۲).

۳. گرگ با بره سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با هم ... در تمام کوه مقدس من، ضرر و فساد نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد. (۳).

۴. بلکه نسلی از یعقوب و وارثی برای کوه های خویش از یهود به ظهور خواهیم رسانید. برگزیدگانم ورثه آن و بندگانم ساکن آن خواهند شد. (۴).

در فراز اول و چهارم تصریح شده که منجی از تبار حضرت داود علیه السلام است، و این یکی از عقاید رائج کلیمیان در طول قرون و اعصار بوده است، و لذا او را « ماشیح بن داوید » می نامند، از این رهگذر کلیمیان گویند که نجات بخش ما منحصرآ از تبار حضرت داود علیه السلام است و مسیحیان گویند که حضرت عیسی علیه السلام از طرف مادرش حضرت مریم، نسب شریفش به حضرت داود علیه السلام می رسد. جالب توجه و شایان دقت است که نسب شریف حضرت مهدی علیه السلام نیز از طرف مادر به حضرت داود علیه السلام می رسد، زیرا حضرت نرجس بدون تردید از تبار شمعون بن صفا می باشد، چنانکه خودش به آن تصریح کرده است. (۵).

شمعون بن صفا بر اساس روایات اسلامی پسر عمه حضرت مریم (۶) و حضرت مریم از تبار حضرت داود علیه السلام می باشد (۷).

ص: ۹۲

۱-۱. کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب اشعیا نبی، فصل ۱۱، بندهای ۱-۲.

۲-۲. همان، بند ۴.

۳-۳. همان، بندهای ۶-۹.

۴-۴. همان، فصل ۶۵، بند ۹.

۵-۵. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۰، ب ۴۱، ح ۱؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۱۰ و ۱۷۸؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۴۹۲، ح ۴۸۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۴۷۳.

۶-۶. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۸۶.

۷-۷. مستر هاکس آمریکایی، قاموس کتاب مقدس، ص ۳۷۱.

از این رهگذر « ماشیح » موعود کلیمیان ، چه حضرت مسیح باشد یا حضرت مهدی علیهماالسلام هر دو از طرف مادر از تبار حضرت داود علیه السلام هستند .

ج (در کتاب دانیال نبی آمده است :

۱ . و در آن زمان میکائیل امیر عظیمی که برای پسران قوم تو (خطاب به حضرت دانیال) ایستاده است(۱) خواهد برخاست (۲).

۲ . و بسیاری از آنان که در خاک زمین آرمیده اند ، بیدار خواهند شد .(۳)

۳ . و آنان که بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند ، مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الآباد . اما تو ای دانیال ، کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن ، بسیاری به سرعت تردد خواهند کرد .(۴)

۴ . خوشا به حال آنان که انتظار کشند .(۵)

۵ . لکن درازی عمر تا زمانی و وقتی به ایشان داده شد . و در رؤیای شب نگریستم ، اینک مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم الایام رسید و او را به حضور وی آوردند . سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد . تا جمیع قوم ها و امت ها و زبان ها او را خدمت نمایند . سلطنت او سلطنت جاودانی و بی زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد .(۶)

ص: ۹۳

۱-۱ . در اینجا از آن امیر عظیم (موعود بنی اسرائیل) ایستاده (قائم) تعبیر شده ، و در متن عربی عهدین به همان تعبیر « القائم » آمده است . (الکتاب المقدس ، العهد القدیم ، دانیال ، الاصحاح الثانی عشر ، رقم ۱) ، به جز کتاب دانیال در ابواب دیگر عهد عتیق نیز عنوان : « القائم » در مورد موعود کلیمیان آمده است ، از جمله : کتاب اشعیاء نبی . (همان ، الأشعیاء ، الاصحاح الحادی عشر ، رقم ۱۰) . نسخه عربی کتابخانه نگارنده ، چاپ ششم کتاب مقدس است ، که در سال ۱۹۰۳ م . در بیروت ، از روی نسخه ۱۸۱۶ م . چاپ نیویورک افست شده است .

۲-۲ . کتاب مقدس ، عهد عتیق ، کتاب دانیال نبی ، فصل ۱۲ ، بند ۱ .

۳-۳ . همان ، بند ۲ .

۴-۴ . همان ، بندهای ۳ و ۴ .

۵-۵ . همان ، بند ۱۲ .

۶-۶ . همان ، فصل ۷ ، بندهای ۱۲ _ ۱۴ .

به جهت گویا بودن متن نویدها هیچ توضیحی نمی دهیم ، فقط یادآور می شویم که در ضمن نویدهای عهد جدید ، پیرامون :
« پسر انسان » توضیح خواهیم داد .

(د) در کتاب حبقوق نبی می خوانیم :

اگر چه تأخیر نماید برایش منتظر باش ، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود . (۱)

نام این پیامبر عظیم الشان در کتاب مقدس حَبْقُوق ضبط شده ، ولی در روایات اسلامی حَبْقُوق آمده است . (۲)

بشارت مربوط به بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در کتاب او بدون تحریف مانده (۳) و حضرت رضا علیه السلام در ضمن احتجاجات خود با « رأس الجالوت » به آن استناد نمود و ایشان پذیرفت و اعتراف کرد . (۴)

این بود اشاره ای کوتاه به نوید منجی در تورات و ملحقات آن .

در این میان بیشترین نویدها به کتاب مزامیر (زبور) مربوط بود که به جهت اهمیت ویژه آن ، پیش از متون عهد عتیق ، آن را تقدیم نمودیم .

همسویی و همخوانی بشارت عهد عتیق با روایات اسلامی

اشاره

در پایان این بخش به شماری از نویدهای عهد عتیق فهرست وار اشاره می کنیم که دقیقاً در روایات اسلامی نیز آمده است :

ص: ۹۴

۱-۱. همان ، کتاب حبقوق نبی ، فصل ۲ ، بند ۳ .

۲-۲. حبقوق نبی در تويسرکان مدفون است و پیکر پاکش پس از ۲۶۰۰ سال ، در تاریخ ۲۷/۲/۱۳۷۲ ش . تر و تازه مشاهده شد . (نگارنده ، اجساد جاویدان ، ص ۲۶) .

۳-۳. کتاب مقدس ، عهد عتیق ، کتاب حَبْقُوق نبی ، فصل ۳ ، بند ۳ .

۴-۴. شیخ صدوق ، عیون الأخبار ، ج ۱ ، ص ۱۳۴ ؛ همو ، التوحید ، ص ۴۲۸ ؛ طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۲ ، ص ۴۲۲ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۱۴ ، ص ۱۶۳ .

۱. فراگیر شدن توحید

زیرا که در آن زمان زبان پاک به امت ها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه را بخوانند و به یک دل او را عبادت کنند (۱).

امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید :

فرمانروایی او به شرق و غرب جهان می رسد ، خداوند به وسیله او دینش را بر همه ادیان پیروز می گرداند ، اگر چه مشرکان را خوش نیاید . (۲)

۲. فراگیر شدن عدالت

مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد ... کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت . (۳)

گذشته از صدها حدیثی که به عنوان « يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا » آمده ، امام صادق علیه السلام می فرماید :

حق و مظلومه ای را فرو نمی گذارد ، جز اینکه آن را به صاحبش برمی گرداند . (۴)

۳. آسایش همگانی

گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پروازی با هم . ۵.

امیرمؤمنان علیه السلام در این رابطه می فرماید :

ص: ۹۵

۱-۱ . کتاب مقدس ، عهد عتیق ، کتاب صفتیای نبی ، باب ۳ ، بند ۹ .

۲-۲ . امین الاسلام طبرسی ، إعلام الوری بأعلام الهدی ، ج ۲ ، ص ۲۹۱ .

۳-۳ . کتاب مقدس ، کتاب اشعیاء نبی ، باب ۱۱ ، بند ۴ _ ۵ .

۴-۴ . عیاشی ، التفسیر ، ج ۱ ، ص ۱۶۵ . ۵ . کتاب اشعیاء نبی ، باب ۱۱ ، بند ۶ .

حتی درندگان و چهارپایان با یکدیگر آشتی کنند. (۱)

۴. امنیت جهانی

کمان و شمشیر جنگ را از زمین خواهم شکست و ایشان را به امنیت خواهم رسانید. ۷.

امیرمؤمنان علیه السلام در این رابطه می فرماید :

چون قائم ما قیام کند با عدالت رفتار کند ، ظلم و ستم در زمان او رخت بر می بندد و راه ها امن می شود. (۲)

۵. بهداشت جهانی

آنگاه چشمان کوران باز خواهد شد و گوش های کران مفتوح خواهد گردید ، آنگاه لنگان مثل غزال جست و خیز کنند و

زبان گنگ خواهد سراید. (۳)

امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید :

در روی زمین نابینا ، زمین گیر و شخص گرفتاری نمی ماند. (۴)

۶. وفور نعمت

زمین ایشان از نقره و طلا پر شده و خزائن ایشان را انتهای نیست و زمین ایشان از اسبان پر است و ارابه های ایشان را انتهایی

نیست. (۵)

پیامبر رحمت در این رابطه می فرماید :

ص: ۹۶

۱-۱ . شیخ صدوق ، الخصال ، ج ۲ ، ص ۴۱۹ . ۷ . کتاب هوشع نبی ، باب ۲ ، بند ۱۸ .

۲-۲ . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۳۸۴ .

۳-۳ . کتاب اشعیاء نبی ، فصل ۳۵ ، بند ۶ .

۴-۴ . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۳ ، ص ۶۲ .

۵-۵ . کتاب اشعیاء نبی ، باب ۲ ، بند ۷ .

امت من در زمان او آنقدر در نعمت غوطه ور می شوند که در هیچ زمانی چنین نعمت و رفاهی دیده نشده است. (۱)

۰۷. بی نیازی از نور خورشید

بار دیگر آفتاب در روز نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید، زیرا که یهوه نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود. (۲)

امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

چون قائم ماقیام کند، زمین با نور صاحبش روشن گردد، مردمان از نور خورشید بی نیاز شوند، شب و روز همسان گردند و ظلمت رخت بریندد. (۳)

۰۸. سیمای جهان در آستانه ظهور

لکن خطایای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گناهان شما روی او را از شما پوشانیده است تا نشود. زیرا که دست های شما به خون و انگشت های شما به شرارت آلوده شده است... (۴)

این نشانه ها یادآور حدیث مفصل و بسیار عجیبی است که امام صادق علیه السلام در تصویر سیمای جهان در پیشقدم ظهور بیان فرموده است. (۵)

ص: ۹۷

-
- ۱-۱. طبری، دلائل الامامه، ص ۴۷۸.
 - ۲-۲. کتاب اشعیاء نبی، باب ۶۰، بند ۱۹.
 - ۳-۳. طبری، دلائل الامامه، ص ۴۸۶.
 - ۴-۴. کتاب اشعیاء نبی، باب ۵۹، بند ۱ و ۲.
 - ۵-۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۰ - ۲۵۶.

۹. شور انتظار

ای خداوند بر ما ترحم فرما که منتظر تو می باشیم. (۱)

پیامبر رحمت پیامون فضیلت انتظار فرمود :

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ (۲)

برترین عمل امت من انتظار فرج می باشد .

۱۰. گستره دانش

جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود. (۳)

امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرمود :

دانش ۲۷ حرف است ، همه آنچه پیامبران آورده اند دو حرف است ، و تا کنون مردم جز با دو حرف آشنا نشده اند ، هنگامی که قائم ما بیاید ، ۲۵ حرف دیگر را بیرون آورد ، و در میان مردم منتشر نماید ، تا ۲۷ حرف کامل شود. (۴)

تبلور اعتقاد به موعود در نیایش ها

پرشورترین و پر هیجان ترین مظاهر اعتقاد به موعود در تعالیم یهودی را باید در نمازها و نیایش های یهود جستجو کرد .

قوم یهود در نمازهای روزانه ، نمازهای سبت و اعیاد ، در مناجات های نمازنامه ها ، به ویژه در نماز اصلی خود : « شׁِמוֹנֶה עֶשְׂרֵה » یعنی : ۱۸ ، که « عمیدا » و « تَفیلا » نیز نامیده می شود ، بر منجی و موعود فراوان تکیه کرده ، برای تأسیس

ص : ۹۸

۱-۱ . کتاب اشعیاء نبی ، باب ۳۳ ، بند ۲ .

۲-۲ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۴۴ ، ب ۵۵ ، ح ۳ .

۳-۳ . کتاب اشعیاء نبی ، باب ۱۱ ، بند ۹ .

۴-۴ . راوندی ، الخرائج و الجرائح ، ج ۲ ، ص ۸۴۱ .

حکومت جهان شمول نیایش فراوان شده است .

نیایش نماز « شَمُونَه عِشْرَه » ۱۸ بند است ۷ هفت بند از آنها پیرامون موعود و دیگر بندها نوعی مربوط به موعود است .

در نیایش های مختلف که برای سال نو ، روز کفاره ، مراسم عبادی صبح و شام ، مراسم خاک سپاری اموات و جز آنها تنظیم شده ، بندهایی برای موعود اختصاص یافته ، از خداوند منان تعجیل در فرج او خواسته می شود .

به عنوان یک نمونه ، دعای سفرهای که در مراسم ختنه سوران خوانده می شود و به دعای « فیض » معروف است ، در اینجا آورده می شود :

خدای مهربان که به شایستگی افراد مقرب ، از طرق خون ختنه ، توجه می کند ، مسیحای خود را برای ما بفرستد ، تا در وحدت او گام بردارد و به قومی که میان اقوام پراکنده و متفرق است ، مژده و تسلی دهد . خدای مهربان کاهن عادل را به سوی ما بفرستد ، همان که رانده شده در پس پرده غیبت خواهد ماند ، تا تختی به روشنی خورشید و درخشندگی الماس برای او آماده شود . (۱)

ص: ۹۹

۱-۱ . جولوس کرینستون ، انتظار در آیین یهود ، ص ۱۷۹ .

موعودباوری در میان ، مسیحیان ، از موعودباوری قوم یهود جدا نیست ، زیرا مسیحیت در یک بستر یهودی متولد شد و با یک هویت دینی مجزا پدیدار شد .

مسیحیان اولیه خود را از یهودیت جدا نمی دانستند ، بلکه خود را شاخه ای از قوم یهود می شمردند ، که وجه تمایز آنان از قوم یهود در اعتقاد به مسیحا بودن حضرت عیسی علیه السلام بود .

فهم عیسویان از رسالت عیسی علیه السلام ناشی از کتاب مقدس عبری بود و در نتیجه آنها معتقد بودند که عیسی آمده تا یهودیان را گرد هم آورده ، آنها را برای دوره آخرالزمان مهیا سازد .

موعودباوری در میان همه اقوام مسیحی مشترک است ، اگرچه در تصویر آن اختلاف های فاحشی در میان آنها وجود دارد ، مثلاً :

۱ . شیکرها ، (۱) که عنوان رسمی آنها : جمعیت متحد مؤمنان به رجعت مسیح می باشد ، که در نیمه دوم قرن هجدهم به وجود آمدند و معتقد شدند که خداوند متعال در شکل مذکر در حضرت مسیح و به شکل مؤنث در مادر آن لی (۲) بنیانگذار جمعیت یاد شده ، ظاهر شده است . (۳)

۲ . گروه های هزاره گرا که براساس اظهارات یوحنا (۴) معتقدند که مسیح یک دوره سعادت هزار ساله ایجاد خواهد کرد ، بنابراین شادمانه منتظر فرا رسیدن هزاره اند . (۵)

در قرن نوزدهم سه گروه هزاره گرا به وجود آمد که عبارت بودند از :

(۱) ادونتیست ها ، (۶) که براساس پیشگویی ویلیام میلر (۷) درباره پایان جهان و برداشت

ص: ۱۰۰

۱-۱ . shakers .

۲-۲ . Mother Ann lee .

۳-۳ . مری جو ویور ، در آمدی به مسیحیت ، ص ۲۱۷ .

۴-۴ . کتاب مقدس ، عهد جدید ، مکاشفه یوحنا ، باب ۲۰ ، بندهای ۱ _ ۸ .

۵-۵ . هنوز تب و تاب اجتماع هزاران کشیش ، اسقف ، کاردینال و ... را در آستانه سال دو هزار میلادی در سرزمین فلسطین برای تماشای حضرت عیسی علیه السلام به هنگام فرود شکوه مندش فراموش نکرده ایم ، این گرایش هزاره ای از مکاشفه یوحنا سرچشمه گرفته است .

. Adventists . ٦ -٦

. William Miller (١٧٨٢ _ ١٨٤٩ . ٧ -٧) . م . (.

او از کتاب دانیال و مکاشفه یوحنا، منتظر رجعت حضرت عیسی در سال ۱۸۴۳ م. شدند و چون کشف خلاف شد، بسیاری از منتظران کلیسای خود را رها کردند.

ب) شاهدان یهوه، که براساس مطالعات چارلز راسل (۱) عقیده پیدا کردند که حضرت عیسی علیه السلام در سال ۱۸۷۴ م. مخفیانه بازگشته و در سال ۱۹۲۴ م. جهان به پایان خواهد رسید.

ج) دیسپیناسشنالیست ها، (۲) که براساس تفسیر سایر آی. اسکوفیلد (۳) از کتاب مقدس، به مقطع باوری رسیدند. (۴)

۳. پنجاه گراها، که توسط چارلز فوکس پارهام (۵) به وجود آمدند، قویا به رجعت قریب الوقوع حضرت مسیح معتقد بودند.

۴. بنیادگرایان، که بر مصونیت کتاب مقدس از خطای پای می فشرند، رجعت حضرت عیسی را در سرلوحه عقاید بنیادین خود قرار داده اند. (۶)

با این اشاره کوتاه به برخی از فرقه های مسیحیت، متون و نصوص موعودباوری را از انجیل و دیگر کتب وابسته به عهد جدید پی می گیریم.

سیمای موعود در منابع عهد جدید

اشاره

جامع ترین، جالبترین و صحیح ترین نویدهای عهد جدید را باید در انجیل برنابا جستجو کرد، (۷) ولی نظر به اینکه متولیان مسیحیت آن را به رسمیت نمی شناسند، ما نویدهای موعود را منحصر از اناجیل اربعه و کتاب های وابسته به آنها، که از سوی انجمن پخش کتب مقدسه، از عبرانی، کلدانی و یونانی به فارسی ترجمه و منتشر شده است (۸) نقل می کنیم:

ص: ۱۰۱

۱-۱. Charles Taze Russell (۱۸۵۲ _ ۱۹۱۶ م.).

۲-۲. Dispensationalists.

۳-۳. Cyrus I. Scofield (۱۸۴۱ _ ۱۹۲۳ م.).

۴-۴. مری جو ویور، درآمدی بر مسیحیت، ص ۲۷۱ _ ۲۷۵.

۵-۵. Charles Fox Parham (۱۸۳۷ _ ۱۹۳۷ م.).

۶-۶. مری جو ویور، همان، ص ۲۸۷ _ ۳۰۲.

۷-۷. از ویژگی های انجیل برنابا این است که برخلاف اندیشه رایج در میان مسیحیت، بر کشته نشدن حضرت عیسی علیه السلام پای می فشرد و همانند قرآن کریم بر مشته شدن داستان و کشته شدن یهودا تصریح می کند. (انجیل برنابا، ص ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱ و ۴۰۳).

۱. انجیل متی :

۱. هم چنانکه برق از مشرق ساطع شده ، تا به مغرب ظاهر می شود ، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد . (۱)
۲. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد . و در آن وقت جمیع طوائف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می آید . (۲)
۳. آسمان و زمین زایل خواهد شد ، اما سخن من زایل نخواهد شد . اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد ، حتی ملائکه آسمان ، جز پدر من و بس . (۳)
۴. لهدا شما نیز حاضر باشید ، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید . (۴)
۵. اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خود آید ، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست ، و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کنند . (۵)

۲. انجیل مرقس :

۶. آنگاه پسر انسان را ببینند که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می آید . (۶)
۷. ولی از آن روز و ساعت ، غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد ، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم ، پس بر حذر باشید و بیدار شده ، دعا کنید ، زیرا

ص: ۱۰۲

-
- ۱-۱ . کتاب مقدس ، عهد جدید ، انجیل متی ، باب ۲۴ ، بند ۲۷ .
 - ۲-۲ . همان ، بند ۳۰ .
 - ۳-۳ . همان ، بند ۳۵ _ ۳۶ .
 - ۴-۴ . همان ، بند ۴۴ .
 - ۵-۵ . همان ، باب ۲۵ ، بند ۳۱ و ۳۲ .
 - ۶-۶ . عهد جدید ، انجیل مرقس ، باب ۱۳ ، بند ۲۶ .

نمی دانید که آن وقت کی می شود. (۱).

۳. انجیل لوقا :

۸. کمرهای خود را بسته ، چراغ های خود را افروخته بدارید ، و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند ، که چه وقت از عروسی مراجعت کند ، تا هر وقت آید و در را بکوبد ، بیدرنگ برای او باز کنند. (۲).

۹. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ، ایشان را بیدار یابد. (۳).

۱۰. پس شما نیز مستعد باشید ، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید ، پسر انسان می آید. (۴).

۱۱. و زلزله های عظیم در جای ها ، و قحطی ها ، و وباها پدید و چیزهای هولناک و علامات بزرگ از آسمان ظاهر خواهد شد. (۵).

۱۲. و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود. (۶).

۱۳. و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می آید. (۷).

۴. مکاشفه یوحنا :

۱۴. و شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد ، زیرا که جلال خدا آن را منور می سازد. (۸).

ص: ۱۰۳

۱-۱. همان ، بند ۳۲ و ۳۳ .

۲-۲. عهد جدید ، انجیل لوقا ، باب ۱۲ ، بند ۳۵ و ۳۶ .

۳-۳. همان ، بند ۳۷ .

۴-۴. همان ، بند ۴۰ .

۵-۵. همان ، باب ۲۱ ، بند ۱۱ .

۶-۶. همان ، بند ۲۵ .

۷-۷. همان ، بند ۲۷ .

۸-۸. عهد جدید ، مکاشفه یوحنا ، باب ۲۱ ، بند ۲۴ .

۱۵. و دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب ندارند. زیرا که خداوند خدا بر ایشان روشنایی می بخشد. (۱).

پسر انسان کیست؟

براساس تحقیقات مسترهاکس آمریکایی، واژه پسر انسان ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن به کار رفته است که تنها ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام قابل تطبیق است. (۲).

همسویی ویژگی های موعود در اسلام و مسیحیت

در مورد اعتقاد به موعود دو وجه اشتراک بسیار مهم بین مسلمانان و مسیحیان وجود دارد:

۱. هر دو، منجی را موجود و زنده می دانند.

برخلاف قوم یهود، مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام اندکی پس از آنکه به دار زده شد، زنده شده، در قید حیات است.

مسلمانان به ویژه شیعیان اعتقاد راسخ دارند که موعود جهانی و مصلح آسمانی، شب نیمه شعبان ۲۵۵ ه. دیده به جهان گشوده و هم اکنون زنده است و در انتظار فرا رسیدن فرمان حق تعالی است، که پرده غیبت را کنار زده، چهره پرفروغ و عالم آرای خود را ظاهر سازد.

نقش سازنده موجود بودن موعود و تأثیر شگرف آن در دل باورداران بر احدی پوشیده نیست.

۲. مسلمانان نیز همانند مسیحیان بر نزول حضرت عیسی علیه السلام اعتقاد قطعی دارند، جز اینکه مسیحیان او را نجات بخش و مسلمانان او را یار و یاور منجی می دانند.

ص: ۱۰۴

۱-۱. همان، باب ۲۳، بند ۵.

۲-۲. مسترهاکس آمریکایی، قاموس کتاب مقدس، ص ۲۱۹.

و اما دیگر نقاط مشترک :

۱. حضرت عیسی تأکید می کند که از روز و ساعت ظهور احدی اطلاع ندارد ، از نظر ما نیز احدی از وقت ظهور خبر ندارد :

از پیامبر رحمت پرسیدند : قائم شما کی ظهور می کند ؟

در پاسخ فرمود :

مثل او مثل رستاخیز است که جز خداوند منان احدی از وقت آن مطلع نیست .(۱)

۲. حضرت عیسی علیه السلام تأکید می کند که در ساعتی که گمان نمی برید او می آید ، در احادیث اسلامی نیز بر آن تأکید شده :

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه فرمود :

جز به صورت ناگهانی ظاهر نشود .(۲)

۳. حضرت عیسی علیه السلام تأکید می کند که جهان با نور خداوند روشن شود و نیازی به خورشید و ماه نباشد ، این تعبیر عینا در احادیث اسلامی آمده :

امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود :

چون قائم ما قیام کند ، زمین با نور صاحبش منور گردد ، مردم از نور خورشید بی نیاز شوند ، تاریکی رخت بر بندد و شب و روز یکسان شوند .(۳)

ص: ۱۰۵

۱-۱. شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۷۲ .

۲-۲. خزاز ، کفایه الاثر ، ص ۲۴۸ .

۳-۳. طبری ، دلائل الامامه ، ص ۲۴۱ .

۴. حضرت عیسی علیه السلام تأکید می کند که نشانه ظهور در خورشید و ماه ظاهر می شود ، در احادیث اسلامی نیز تأکید شده که نشانه ظهور در قرص خورشید ظاهر می شود :

رسول اکرم صلی الله علیه و آله از نشانه های موعود در آستانه ظهور گفتگو کرده ، در ضمن می فرماید :

بیکری را می بیند که همراه قرص خورشید نمایان شده ، ندا می کند : فلانی پسر فلانی برانگیخته شد . (۱)

۵. حضرت عیسی علیه السلام برای درك حضور و رهایی از شرور توصیه می کند که همواره به دعا و نیایش پردازند ، آنجا که می فرماید :

پس هر وقت دعا کرده بیدار باشید تا شایسته آن گردید که از جمیع این چیزهایی که به وقوع خواهد پیوست نجات یابید و در حضور پسر انسان باشید . (۲)

امام عسکری علیه السلام نیز در این رابطه می فرماید :

به خدا سوگند او غایب می شود ، غیبتی که در آن رهایی پیدا نمی کند از هلاکت ، جز کسی که خداوند او را در اعتقاد بر امامت آن حضرت ثابت قدم بدارد و او را برای دعا کردن به تعجیل فرجش موفق بدارد . (۳)

۶. حضرت عیسی علیه السلام به هنگام گفتگو از ناجی و موعود می فرماید :

ص: ۱۰۶

۱- ۱. علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۱ ، ص ۱۰۹ .

۲- ۲. عهد جدید ، انجیل لوقا ، باب ۲۱ ، بند ۳۶ .

۳- ۳. علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۴ .

سوگندی که برای پدر ما ابراهیم یاد کرده ، که ما را فیض عطا فرماید ، تا از دست دشمنان خود رهایی یافته ، او را بی خوف عبادت کنیم .(۱)

و این دقیقاً مضمون آیه شریفه ایست که می فرماید :

خداوند به کسانی که ایمان آورده ، عمل صالح انجام دهند ، وعده فرموده که آنها را در روی زمین خلیفه گرداند ، چنانکه افرادی را که پیش از آنها بودند جانشین قرار داد ، و آنها را متمکن سازد از دینی که برای آنها برگزیده و خوف آنها را به امنیت مبدل نماید ، تا مرا عبادت کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند .(۲)

در ذیل این آیه شریفه ده ها حدیث داریم که این آیه پیرامون دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام نازل شده است .(۳)

۷ . در انجیل از حکومت بسیار طولانی موعود سخن رفته(۴) در احادیث اسلامی نیز از ۳۰۹ سال گفتگو شده :

امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید :

قائم (عج) ۳۰۹ سال حکومت می کند ، همان مقدار که اصحاب کهف در کهف خود درنگ نمودند .(۵)

ص: ۱۰۷

۱-۱ . انجیل لوقا ، باب ۱ ، بند ۷۳ و ۷۴ .

۲-۲ . سوره نور (۲۴) ، آیه ۵۵ .

۳-۳ . خزاز ، کفایه الاثر ، ص ۵۶ ؛ نعمانی ، التفسیر (المحکم و المتشابه) ، ص ۱۱۲ ؛ طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۱ ، ص ۲۵۶ ؛ حلی ، مختصر بصائر الدرجات ، ص ۹۹ ؛ کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۴ ؛ طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۷ ، ص ۱۵۲ ؛ نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۴۰ ؛ شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۸۱ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۱۱۰ ؛ شیخ صدوق ، الخصال ، ج ۲ ، ص ۴۷۴ .

۴-۴ . عهد جدید ، مکاشفه یوحنا ، باب ۲۰ ، بند ۴ .

۵-۵ . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۷۴ ، ح ۴۹۶ .

۸. حضرت عیسی علیه السلام از وقوع زلزله ها ، قحطی ها ، جنگ ها و اغتشاش ها در آستانه ظهور خبر می دهد، (۱) و این مطلب در صدها حدیث مربوط به علایم ظهور از پیشوایان نور آمده است. (۲)

۹. حضرت عیسی علیه السلام تأکید می کند که پسر انسان سوار بر ابر با یک شوکت و احتشام خاص می آید (۳) در احادیث اسلامی حتی در مورد شماری از یاران خاص آن حضرت تأکید شده که در روز روشن و در معرض دید همگان سوار بر ابر از شهری به شهر دیگر منتقل می شوند. (۴)

۱۰. حضرت عیسی علیه السلام در ده ها مورد بر انتظار فرج ، کیفیت انتظار ، نقش انتظار و سختی آن گفتگو کرده ، در موردی به لزوم ادامه آن تأکید کرده می فرماید :

لکن هر که تا به انتها صبر کند نجات می یابد. (۵)

در احادیث اسلامی نیز در صدها حدیث از انتظار فرج ، نقش انتظار ، پاداش انتظار ، اوصاف منتظران و از دیگر ویژگی های آن سخن رفته ، از جمله امام رضا علیه السلام در حدیثی می فرماید :

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ إِنْتَظَرَ الْفَرْجَ؛ (۶)

چه قدر نیکوست که انسان شکیبایی را پیشه خود ساخته ، فرج را انتظار کشد .

ص: ۱۰۸

-
- ۱-۱. انجیل مرقس ، باب ۱۳ ، بند ۸.
 - ۲-۲. نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۸۶ _ ۲۴۸.
 - ۳-۳. انجیل لوقا ، باب ۲۱ ، بند ۲۷.
 - ۴-۴. علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۶۸.
 - ۵-۵. انجیل متی ، باب ۲۴ ، بند ۱۳.
 - ۶-۶. عیاشی ، التفسیر ، ج ۲ ، ص ۱۵۰ ، ح ۱۵۹۴.

بی گمان عنوان زرتشت یا اوستا در قرآن کریم و کتاب های مقدس (عهدین) نیامده، آنچه در منابع آسمانی آمده، واژه مجوس می باشد.

قدیمترین منبعی که در آن واژه مجوس آمده، کتاب ارمیا نبی است، که در آن به مناسبت دستگیری حضرت ارمیا از افراد متنفذ در دستگاه بخت نصر از جمله رئیس مجوسیان نام برده شده (۱).

در عهد جدید نیز یک بار واژه مجوسی و سه بار مجوسیان به مناسبت آمدن جمعی مجوس برای تحقیق پیرامون تولد حضرت مسیح به اورشلیم آمده است (۲).

مجوس یک واژه کلدانی است، به خادمان دین زرتشت نیز مجوس می گفتند. اینها لباس خاص داشتند و موظف بودند که آتش را در آتشکده های اورمزد روشن نگهدارند (۳).

در قرآن کریم فقط یکبار نام مجوس آمده است:

« إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ... »؛ (۴)

آنانکه ایمان آوردند و کسانی که یهودی، صائبی، نصرانی، و مجوس شدند، و کسانی که شرک ورزیدند ...

در این آیه شریفه خداوند مؤمنان، مشرکان و اهل کتاب را با لفظ «الَّذِي» از یکدیگر جدا کرده است.

در این فراز از آیه چهار گروه را با یک «الَّذِي» تحت یک مجموعه آورده است:

۱. یهودیان

ص: ۱۱۰

۱-۱. عهد عتیق، کتاب ارمیا نبی، باب ۳۹، بند ۱۳.

۲-۲. عهد جدید، انجیل متی، باب ۲، بندهای ۱، ۷ و ۱۶.

۳-۳. مستر هاکس آمریکایی، قاموس کتاب مقدس، ص ۷۸۵.

۴-۴. سوره حج (۲۲)، آیه ۱۷.

۲. صابئین (۱)

۳. مسیحیان

۴. مجوس

از این آیه می توان استفاده کرد که مجوس نیز اهل کتاب هستند .

سیمای مجوس در احادیث

با سیری گذرا در منابع حدیثی ، اهل کتاب بودن مجوس تقویت می شود ، که از آن جمله است :

۱. رسول اکرم صلی الله علیه و آله نامه ای به هجر (۲) نوشته آنها را به اسلام دعوت کرد ، از مشرکان جز اقرار به اسلام را نپذیرفت ، ولی از یهود ، نصاری و مجوس جزیه قبول کرد . (۳)

می دانیم که جزیه منحصر از اهل کتاب پذیرفته می شود ، چنانکه در حدیث زیر به صراحت آمده است :

۲. از امام صادق علیه السلام پرسیدند : آیا برای مجوس پیامبری بود ؟ فرمود : آیا نمی دانید که پیامبر صلی الله علیه و آله به اهل مکه نامه نوشت و آنها را به اسلام دعوت کرد ، آنها پیشنهاد جزیه دادند ، حضرت به آنها نوشت :

ص: ۱۱۱

۱-۱. صُبیّی ها ، که در اصطلاح قرآن « صابئین » نامیده می شوند ، خود را پیرو حضرت یحیی علیه السلام می پندارند ، برای تاریخچه و عقاید آنها : بنگرید به : (۱) اصول الصابئه و معتقداتهم الدیّیّیه ؛ عزیز سباهی ، چاپ دمشق . ب) تاریخ الصابئه المندائیین ، محمد عمر حماده ، چاپ بیروت . ج) الصابئه ، غضبان روحی ، چاپ بغداد . د) صابئه حران ، محمد عبدالحمید ، چاپ دمشق . ه) الصابئون ، عبدالله علی سمک ، چاپ قاهره . و) الصابئون فی حاضرهم و ما ضیهم ، سید عبدالرزاق حسنی ، چاپ بغداد .

۲-۲. « هَجْر » نام شهری در بحرین و مناطقی در نجران ، جازان ، حصنه ، یمن و روستایی در اطراف مدینه می باشد . (یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۵ ، ص ۳۹۳) .

۳-۳. ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۴ ، ص ۱۱۷ .

إِنِّي لَسْتُ أَخْذُ الْجِزْيَةَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ؛

من هرگز جزیه را جز از اهل کتاب نمی پذیرم .

آنها در پاسخ نوشتند :

پس چگونه است که از مجوس هجر جزیه گرفتید ؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ آنها نوشت :

إِنَّ الْمَجُوسَ كَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ فَقَتَلُوهُ ، وَ كِتَابٌ أَحْرَقُوهُ ؛(۱)

برای مجوس پیامبری بود که او را کشتند و کتابی بود که آن را آتش زدند .

۳ . امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری فرمود :

نام کتاب آنها « جاماسب » بود .(۲)

۴ . امیرمؤمنان علیه السلام در این رابطه فرمود :

مجوس از این جهت به یهود و نصاری ملحق می شود ، در جزیه و دیات ، که در گذشته کتاب داشتند .(۳)

۵ . و در حدیث دیگری فرمود :

آری ، ای اشعث ، خداوند برای آنها کتابی فرستاده بود و پیامبری برانگیخته بود .(۴)

ص: ۱۱۲

۱-۱ . کلینی ، الکافی ، ج ۳ ، ص ۵۶۷ ؛ شیخ طوسی ، تهذیب الاحکام ، ج ۴ ، ص ۱۱۳ .

۲-۲ . شیخ طوسی ، تهذیب الاحکام ، ج ۶ ، ص ۱۷۵ ، ح ۳۵۰ .

۳-۳ . شیخ مفید ، المقنعه ، ص ۴۴ .

۴-۴ . شیخ صدوق ، الأمالی ، ص ۲۸۰ .

۶. امام سجاد علیه السلام می فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حق مجوس فرمود:

سُنُّوا بِهِمْ سُنَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ؛ (۱)

با آنها همانند اهل کتاب معامله کنید.

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

ازدواج موقت با زن مجوسی مانعی ندارد. (۲)

۸. از امام رضا علیه السلام در مورد ازدواج موقت با زن یهودی و نصرانی پرسیدند، فرمود: مانعی ندارد. سپس در مورد زن

مجوسی پرسیدند، فرمود: آنها مانعی ندارد. (۳)

۹. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان ذبیحه یهود، نصاری و مجوس را خورد؟ فرمود:

اگر بشنوید که نام خدا را بر زبان جاری کردند، و یا گواهان شهادت دهند که دیدند که نام خدا را بر زبان آوردند، پس

بخور. ولی اگر خود نشنوید و گواهان گواهی ندهند، پس ذبیحه آنها را نخورید. (۴)

شیخ طوسی پس از نقل این حدیث، احادیث دال بر عدم جواز را پذیرفته، و این حدیث را به استناد حدیثی دیگر حمل بر

مقام ضرورت نموده است. (۵)

ص: ۱۱۳

۱-۱. شیخ طوسی، الأمالی، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲-۲. همو، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۲۵۶.

۳-۳. همو، الاستبصار، ج ۳، ص ۱۴۴، ح ۵۲۱.

۴-۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۶۹، ح ۲۹۵؛ همو، الاستبصار، ج ۴، ص ۸۶، ح ۳۲۷.

۵-۵. همو، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۷۰، ذیل حدیث ۲۹۷؛ همو، الاستبصار، ج ۴، ص ۸۶، ذیل حدیث ۳۲۹.

۱۰. شیخ طوسی در کتاب الخلاف می فرماید: مجوس کتاب داشتند، ولی از میان آنها برداشته شد و آن صحیح ترین قول شافعی است، ولی در قول دیگرش گفته که برای آنها کتابی نبود ابوحنیفه نیز با او هم عقیده است.

آنگاه شیخ طوسی برای نظر خود چنین استدلال می کند:

دلیل ما اجماع فرقه حقه و روایات آنهاست. از علی علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

برای آنها کتابی بود که آن را سوزانیدند و پیامبری بود که او را کشتند.

پس ثابت شد که آنها اهل کتاب می باشند. (۱)

مجوس از دیدگاه دانشمندان

به طوری که شیخ طوسی در کتاب الخلاف فرموده اند: اجماع فرقه امامیه بر آن است که مجوس اهل کتاب می باشند.

برای استفاده از نظرات فقهای شیعه در طول تاریخ، شماری از فقهای شیعه را، از عصر شیخ طوسی تا عصر علامه حلی، به ترتیب تسلسل زمانی نام می بریم، که همه آنها فتوا داده اند که مجوس اهل کتاب می باشد و یا حداقل شبهه کتابی بودن دارند و در نتیجه در حکم اهل کتاب می باشند:

۱. ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، مشهور به: شیخ طوسی (۳۸۵ _ ۴۶۰ ه.ق). (۲)

۲. قاضی عبدالعزیز بن بزاج طرابلسی، مشهور به: ابن بزاج (۴۰۰ _ ۴۸۱ ه.ق). (۳)

۳. سعید بن عبدالله بن حسین بن هبه الله، مشهور به: قطب راوندی (م: ۵۷۳ ه.ق). (۴)

۴. عمادالدین، ابوجعفر محمد بن علی بن حمزه طوسی، مشهور به: ابن حمزه (۵)

ص: ۱۱۴

۱-۱. همو، کتاب الخلاف، ج ۳، ص ۱۸۴، کتاب الجزیه، مسأله سوم.

۲-۲. شیخ طوسی، النهایه؛ همو، الجمل و العقود، سلسله الینایع الفقیه، ج ۹، ص ۵۰ و ۶۱.

۳-۳. ابن بزاج، المهدب، سلسله الینایع الفقیه، ج ۹، ص ۸۱.

۴-۴. قطب راوندی، فقه القرآن، سلسله الینایع الفقیه، ج ۹، ص ۱۲۳.

۵-۵. ابن حمزه، الوسيله الی نیل الفضیله، سلسله الینایع الفقیه، ج ۹، ص ۱۶۲.

۵. ابو منصور محمد بن ادريس عجلي حلي ، مشهور به : ابن ادريس (۵۵۸ _ ۵۹۸ هـ .) . (۱)

۶. ابوالقاسم نجم الدين جعفر بن حسن بن ابی زكريا يحيى بن حسن بن سعيد هذلي ، مشهور به : محقق حلي (۶۰۲ _ ۶۷۶ هـ .) . (۲)

۷. ابوزكريا ، يحيى بن احمد بن يحيى بن حسن بن سعيد هذلي ، پسر عموی محقق حلي (۶۰۱ _ ۶۸۹ هـ .) . (۳)

۸. جمال الدين ، ابومنصور حسن بن سديدالدين يوسف بن زين الدين علي بن محمد بن مطهر حلي ، مشهور به : علامه حلي . (۴)

روی این بیان هیچ تردیدی نیست که مجوس اهل کتاب هستند و اگر کسی بخواهد با احتیاط داوری کند می تواند بگوید : بی گمان مجوس شبهه کتابی بودن دارند و از نظر احادیث اهل بیت و فقه شیعه در حکم اهل کتاب هستند .

در اینجا فقط یک شبهه اساسی باقی می ماند و آن عبارت است از ارتباط زرتشت با مجوس !

زرتشت کیست ؟

هاله ای از ابهام زندگی زرتشت را فرا گرفته ، ۳۶ قرائت در نام او و بیش از سه قرن اختلاف در تاریخ تولد او موجود است .

زرتشتیان را گمان بر این است که او در حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد در عهد گشتاسب دیده به جهان گشود .

پدرش : پوروشسپ اهل آذربایجان و مادرش : دوغدو (دوغدویه) اهل ری بود .

گفته می شود او سرانجام در حمله دوم ارجاسپ تورانی به بلخ ، به دست یک تن تورانی از خاندان کرپ به نام براترک رش کشته شد .

موبدان تلاش فراوان کردند که مجوس را با زرتشت تطبیق بدهند تا به عنوان

ص: ۱۱۵

۱-۱ . ابن ادريس ، الحاوی لتحريير الفتاوى ، سلسلة الينايع الفقيهيه ، ج ۹ ، ص ۱۷۷ .

۲-۲ . محقق حلي ، شرايع الاسلام ، سلسلة الينايع الفقيهيه ، ج ۹ ، ص ۲۱۲ .

۳-۳ . يحيى بن احمد ، الجامع للشرايع ، سلسلة الينايع الفقيهيه ، ج ۹ ، ص ۲۳۴ .

۴-۴ . علامه حلي ، قواعد الاحكام ، سلسلة الينايع الفقيهيه ، ج ۹ ، ص ۲۴۴ .

یک آیین آسمانی از نظر مسلمانان پذیرفته شود .

البته به هنگام فتح ایران ، مسلمانان با یک تسامح اسلامی با آنان رفتار کردند و به حدیث شریف پیامبر صلی الله علیه و آله استناد کردند که فرمود :

سُنُّوا بِهِمْ سُنَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ؛ (۱)

با مجوسیان همانند اهل کتاب رفتار کنید .

ما این حدیث را از منابع شیعه روایت کردیم (۲) اضافه می کنیم که در منابع حدیثی اهل سنت نیز عینا آمده است (۳) ولی در همه منابع به عنوان مجوس است ، و در فتح ایران آن را به زرتشتیان نیز تعمیم دادند .

اهل تحقیق تردیدی ندارند که مجوس به معنای زرتشتی نیست ، و اگر در منابع اسلامی مجوس اهل کتاب به شمار آمده ، الزاما به این معنی نیست که زرتشتیان را نیز اهل کتاب بدانیم .

شهرستانی مجوس را به سه دسته تقسیم کرده و به تفصیل سخن گفته که خلاصه اش این است :

مجوس در اصل به دو نیروی نور و ظلمت معتقد بودند ولی می گفتند : امکان ندارد که هر دو قدیمی باشند ، آنها نور را ازلی و ظلمت را حادث می دانستند ولی در مورد اینکه ظلمت چگونه پدید آمد اختلاف داشتند .

آنها اولین مبدأ را کیومرث پنداشتند و کیومرث را آدم ابوالبشر دانستند . کیومرثیه ، به دو اصل : یزدان و اهریمن معتقد بودند ، یزدان را قدیم و ازلی ، اهریمن را حادث و مخلوق می دانستند . (۴)

ص: ۱۱۶

۱-۱ . بلاذری ، فتوح البلدان ، ص ۱۶۲ .

۲-۲ . شیخ طوسی ، الامالی ، ج ۱ ، ص ۳۷۵ .

۳-۳ . بیهقی ، السنن الكبرى ، ج ۹ ، ص ۱۸۹ ؛ مالک ، الموطأ ، ص ۲۷۸ ؛ شافعی ، المسند ، ص ۲۰۹ ؛ سیوطی ، الدر المنثور ، ج ۳ ، ص ۲۷۹ ، متقی هندی ، کنز العمال ، ج ۴ ، ص ۵۰۲ ، ح ۱۱۴۹۰ .

۴-۴ . شهرستانی ، الملل و النحل ، ج ۱ ، ص ۲۳۳ .

زُرَوَانِيَه ، نیز به دو اصل معتقد بودند و عقایدی شبیه خرمدینان داشتند ، و مهمترین عامل انحراف در میان مجوس (در مورد حلول ، تناسخ و اباحیگری) آنها بودند .(۱)

زردشتیه ، پیروان زردشت بن یورشت (پورشسپ) می باشند که در عهد گشتاسب ظهور کرد .(۲)

آنان نیز نور و ظلمت ، یزدان و اهریمن را مبدأ جهان دانسته ، به نبرد دائم بین این دو نیرو معتقد هستند .

زرتشت در کتاب : زند اوستا بشارت داده که مردی در آخرالزمان به نام اَشیزریکا ظهور کرده ، جهان را با زیور علم ودین مزین خواهد کرد .(۳)

روی این بیان زرتشت پیامبر مجوس نیست ، بلکه پیشوای یکی از شاخه های مجوس می باشد .

کتاب معروف او : اوستا مهمترین منبع باقیمانده از متن های پهلوی است .

گفته می شود اوستا در اصل ۲۱ بخش بوده که در طول تاریخ دو سوم آن از بین رفته ، فقط یک سوم آن باقی است .

بخش های موجود آن به شرح زیر است :

۱ . یسنا ، مخصوص تعالیم دینی در ۷ بخش ، شامل ۷۲ سرود .

۲ . یشت ها ، نیایش خطاب به فرشته ها ، شامل ۲۲ سرود .

۳ . ویس پرت ، سروده ایی که در جشن ها خوانده می شود .

۴ . وی دئودات (ونیداد) ، شامل تزکیه نفس ، بهداشت آب و نفرین بر اهریمنان .

۵ . خورتک اپستاک (خرده اوستا) ، پیرامون نمازهای پنجگانه روزانه و نیایش های ماهانه و سالانه .(۴)

از دیگر منابع پهلوی عصر کهن : می نوخرد ، دینکرد ، بوندهشن و زندبهن یسن را می توان نام برد .(۵)

ص: ۱۱۷

۱-۱ . همان ، ص ۲۳۴ .

۲-۲ . همان ، ص ۲۳۵ .

۳-۳ . همان ، ص ۲۳۹ .

۴-۴ . شهرستانی ، توضیح الملل ، ج ۱ ، ص ۳۸۰ .

۵-۵ . همان ، ص ۳۸۱ .

براساس منابع عهد کهن ، کتاب زند و اوستا به فرمان گشتاسب در ۱۲۰۰۰ پست گاو به آب طلا- نوشته شد و در موزه اصطخر پارس ، که دژنشت نامیده می شد ، محافظت می شد ، به هنگام حمله ددمنشانه اسکندر ، همه آنها به فرمان اسکندر طعمه حریق شد .(۱)

با توجه به نصّ رسول عالمیان و پیشوایان معصوم علیهم السلام بر این که برای قوم مجوس پیامبر و کتابی بوده ، به جرأت می توان گفت که ، آیین مجوس در آغاز یک دین صحیح براساس یکتاپرستی بوده ، بعداً ثنویت « دوگانه پرستی » توسط موبدان در آن پدید آمد ، همانگونه که آیین مسیحیت در اصل دین یکتاپرستی بوده ، بعدها مسئله تثلیث (اقانیم سه گانه) در آن پدید آمد .

ولی در مورد آیین زرتشت چنین سند محکم و قابل استنادی در دست نداریم .

در آیین زرتشت و منابع موجود آن دستمایه هایی وجود دارد که پژوهشگر را اطمینان می دهد که زرتشت پیامبر مجوس نبود ، بلکه یکی از مجددان آیین مجوس بود ، فی المثل زرتشت در گات ها گوید :

قصده من این بود که صفای قدیمی مذهب را برگردانم .

در اینجا حدیثی داریم که صداقت و نبوت زرتشت را به شدت زیر سؤال می برد :

یکی از زنداقه به محضر مقدس امام صادق علیه السلام رسید ، ده ها مسأله از آن حضرت پرسید و حضرت پاسخ داد ، از جمله پرسید : آیا خداوند برای قوم مجوس پیامبری فرستاد ؟

امام علیه السلام فرمود :

هیچ امتی نیست جز اینکه خداوند برای آنها هشدار دهنده ای فرستاده است ، آری برای آنها نیز خداوند پیامبری فرستاد و کتابی آورد ، که خودش و

ص: ۱۱۸

کتایش را انکار نمودند .

گفت : بعضی ها گمان می کنند که خالد بن سنان بر آنها مبعوث شده ، حضرت فرمود :

خالد یک عرب بدوی بود و پیامبر نبود ، این سخن را مردم می گویند .

عرض کرد : آیا پیامبر آنها زرتشت بود ؟ حضرت فرمود ؟

إِنَّ زَرْدَشْتًا أَتَاهُمْ بِرَمَزَمَةٍ وَادَّعَى التَّبَوَّةَ ، فَأَمَّنَ مِنْهُمْ قَوْمٌ وَجَحَدَهُ قَوْمٌ ، فَأَخْرَجُوهُ فَأَكَلَتْهُ السَّبَاعُ فِي بَرِيهِ مِنَ الْأَرْضِ ؛(۱)

زرتشت سخنانی ساز کرد و برای آنها آورد و ادعای تبوت کرد ، گروهی از آنها به او گرویدند و گروهی دیگر او را انکار کردند ، پس در یکی از صحراهای زمین درندگان او را دریدند .

این حدیث را علامه مجلسی نقل کرده(۲) سپس فرموده : « أَتَاهُمْ بِرَمَزَمَةٍ » یعنی برای آنها سخنانی آورد که مفهوم نبود ، به دور از اذهان و برخلاف حق بود .(۳)

تعبیر : « وَادَّعَى التَّبَوَّةَ » تقریباً صریح است در این اینکه او پیامبر نبود ، بلکه مدعی نبوت بود .

ولی ما به دلایل زیر نویدهای زرتشت را در شمار نویدهای اهل کتاب می آوریم :

۱ . نویدهای اوستا و دیگر آثار منسوب به زرتشت بسیار شفاف و روشن است و بدون تردید نشأت گرفته از منبع وحی است ، زیرا این مطالب مربوط به آینده است و

ص : ۱۱۹

۱-۱ . طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۲ ، ص ۳۴۶ .

۲-۲ . علامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۱۰ ، ص ۱۷۹ و ج ۱۴ ، ص ۴۶۲ .

۳-۳ . همان ، ج ۱۰ ، ص ۱۹۳ .

افراد غیر وابسته به مکتب انبیاء از آنها بی بهره هستند .

۲. این بشارت ها کاملا با آنچه در منابع اسلامی از معصومین علیهم السلام رسیده همسو و همگام می باشد .

۳. کتب زرتشتیان تنها منابع بازمانده از مجوس می باشد .

با این مقدمات ثابت می شود که حقایق نهفته در این کتاب ها برگرفته از تعالیم انبیاءست ، چنانکه خود زرتشت در گات ها تصریح کرده که هدفش باز گردانیدن مذهب به صفای قدیمی خود می باشد ، در نتیجه او یک فرد اصلاح طلب در تعالیم مذهب می باشد ، اگرچه در آثارش مطالب نادرست فراوان ، از جمله مسأله ثنویت موجود می باشد ، ولی این مانع از آن نیست که به حقایق موجود در آن توجه نشود ، چنانکه سخنان بیهوده و باطلی چون تثلیث ، مانع از استناد به کتب مسیحیت نمی باشد .

سیمای موعود در آینه زرتشت

بیشترین واژه‌های که در منابع زرتشت برای موعود به کار رفته ، واژه سوشیانس می باشد .

سوشیانس ، سوشیانت ، سوشیانت ، سوشیانت ، سوشانس و سیوسوش ، کلا از ماده سو به معنای سودمند ، سودآور و سودرسان می باشند .

در زند و اوستا ، همه جا سوشیانس به معنای رهایی بخش و نجات دهنده به کار رفته و غالبا از سه رهایی بخش در سه مقطع ، از مقاطع عمر جهان ، گفتگو شده است . ولی هنگامی که از موعود آخرالزمان گفتگو شده ، معمولا همراه با واژه ورثرغن یعنی : پیروزگر و همیشه پیروز آمده است . (۱)

واژه خاصی که از آخرین منجی یا سوشیانت پیروزگر در منابع زرتشتی تعبیر می شود ، واژه اَشْتَوْتِ اِرْتِ می باشد .

این در خود متون زرتشتی اینگونه تفسیر شده است :

ص: ۱۲۰

۱-۱. این واژه از دو واژه اوستایی : « ورثر » و « غن » ترکیب یافته ، که جزء اول آن به معنای : حمله ، هجوم ، فتح و پیروزی ، و جزء دوم آن به معنای : زننده و کشنده می باشد ، این واژه در تفسیر پهلوی اوستا به : « پیروزگر » ترجمه شده و معادل « بهرام » به معنای فرشته نصرت و نگهبان فتح و ظفر می باشد . (مصطفوی ، سوشیانت ، ص ۷۹) .

او را از این جهت « اَسْتَوْتِ اِرْتِ » گویند ، برای آنکه آنچه در این جهان دارای جسم و جانی است ، از پرتو او به یک زندگانی فناپذیر رسد. (۱)

در منابع زرتشتی ، هر کجا واژه سوشیانتِ اوستایی ، یا سوشیانسِ پهلوی ، به صورت مفرد آمده ؛ یا با عنوان اَسْتَوْتِ اِرْتِ همراه باشد ، مقصود از آن آخرین نجات بخش جهان است که تمام آدمیان را از ستم و بیداد خواهد رهانید. (۲)

در بسیاری از پیشگویی های زرتشت از او بهرام تعبیر شده که به یک نمونه از زراتشت نامه که متن منظوم بهمن یشت می باشد ، بسنده می کنیم :

بیاید پس آن شاه فرخنده نام که « بهرام » خواند ورا خاص و عام

بگیرد سر تخت و تاج شهان جهان را رهاند از آن گمرهان

زعالم بیزند تخم بدان نشینند با کام دل بخردان(۳)

در اینجا شماری از نویدهای منابع زرتشتی را از مورد اعتمادترین نسخ موجود ، با اشاره به پایگاه های پالایش شده آنها می آوریم ؛ در این نویدها از موعود آخرالزمان ، سیره و صورت او ، یاران فداکار او ، فرو ریختن نظام های فاسد و بنیاد جهانی آباد ، آرام ، بی کینه و بی خدعه به روشنی و شفافیت تمام خبر می دهند :

۱ . سوشیانس ، دین را به جهان رواج دهد ، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد ، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده ، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار سازد. (۴)

۲ . پس سوشیانس آفرینش را دوباره پاک بسازد و رستاخیز و تن پسین باشد. (۵)

ص: ۱۲۱

۱-۱ . فروردین یشت ، بند ۱۲۹ (پور داود ، سوشیانت موعود مزد یسنا ، ص ۱۴) .

۲-۲ . زامیاد یشت ، بندهای ۸۹ _ ۹۷ (سوشیانت موعود مزد یسنا ، ص ۱۶ و ۲۴) .

۳-۳ . صادق هدایت ، درباره ظهور و علائم ظهور ، ص ۸۰ .

۴-۴ . جاماسب نامه ، ص ۱۲۱ و ۱۲۲ .

۵-۵ . زند بهمن یسین ، ص ۱۹ .

در بخش واژه‌شناسی زند بهمن یسن آمده : سوشیانس آخرین نجات بخش دین زرتشتی است. (۱)

۳. بدان جهت که مردگان دگر باره برخیزند و زندگانی جاودانه آغاز گردد و « سوشیانس » به درآید و جهان را به آروزی خویش دگرگون سازد. (۲)

در این فراز به رجعت و بازگشت مردگان در هنگامه ظهور تصریح شده است .

۴. بدان هنگام که « اَسْتوت اِرت » به درآید ، گریزی پیروزمند به دست دارد ، گریزی که فریدون دلیر به هنگام کشتن اژدهاک در دست داشت ... استوت ارت با این گرز دروغ را از گیتی خانه راستی بیرون خواهد راند. (۳)

۵. یاران « استوت ارت » پیروزمندانی به در آیند : نیک اندیش ، نیک گفتار و نیک دین ، آنان هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند. (۴)

در این فراز از اصحاب خاص موعود ستایش شده و در فرازهایی دیگر از برخی از آنان نام برده شده ، که از آن جمله است :

۱. توس ، فرزند نوذر (۵)

۲. گرشاسب (۶)

۳. اَشَوَذَ دَنگَهه (۷)

۶. کی ، ای مزدا ، سپیده دم به درآید ، و جنس بشر به سوی راستی روی کند ؟ کی ، نجات دهنده بزرگ با گفتار پر از حکمت خویش به مراد رسد ؟ کدامند کسانی که و هومن به یاری آنان آید؟ (۸)

ص: ۱۲۲

۱-۱. همان ، ص ۱۵۰ .

۲-۲. یشتها ، زامیادیش ، کرده اول ؛ بند ۱۱ و کرده دوم ، بند ۱۹ ؛ اوستا ، نامه مینوی آیین زرتشت ، ص ۲۹۰ .

۳-۳. اوستا ، ص ۳۰۹ ؛ یشتها ، زامیاد یشت ، کرده ۱۵ ، بندهای ۹۲ _ ۹۳ .

۴-۴. اوستا ، ص ۳۱۰ ، کرده ۱۵ ، بند ۹۵ .

۵-۵. اوستا ، ص ۱۴۹ ؛ یشتها ، آبان یشت ، کرده ۱۴ ، بند ۵۳ .

۶-۶. اوستا ، ص ۲۵۳ ؛ یشتها ، فروردین یشت ، کرده ۱۹ ، بند ۶۱ .

۷-۷. اوستا ، ص ۱۵۴ ؛ یشتها ، آبان یشت ، کرده ۱۸ ، بند ۷۲ .

۸-۸. گاتها ، اشتودگات ، یسنا ۴۶ .

۷. به «فَرَوَهَرِ اَسْتَوْتِ اِرْتِ» درود می فرستیم، آن کسی که «سوشیانت پیروزگر» موسوم خواهد شد و «اَسْتَوْتِ اِرْتِ» موسوم خواهد شد.

او را از این رو «سوشیانت» نامند، برای آنکه او به همه موجودات مادی سود بخشد.

او را از این جهت «استوت ارت» گویند، برای اینکه آنچه در جهان دارای جسم و جانی است، از پرتو او به یک زندگانی فناپذیر رسد. (۱)

۸. ای زرتشت سپیتمان، هنگامی که زمان سر شود، دشمنان چنان نابود شوند، مانند ریشه درختی که به یک شب زمستان سرد که فرارسد، به یک شب برگ بیفکند. (۲)

۹. مهر دارنده چراگاه فراخ، و سروش دلیر و رشنِ راست، و بهرام نیرومند و اشتادِ پیروزگر، (و) فره دین مزدیسنان، نیروی آینده رهبری جهان، به فرمان من دادار برسند. (۳)

مهر یکی از ایزدان توانای آیین زرتشتی؛ رشن نام ایزدی دیگر که به همراه مهر و سروش کارهای بندگان را می سنجد؛ اشتاد به معنای راستی و درستی، نام ایزدی که به همراه زامیاد، روان را به ترازوی می گذارد تا رشن کارهای او را بسنجد. (۴)

۱۰. درباره بهرام و رجاوند پیداست که به پر فرهی فراز رسد و دیهیم فراز بندد، گمارده در مقام موبدان موبدی و مقام داور راست دین، و این ده های ایران، که من اورمزد آفریدم، دوباره بیاراید. آز و نیاز و کین و خشم و شهوت، رشک و گناهکاری از جهان کاستی گیرد، گرگ زمان برود و میش زمان آید. (۵)

ص: ۱۲۳

۱-۱. یشتها، فروردین یشت، بندهای ۱۲۸ _ ۱۲۹؛ پور داود، سوشیانت موعود مزدیسنا، ص ۱۴.

۲-۲. زند بهمن یسین، ص ۱۴ (باب ۷، بند ۱۶).

۳-۳. همان، ص ۱۵، بند ۲۸.

۴-۴. همان، ص ۴۴.

۵-۵. همان، ص ۱۶ (باب ۸، بندهای ۱ _ ۳).

۱۱. فر کیانی مزدا آفریده نیرومند، ابرکار، پرهیزگار، ارجمند، ماهر و برتر از دیگر آفریدگان را می ستاییم، که از آن سوشیانس و یاران دیگرش خواهد بود. (۱)

۱۲. پس باشد از آنانی باشیم که جهان را نورانی کنیم ای مزدا، و شما ای اهوره های دیگر، که حمایت و راستی را بیاوریم، وقتی که اندیشه ها آنجا یکی شوند. (۱)

۱۳. می خواهیم که سوشیانس ها شویم، می خواهیم که پیروزمند شویم. (۲)

۱۴. رو به امشاسپندان و سوشیانس ها آوریم، که داناترین، راست گفتارترین، یاری کننده ترین، به جنبش آورنده ترین و بزرگترین هستند. (۳)

۱۵. ما فر کیانی توانا را می ستاییم که در میان سوشیانت ها به آن پیروزمند و یارانش مختص خواهد شد، که جنس بشر را نو کند که هیچ وقت پیر نشود. (۴)

۱۶. وقتی که « آسْتَوْتِ اِرتَ » پیک مزدا اهورا ... ظهور کند ... جهان راستی را از دروغ پاک خواهد نمود. او با دیدگان دانا به سوی مخلوقات خواهد نگرست. (۵)

۱۷. فروهر نیک توانای پاک پرهیزگاران را از « کیومرث » تا « سوشیانس پیروزگر » می ستاییم. (۶)

۱۸. هدف سوشیانس ها با آموزش های کامل تو هماهنگ است، به سوی که برای یاری دادن اندیشه نیک باید رفت؟ (ای مزدا) (۷)

۱۹. آنها سوشیانس های کشورها خواهند بود، آنان که شناخت خود را از آموزش تو به وسیله کردارهای هماهنگ با اشه، همراه اندیشه نیک پیروی می کنند. (۸)

ص: ۱۲۴

۱-۲. یشتها، زامیاد یشت، بند ۸۸.

۲-۳. همان، بند ۹، یسن ۳۰.

۳-۴. همان، بند ۴، یسن ۷۰.

۴-۵. ویسپرد ۳، بند ۵.

۵-۶. یشتها، زامیاد یشت، بند ۸۹.

۶-۷. همان، بندهای ۹۱ _ ۹۴؛ پور داود، سوشیانت موعود مزدیسنا، ص ۲۴.

۷-۸. همان، فروردین یشت، بند ۱۴۵.

۸-۹. اوستای کاهانی، یسن ۴۶، بند ۳.

۲۰. تا که آنان (سوشیانت ها و یاوران وی) زندگی را تازه سازند ، پیر نشدنی ، نمردنی ، نگنیدنی ، نبوسیدنی ، جاودان زنده ، جاودان بالنده ، کامروا .

در آن هنگام که دیگر باره مردگان برخیزند به زندگانی بی مرگی روی کنند ، پس آنگاه او (سوشیانت) به درآید و به آرزوی خویش جهان را تازه ساخته ، گیتی را نو کند .

پس جهانی که فرمان بردار راستی است ، آسیب ناپذیر شود . دروغ دیگر باره به همان جایی رانده شود که از آنجا برای گزند راستی پرست و نژاد و هستی وی آمده بود . (۱)

در این بخش نیز بر رجعت و بازگشت مردگان در هنگامه ظهور تأکید شده ، جهان پر فروغ ، دیدنی و دوست داشتنی ایام ظهور را به تصویر کشیده ، از نقش اصحاب خاص در اداره کشورها و ایجاد نظم و عدالت ، و تأسیس دنیایی نو با روح تعاون ، براساس مهر و محبت سخن گفته است .

علیرغم تأکید ما بر آسمانی نبودن آیین زرتشتی ، همسویی فراوان بین آموزه های زرتشت و معارف عالیه اسلام ، پیرامون موعود روزگاران می بینیم ، راز این همسویی را پیشتر یادآور شدیم و گفتیم که : این تعلیم عالیه و معارف والا هرگز از مغز افراد غیر مرتبط به عالم وحی تراوش نمی کند ، ولذا اگر نبوت زرتشت ثابت نشود (که نشده) ، بی گمان آموزه های پیامبری راستین از انبیای سلف (پیامبر مجوس ، یا پیامبری دیگر) در دسترس او بوده و این حقایق از مکتب وحی برخاسته ، اگرچه با سخنان سست ، بی ارزش و گاهی ضدارزش نیز آمیخته شده است .

همسویی بشارت های زرتشت با بشارت های اسلام پیرامون موعود

۱. در آموزه های زرتشت تأکید شده که بهداشت و دارو و درمان به قدری رونق می گیرد که هرگز احدی جز به مرگ طبیعی فوت نکند ، (۲) در منابع اسلامی نیز تأکید

ص: ۱۲۵

۱-۱. همان ، یسن ۴۸ ، بند ۱۲ .

۲-۲. یشتها ، زامیاد یشت ، بندهای ۹ _ ۱۲ .

شده که حتی یک نفر نابینا، زمین گیر و بیمار در روی زمین نمی ماند. (۱)

۲. در تعالیم جاماسب آمده است که: دروغ، خیانت و مغبونی از جهان برخیزد، غم و اندوه از دل مردم دور شود، نشاط، خرمی و عیش در دل ها جای گیرد. (۲)

در منابع اسلامی نیز تأکید شده که همه آسمانی ها و زمینی ها خوشحال و خشنود شوند. (۳)

۳. در آموزه های زرتشتی تأکید شده که زمین، دهان باز کند، هر گوهر و فلزی، مانند زر، سیم، روی، ارزیز و سرب آشکار شود، (۴) در منابع اسلامی نیز تأکید شده که زمین آنچه در دل دارد برای او ظاهر می کند. (۵)

۴. در اوستا تأکید شده که اندیشه ها یکی می شود، (۶) در اسلام نیز تأکید شده که او همه افکار و اندیشه ها را به سوی قرآن هدایت می کند و از تشتت آرا باز می دارد. (۷)

۵. در منابع زرتشتی تأکید شده که پیش از ظهور موعود زمین لرزه زیاد باشد (۸) و بسیار ویرانی از خود بر جای گذارد، (۹) و در احادیث اسلامی نیز تأکید شده که حضرت مهدی علیه السلام در سالی پر زلزله ظهور می کند. (۱۰)

۶. در تعالیم زرتشت در میان نشانه های ظهور بیش از همه بر نشانه هایی که در خورشید و ماه و آسمان ظاهر می شود، تکیه شده است، (۱۱) در روایات اسلامی نیز بر کسوف خورشید و خسوف ماه در پیش قدم ظهور، (۱۲) و بروز نشانه در قرص خورشید تأکید شده است. (۱۳)

ص: ۱۲۶

-
- ۱-۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۲.
 - ۲-۲. جاماسب نامه، ص ۸۹.
 - ۳-۳. طبری، دلائل الامامه، ص ۴۷۱؛ حاکم نیشابوری، مستدرک الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۵.
 - ۴-۴. زند بهمن یسن، ص ۸، ب ۴، بند ۵۷.
 - ۵-۵. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۸.
 - ۶-۶. اوستای گاهانی، ب ۹، یسن ۳۰.
 - ۷-۷. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
 - ۸-۸. زند بهمن یسن، ص ۱۱، ب ۶، بند ۴.
 - ۹-۹. جاماسب نامه، ب ۱، بند ۵.
 - ۱۰-۱۰. احمد بن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۷۵، ح ۱۱۳۲۶.
 - ۱۱-۱۱. زند بهمن یسن، ص ۱۱، ب ۶، بند ۴.
 - ۱۲-۱۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵، ب ۵۷، ح ۲۵.

١٣-١٣ . عبدالرزاق ، المصنف ، ج ١١ ، ص ٢٨ ، ح ٢٠٧٧٥٠ .

۷. در ده ها مورد درباره موعود واژه « پیروزگر » تأکید شده (۱) در منابع اسلامی نیز از او « مغلوب » یعنی همیشه پیروز تعبیر شده است. (۲)

۸. در منابع زرتشتی از یاران خاص موعود تقدیس و تمجید فراوان شده، (۳) در منابع اسلامی نیز تمجید و توصیف فراوان از اصحاب خاص حضرت شده است. (۴)

۹. در آموزه های زرتشتی از فروکش کردن آذ، حرص، کین، خشم، رشک و گناه سخن رفته، (۵) در منابع اسلامی نیز بر ریشه کن شدن آنها تأکید شده است. (۶)

۱۰. در منابع زرتشتی بر زنده شدن مردگان در عهد موعود تأکید شده (۷) و آن یکی از اعتقادات اصیل، محکم و خلل ناپذیر ما می باشد و به عنوان « رجعت » شهرت یافته است.

بسیاری از بزرگان بر تواتر احادیث رجعت تصریح کرده اند (۸) و شماری از فرزندگان کتاب های مستقل و مبسوط پیرامون آن به رشته تحریر در آورده اند. (۹)

ص: ۱۲۷

-
- ۱-۱. یشتها، فروردین یشت، بندهای ۱۲۸ و ۱۴۵؛ زند بهمن یسن، ص ۱۵، بند ۲۸.
 - ۲-۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۲.
 - ۳-۳. اوستا، ص ۳۱۰، کرده ۱۵، بند ۹۵.
 - ۴-۴. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.
 - ۵-۵. زند بهمن یسن، ص ۱۶، ب ۸، بندهای ۱-۳.
 - ۶-۶. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۱۹؛ نیلی، منتخب الأنوار المضيئه، ص ۳۵۶؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.
 - ۷-۷. یشتها، زامیاد یشت، بند ۱۹.
 - ۸-۸. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۵؛ شیخ حر عاملی، الايقاظ من الهجعه، ص ۸۲؛ قزوینی، بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۷۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳.
 - ۹-۹. نگارنده کتابشناختی ۱۷۴ اثر مستقل پیرامون رجعت را در رجعت یا دولت کریمه ص ۲۱۶-۲۰۹؛ و بیش از ۱۰۰ عنوان مستقل را در کتابنامه حضرت مهدی آورده است.

از دیدگاه قرآن کریم واژه دین منحصر به آیین مقدس اسلام است، و جز آن دین به شمار نمی آید و لذا این واژه که در قرآن ۶۲ بار آمده، همه اش به عنوان مفرد آمده و هرگز به صیغه تثنیه یا جمع نیامده است.

منطق وحی به صراحت اعلام می دارد:

« إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ »؛ (۱)

بی گمان دین در نزد خدا همانا اسلام است.

« وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ »؛ (۲)

هر کس به جز اسلام آیین دیگری را طلب کند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد.

« الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ، وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا »؛ (۳)

امروز دین را برای شما به کمال رسانیدم، نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برای شما برگزیدم.

« شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا ، وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ، أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ »؛ (۴)

از دین همان را بر شما تشریح کرد که به نوح نیز توصیه نمود. آنچه را که به تو

ص: ۱۲۸

۱-۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

۲-۲. همان: ۸۵.

۳-۳. سوره مائده (۵)، آیه ۳.

۴-۴. سوره شوری (۴۲)، آیه ۱۳.

وحی کردیم ، به ابراهیم ، موسی و عیسی نیز توصیه نمودیم که دین را برپا دارید و در آن پراکنده نشوید .

« وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَيْنَهُ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ ، فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ »؛ (۱)

ابراهیم آن را به فرزندانش توصیه نمود ، یعقوب نیز که ای فرزندان من خداوند دین را برای شما برگزیده ، از دنیا بیرون نروید جز در حالی که مسلمان باشید .

قرآن کریم در این آیات و آیات دیگر اسلام را معادل دین دانسته و آن را در همه موارد به صیغه مفرد آورده است .

شایان دقت است که قرآن کریم واژه صراط را نیز فقط به صورت مفرد آورده ، راه های دیگر را با واژه سبیل مطرح نموده است :

« وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ ، وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ ، فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ »؛ (۲)

این راه (صراط) من است که مستقیم است ، پس از آن پیروی کنید ، از دیگر راه ها پیروی نکنید که شما را از راه او پراکنده کنند .

روی این بیان راه منحصر به راه خدا و آن دین مقدس اسلام است .

آیین یهود ، آیین مسیح و آیین همه پیامبران ، در مقطع خود اسلام بود و آیین توحید بود و صراط مستقیم و راه راست بود .

ص: ۱۲۹

۱-۱ . سوره بقره (۳) ، آیه ۱۳۲ .

۲-۲ . سوره انعام (۶) ، آیه ۱۵۳ .

اما مسلک های زمینی و آیین های غیر آسمانی در واقع دین نمی باشند و از احدی پذیرفته نیستند ، ولی ما در سر فصل همین بخش عنوان : ادیان زمینی به کار بردیم ، چرا ؟

۱ . از راه تسامح و تعامل ، که در عرف هر کیشی که به نوعی به مبدأ و معاد معتقد باشند ، بر آن واژه دین را اطلاق می کنند

۲ . از قرآن کریم پیروی نمودیم که به ادیان باطل نیز واژه دین را اطلاق نموده است :

« وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ »؛ (۱)

هر کس به جز اسلام ، دینی را طلب کند از او پذیرفته نمی شود .

« هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ »؛ (۲)

او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد ، تا آن را بر همه ادیان پیروز سازد .

۳ . همه مکتب هایی که در پهندشت زمین به عنوان دین مطرح هستند ، ریشه آسمانی دارند ، به این معنی که یا واقعا در اصل آیین یکتاپرستی بوده ، با گذشت زمان آنقدر دستخوش تغییر و تحریف شده که کاملا رنگ توحید و اعتقاد به مبدأ و معاد از آنها گرفته شده ، و یا بنیانگذاران آنها معارف یکی از کتب آسمانی را به دست آورده ، آن را براساس اهداف خود تغییر داده ، به عنوان یک روش و منش در میان مردم منتشر ساخته است .

و به همین دلیل است که ما در میان ادیان زمینی به دنبال نویدهای موعود می گردیم :

موعودباوری در کتب مقدسه هندوها

ص: ۱۳۰

۱-۱ . سوره آل عمران (۳) ، آیه ۸۵ .

۲-۲ . سوره توبه (۹) ، آیه ۳۳ ؛ سوره فتح (۴۸) ، آیه ۲۸ ؛ سوره صف (۶۱) ، آیه ۹ .

در لابه لای کتاب هایی که از روزگار باستان در میان هندوان به عنوان کتاب آسمانی شناخته شده ، نویدهای فراوانی پیرامون مصلح آسمانی با صراحت و شفافیت کامل دیده می شود .

ما هیچ سندی در دست نداریم که این کتاب ها آسمانی و آورندگان آنها پیامبران الهی باشند ، ولی اطمینان کامل داریم که یا آورندگان آنها از پیامبران آسمانی بوده اند و یا معارف و تعالیم پیامبری در دسترس آنها بوده و آنها در تدوین این کتاب ها از آن معارف عالی به بهره جسته اند . زیرا اینها مطالب مربوط به آینده است و هرگز افکار و اندیشه های مردم ، اگرچه نابغه دوران و نادره زمان باشند به آنها نمی رسد و این پیشگویی ها منحصرآ باید از سرچشمه وحی نشأت گرفته باشد .

از این رهگذر ما شماری از نویدهای موجود در کتب مذهبی هندوها را پیرامون موعود در اینجا می آوریم ؛ تا جهانی بودن این ایده و عقیده بیش از پیش آشکار گردد :

۱ . در کتاب باسک از کتب مقدسه هندوها آمده است :

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان ، که پیشوای فرشتگان ، پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد .

او هرچه در دریاها ، کوه ها و دل زمین پنهان باشد ، همه را به دست آورد و اخبار آسمان ها و زمین را بیان می کند .

از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید .

۲ . در کتاب شاکمونی از کتب مقدسه هندوها آمده است :

پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق در دو جهان : « کشن »^(۱) تمام شود .

او کسی باشد که بر کوه های شرق و غرب جهان حکم براند و فرمان دهد .

او بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او درآیند .

ص: ۱۳۱

۱-۱ . « کشن » نام مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زبان هندی .

از «سودان» که زیر خط استوا است، تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمال است، و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا را زنده گردد.

نام او «ایستاده» باشد و خداشناس باشد.

۳. در کتاب ریک ودا از کتب مقدسه هندوها چنین آمده:

«ویشنو» در میان مردم ظاهر گردد. (۱)

او از همه کس قوی تر و نیرومندتر است.

در یک دست ویشنو، شمشیری به مانند ستاره دنباله دار، و در دست دیگر انگشتری درخشانده دارد.

هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک شوند و زمین خواهد لرزید. (۲)

۴. در کتاب دید از کتب مقدسه هندوها آمده است:

پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او «منصور» باشد. (۳)

تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا بخواهد بیاورد.

۵. در کتاب وشن جوک از کتب مقدسه هندوها می خوانیم:

سرانجام دنیا به کسی بر گردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او

ص: ۱۳۲

۱-۱. «ویشنو» دومین خدا، از خدایان سه گانه هندوها می باشد، که او را حافظ و حامی جهان، مقتدر و شکست ناپذیر،

صاحب ۱۰۰۰ نام و ۱۰ مظهر می دانند. نشاط، سرور و بقای جهان هستی را به او نسبت می دهند.

۲-۲. ریک ودا، ماندالای ۴، ۱۶ و ۲۴.

۳-۳. «منصور» از القاب حضرت مهدی علیه السلام است. (عراقی، دارالسلام، ص ۴۸).

باشد، نام او « فرخنده » و « خجسته » باشد. (۱)

۶. در کتاب دادتک از کتب مقدسه برهمنیان هند چنین آمده :

بعد از آنکه مسلمانی بهم رسد، در آخرالزمان اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان، فسق عالمان، تعدی حاکمان، ریای زاهدان، بیداینتی امینان، حسد حاسدان و ... برطرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند ... دست حق برآید و جانشین آخر « ممتا » (۲) ظهور کند، مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا ... و خلائق را هدایت کند .

۷. در کتاب پاتیکل از کتب مقدسه هندیان چنین آمده است :

چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود، از فرزندان دو پیشوای جهان : یکی ناموس آخرالزمان .

دیگری وصی بزرگتر وی، که « پشن » نام دارد .

و نام آن ملک تازه « راهنما » است. (۳)

به حق پادشاه شود و خلیفه « رام » باشد. (۴)

حکم براند و او را معجزه بسیار باشد .

۸. در کتاب اوپانیشاد در شرح واژه کلی دهمین مظهر ویشنو آمده است :

ص: ۱۳۳

۱-۱. فرخنده و خجسته، معادل « محمد » و « محمود » می باشد .

۲-۲. « ممتا » در زبان هندی به معنای « محمد » است .

۳-۳. راهنما به عربی « هادی » و « مهدی » می شود، که هر دو از القاب امام زمان علیه السلام می باشد .

۴-۴. « رام » در لغت سانسکریتی به معنای خدا است .

این مظهر ویشنو در انقضای کلی یا عصر آهن ، سوار بر اسب سفیدی ، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار ، در دست دارد ظاهر می شود و شریران را تماما هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد. (۱).

۹. در کتاب شاپورگان کتاب مقدس مانویه ، ترجمه مولر آمده :

باید « خرد شهرایزد » در آخرالزمان ظهور کند و عدالت را در جهان بگسترده. (۲).

۱۰. ۲۵ سال پیش ، در اردیبهشت ۱۳۵۹ ش . توفیقی دست داد ، یک سفر ۲۵ روزه به کشور پهناور هند نمودم ، در کشمیر در مورد زبان سانسکریت جويا شدم ، معلوم شد که دو تن از اساتید دانشگاه سری نگر آگاهی کامل بر این زبان دارند . ترتیبی داده شد که با آنها دیدار کردم و از آنها در مورد آخرالزمان و موعود جهانی پرسیدم ، گفتند : آنچه در کتابهای مذهبی ما موجود است این است که :

یک مرد آسمانی در آخرالزمان ظهور کند ، ظلم و ستم از پهنه جهان ریشه کن سازد . حکومتی براساس عدالت و آزادی در سطح جهان تأسیس کند ، در جهان دیگر از جهل و شر و تبهکاری اثری نمی ماند . و همه انسان ها در برابر او تعظیم کنند و همه جهان زیر یک پرچم و تحت فرمان یک فرمانروا اداره شود .

از آنها خواستم که متن مکتوبی را به من معرفی کنند که حاوی مطالب یاد شده باشد ، آنها کتاب گرگوارنهم نهمین پیامبر سیک ها را معرفی کردند و متن سانسکریت آن را به من ارایه دادند و فزاهایی را از روی آن برای من خواندند و ترجمه کردند. (۳).

ص: ۱۳۴

۱-۱ . اوپانیشاد ، ص ۷۳۷ .

۲-۲ . شاپورگان ، به نقل صادق هدایت ، درباره ظهور و علایم ظهور ، ص ۳۱ .

۳-۳ . این دیدار در منزل مسکونی صدیق ارجمند ، محقق توانمند ، حجت السلام و المسلمین سیدمحمد مختاری در سری نگر رخ داد ، که ایشان در آن سال ها مقیم هند و متصدی امور شیعیان بودند .

این بود خلاصه ای از نویدهای موجود در کتب مقدسه هندوها پیرامون موعود آخرالزمان ، که نسبت به دیگر کتب مقدسه از صراحت و شفافیت بیشتری برخوردار بودند ، و به روشنی حاکی از آن بودند که تدوین کنندگان کتب یاد شده به تعالیم پیامبران دسترسی داشتند و این حقایق والا و معارف بلند را از مکتب وحی آموخته بودند .

* * *

ص: ۱۳۵

واژه سنت در لغت به معنای راه و روش است، و از نظر اهل سنت به معنای حرکت طبق شیوه و روش شرع نبوی می باشد.

اهل سنت، واژه «سنت» را در مقابل «بدعت» به کار می برند.

در قرن اول و نیمه اول قرن دوم به سخنان منقول از پیامبر اکرم، اصحاب و تابعین نیز سنت می گفتند.

در نیمه دوم قرن دوم با تألیف رساله ای واژه سنت را در محدوده سخنان پیامبر محدود کردند، به تدریج سنت منحصر در: گفتار پیامبر، رفتار پیامبر و تقریر و تبیین پیامبر به کار رفت و سخنان صحابه و تابعین به عنوان: «اثر» شناخته شد.

در اوایل قرن سوم عبارت «اصحاب حدیث» جای خود را به «اهل سنت» داد و این واژه به تدریج رواج یافت و به همه پیروان مکتب خلفا، در مقابل پیروان مکتب اهل بیت اطلاق شد.

آنگاه احمد حنبل رساله ای تدوین کرده، ارکان اعتقادی اهل سنت را به شرح زیر مقرر نمود:

۱. تمسک به اصحاب

۲. ایمان به قدر

۳. قدیم بودن قرآن

۴. رؤیت خداوند در قیامت

۵. افضلیت صحابه به ترتیب خلافت

۶. اطاعت از خلیفه، عادل یا فاسق

۷. عدم خروج بر خلیفه

۸. منع بیان مثالب اصحاب

۹. مخلوق بودن بهشت و جهنم

۱۰. عدم کفر اهل قبله

این اصول به تدریج از طرف دیگر مکتب ها نیز پذیرفته شد .

در قرن دوم و سوم مکتب های فقهی اهل سنت به شرح زیر پدید آمد :

۱ . اوزاعی

۲ . سفیان ثوری

۳ . طبری

۴ . حنفی

۵ . لیثی

۶ . ظاهری

۷ . شافعی

۸ . حنبلی

۹ . مالکی

۱۰ . کرامی و ...

بعدها چهار مکتب براساس مصالح و مقتضیات تثبیت شده ، بقیه به کنج عزلت و غربت غنودند .

به موازات تدوین کتب حدیثی ، احادیث مربوط به موعود در مجامع حدیثی جایگاه خاصی پیدا کرد و در همه منابع و کتب حدیثی پایه و مرجع به صورت شفاف و روشن با اسناد صحیح و معتبر جای گرفت ، از جمله در کتب پایه و مرجع زیر :

۱ . بخاری

۲ . مسلم

۳ . ترمذی

۴ . ابوداود

۵ . ابن ماجه

٦. مسند احمد

٧. المصنّف عبدالرزاق

٨. المصنّف ابن ابى شيبه

ص: ١٣٨

به جز صحیح بخاری احادیث حضرت مهدی در دیگر منابع حدیثی اهل سنت به صراحت آمده ، ولی بخاری آن را در باب « نزول عیسی بن مریم » آورده ، به این بیان :

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فَيْكُمُ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ؛ (۱)

چگونه خواهید بود هنگامی که پسر مریم در میان شما فرود آید و امام شما از خود شما باشد .

این حدیث بی گمان در شأن حضرت مهدی علیه السلام است ، ولی نام آن حضرت به صراحت نیامده است ، ولی جای این پرسش باقی است که بخاری با وجود آن همه احادیث صحیحی که در آن به نام حضرت تصریح شده ، تنها به نقل حدیثی بسنده کرده که نام حضرت در آن به صراحت نیامده است .

کسانی که به بخاری حسن ظن دارند ، او را معذور می دارند و می گویند که بخاری در زمانی می زیست که ستیزه های کلامی و عقیدتی سایه سنگین خود را بر سراسر جهان اسلام انداخته بود .

یک نمونه آن زندان ، شکنجه و تازیانه های دستگاه خلافت بود که بر پیکر نحیف احمد حنبل بر سر بحث حدود یا قدمت قرآن نواخته می شد . (۲)

در همین رابطه بخاری را از نیشابور ، سمرقند و زادگاهش بخارا بیرون رانده ، به اقامت اجباری در روستای خرتنک وادار کردند .

در یک چنین جوّ خفقان و خطرناک باید به او حق داد که خود را درگیر مسائل حساسی چون مهدویت نکند .

ص: ۱۳۹

۱-۱. بخاری ، صحیح البخاری ، ج ۴ ، ص ۲۰۵ ، باب نزول عیسی بن مریم علیها السلام .

۲-۲. ذهبی ، سیر اعلام النبلاء ، ج ۱۱ ، ص ۲۴۳ .

ولی آنانکه با ژرف نگری بیشتری به مسأله می نگردند ، معتقدند باید راز اصلی دوری بخاری را از اهل بیت در جای دیگری جستجو کرد .

بخاری از همه ملاحظه روزگار ، چون عمران بن حطان^(۱) روایت کرده ، حتی یک حدیث به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام روایت نکرده است .

برای آشنایی کامل از اعمال ، رفتار ، قضاوت های ناروا و جبهه گیری های مغرضانه و دور از انصافش ، به کتاب ارزشمند : الامام البخاری مراجعه فرمایید .^(۲)

و اینک با این مقدمه کوتاه سرگذشت موعودباوری را در میان فرهیختگان مذاهب چهارگانه اهل سنت پی می گیریم .

موعودباوری در میان حنفیان

نعمان بن ثابت ، مشهور به ابوحنیفه (۸۰ _ ۱۵۰ ه .) پیشوای حنفیان^(۳) در کتاب معروفش : الفقه الاکبر از نزول عیسی علیه السلام به عنوان یکی از اشراط الساعه سخن گفته ، ملاعلی قاری در شرح آن آورده است :

حضرت مهدی علیه السلام در حرمین شریفین ظاهر می شود ، سپس به بیت المقدس تشریف می برد ، دجال می آید ، او را در آنجا محاصره می کند ، در این حال حضرت عیسی علیه السلام فرود می آید ، در دمشق شام ، از سوی مناره شرقی ، از آسمان ، و مهیای نبرد با دجال می شود ، ضربتی بر او فرود می آورد ، با نزول

ص : ۱۴۰

۱-۱ . عمران بن حطان مذهب خوارج داشت ، در ستایش ابن ملجم مرادی ، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را « أشقی الأشیاء » تعبیر کرده ، چکامه سروده ، دارقطنی او را به عنوان : سوء عقیده و خبث مذهب ، متروک الحدیث دانسته ، بخاری از او روایت کرده ، ولی از امام صادق علیه السلام حتی یک حدیث روایت نکرده است . (بنگرید به : تهذیب التهذیب ، ج ۴ ، ص ۳۹۸ ، رقم ۵۹۷۷) .

۲-۲ . این کتاب توسط یک محقق ارجمند توانمند ، در دو مجلد تحت عناوین : (۱) الامام البخاری و فقه اهل العراق ، در ۲۵۰ صفحه وزیری ب) الامام البخاری و صحیحه الجامع المختصر ، در ۵۹۵ صفحه وزیری در ایران ، لبنان و لندن ، چاپ و منتشر شده است .

۳-۳ . شرح حال جامع ابوحنیفه را در کتاب سیر اعلام النبلاء ، ج ۶ ، ص ۳۹۰ ، و دیگر منابع ترجمه اش را در پاورقی آن ملاحظه فرمایید .

عیسی دجال آب می شود ، همانند نمک که در آب ذوب می شود .

حضرت عیسی با حضرت مهدی گرد می آیند ، وقت نماز فرا می رسد ، حضرت مهدی به حضرت عیسی اشاره می کند که مقدم شود ، حضرت عیسی امتناع می کند و می گوید : این نماز برای شما برپا شده ، برای امامت شما شایسته تر هستید ، پس عیسی به او اقتدا می کند تا پیروی اش از پیامبر ما صلی الله علیه و آله آشکار شود .^(۱)

آنگاه فرهیختگان حنفی به دنبال پیشوای خود حرکت کرده ، احادیث روشن و شفاف و اعتراف های قاطع و صریح پیرامون موعود بشریت ، خلیفه حضرت احدیت ، سامان بخش جهان خلقت ، مهدی امت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ، در کتاب های گرانسنگ خود به ودیعت نهادند ، که به شماری از آنها به ترتیب تسلسل زمانی اشاره می کنیم :

۱ . ابو محمد عبدالغنی بن عبدالواحد مقدسی جماعیلی حنفی (۶۰۰ ه .)

وی به سال ۵۴۱ ه . در جماعیل ، از توابع نابلس دیده به جهان گشود ، در دمشق ، بغداد ، همدان ، اصفهان و دیگر مراکز علمی به آموزش حدیث پرداخت ، احادیث موعود را در کتابش : اشراط الساعه ثبت نموده و سرانجام در ۲۳ ربیع الاول ۶۰۰ ه . در قاهره درگذشت .^(۲)

۲ . یوسف بن قزّ اوغلی بن عبدالله دمشقی (۵۸۱ _ ۶۵۴ ه .)

ابوالمظفر ، شمس الدین حنفی ، مشهور به : « ابن جوزی » به تفصیل پیرامون موعود سخن گفته ، از نماز خواندن حضرت عیسی به امامت حضرت مهدی ، از طول عمر و احادیث مهدویت دفاع کرده و تصریح کرده که او فرزند امام حسن عسکری و آخرین امام از ائمه اثنا عشر می باشد .^(۳)

ص : ۱۴۱

۱-۱ . ابوحنیفه ، الفقه الاکبر ، ص ۹۲ .

۲-۲ . ابن تغری بردی ، النجوم الزاهره ، ج ۶ ، ص ۱۸۵ .

۳-۳ . ابن جوزی ، تذکره الخواص ، ص ۳۲۵ .

۳. ابوالولید محمد ابن شحنه حنفی (۸۱۵ هـ .)

ابن شحنه در کتاب خود به صراحت اعلام کرده که مهدی منتظر در شب نیمه شعبان ۲۵۵ هـ . متولد گردید. (۱)

۴. شمس الدین ، احمد بن سلیمان بن کمال پاشا حنفی (۹۴۰ هـ .)

او کتابی به نام : « تلخیص البیان فی علامات مهدی آخرالزمان » دارد ، که نسخه های دست نویسی از آن موجود است. (۲)

وی شیخ الاسلام و مفتی استانبول بود ، بیش از یک صد اثر از خود به یادگار گذاشت. (۳)

۵. شمس الدین محمد بن طولون حنفی دمشقی (۸۸۰ _ ۹۵۳ هـ .)

ابن طولون در صالحیه ، از محلات دمشق متولد شد ، فقه ، اصول ، ادبیات ، طب و نجوم را فراگرفت ، ۷۴۶ جلد کتاب نوشت ، در کتاب الشذرات الذهبیه که پیرامون ۱۲ امام نوشته ، به صراحت اعلام کرده که ایشان در شب ۱۵ شعبان ۲۵۵ هـ . متولد شده (۴) و گفته : کتاب مستقلی در این رابطه به نام : المهدی الی ما ورد فی المهدی تألیف کرده است. (۵)

۶. نورالدین ، علی بن سلطان محمد قاری هروی (۱۰۱۴ هـ .)

ملاعلی قاری در هرات متولد شده ، به مکه مهاجرت نموده ، تا پایان عمر در حرم

ص: ۱۴۲

۱-۱. ابن شحنه ، روض المناظر ، ج ۱ ، ص ۲۹۴ .

۲-۲. سه نسخه دستنویس از این کتاب به شرح زیر موجود است : (۱) کتابخانه لوس آنجلس ، به شماره ۱/۳۹۳ _ B (ب) کتابخانه عارف حکمت ، مدینه منوره ، به شماره : ۶۲/۲۴۰ ، ۷ _ ق ج) کتابخانه عاشر افندی ، استانبول ، در ضمن مجموعه ای به شماره : ۴۴۶ .

۳-۳. بغدادی ، هدیه العارفین ، ج ۱ ، ص ۱۴۱ .

۴-۴. ابن طولون ، الشذرات الذهبیه ، ص ۱۱۷ .

۵-۵. همان ، ص ۱۱۸ .

مکه مجاورت نموده، آثار فراوانی از خود به یادگار نهاده، که چهار جلد آن به حوزه مهدویت اختصاص دارد:

۱. الرد علی من حکم و قضی بان المهدی الموعود جاء و مضی (۱)

۲. رساله فی حق المهدی (۲)

۳. المشرب الوردی فی المهدی (۳)

۴. مهدی آل الرسول (۴)

وی در کتاب مرقاه المفاتیح نیز به تفصیل احادیث حضرت مهدی علیه السلام را آورده است. (۵)

متن نوشته ایشان را در شرح الفقه الاکبر در آغاز همین بخش آوردیم. (۶)

۷. قطب الدین، مصطفی بن کمال الدین حنفی بکری (۱۰۹۹ - ۱۱۶۲ هـ .)

وی در دمشق متولد شده، صدها کتاب در رجال، تراجم، سیره، حدیث، تفسیر، ادعیه، زیارات، مناقب و غیره تألیف کرده، دو مجلد از آنها را به حوزه مهدویت اختصاص داده است:

۱. النوافح القریبه الکاشفه عن خصائص الذات المهدیه. (۷)

۲. الهدیه الندییه فیما جاء فی فضل الذات المهدیه. (۸)

۸. شهاب الدین، احمد بن علی بن عمر بن صالح منینی (۱۰۸۹ - ۱۱۷۳ هـ .)

وی کتاب ادبی بسیار والایی در شرح قصیده الفوز و الامان شیخ بهایی نوشته، و آن را: فتح المنان، شرح الفوز و الأمان، فی مدح صاحب الزمان نام نهاده است. (۹)

ص: ۱۴۳

۱-۱. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه مسجدالحرام، در مکه معظمه، به شماره: ۶/۵۹ در بخش ردود موجود است.

۲-۲. نسخه دست نویس آن در کتابخانه بلدیه اسکندریه مصر موجود است.

۳-۳. این کتاب در استانبول سپس در قاهره چاپ شده و ۲۵ نسخه خطی آن در کتابخانه های عمومی جهان موجود است. (نگارنده، کتابنامه حضرت مهدی، ج ۲، ص ۶۴۷).

۴-۴. این کتاب چاپ سنگی شده، هفت نسخه خطی و سه نسخه چاپی آن در کتابخانه های عمومی موجود است. (نگارنده، همان، ص ۷۰۰).

۵-۵. ملاعلی قاری، مرقاه المفاتیح فی شرح مشکاه المصابیح، ج ۵، ص ۱۷۹ - ۱۸۶.

۶-۶. ابوحنیفه ، الفقه الاکبر ، ص ۹۲ .

۷-۷. بغدادی ، هدیة العارفین ، ج ۲ ، ص ۴۵۰ .

۸-۸. همان .

۹-۹. این کتاب به سال ۱۲۸۸ ه . در قاهره به پیوست کشکول شیخ بهایی ، در ۱۰۳ صفحه رحلی (ج ۲ ، ص ۴۲۹ _ ۵۰۲)

چاپ شده است .

۹. حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۲۰ - ۱۲۹۴ ه. .)

شیخ سلیمان قندوزی، فرزند ابراهیم، مشهور به: «خواجه کلان» فرزند محمد، مشهور به: «خواجه بابا» فرزند ابراهیم، مشهور به: «سید ترسون» حسینی بلخی قندوزی (۱) شیخ الاسلام دولت عثمانی، صاحب کتاب گرانسنگ ینابیع الموده در این کتاب ارزشمند که ده ها بار در استانبول، ایران، لبنان، هند و غیره به طبع رسیده، به صراحت اعلام کرده که امام حسن عسکری علیه السلام تنها یک فرزند به نام: «ابوالقاسم، محمد و حجت» داشت که عمرش به هنگام ارتحال پدرش به ۵ سال رسیده بود، لکن علم و حکمت را خداوند به وی عطا کرده بود، او به «قائم منتظر» نامیده می شد، زیرا غائب و پشت پرده غیبت بود. (۲)

آنگاه بخش مهمی از کتاب خود را به احادیث مهدویت اختصاص داده، و جمعا ۲۸۵ حدیث پیرامون موعود اعم، هادی سبیل، یوسف زهرا، با اسناد و منابع آورده است. (۳)

وی کتاب دیگری در حوزه مهدویت تألیف کرده و آن را مُشْرِقُ الْأَكْوَانِ یعنی: ضیاء بخش عوالم هستی، نام نهاده، و در کتاب ینابیع به آن ارجاع داده است. (۴)

نسخه خطی این کتاب با خط بسیار نفیس در کتابخانه مرحوم گلپنارلی موجود است. (۵)

۱۰. ابوالبرکات، خیرالدین، نعمان بن محمود بن عبدالله آلوسی حنفی (۱۲۵۲ - ۱۳۱۷ ه. .)

ص: ۱۴۴

-
- ۱-۱. قندوزی، ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۱.
 - ۲-۲. همان، ج ۳، ص ۱۳۱.
 - ۳-۳. همان، ص ۲۳۵ - ۴۰۸، باب ۹۶ - ۷۱.
 - ۴-۴. همان، ج ۲، ص ۴۹۵؛ ج ۳، ص ۲۶۵، ۴۵۶ و ۴۵۸.
 - ۵-۵. نگارنده در سال های اقامتش در ترکیه (۱۳۵۴ - ۱۳۵۹ ش .) در محضر فقیه علم و ادب، شادروان پرفسور عبدالباقی گلپنارلی (۱۳۱۷ - ۱۴۰۳ ه. .) به شهر قونیه سفر کرده، نسخه نفیس و منحصر به فرد آن را در کتابخانه عمومی مرحوم گلپنارلی مشاهده نمود. (برای شرح زندگانی این نادره زمان: بنگرید به: سید حسن امین، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۱۵ - ۱۱۷).

آلوسی در بغداد نشأت یافته ، در شهرهایی چون حله ، عهده دار منصب قضاوت شده ، مدتی در استانبول اقامت نموده ، به عنوان مدرسان به بغداد بازگشته ، تا پایان عمر به تألیف و تدریس پرداخته است .

وی بابی را به « اشراط الساعه » اختصاص داده ، احادیث حضرت مهدی علیه السلام را در آن جا آورده است .^(۱)

۱۱ . اسماعیل بن عبدالله مناستری رومی حقی (۱۳۳۰ ه .)

اسماعیل حقی ، مشهور به : « از میرلی » مقیم استانبول ، خطیب مسجد ایاصوفیا و از اعضای مجلس سنا بود ، که در ۲۵ ذیحجه ۱۳۳۰ ه . در گذشت .^(۲)

او رساله ای به ترکی استانبولی به نام مسأله مهدویت در موعودباوری نوشته ، ۲۰ حدیث پیرامون حضرت مهدی علیه السلام نقل و بررسی کرده است .

این رساله در مجله هفتگی سیل الرّشاد در عهد خلافت عثمانی ، در استانبول چاپ و منتشر شده است .^(۳)

این بود ۱۲ نمونه از ۱۲ دانشمند فرزانه ، از فرهیختگان حنفیان در طول قرون و اعصـار .

موعودباوری در میان مالکیان

ابوعبدالله ، مالک بن انس بن مالک ، حمیری ، اصبحی ، مدنی (۹۳ _ ۱۷۹ ه .) پیشوای مالکی ها ، در کتاب معروف خود الموطأ از احادیث مهدویت چیزی روایت نکرده و دیگر آثارش به دست ما نرسیده است .^(۴)

از کتاب الموطأ ستایش فراوان شده ، حتی از امام شافعی نقل شده که در زیر آسمان

ص: ۱۴۵

۱- ۱ . آلوسی ، غالیه المواعظ ، ج ۱ ، ص ۷۶ _ ۷۹ .

۲- ۲ . کحاله ، معجم المؤلفین ، ج ۲ ، ص ۲۶۶ .

۳- ۳ . مجله هفتگی سیل الرّشاد شماره ۲۸۵ ، سال ۱۳ ، به تاریخ ۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۲ ه . برابر ۱۳ شباط ۱۳۲۹ .

۴- ۴ . شرح حال جامع مالک را در کتاب سیر أعلام النبلاء ، ج ۸ ، ص ۴۸ _ ۱۳۵ ، و دیگر منابع ترجمه اش را در ذیل آن ملاحظه فرمایید .

بعد از قرآن کریم ، کتابی صحیح تر از کتاب الموطأ وجود ندارد. (۱)

نیامدن احادیث حضرت مهدی علیه السلام در کتاب الموطأ یا به این جهت است که این کتاب یک مجموعه فقهی است و سر فصلی متناسب با احادیث موعود ندارد .

و یا به دلیل جوّ خفقان عجیبی است که در ایام او از سوی دستگاہ خلافت در همه جا ، به ویژه در مدینه حاکم بود و گرنه مالک در مورد جنبش زیدیه نظر مثبت داشت ، حتی به هنگام خروج محمد بن عبدالله ، مشهور به نفس زکیه از او اجازه خواستند که به همراه او بر علیه منصور دوانیقی خروج کنند ، ایشان اجازه داد . گفتند : بیعت منصور بر گردن ماست ، گفت : مانعی ندارد ، زیرا شما از روی اجبار با او بیعت کرده اید ، کسی که مجبور باشد بیعتش تأثیر ندارد ، پس اهالی مدینه براساس فتوای مالک با او خروج کردند. (۲)

هنگامی که جعفر بن سلیمان والی مدینه شد به او گفتند : مالک بیعت شما را بیهوده می داند و به حدیث ثابت بن احنف پیرامون « طلاق مُکْرَه » استناد می کند .

والی او را طلبید ، مالک به روایتی که به دست او رسیده بود استناد کرد و از آن دفاع نمود ، والی خشمگین شد ، دستور داد جامه های مالک را از تنش بیرون آوردند و با تازیانه بر پیکر لختش نواختند .

هنگامی که او را می بردند ، طوری دستش را کشیدند که دستش از شانه در رفت .

از آن تاریخ به بعد ، هنگامی که مالک از جایش بر می خاست ، آن دستش را با دست دیگرش حرکت می داد. (۳)

عالمان فرزانه و فرهیختگان با فضیلت از راهیان راه مالک ، در مورد حضرت مهدی علیه السلام بیان صریح و سخنان شفافی دارند که به شماری از آنها اشاره می کنیم :

۱ . شمس الدین ، ابو عبدالله ، محمد بن احمد بن ابی بکر مالکی قرطبی (۶۷۱ ه .)

حافظ قرطبی در کتاب معروفش : التذکره به دنبال فصل « أشرط الساعه » چندین

ص: ۱۴۶

۱- ۱ . محب الدین خطیب ، الموطأ ، ج ۲ ، ص ۱۰۰۶ .

۲- ۲ . ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۹ ، ص ۲۳ ؛ سیوطی ، تاریخ الخلفاء ، ص ۲۶۱ .

۳- ۳ . ذهبی ، سیر اعلام النبلاء ، ج ۸ ، ص ۸۰ .

باب به احادیث مهدویت اختصاص داده ، احادیث فراوانی پیرامون ظهور حضرت ، خروج سفیانی ، نزول حضرت عیسی ، خروج دابه الأرض و دیگر موضوعات مربوطه نقل کرده است .(۱)

۲ . نورالدین علی بن محمد بن احمد بن عبدالله ، ابن صباغ مالکی (۷۸۴ _ ۸۵۵ ه .)

ابن صباغ در کتاب ارزشمند خود ، شرح مبسوطی از حضرت مهدی آورده ، احادیث فراوانی نقل کرده ، بر تولدش در شب ۱۵ شعبان ۲۵۵ ه . تصریح کرده ، نسب شریفش را از امام حسن عسکری تا امیرمؤمنان صلوات الله علیهم بر شمرده ، نام مادرش را « نرجس » ذکر کرده ، از او به عنوان : ابوالقاسم ، محمد ، حجت ، خلف صالح ، قائم ، منتظر و صاحب الزمان نام برده است .(۲)

وی پس از آنکه از امامت آن حضرت در سنین کودکی گفتگو کرده ، به آیاتی از قرآن استشهاد نموده ، می نویسد :

او پیش از آنکه قیام کند دو غیبت دارد ، یکی از دیگری طولانی تر است .

غیبت کوتاه که اولین غیبت است از لحظه تولدش آغاز شده ، تا پایان دوران سفارت ادامه دارد .

هنگامی که سفارت بین ایشان و شیعیانش منقطع شد غیبت طولانی اش آغاز می شود و در پایان آن با شمشیر قیام می کند .(۳)

آنگاه به تفصیل از سیرت ، خصلت ، سیما ، کارکرد ، بیعت ، غیبت و ظهور آن حضرت سخن گفته ، از نزول عیسی ، حوادث آخرالزمان ، سرانجام قیام جهانی آن حضرت در روز شنبه دهم محرم گفتگو نموده است .(۴)

ص: ۱۴۷

۱-۱ . قرطبی ، التذکره ، ص ۶۰۷ _ ۶۲۵ .

۲-۲ . ابن صباغ ، الفصول المهمه ، ص ۲۹۲ .

۳-۳ . همان ، ص ۲۹۱ .

۴-۴ . همان ، ص ۲۹۱ _ ۳۰۴ .

۳. علی بن محمد میلی جمالی مغربی مالکی (۱۲۴۸ ه. .)

جمالی اهل مراکش و مقیم مصر بود، کتاب مستقلی در حوزه مهدویت نوشته و آن را: اشراف الساعه و خروج المهدي نام نهاده است. (۱)

نسخه دست نویس این کتاب در کتابخانه دارالکتب المصریه موجود است.

۴. ابو عبدالله، محمد بن جعفر بن ادريس بن محمد کتانی فاسی مالکی (۱۲۷۴ _ ۱۳۴۵ ه. .)

در فاس متولد شده، در مدینه مجاور گشته، به دمشق عزیمت نموده، به مغرب بازگشته، تا پایان عمر در آنجا اقامت نموده، در حدود ۶۰ مجلد کتاب نوشته، از جمله: نظم المتناثر من الحدیث المتواتر.

کتانی در این کتاب به شدت از متواتر بودن احادیث مهدویت دفاع کرده، به شدت بر ابن خلدون تهاجم کرده و گفته: ایشان مرد این میدان نبود، در چیزی که اهلیت نداشته مداخله نموده است. (۲)

آنگاه راویان احادیث حضرت مهدی، نزول حضرت عیسی، خروج دابه الأرض، خروج دجال و دیگر اشراف ساعه را بررسی کرده است.

این بود شماری از فرهیختگان مالکی که در حوزه مهدویت تلاش های ارزشمندی انجام داده بودند.

موعودباوری در میان شافعیان

محمد بن ادريس بن عباس شافعی (۱۵۰ _ ۲۰۴ ه. .) پیشوای شافعی ها، (۳) به بنی هاشم

ص: ۱۴۸

۱-۱. بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۷۷۳؛ زرکلی، الأعلام، ج ۵، ص ۱۷.

۲-۲. کتانی، نظم المتناثر، ص ۱۴۴ _ ۱۴۷.

۳-۳. شرح حال جامع امام شافعی را در کتاب سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۵ _ ۹۹، و منابع ترجمه اش را در ذیل آن ملاحظه فرمایید.

نسب می رسانید و در میان چهار پیشوای اهل سنت بیش از همه به محبت اهل بیت علیهم السلام شهره بود .

و لذا او را به تشیع نسبت دادند و به احمد حنبل گفتند : یحیی و ابو عبید ، شافعی را نمی پسندیدند و او را به تشیع نسبت می دادند ، احمد بن حنبل گفت : من نمی دانم که آنها چه می گویند ، به خدا سوگند ما از او جز خیر ندیدیم .^(۱)

ربیع بن سلیمان می گوید : من در معیت شافعی به حج مشرف شدم ، هیچ تپه ای را بالا نمی رفتیم و هیچ دره ای را فرود نمی آمدیم جز اینکه گریه می کرد و این چکامه را می سرود . آنگاه آن چکامه را نقل کرده که در آخرین بیت آن می گوید :

إِنْ كَانَ رَفْضًا حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ فَلْيَشْهَدْ الثَّقَلَانِ أُنَى رَافِضِي

اگر محبت آل محمد صلی الله علیه و آله « رفض » باشد ، همه جن و انس گواه باشند که من « رافضی » هستم .^(۲)

وی در چکامه دیگری در همین رابطه می سراید :

إِذَا فِي مَجْلِسٍ نَذَرُ عَلِيًّا وَسَبْطِيهِ وَفَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ

يُقَالُ تَجَاوَزُوا يَا قَوْمٌ هَذَا فَهَذَا مِنْ حَدِيثِ الرَّافِضِيهِ

بَرِئْتُ إِلَى الْمُهَيْمِنِ مِنْ أَنَاسِ يَرَوْنَ الرَّفْضَ حُبَّ الْفَاطِمِيهِ

چون در مجلسی از حضرت علی ، دوسبط او و فاطمه اطهر یاد می کنیم ؛ می گویند که ای مردم اینها از حد بیرون رفتند ، اینها سخنان رافضی ها می باشد .

من به سوی خداوند منان بیزاری می جویم از مردمانی که محبت فاطمی را « رفض » می پندارند .^(۳)

از امام شافعی پرسیدند که نظر شما در مورد امام جعفر صادق علیه السلام چیست ؟ در

ص: ۱۴۹

۱-۱ . ذهبی ، سیر اعلام النبلاء ، ج ۱۰ ، ص ۵۸ .

۲-۲ . محمد عقیف زعبی ، دیوان الامام الشافعی ، ص ۵۵ .

۳-۳ . همان ، ص ۹۰ .

پاسخ گفت :

او ثقة است ، ما ۴۰۰ حدیث از او به وسیله ابراهیم بن یحیی روایت کردیم .(۱)

اهمیت این طرز تفکر هنگامی روشن می شود که توجه داشته باشیم که بخاری حتی یک حدیث هم از امام صادق علیه السلام روایت نکرده است .

و شاید به همین جهت است که از امام شافعی نیز حتی یک حدیث روایت نکرده است .

اگرچه خطیب برای این رفتار بخاری عذرهایی تراشیده است(۲) ولی ظاهراً علتش همین تظاهر شافعی به محبت اهل بیت بوده است .

جالب توجه است که از یک سو شافعی را به تشیع متهم می کنند ، از سویی دیگر حدیثی بر علیه مهدی موعود به زبان او می بندند ، و اینک متن حدیث مجعول :

ابن ماجه از یونس بن عبدالأعلی ، از محمد بن ادريس شافعی ، از محمد بن خالد جندی ، از ابان بن صالح ، از حسن ، از انس بن مالک ، از پیامبر که فرمود :

لَا يَزِدُّ الْأَمْرَ إِلَّا شِدَّةً ، وَلَا الدُّنْيَا إِلَّا إِذْبَارًا ، وَلَا النَّاسُ إِلَّا شُحًّا ، وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا عَلَى شِرَارِ النَّاسِ ، وَلَا الْمَهْدِي إِلَّا عِيسَى بِنُ مَرْيَمَ ؛(۳)

همواره کار شدت می یابد ، دنیا روی برمی گرداند ، بر بخل و آز مردم افزوده می شود ، رستاخیز جز بر سر بدترین مردمان بر نمی خیزد ، و جز عیسی بن مریم ، مهدی دیگری وجود ندارد ! .

همه کارشناسان حدیث آن را نقل و رد کرده اند ، ما در اینجا وارد این بحث نمی شویم فقط یادآور می شویم که ذهبی آن را به منظور دفاع از شافعی در شرح حال او آورده و به شدت آن را نفی کرده و با قاطعیت گفته :

ص: ۱۵۰

۱-۱ . ذهبی ، سیر اعلام النبلاء ، ج ۱۰ ، ص ۷۱ .

۲-۲ . همان ، ص ۹۵ .

۳-۳ . ابن ماجه ، السنن ، ج ۲ ، ص ۱۳۴۰ ، کتاب الفتن ، ب ۲۴ ، ح ۴۰۳۹ .

این حدیث مُنْكَر است و هرگز احتمال نمی‌دهم که احدی آن را از شافعی شنیده باشد. (۱)

ما در اینجا به گونه‌ای دیگر از امام شافعی دفاع می‌کنیم و می‌گوییم:

شاید شافعی این حدیث را به طور صحیح روایت کرده باشد، ولی کسانی که از او روایت کرده‌اند، به عمد یا سهو آن را ناقص نقل کرده باشند، زیرا متن حدیث این است:

لَا مَهْدَى إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ مَعَهُ؛ (۲)

مهدی نیست جز اینکه عیسی بن مریم با اوست.

در این صورت حدیث، این حقیقت را بیان می‌کند که نزول حضرت عیسی علیه السلام قطعی است و اگر فردی مدعی مهدویت باشد، ولی حضرت عیسی علیه السلام همراه او نباشد، او دروغ پرداز است و مهدی واقعی نیست.

اما اینکه چرا این اندیشه وارد فرهنگ دشمنان اهل بیت شده و از هر چندی یکی پیدا می‌شود و نغمه: لامهدی الا عیسی را ساز می‌کند. (۳) دلیلش این است که این مطلب

ص: ۱۵۱

۱-۱. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۶۷.

۲-۲. عمادالدین طبری، تحفه الأبرار فی مناقب الأئمه الأطهار، ص ۱۸۴.

۳-۳. آخرین نغمه‌ای که در این رابطه ساز شده، کتاب: لامهدی ينتظر بعد الرسول خیر البشر از شیخ عبدالله بن زید بن محمود، رئیس محکمه‌های شرعی قطر می‌باشد، که همه احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را به باد مسخره گرفته است. ده‌ها نفر از فرزندان اهل تسنن بر او پاسخ دادند و سخنانش را نقد علمی کردند و تعدادی از آنها ردیه مستقل نوشتند که از آن جمله است: (۱) الاحتجاج بالأثر علی من انکر المهدی المنتظر، از شیخ حمود بن عبدالله تویجری، چاپ ۱۴۰۶ هـ. سعودی، بریده، در ۴۲۴ صفحه. ب) اقامه البرهان فی الرد علی من انکر خروج المهدی فی آخر الزمان، از ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق ادیسی غماری، چاپ بیروت. ج) الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحه الواردة فی المهدی، از شیخ عبدالمحسن عبّاد، استاد دانشگاه مدینه، چاپ ۱۴۰۲ هـ. مدینه منوره، در ۲۲۴ صفحه وزیری.

را معاویه بر زبان مردم انداخته و در یک مجلس عمومی خطاب به بنی هاشم گفته :

شما خیال می کنید که دولت هاشمی در انتظار شماست و یک مهدی قائم از شما هست ، در حالی که مهدی همان عیسی بن مریم است و این حکومت در دست ماست تا به او تسلیم کنیم!^(۱)

رویکرد خاص امام شافعی نسبت به اهل بیت علیهم السلام موجب شده که فرهیختگان شافعی بیش از هر مذهب دیگر به فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام روی آورند و در هر عرصه ای از عرصه های این خاندان شاهکارهایی تألیف کرده ، به جامعه اسلامی تقدیم کنند .

عالمان با فضیلت شافعی به موازات همه عرصه ها در حوزه مهدویت نیز بیش از همه عالمان وابسته به دیگر مذاهب کتاب و رساله نوشته اند ، که به شماری از آنها به ترتیب تسلسل زمانی اشاره می کنیم :

۱ . حافظ ابونعیم ، احمد بن عبدالله اصفهانی (۳۳۶ _ ۴۳۰ ه .)

ابونعیم شش کتاب مستقل در حوزه مهدویت تألیف کرده و به جامعه اسلامی تقدیم کرده که عناوین آنها به شرح زیر است :

۱ . الاربعون حدیثا فی المهدی^(۲)

۲ . ذکر المهدی و نعوته^(۳)

ص: ۱۵۲

۱-۱ . سید بن طاووس ، التشریف بالمنن ، ص ۲۳۸ ، ب ۲۷ ، ح ۳۴۵ ، به نقل از طبری در کتاب عیون اخبار بنی هاشم .
۲-۲ . متن این چهل حدیث را سیوطی در العرف الوردی ، اربلی در کشف الغمّه ، بحرانی در غایه المرام و هیئت تحریریه « نامه دانشوران » در جلد دوم آن آورده اند . این کتاب در حوزه های درسی مشایخ اجازه قرائت می شد و اجازه دریافت می شد ، فی المثل در اوایل قرن ششم ، گروهی در مرسیه ، در محضر « ابوعلی صدفی » آن را خوانده و اجازه دریافت کرده اند ، از جمله حافظ عیاض به سال ۵۰۸ ه . (المعجم فی اصحاب القاضی ابن علی الصدفی ، ص ۲۹۵) .
۳-۳ . در این کتاب جمعا ۱۵۶ حدیث پیرامون حضرت مهدی علیه السلام آمده است . (سید بن طاووس ، الطرائف ، ص ۱۸۳) .

۳. صفه المهدی (۱).

۴. کتاب المهدی (۲).

۵. مناقب المهدی (۳).

۶. نعت المهدی (۴).

ابونعیم در دیگر آثار خود نیز احادیثی پیرامون حضرت مهدی علیه السلام روایت کرده است. (۵).

۲. ابو عبدالله، محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (۴۰۵ هـ .)

حاکم در کتاب بسیار معتبر المستدرک علی الصحیحین فصلی را به ملاحم و فتن اختصاص داده، ده ها حدیث پیرامون ظهور حضرت، نزول عیسی، خسف پیدا و دیگر مسائل موعود آورده است. (۶).

۳. حسین بن مسعود بن محمد شافعی بغوی (۴۳۶ _ ۵۱۶ هـ .)

بغوی در کتاب مصابیح السنه در ضمن اشراف الساعه احادیث حضرت مهدی علیه السلام را روایت کرده است. (۷).

۴. ابوالسعادات، مجدالدین، مبارک بن محمد بن عبدالکریم شیبانی شافعی (۵۴۴ _ ۶۰۶ هـ .)

وی که به: «ابن اثیر جزری» معروف است، در کتاب جامع الاصول فصلی را به اشراف الساعه اختصاص داده، احادیث رسول خدا را پیرامون آخرین موعود آسمانی

ص: ۱۵۳

۱-۱. سلمی مقدسی، ۲۹ حدیث از این کتاب نقل کرده است. (سلمی، عقد الدرر فی المهدی المنتظر).

۲-۲. چلبی، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۴۶۵؛ بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۷۵.

۳-۳. از این کتاب ۱۵ حدیث، گنجی در «البيان فی اخبار صاحب الزمان» و ۱۳ حدیث، مقدسی در «عقد الدرر» روایت کرده اند.

۴-۴. حدیثی از این کتاب گنجی شافعی در کتاب البیان ص ۹۱ نقل کرده است.

۵-۵. ابونعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء، ج ۵، ص ۷۵.

۶-۶. حاکم نیشابوری، مستدرک الصحیحین، ج ۴، ص ۴۲۹، ۴۴۶، ۴۵۴، ۴۶۴، ۴۷۸ و ۵۰۴.

۷-۷. بغوی، مصابیح السنه، ج ۱، ص ۱۹۲.

آورده است. (۱)

۵. کمال الدین محمد بن طلحه قرشی نصیبی شافعی (۵۸۲ - ۶۵۲ ه. .)

وی در کتاب مطالب السؤل بخشی را به حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده ، روایات مهدویت را نقل کرده ، و تأکید نموده که : منظور از حضرت مهدی (عج) حجه بن الحسن العسکری علیه السلام می باشد ، آنگاه سلسله نسب آن حضرت را تا امیرمؤمنان علیه السلام برشمرده ، هر احتمال دیگر را با استناد به احادیث صحیحه محکوم نموده است. (۲)

۶. ابو محمد ، عبدالعظیم بن عبد القوی منذری شافعی (۵۸۱ - ۶۵۶ ه. .)

منذری در گزیده معالم السنن که آن را المجتبی نام نهاده ، بخشی را به حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده ، احادیث صحیح و متقن حضرت مهدی علیه السلام را آورده است. (۳)

۷. یوسف بن یحیی مقدسی سلمی شافعی (۶۸۵ ه. .)

وی کتاب گرانسنگی در حوزه مهدویت تألیف کرده و آن را عقد الدرر فی أخبار المنتظر نام نهاده است .

این کتاب بارها در قاهره ، بیروت ، ریاض ، تهران و قم چاپ شده است. (۴)

۸. شمس الدین ، احمد بن محمد ، ابن خلکان (۶۸۱ ه. .)

وی در کتاب بسیار ارزنده و فیات الاعیان از موعود به عنوان : ابوالقاسم محمد بن

ص: ۱۵۴

۱-۱. ابن اثیر ، جامع الاصول من احادیث الرسول ، ج ۱۱ ، ص ۴۷ - ۵۰ .

۲-۲. ابن طلحه ، مطالب السؤل ، ص ۳۱۲ .

۳-۳. منذری ، المجتبی (با تعلیقات ابن قیم جوزیه ، مختصر سنن ابی داود) ج ۶ ، ص ۱۶۰ ، ح ۴۱۱۶ .

۴-۴. این کتاب اولین بار از روی نسخه کتابخانه سلطنتی برلین غربی ، با تلاش های طاقت فرسای مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین کلباسی ، به سال ۱۳۹۹ ه. در قاهره چاپ و منتشر شده ، سپس در تهران افسست شده ، بعدها در بیروت ، زرقا (اردن) ، ریاض (سعودی) ، تهران و قم منتشر شد . از این کتاب نسخه های خطی فراوانی در نجف ، کربلا ، مشهد ، استانبول ، برلین ، قاهره ، اسکندریه و سوهاج موجود است .

حسن عسکری نام برده ، تصریح کرده که آن حضرت روز جمعه نیمه شعبان ۲۵۵ هـ . بوده و به هنگام ارتحال پدر بزرگوارش پنج ساله بود . (۱)

۹ . ابوالعباس ، محب الدین ، احمد بن عبدالله بن محمد طبری شافعی (۶۱۵ _ ۶۹۴ هـ .)

محب الدین طبری در مکه متولد شده و در همان جا دیده از جهان بر بسته ، او مفتی حجاز و شیخ شافعی ها در عصر خود بود ، آثار فراوان نوشته ، در کتاب ذخائر العقبی بخشی را به موعود اختصاص داده و در ضمن روایات حضرت مهدی از پیامبر رحمت نقل کرده که دست بر شانه امام حسین نهاده فرمود :

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نباشد ، خداوند آن را به قدری طولانی گرداند که مردی از تبار من ، از نسل این پسرم برانگیخته شود ، که هم نام من است . (۲)

۱۰ . ابوحفص ، سراج الدین عمر بن مظفر بن عمر حلبی شافعی (۷۴۹ هـ .)

او که به « ابن الوردی » مشهور بود ، در معرّه النعمان سوریه متولد شد ، منصب قضاوت را به عهده گرفت ، آثار فراوان در شعر ، ادبیات ، تاریخ و لغت نوشت و سرانجام در حلب در گذشت .

در کتاب خریده العجائب در ضمن بحث ملاحم ، احادیث مهدی منتظر (عج) را گردآوری کرده ، از نزول عیسی ، خروج سفیانی ، قحطانی و خراسانی سخن گفت ، سیرت و صورت موعود را ترسیم نمود . (۳)

ص: ۱۵۵

۱-۱ . ابن خلکان ، وفيات الاعیان ، ج ۴ ، ص ۱۷۶ .

۲-۲ . طبری ، ذخائر العقبی ، ص ۱۳۶ .

۳-۳ . ابن الوردی ، خریده العجائب و فریده الغرائب ، ص ۱۹۶ _ ۲۱۹ .

۱۱. ابوالفداء ، عمادالدین اسماعیل بن عمر بن کثیر شافعی (۷۷۴ ه .)

ابن کثیر صاحب تألیفات فراوان ، بر کتاب معروفش البدایه و النهایه تکمله ای در دو مجلد نوشته و آن را به فتن و ملاحم اختصاص داده و احادیث مهدی موعود را در جای جای آن آورده است . (۱)

ابن کثیر در این کتاب می نویسد : من رساله مستقلی پیرامون مهدی (عج) نوشته ام . (۲)

۱۲ . سعدالدین مسعود بن عمر بن عبدالله تفتازانی هروی شافعی (۷۱۲ _ ۷۹۳ ه .)

تفتازانی در کتاب کلامی عقیدتی خود شرح المقاصد بابی را به خروج حضرت مهدی (عج) و نزول حضرت عیسی علیه السلام اختصاص داده ، روایات حضرت مهدی علیه السلام را نقل و بررسی کرده است . (۳)

۱۳ . نورالدین ، ابوالحسن علی بن ابی بکر بن سلیمان هیشمی شافعی (۷۳۵ _ ۸۰۷ ه .)

هیشمی در کتاب معروفش : مجمع الزوائد و منبع الفوائد فصلی را به احادیث مهدی موعود اختصاص داده و روایات فراوانی در این رابطه نقل کرده است . (۴)

او همچنین در کتاب دیگرش : موارد الظمان بابی را به احادیث حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده است . (۵)

۱۴ . ابوزرعه ، ولی الدین ، احمد بن عبدالرحیم بن حسین کردی مصری شافعی (۷۶۲ _ ۸۲۶ ه .)

ابوزرعه در قاهره متولد شد ، آثار فراوان در فقه ، اصول ، حدیث و ریاضیات

ص : ۱۵۶

-
- ۱-۱ . این کتاب با تحقیقات شیخ محمد فهیم ابوعبیه ، در دو مجلد ، در ۷۹۱ صفحه ، به سال ۱۹۶۸ م . در ریاض ، پایتخت سعودی به نام نهاییه البدایه و النهایه منتشر شده است .
 - ۲-۲ . ابن کثیر ، نهاییه البدایه و النهایه ، ج ۱ ، ص ۴۳ .
 - ۳-۳ . تفتازانی ، شرح المقاصد ، ج ۱ ، ص ۳۰۲ .
 - ۴-۴ . هیشمی ، مجمع الزوائد ، ج ۷ ، ص ۳۱۳ _ ۳۱۸ .
 - ۵-۵ . همو ، موارد الظمان الی زوائد ابن حبان ، ص ۳۳۰ .

نوشت ، به سال ۸۲۴ ه . عهده دار منصب قضاوت شد ، در ۱۷ شعبان ۸۲۶ ه . درگذشت . (۱)

سخاوی و ابن فهد در شرح حالش از کتابی به نام طرق احادیث المهدی در شماره تألیفاتش نام برده اند . (۲)

۱۵ . جلال الدین ، عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (۹۱۱ ه .)

سیوطی از مفسران ، مورّخان ، محدثان ، متکلمان ، تراجم نگاران و ادیبان با برکتی است که آثار ماندگار فراوانی در رشته های مختلف از خود به یادگار نهاده ، در حوزه مهدویت نیز آثار ارزشمندی نوشته که سرآمد آنها : *العرف الوردی فی اخبار المهدی می باشد .*

سیوطی کتاب *الاربعون حدیثا فی المهدی ابونعیم را تلخیص کرده ، در حدود ۲۲۵ حدیث بر آن افزوده ، کتاب گرانسنگی را در حوزه مهدویت به یادگار نهاده است . (۳)*

کتاب دیگری از سیوطی در حوزه مهدویت به نام *ظهور المهدی در دست می باشد . (۴)*

۱۶ . شهاب الدین ، احمد بن محمد بن علی بن حجر هیتمی شافعی (۹۰۹ _ ۹۷۴ ه .)

ابن حجر در محله « ابوالهیتم » مصر متولد شده ، در الأزهر تحصیل کرده ، در مکه معظمه در گذشته و لذا به هیتمی و مکی نیز شناخته می شود .

وی کتاب *ارزشمندی در حوزه مهدویت تألیف کرده و آن را : القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر نام نهاده است .*

او در مقدمه به تواتر احادیث حضرت مهدی تصریح کرده ، ۶۳ حدیث از

ص : ۱۵۷

۱-۱ . ابن تغری بردی ، *النجوم الزاهرة* ، ج ۱۵ ، ص ۱۱۸ .

۲-۲ . سخاوی ، *الضوء اللامع* ، ج ۱ ، ص ۳۴۳ ؛ ابن فهد مکی ، *ذیل تذکره الحفاظ ذهبی* ، ص ۲۸۸ .

۳-۳ . تعداد ۷۸ رساله از سیوطی در مجموعه ای به نام *الحاوی للفتاوی گردآوری شده ، و ده ها بار چاپ و منتشر شده است . کتاب العرف الوردی پنجاه و دومین رساله این مجموعه می باشد . (الحاوی للفتاوی ، ج ۲ ، ص ۵۵ _ ۸۱) . نسخه های خطی فراوانی از این کتاب در کتابخانه های استانبول ، برلین ، پتنه ، بنگلادش ، قاهره و مکه معظمه موجود است . (نگارنده ، کتابنامه حضرت مهدی ، ج ۲ ، ص ۵۰۹) . این کتاب به زبان های مختلف ترجمه شده ، از جمله دوبار به ترکی استانبولی ، توسط محمد چلبی و مشرف گوزجو ترجمه و منتشر شده است .*

۴-۴ . دو نسخه دست نویس از این کتاب در استانبول موجود است : یکی در ضمن مجموعه ای به شماره ۸۸۳۸۳ و دیگری به شماره ۶۸۱۸۰ ، هر دو در کتابخانه سلیمانیه ، بخش رشید افندی .

پیامبر صلی الله علیه و آله ، ۳۹ حدیث از اصحاب و ۵۶ حدیث از تابعین روایت کرده است. (۱).

این کتاب مکرر به چاپ رسیده و نسخه های خطی فراوان در کتابخانه های عمومی جهان دارد. (۲).

این کتاب به ترکی استانبولی نیز ترجمه شده است. (۳).

ابن حجر در کتاب الصواعق المحرقة و الفتاوی الحدیثیه نیز احادیث حضرت مهدی علیه السلام را آورده است. (۴).

۱۷. شمس الدین محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن علی عقیلی خلوتی شافعی (۱۰۰۱ هـ .)

او کتاب مستقلی در حوزه مهدویت نوشته و آن را النجم الثاقب فی بیان ان المهدی من اولاد ایطالب نامیده است .

او در این کتاب با احادیث مورد اعتماد و استناد اثبات کرده که موعود از عترت پیامبر ، از نسل فاطمه و از صلب امیرمؤمنان علیهم السلام می باشد. (۵).

۱۸. زین الدین ، محمد ، عبدالرؤف بن تاج العارفین بن علی بن زین العابدین حدادی مناوی شافعی (۹۵۲ _ ۱۰۳۱ هـ .)

مناوی در شرح خود بر الجامع الصغیر سیوطی ، احادیث موعود را گردآورده ، بررسی سندی کرده ، از سخنان عرفا و علمای حروفیه بهره جسته ، از حضرت مهدی به عنوان : ابوالحق ، ابوالاخیار ، حبیب العشاق و ... نام برده ، بر معاندان پاسخ گفته است. (۶).

ص: ۱۵۸

۱-۱. این کتاب یکبار با تحقیقات مصطفی عاشور ، بار دیگر با تحقیقات استاد محمد زینهم محمد ، در قاهره چاپ و منتشر شده است .

۲-۲. محقق طباطبایی ۳۰ نسخه خطی آن را معرفی کرده (اهل البیت فی المکتبه العربیه ، ص ۴۲۲ _ ۴۲۵) ، نگارنده نیز ۵ نسخه بر آن افزوده است (کتابخانه حضرت مهدی ، ج ۲ ، ص ۵۷۹) .

۳-۳. علامات مهدی منتظر ، ترجمه مشرف گوزجو ، چاپ ۱۹۸۵ م . انتشارات شفق ، مانیسا ، ترکیه .

۴-۴. ابن حجر ، الصواعق المحرقة ، ص ۱۶۲ _ ۱۶۹ ؛ همو ، الفتاوی الحدیثیه ، ص ۳۸ _ ۴۳ .

۵-۵. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه سلیمانیه استانبول بخش لاله لی ، به شماره ۶۷۹ موجود است ، که آن را سلطان سلیم به تاریخ ۱۲۱۷ هـ . به این کتابخانه اهدا کرده است . نسخه دیگری در کتابخانه بیازید استانبول ، به شماره ۲۹۸۶ موجود است . این نسخه به تاریخ ۹۹۷ هـ . در عهد مؤلف استنساخ شده است .

۶-۶. مناوی فیض القدیر ، ج ۶ ، ص ۳۶۰ _ ۳۶۲ ، حدیث ۹۲۴۱ _ ۹۲۴۵ .

۱۹. رضی الدین بن عبدالرحمن بن احمد بن محمد بن حجر هیتمی مصری شافعی (۱۰۱۰ - ۱۰۷۱ ه.ق.)

رضی الدین نواده ابن حجر هیتمی است که کتاب جدش را تلخیص کرده و آن را مختصر القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر نام نهاده است. (۱)

۲۰. جعفر بن حسن بن عبدالکریم بن محمد بن عبدالرسول برزنجی شافعی (۱۱۷۹ ه.ق.)

مفتی شافعیان در مدینه «برزنجی» کتاب مستقلی در حوزه مهدویت نوشته و آن را روض وردی فی اخبار المهدی نام نهاده است. (۲)

نسخه ای از این کتاب در کتابخانه صاحب عیقات در لکهنو هند موجود است.

۲۱. ابوالعرفان، محمد بن علی صبان مصری شافعی (۱۲۰۶ ه.ق.)

ابن صبان در کتاب اسعاف الراغبین به تفصیل احادیث حضرت مهدی علیه السلام را آورده و به صراحت اعلام کرده که آن حضرت در شب نیمه شعبان ۲۵۵ ه. متولد شده و همچنان در قید حیات است، تا با حضرت عیسی علیه السلام اجتماع نماید (۳).

۲۲. احمد بن عبداللطیف بربر دمیاطی شافعی (۱۲۲۸ ه.ق.)

دمیاطی دو کتاب در حوزه مهدویت نوشته، یکی را رساله فی تحقیق ظهور المهدی (۴) و دیگری را رساله فی المهدی نام نهاده است. (۵)

ص: ۱۵۹

۱-۱. بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲-۲. محقق طباطبایی، اهل البیت فی المکتبه العربیه، ص ۲۰۲، به نقل از: بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۲۵۶؛ کحاله، معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۱۳۷؛ زرکلی، الأعلام، ج ۲، ص ۱۲۳؛ بروکلان، ج ۲، ص ۳۸۴ (متن آلمانی).

۳-۳. ابن صبان، اسعاف الراغبین، ص ۱۴۲.

۴-۴. نسخه ای از آن در کتابخانه ظاهریه دمشق، در ضمن مجموعه ای به شماره ۲۳۴ موجود است.

۵-۵. دو نسخه دست نویس از این کتاب در سلیمانیه استانبول بخش حاج محمود افندی، به شماره های: ۱۹۳۰ و ۲۳۳۰ موجود است.

۲۳. شهاب الدین ، احمد بن احمد بن اسماعیل حلوانی شافعی (۱۳۰۸ ه .)

چکامه ای نغز و پرمغز حلوانی شافعی پیرامون یوسف زهرا سروده و آن را : القطر الشهیدی فی اوصاف المهدی نام نهاده است

این چکامه همراه با شرح آن و به پیوست « فتح رب الارباب » در بولاق ، سپس قاهره به چاپ رسیده است . (۱)

۲۴. محمد بن محمد بن الیاس بلیسی مصری (بعد از ۱۳۰۸ ه .)

بلیسی ، چکامه یاد شده دمیاطی را شرح کرده و آن را العطر الوردی فی شرح القطر الشهیدی فی اوصاف المهدی نام نهاده است . (۲)

این شرح به پیوست متن در سال فوت مؤلف (۱۳۰۸ ه .) در بولاق به چاپ رسیده ، تاریخ فوت شارح به دست نیامده . (۳)

۲۵. ابوالفیض ، احمد بن محمد بن صدیق حسنی غماری شافعی (۱۳۸۰ ه .)

غماری کتاب استدلالی پر محتوایی در اثبات تواتر احادیث حضرت مهدی علیه السلام تألیف کرده ، اشتباهات ابن خلدون را رد کرده و آن را : ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون نام نهاده است . (۴)

ص: ۱۶۰

۱-۱. برای این چکامه تقریظ های فراوان توسط ادبای مصر نوشته شده ، به سال ۱۳۰۸ ه . در بولاق ، سپس به سال ۱۳۴۵ ه . در قاهره به چاپ رسیده است .

۲-۲. این شرح ادبی ارزشمند ، همراه متن القطر الشهیدی در بولاق ، سپس در قاهره چاپ شده است .

۳-۳. بغدادی اشتباهات تاریخ فوت بلیسی را به سال ۷۴۹ ثبت کرده (ایضاح المکنون ، ج ۲ ، ص ۱۰۲ و هدیه العارفین ، ج ۲ ، ص ۱۵۵) کحاله و زرکلی نیز از او پیروی کرده اند (زرکلی ، الاعلام ، ج ۷ ، ص ۳۶ و کحاله ، معجم المؤلفین ، ج ۹ ، ص ۶۶) در حالی که بغدادی خود تصریح کرده که وی این شرح را به سال ۱۳۰۸ ه . انجام داده است . (ایضاح المکنون ، ج ۲ ، ص ۲۳۴) .

۴-۴. این کتاب در تاریخ ۱۳۴۷ ه . در ۱۶۰ صفحه وزیری ، در چاپخانه ترقی دمشق به چاپ رسیده است .

۲۶. ابوالفضل، عبدالله بن محمد بن صدیق حسنی غماری شافعی (۱۳۲۸ - ۱۴۱۳ ه.ق).

ابوالفضل غماری برادر ابوالفیض غماری است که در بالا- یاد شد ، او نیز در حوزه مهدویت تلاش فراوان نموده ، کتاب مستقلی به نام المهدی المنتظر تألیف کرده ، تواتر احادیث حضرت مهدی را اثبات کرده ، در حدود یکصد حدیث در این رابطه ذکر نموده ، بر مخالفان پاسخ های علمی داده است .(۱)

غماری علاوه بر مهدی منتظر کتاب های دیگری نیز در این رابطه نوشته است که از آن جمله است .

۱. اقامه البرهان علی نزول عیسی فی آخرالزمان

۲. عقیده اهل الاسلام فی نزول عیسی علیه السلام

۳. حسن البیان فی لیلہ النصف من شعبان(۲)

این بود شماری از فرهیختگان شافعیان ، که در پشت سر پیشوای فرهیخته شان حرکت کرده ، در هر بُعدی از ابعاد مربوط به اهل بیت ، از جمله حوزه مهدویت تلاش های طاقت فرسا نموده ، آثار پر بار و ماندگار از خود به یادگار نهادند .

موعودباوری در میان حنبلیان

ابوعبدالله ، احمد بن محمد بن حنبل هلال شیبانی (۱۶۴ - ۲۴۱ ه.ق) . پیشوای حنابله ، بعد از امام شافعی بیش از دیگر پیشوایان اهل سنت به خاندان عصمت و طهارت اظهار ارادت می ورزید و به محبت آنها اشتها یافته و در این رابطه مشکلاتی را تجربه کرده است .(۳)

در مطالعه شرح حال احمد حنبل نشانه این عشق و ارادت ، به روشنی دیده می شود ، از جمله :

۱. احمد حنبل به آنچه در فضائل الصحابه از مناقب امیرالمومنین علیه السلام آورده ،

ص: ۱۶۱

۱-۱. این کتاب به سال ۱۴۰۵ ه.ق در بیروت چاپ شده است .

۲-۲. دکتر نزار أباطه و محمد ریاض مالح ، إتمام الأعلام ، زرکلی ، ص ۱۷۳ .

۳-۳. شرح حال جامع او را در «سیر اعلام النبلاء»، ج ۱۱، ص ۱۷۷ - ۳۵۸ و منابع ترجمه اش را در ذیل آن ملاحظه فرمایید.

بسنده نکرده، شرح حال مستقلی به نام: فضائل علی علیه السلام در مناقب آن حضرت، علیرغم آن جو خطرناک و اختناق شدید زمانش تألیف کرده است. (۱)

۲. وی در این کتاب ۳۶۹ حدیث با سلسله اسنادش در فضائل و مناقب امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده است. (۲)

۳. در کتاب المسند تعداد ۸۱۹ حدیث از امیرمؤمنان علی علیه السلام روایت کرده است، (۳) در حالی که از مجموع سه خلیفه پیشین ۵۶۱ حدیث نقل کرده است. (۴)

۴. وی با صراحت علی علیه السلام را بر همه اصحاب برتری می دهد و می گوید:

أُوتِيَ عَلِيٌّ مِنَ الْفَضَائِلِ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدٌ مِنَ الصَّحَابَةِ؛ (۵)

به علی علیه السلام آنقدر فضائل داده شده، که به احدی از اصحاب داده نشده است.

آنگاه از ابن مسعود نقل می کند که می گفت:

كُنَّا نَتَحَدَّثُ أَنَّ أَفْضَلَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؛ (۶)

ما همواره گفتگو می کردیم که برترین اهل مدینه علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

ص: ۱۶۲

۱-۱. نسخه های فراوانی از این کتاب در کتابخانه های عمومی جهان یافت می شود، از جمله: (ا) نسخه ای از قرن هفتم در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم، به شماره ۱۱۳. ب) نسخه ای از قرن ششم در کتابخانه های استانبول. ج) نسخه ای از آن در کتابخانه یمن، که تاریخ استنساخ آن سال ۱۰۲۷ ه. می باشد. د) نسخه دیگری در کتابخانه جامع کبیر صنعا یمن به تاریخ ۱۰۶۳ ه. (نسخه ای در اصفهان، در کتابخانه علامه روضاتی، به تاریخ ۱۰۵۶ ه. و) نسخه ای دیگر در موزه آثار باستانی صنعا یمن به تاریخ ۱۰۵۸ ه. این کتاب اخیرا با تحقیقات حسن حمید سنید، از سوی مجمع جهانی اهل بیت در ۵۵۵ صفحه وزیری چاپ و منتشر شده است.

۲-۲. احمد حنبل، فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، ص ۲۳ - ۴۷۳.

۳-۳. احمد حنبل، المسند، ج ۱، ص ۱۶۴ - ۳۳۸، ح ۵۶۲ - ۱۳۸۰.

۴-۴. همان، ص ۱۵ - ۱۶۳، ح ۵۶۱.

۵-۵. احمد حنبل، فضائل امیرالمؤمنین، ص ۹.

۶-۶. همان، ص ۲۹۹، ح ۲۲۱.

۵. در مورد حدیث معروف :

مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا ... بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا؛ (۱)

هر کس برای امت من چهل حدیث از احادیثی که مورد نیاز آنها در امور دینی باشد، محافظت نماید، خداوند او را در روز قیامت فقیه و عالم محشور می کند.

شافعی و احمد حنبل گفته اند :

هر کس چهل حدیث از احادیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله که در مناقب ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين باشد، محافظت نماید، در روز قیامت از فقیهان و عالمان محشور می شود. (۲)

۶. اینگونه تظاهر احمد بن حنبل به محبت اهل بیت موجب شده بود که سادات بنی هاشم همواره به خانه اش رفت و آمد می کردند و در لحظات واپسین او، هنگامی که فرستاده والی آمد و اجازه خواست که والی به عیادتش بیاید عذر خواست و اجازه نداد، ولی در آن هنگام جمعی از بنی هاشم آمدند و از او عیادت کردند، پیرامونش نشستند و بر احوالش گریه ها سر دادند، در آن هنگام گروهی از قضات به عیادتش آمدند، به آنها نیز اجازه ورود نداد. (۳)

۷. به متوکل گزارش داد که احمد حنبل يك سید علوی را مخفی کرده تا با وی بیعت کند و از مردم برای او بیعت بگیرد.

احمد این تهمت را رد کرد، آنها قبول نکردند و گفتند: باید سوگند یاد کند. او

ص: ۱۶۳

۱-۱. شیخ بهایی فرموده: این حدیث مستفیض بلکه متواتر است (شیخ بهایی، الاربعین، ص ۱۱). نگارنده در مقدمه:

چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا، چهل منبع از منابع حدیثی آورده است.

۲-۲. خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۴.

۳-۳. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۳۳۶.

ناگزیر شد سه بار به طلاق سوگند یاد کند. در عین حال به خانه اش ریختند و خانه اش را تفتیش کردند، حتی صندوق های کتاب و لباس های زنانه را نیز بازرسی کردند ولی چیزی نیافتند. (۱)

هنگامی که بی اساس بودن این تهمت روشن شد، او را به پرستش مانی متهم کردند و قاضی بغداد بر این تهمت سوگند یاد کرد و به آن شهادت داد. (۲)

۸. احمد حنبل در کتاب مسند خود احادیث فراوانی پیرامون موعود، سیرت و صورت مهدی موعود، نزول حضرت عیسی، راز غیبت، ظهور موفور السرور و ویژگی های روزگار ظهور به تفصیل آورده است.

گستره احادیث موعود در مسند احمد به قدری گسترده بود که یکی از فضلاى حوزه علمیه قم آنها را در کتاب مستقلی گردآوری کرده، آن را احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل نام نهاده است. (۳)

قرار گرفتن احمد حنبل در حومه مغناطیسی اهل بیت موجب شد که او به هیچ وجه به هیئت حاکمه وقعی نگذارد، از زندان و شکنجه نهراسد، هیچ ستمی را قبول نکند، هیچ هدیه ای را نپذیرد.

رئیس شرطه معتصم به صراحت می گوید: ما در نظر احمد هیچ ارزشی نداشتیم، او به ما همانند یک مگس می نگرست (۴).

به او آنقدر شلاق می زدند که از هوش می رفت، ولی هرگز به خواسته های هیئت حاکمه وقعی نمی نهاد. (۵)

او در رمضان ۲۲۰ ه. دستگیر شد، در حالی که پاهایش در زنجیر بود، از بغداد تا انبار بردند، با دهان روزه ۱۵۰ ضربه شلاق زدند، او هرگز در اعتقاد خود سست و

ص: ۱۶۴

۱-۱. همان، ص ۲۶۶.

۲-۲. همان، ص ۲۷۳.

۳-۳. سید محمد جواد جلالی، احادیث المهدی، ۷۶ صفحه وزیری، شامل ۱۳۶ حدیث، و این به تنهایی بیش از کل احادیث موعود در کتب صحاح سته می باشد.

۴-۴. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۲۴۰.

۵-۵. همان، ص ۲۵۳ - ۴۱۴.

متزلزل نشد .

روزی معتصم که ناظر شلاق خوردن احمد بود به قاضی خود « ابن ابی دُواد » گفت : در حق این مرد خیلی مرتکب گناه شدی . وی گفت : نه ، به خدا قسم او کافر است ، او از چندین جهت به خدا شرک ورزیده است .^(۱)

او با این همه مشکلات ، خطرات ، اختناق ، اتهام ، شکنجه و زندان ، کتاب المسند را به عنوان گسترده ترین کتاب پایه و مرجع حدیثی به رشته تحریر درآورد و از خود به یادگار نهاد .

مسند احمد شامل : ۲۷۷۱۸ حدیث می باشد ، که ۱۳۶ حدیث از آنها در رابطه با کعبه مقصود ، قبله موعود ، مصلح جهانی ، موعود آسمانی ، حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشد .

گروهی از فرهیختگان حنبلی ، راه پیشوای خود را در پیش گرفتند ، از سرزنش ، سرزنش کنندگان نهراسیدند و کتاب های مستقلی در رابطه با موعود تألیف کردند و یا در کتاب های خود فصلی را به احادیث حضرت مهدی (عج) اختصاص دادند ، که از آن جمله است :

۱ . شمس الدین ، ابو عبدالله ، محمد بن ابی بکر حنبلی دمشقی ، ابن قیم جوزیه (۶۹۱ _ ۷۵۱ ه .)

ابن قیم جوزیه ، شخصیت برجسته علمای حنبلی و از پایه گذاران مکتب وهابی ، علاوه بر کتاب مستقلی که به نام کتاب المهدی پیرامون حضرت مهدی علیه السلام نوشته ،^(۲) در کتاب ارزشمند المنار المنیف به تواتر احادیث مهدویت تأکید کرده ، ۱۸ حدیث در این رابطه نقل کرده ، بر نزول حضرت عیسی علیه السلام و به اقتدا کردنش به حضرت مهدی علیه السلام تصریح نموده است .^(۳)

ص : ۱۶۵

۱-۱ . همان ، ص ۲۵۳ .

۲-۲ . حاجی خلیفه ، کشف الظنون ، ج ۲ ، ص ۱۴۶۵ .

۳-۳ . ابن قیم جوزیه ، المنار المنیف ، ص ۱۴۱ _ ۱۵۱ ، ح ۳۲۶ _ ۳۴۴ .

۲. بدرالدین ، حسن بن محمد بن صالح نابلسی حنبلی (۷۷۲ ه .)

ابن حجر عسقلانی در شرح حال او می نویسد : کتابی به خط او دیدم که آن را پیرامون اخبار مهدی (عج) که در آخرالزمان ظهور می کند ، گردآوری کرده بود و برای آن تلاش فراوان کرده بود . (۱)

سپس می افزاید : دامادش فخرالدین عمر انباری با من دوست بود ، او به من گفت که نابلسی خصوصی به وی گفته بود که :
علی علیه السلام در میان اصحاب از همه افضل بود . (۲)

بسیار شایان دقت است که پرورش یافتگان مکتب پیکارگرِ خستگی ناپذیری چون احمد حنبل ، باید افضلیت علی علیه السلام را برای دامادش به طور خصوصی بگویند !! ، از ترس متولیان خلافت اسلامی و ریزه خواران سفره امیرالمؤمنین علیه السلام
(۳)!

۳. مرعی بن یوسف بن ابی بکر بن احمد کرمی مقدسی حنبلی (۱۰۳۳ ه .)

این پیرو راستین مکتب احمد ، کتاب گرانسنگ مستقلی در حوزه مهدویت تألیف کرده ، که آن را فوائد فرائد الفکر فی الامام
المهدی المنتظر نام نهاده ، بیش از ۲۰۰ حدیث پیرامون سیرت ، صفت ، نشانه های ظهور ، فتنه های پیش از ظهور ، نزول
عیسی و دیگر مسائل مربوطه نقل کرده است . (۴)

ص : ۱۶۶

۱-۱ . ابن حجر ، الدرر الکامنه ، ج ۲ ، ص ۳۷ .

۲-۲ . همان .

۳-۳ . ابوعبدالرحمن ، احمد بن شعیب بن علی خراسانی نسایی (۲۱۵ _ ۳۰۳ ه .) صاحب سنن (یکی از صحاح سته) به
جرم اینکه کتاب خصائص علی را نوشت و برتری امیرالمؤمنین علیه السلام را اثبات کرد (اسنوی ، طبقات الشافعیه ، ج ۲ ، ص
۴۸۰) او را گرفتند ، به قدری لگد زدند که به شهادتش منتهی شد . (ابن کثیر ، البدایه والنهایه ، ج ۱۱ ، ص ۱۲۴) ولذا
احمد حنبل پس از تجربه زندان ، شکنجه و تازیانه ، سال ها در کنج خانه می نشیند و به کسی حدیث نمی گوید و تادم
مرگ آثار تازیانه در پشت او مشخص بود ، یعنی بعد از ۲۰ سال (ذهبی ، سیر اعلام النبلاء ، ج ۱۱ ، ص ۲۱۷ و ۲۶۴) و
پیروش نابلسی برتری مولی را به اعضای خانواده اش خصوصی می گوید .

۴-۴ . نسخه دست نویس این کتاب به خط مؤلف ، در کتابخانه ملی پاریس به شماره ۲۰۲۶ موجود است ، که مؤلف در
اواخر ربیع الثانی ۱۰۲۲ ه . به تألیف آن پرداخته است ، نسخه های دیگری در کتابخانه مسجد جامع بمبئی هند و سلیمانیه
استانبول بخش اسعد افندی ، در دو مجموعه به شماره های ۱۴۴۶ و ۲۲۹۷۰ موجود است و اخیرا با تحقیقات استاد سامی
الغریری ، در ۴۱۲ صفحه به چاپ رسیده است .

مقدسی همچنین کتاب دیگری در این رابطه به نام ارشاد ذوی الافهام لنزول عیسی تألیف کرده است. (۱)

۴. شمس الدین، محمد بن احمد بن سالم سفارینی حنبلی نابلسی (۱۱۱۴ - ۱۱۸۸ هـ).

سفارینی عقاید اهل سنت و جماعت را در چکامه یا به نظم در آورده و آن را الدرہ المضیہ فی عقد اهل الفرق المرضیہ نام نهاده است. (۲)

سفارینی در این اشعار نغز و پر مغز در ضمن شمارش « اشراف الساعه » می گوید :

منها الامام الخاتم الفصیح محمد المهدی والمسیح

یکی دیگر از اشراف الساعه ، امامی است که خاتم امامان است ، زبان فصیح و رسایی دارد ، نام شریفش محمد ، لقب گرامی اش مهدی است و یکی دیگر از آنها نزول حضرت مسیح علیه السلام است .

این چکامه سفارینی که سرلوحه نامه اعمالش می باشد ، توسط نواده اش : « سید محمد بن عمر بن عبدالغنی بن محمد بن محمد غزی » مفتی دیار شام و متوفای ۱۱۷۷ هـ . شرح شده به : « الكواکل الدرّیه فی شرح الدرّیه المضیہ » موسوم گشته است (۳).

سفارینی شخصا این چکامه را شرح کرده و آن را لوائح الأنوار البهیة و سواطع الأسرار الالهیه نام نهاده است .

سفارینی در شرح بیت یاد شده ، احادیث فراوانی پیرامون حضرت مهدی علیه السلام روایت کرده ، بر تواتر احادیث مهدی تأکید کرده ، بر وجوب اعتقاد به خروج مهدی علیه السلام فتوا داده است. (۴)

ص: ۱۶۷

۱-۱ . نسخه ای از این کتاب در « پتنه » هند موجود است .

۲-۲ . بغدادی ، ایضاح المکنون ، ج ۱ ، ص ۴۶۰ .

۳-۳ . همان .

۴-۴ . سفارینی ، لوائح الأنوار البهیة ، ج ۲ ، ص ۷۰ - ۸۵ .

موعودباوری و مهدویت در میان شیعیان اثناعشریه، اسماعیلیه و زیدیه

اشاره

ص: ۱۶۹

شیعه در لغت به معنای: یار، یاور، تابع و پیرو می باشد. مقدّم اهل لغت خلیل بن احمد گوید:

الشیعه قومٌ یتشیعون، أی: یَهْوُونَ أهواءَ قومٍ و یتابعونهم .

شیعه الرّجل: أصحابه و أتباعه .

كُلُّ قومٍ إجتماعًا علی أمرٍ فهم شیعه (۱).

به گروهی که خواسته های قومی را می خواهند و از آنها پیروی می کنند « شیعه » می گویند .

شیعه یک فرد، یاران و پیروان اوست . هر قومی که بر یک موضوع اتفاق کنند، شیعه می باشند .

ابن فارس در این رابطه گوید:

برای واژه « شیع » دو ریشه هست:

۱. همیاری و هم پیوستگی

۲. نشر و انتشار

در پایان گوید:

الشیعه: الأعوان و الأنصار؛ (۲)

شیعه به معنای یار و یاور می باشد .

ص: ۱۷۱

۱- ۱. خلیل بن احمد، ترتیب العین، ص ۴۳۶ .

۲- ۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللّغه، ج ۳، ص ۲۳۵ .

واژه شیعه ریشه قرآنی دارد ، خداوند مَنان در مورد حضرت ابراهیم خلیل الرّحمان می فرماید :

« وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ »؛ [\(۱\)](#)

یکی از شیعیان او به راستی ابراهیم می باشد .

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه ، در پایان یک حدیث طولانی فرمود :

حضرت ابراهیم از خداوند خواست که او را از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دهد ، خداوند نیز در کتابش خبر داد که به راستی ابراهیم از شیعیان اوست . [\(۲\)](#)

ابن خلدون در این رابطه می گوید :

شیعه در لغت به معنای یاران و پیروان می باشد ، اما در عرف فقیهان و متکلمان از پیشینیان و پسینیان به پیروان حضرت علی و فرزندان او گفته می شود . [\(۳\)](#)

ابومحمد حسن بن موسی نوبختی ، پیشتاز متکلمان پیش از سده سوم و پس از آن ، [\(۴\)](#) در این رابطه می فرماید :

« شیعه » گروه علی بن ابیطالب علیه السلام است که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از آن به نام « شیعه علی » علیه السلام نامیده می شدند ، با دل بستگی کامل به علی علیه السلام ، انقطاع به

ص: ۱۷۲

۱-۱ . سوره صافات (۳۷) ، آیه ۸۳ .

۲-۲ . سیدهاشم بحرانی ، البرهان ، ج ۸ ، ص ۲۱۷ ، ح ۸۹۹۲ .

۳-۳ . ابن خلدون ، مقدمه ، ص ۱۹۶ ، فصل ۲۷ .

۴-۴ . نجاشی ، الرّجال ، ص ۶۳ ، رقم ۱۴۸ .

او و اعتقاد به امامت او مشهور بودند .

از آن جمله است : مقداد بن اسود ، سلمان فارسی ، ابوذر _ جنذب بن جناده _ غفاری ، عمّار یاسر و کسانی که مودت علی علیه السلام را دارا بودند . آنها نخستین کسانی بودند که در میان این امت به نام « شیعه » شناخته شدند .^(۱)

واژه « شیعه » در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

گلوازه « شیعه » در صدها حدیث درباره شیعیان مولای متقیان امیرالمؤمنین علیه السلام به کار رفته ، که عمادالدین طبری ۵۸۹ حدیث از آنها را در کتابی گرد آورده ، آن را بشاره المصطفی لشیعه المرتضی نام نهاده است .

ما در اینجا به نقل چند حدیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه از منابع اهل تسنن تبرک می جوئیم :

۱ . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی از خطبه ای فرمود : هر کس ما را دشمن بدارد ، خداوند او را یهودی محشور نماید ... در پایان فرمود :

مُثَلِّ لِي أُمَّتِي فِي الطَّيْنِ فَمَرَّ بِي أَصْحَابُ الرَّأْيَاتِ ، فَاسْتَعْفَرْتُ لِعَلِّيَّ وَ شِيعَتِهِ ؛ ۲

امت من در عالم طینت بر من مجسم شدند ، صاحبان پرچمها بر من گذشتند ، من فقط برای علی و شیعیان او استغفار نمودم .

۲ . و در حدیث دیگری فرمود :

أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ فِي الْجَنَّةِ ؛^(۲)

ص : ۱۷۳

۱-۱ . نوبختی ، فرق الشیعه ، ص ۱۷ . ۲ . ابن حجر ، مجمع الزوائد ، ج ۹ ، ص ۱۷۲ .

۲-۲ . خطیب بغدادی ، تاریخ بغداد ، ج ۱۲ ، ص ۲۸۹ . ۴ . ابن حجر ، الصواعق المحرقة ، ص ۱۶۱ .

تو و شیعیانت در بهشت هستید .

۳. و در حدیث دیگری فرمود :

يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَأَصْحَابُكَ فِي الْجَنَّةِ ، أَنْتَ وَشِيعَتُكَ فِي الْجَنَّةِ ؛ ۴

ای علی ! تو و یارانت در بهشت هستید ، تو و شیعیانت در بهشت هستید .

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : هفتاد هزار نفر از امت من بدون حساب وارد بهشت می شوند . آنگاه به سوی علی علیه السلام رو کرد و فرمود :

هُمْ شِيعَتُكَ وَ أَنْتَ إِمَامُهُمْ ؛ (۱)

آنها شیعیان تو هستند و تو امام آنها می باشی .

۵. در حدیث دیگری فرمود : چون روز رستاخیز فرا رسد ، علی بن ابیطالب علیه السلام را با هفت نام : صدیق ، رهبر ، عبادتگر ، هدایت گر ، هدایت شده ، جوانمرد و بلند مرتبه ، ندا می کنند و می گوید :

مُرَّ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ ؛ (۲)

ای علی ! تو و شیعیانت بدون حساب به سوی بهشت رهسپار شوید .

۶. و در حدیث دیگری فرمود :

يَا عَلِيُّ ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَ لِدُرَيْتِكَ وَ لَوْلَدِكَ وَ لِأَهْلِكَ وَ شِيعَتِكَ وَ

ص: ۱۷۴

۱-۱. مغازلی ، المناقب ، ص ۲۹۳ .

۲-۲. خوارزمی ، المناقب ، ص ۲۲۸ .

ای علی! خداوند، ترا، ذریه ات را، فرزندان را، خاندانت را، شیعیانت را و دوستداران شیعیانت را آمرزید.

۷. و در حدیث دیگری فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ دُعِيَ النَّاسُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ أُمَّهَاتِهِمْ، إِلَّا هَذَا يَعْنِي: عَلِيًّا وَشِيعَتَهُ، فَإِنَّهُمْ يُدْعَوْنَ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ لِصَحَّةِ وَلَا دَتِهِمْ؛ (۲)

چون رستاخیز به پا شود، همه مردمان با نام خود و نام مادرانشان خوانده می شوند، به جز این (یعنی علی علیه السلام) و شیعیانش، که آنها با نام خود و نام پدرانشان خوانده می شوند به جهت طیب مولدشان.

۸. در ضمن یک حدیث طولانی آمده است که چون علی علیه السلام وارد شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برادرم آمد، آنگاه با دست خود کعبه را لمس کرد و فرمود:

وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّ هَذَا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (۳)

سوگند به کسی که جانم در دست قدرت اوست، این علی علیه السلام و شیعیانش در روز قیامت رستگارانند.

ص: ۱۷۵

۱-۱. ابن حجر، الصّوائق المحرّقة، ص ۹۶، ۱۳۹ و ۱۴۰.

۲-۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۱.

۳-۳. سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹.

۹. و در حدیث دیگری خطاب به علی علیه السلام فرمود :

أَنْتَ أَوَّلُ دَاخِلِ الْجَنَّةِ مِنْ أُمَّتِي ، وَإِنَّ شِيعَتَكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مَسْرُورُونَ مُبَيَّضَةً وَجُوهُهُمْ حَوْلِي ، أَشْفَعُ لَهُمْ ، فَيَكُونُونَ غَدَا فِي الْجَنَّةِ جِيرَانِي؛ (۱)

تو در میان امت من نخستین کسی هستی که وارد بهشت می شوی ، و شیعیان تو بر فراز منبرهایی از نور قرار می گیرند ، در حالی که شادمان و سپیدچهرگان هستند در اطراف من ، من برای آنها شفاعت می کنم ، آنها فردا در بهشت همسایگان من هستند .

۱۰. هنگامی که آیه شریفه : « إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ »؛ (۲) به راستی آنانکه ایمان آورده ، عمل شایسته انجام دادند ، آنها بهترین مردمان هستند نازل شد ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود :

هُوَ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ ، تَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْتَ وَ هُمْ رَاضِينَ مَرْضِيينَ ، وَ يَأْتِي أَعْدَاؤُكَ غَضَابًا مُقَمَّحِينَ؛ (۳)

منظور از خیر البریه تو و شیعیان تو می باشد ، تو و شیعیانت در روز قیامت شاداب و شادمان می آید ، ولی دشمنانت خشناک و لگام بر دهان می آیند .

اینها نمی ازیم ، قطره ای از دریا ، اندکی از بسیار روایات وارده از رسول گرامی

ص: ۱۷۶

۱-۱. گنجی شافعی ، کفایه الطالب ، ص ۱۳۵ .

۲-۲. سوره بینه (۹۸) ، آیه ۷ .

۳-۳. ابن صباغ مالکی ، الفصول المهمه ، ص ۱۲۲ .

اسلام در منابع اهل سنت بود، که در آنها از پیروان علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان « شیعه » یاد شده است .

ابن خلدون پس از آنکه به صراحت اعلام می کند که در عرف فقیهان و متکلمان، از پیشینیان و پسینیان، واژه « شیعه » به پیروان حضرت علی و فرزندان آن حضرت اطلاق می شود، عقیده شیعیان را در مورد امامت چنین تشریح می کند :

همه شیعیان در این عقیده متفق القول هستند که امامت از آن مصالح عامه نیست که تصمیم گیری در مورد آن به امت موکول باشد و متولی منصب امامت با تعیین مردم معین شود، بلکه امامت رکن دین و پایه ایمان است . بر پیامبر روا نیست که آن را فرو گذارد و یا به امت موکول نماید، بلکه باید امام را معین کند و امام باید از گناهان صغیره و کبیره معصوم باشد و علی علیه السلام همان کس می باشد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را تعیین کرده است .^(۱)

ما در نخستین فصل کتاب با دلایل روشن ضرورت وجود امام، ضرورت عصمت امام، لزوم نص بر امام و لزوم افضلیت امام را براساس آیات قرآن، دلایل عقلی و احادیث معصومین علیهم السلام بیان کردیم، در اینجا اشاره ای کوتاه به شمار امامان در احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می نمایم :

دوازده امام در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله

۱ . بخاری با سلسله اسنادش از جابر بن سمره روایت کرده که گفت : از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود :

يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا ؛ دوازده امیر خواهد بود .

ص: ۱۷۷

۱-۱ . ابن خلدون، مقدمه، ص ۱۹۶ .

آنگاه جمله ای فرمودند که آن را نشنیدم ، از پدرم پرسیدم ، گفت که آن حضرت فرمود :

كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛ (۱)

همه آنها از قریش می باشند .

۲ . مسلم با سلسله اسنادش روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا مَنِيعًا إِلَىٰ اِثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً؛

این دین تا دوازده خلیفه عزیز و استوار است .

جابر گوید : آنگاه مطلبی فرمود که سر و صدای مردم مانع شد که بشنوم ، از پدرم پرسیدم ، گفت که فرمود :

كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛ (۲)

همه آنها از قریش خواهند بود .

۳ . احمد حنبل نیز همین مضمون را از ده ها طریق روایت کرده است . (۳)

۴ . طبرانی نیز این مضمون را از ده ها طریق روایت کرده است . (۴)

۵ . شیرویه نیز همین متن را روایت کرده است . (۵)

ص: ۱۷۸

۱-۱ . بخاری ، صحیح البخاری ، ج ۹ ، ص ۱۰۱ ، کتاب الأحكام .

۲-۲ . مسلم ، صحیح مسلم ، ج ۳ ، ص ۱۴۵۳ ، ب ۳۳ ، کتاب الاماره ، ح ۹ .

۳-۳ . مسند احمد ، ج ۷ ، ص ۴۲۰ _ ۴۴۷ ، ح ۲۰۹۳۳ _ ۲۱۰۹۵ .

۴-۴ . طبرانی ، المعجم الكبير ، ج ۲ ، ص ۱۹۵ _ ۲۵۵ ، ح ۱۷۹۱ _ ۲۰۷۰ .

۵-۵ . شیرویه ، الفردوس بمأثور الخطاب ، ج ۵ ، ص ۹۱ ، ح ۷۵۶۲ .

روی این بیان در احادیث فراوان به سند صحیح از رسول عالمیان روایت شده که شمار خلفا دوازده تن می باشد(۱) و اینک اشاره ای کوتاه به اسامی آنان :

اسامی مقدسه امامان در گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله

نام نامی و یاد گرامی امامان شیعه در ده ها حدیث معتبر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده(۲) و کتب مستقلی در این رابطه توسط بزرگان اهل سنت به رشته تحریر در آمده که به دو نمونه از آنها اشاره می کنیم :

۱. سید بن طاووس متوفای ۶۶۴ ه. می نویسد : کتابی دیدم از تألیفات بزرگان چهارگانه که اسم آن تاریخ اهل البیت من آل الرسول بود . این کتاب درباره اسامی امامان دوازده گانه از آل محمد صلی الله علیه و آله به روایت نصر بن جهضمی(۳) بود (۴).

۲. سید بن طاووس گوید : کتاب دیگری دیدم از علمای اهل تسنن ، که نام آن تاریخ موالید و وفیات اهل البیت و این دفنوا بود ، که به روایت « ابن خشاب نحوی حنبلی »(۵) در رابطه با اسامی دوازده امام از آل محمد صلی الله علیه و آله بود .(۶)

ص: ۱۷۹

۱-۱. در این رابطه آیت الله صافی گلپایگانی ۱۴۸ حدیث از طریق شیعه و اهل تسنن نقل کرده اند . بنگرید به : منتخب الأثر ، ج ۱ ، ص ۱۹ - ۹۹ .

۲-۲. در این رابطه نیز آیت الله صافی گلپایگانی ۱۶۲ حدیث در کتاب گرانسنگ منتخب الأثر ، ج ۱ ، ص ۱۰۳ - ۲۵۴ ، از منابع معتبر روایت کرده است .

۳-۳. نصر بن علی جهضمی از محدثان معروف اهل سنت ، استاد بخاری ، مسلم ، ترمذی ، ابوداود ، ابن ماجه ، بغوی و ... می باشد ، حجت ، ثبت و ثقه می باشد [سمعانی ، الأنساب ، ج ۳ ، ص ۳۹۲] او حدیثی روایت کرد که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از دست امام حسن و امام حسین علیه السلام گرفته بود ، فرمود : « هر کس ، مرا ، این دو پسر را ، پدر و مادر اینها را دوست بدارد روز قیامت در رتبه من خواهد بود » . متوکل دستور داد که ۱۰۰۰ ضربه شلاق به او بزنند [ابن حجر ، تهذیب التهذیب ، ج ۵ ، ص ۶۱۷ ، رقم ۸۲۵۹] ذهبی گوید : متوکل سنّی بود ولکن ناصبی بود [ذهبی ، سیر أعلام النبلاء ، ج ۱۲ ، ص ۱۳۵] خطیب گوید : متوکل به تصور اینکه او رافضی است چنین دستوری صادر کرد ولی هنگامی که فهمید او از اهل سنت می باشد او را رها کرد . [خطیب بغدادی ، تاریخ بغداد ، ج ۱۳ ، ص ۲۸۸] .

۴-۴. سید بن طاووس ، الطرائف ، ص ۱۷۴ ، ح ۲۷۲ ؛ الهامی ، ترجمه طرائف ، ص ۳۴۵ .

۵-۵. ابومحمد عبدالله بن احمد بن احمد بغدادی ، ابن خشاب ، سرآمد علمای نحو ، متولد ۴۹۲ و متوفای ۵۶۷ ه. ذهبی ، [سیر اعلام النبلاء ، ج ۲۰ ، ص ۳۲۵ - ۷۲۵] .

۶-۶. سید بن طاووس ، همان .

ابوالقاسم علی بن محمد خزاز قمی از علمای قرن چهارم هجری کتاب گرانسنگی در این رابطه تألیف کرده و آن را کفایه الأثر فی النّص علی الأئمه الاثنی عشر نام نهاده است. (۱)

آیت الله صافی از مراجع تقلید نیز جلد اول کتاب منتخب الأثر را به این موضوع اختصاص داده ، ۳۱۰ حدیث در این رابطه نقل فرموده است. (۲)

اخیرا یکی از علمای لبنان استاد محمود قانصوه عاملی نیز کتاب ارزشمندی در این رابطه تألیف کرده و آن را الحججه علی البشر فی النّص علی الأئمه الاثنی عشر نام نهاده است. (۳)

اگر بخواهیم به شماری از این احادیث پردازیم ، از موضوع کتاب خارج می شویم ، فقط اشاره می کنیم که شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد جوینی ، متوفای ۷۳۰ ه . با سلسله اسنادش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود :

أَنَا سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ ، وَإِنَّ أَوْصِيَاءِي بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ ، أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ، وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ (۴)؛

من سرور پیامبران و علی بن ابیطالب سرور اوصیا می باشد ، اوصیای من پس از من دوازده تن می باشند ، نخستین آنها علی بن ابیطالب و آخرین آنان قائم می باشد .

آنگاه در ضمن یک حدیث طولانی اسامی یکایک دوازده امام را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ نعتل یهودی ، از امیرمؤمنان تا حجه بن الحسن المهدی علیه السلام نقل کرده و در پایان قصیده نعتل را در جایگاه امامان آورده که در یکی از ابیات آن می گوید :

آخِرُهُمْ يَشْفِي الظُّمَأَ وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُنْتَظَرُ

ص: ۱۸۰

۱-۱ . تحقیق سید عبداللطیف کوه کمری ، انتشارات بیدار ، ۱۴۰۱ ه . ، قم ، ۳۴۲ صفحه وزیری .

۲-۲ . چاپ قم ، ۱۴۲۲ ه . ، ۳۲۷ صفحه وزیری .

۳-۳ . چاپ دار المهدی ، بیروت ، ۱۴۲۵ ه . ، ۴۹۶ صفحه وزیری .

۴-۴ . حموی ، فرائد السمطين ، ج ۲ ، ص ۳۱۳ ، ح ۵۶۴ .

آخرین آنها تشنگان را سیراب می کند و او همان امام منتظر می باشد. (۱)

حافظ سلیمان بن ابراهیم حنفی قندوزی، شیخ الاسلام سلاطین عثمانی در تطبیق احادیث اثنا عشر بر امامان اهل بیت تحقیق جالبی دارد که ترجمه آن از نظر خوانندگان گرامی می گذرد:

احادیث دالّ بر اینکه جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده تن می باشند، با طُرُق مختلف روایت شده و مشهور است، با گذشت زمان معلوم شده که مراد آن حضرت از این حدیث همان دوازده امام از اهل بیت او می باشند، زیرا این حدیث با دیگران قابل انطباق نمی باشد، اما خلفا از اصحاب کمتر از دوازده بودند، اما پادشاهان اموی بیشتر از دوازده بودند و به شدت ظالم و ستمگر بودند، به جز عمر بن عبدالعزیز، و از بنی هاشم نبودند، زیرا پیامبر فرموده بود: « کلهم من بنی هاشم » ...

و قابل انطباق با سلاطین بنی العباس نمی باشد، زیرا شمار آنها نیز بیش از دوازده بود، و آیه مودت و حدیث کسا را کمتر رعایت می کردند، و لذا باید این روایات را به امامان اهل بیت منطبق بدانیم که اعلم اهل زمان، بزرگوارترین، پارساترین، با تقواترین، با شرف ترین، با فضیلت ترین و گرامیترین مردمان در نزد خداوند بودند و دانش آنها متصل به دانش جدّ بزرگوارشان بود، از طریق وراثت و لدنی، که اهل دانش و تحقیق، همچنین ارباب کشف و شهود اینگونه شناخته اند.

حدیث ثقلین و احادیث فراوان دیگر نیز مؤید این معنی می باشد که منظور از احادیث امامان دوازده گانه همان امامان اهل بیت می باشند. (۲)

ص: ۱۸۱

۱-۱. همان، ص ۱۳۲_ ۱۳۵، ب ۳۱، ح ۴۳۱.

۲-۲. قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۹۲، ب ۷۷، ج ۱۲.

پس از تقدیم این مقدمه کوتاه به بیان موعودباوری از دیدگاه شیعیان زیدی ، اسماعیلی و اثنا عشری می پردازیم .

* * *

ص: ۱۸۲

پیروان امامان معصوم از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت پیروی از امامان: « شیعه » و به مناسبت اعتقاد به امامت: « امامیه » و به سبب اعتقاد به دوازده امام: « اثنا عشریه » نامیده می شوند .

به طوری که قبلاً- اشاره شد در بیش از ۳۰۰ حدیث شمار امامان و نام شریف آنان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صراحت آمده است. (۱).

یکی از این احادیث، حدیث معروف « لوح » است که آن را خداوند منان به خاتم پیامبران اعطا فرموده، پیامبر اکرم نیز آن را به تنها یادگارش حضرت زهرا علیها السلام اهدا فرموده و متن آن در مجامع حدیثی آمده است. (۲).

ویژگی های حضرت مهدی (عج) از دیدگاه شیعیان اثناعشری را به طور فشرده در چند بخش می آوریم:

۱. نسب والا

در ۴۰۷ حدیث تصریح شده که حضرت مهدی علیه السلام از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد .

در ۲۲۵ حدیث بیان شده که از نسل امیرمؤمنان علیه السلام است .

در ۲۰۲ حدیث آمده است که از تبار حضرت فاطمه علیها السلام می باشد .

ص: ۱۸۳

۱- ۱. بنگرید به: آیت الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ج ۱، ص ۱۹ - ۲۵۴.

۲- ۲. برای دسترسی به متن حدیث لوح به منابع زیر مراجعه فرمایید: (۱) کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۷. (ب) مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۶۰. (ج) شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج ۱، ص ۳۴. (د) نعمانی، الغیبه، ص ۶۲. (ه) شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۱۰. (و) شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۴۳. (ز) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۱، ص ۳۵۹. (ح) طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۷۴. (ط) حموینی، فرائد السمیعین، ج ۲، ص ۱۳۶. (ی) شیخ حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۱، ص ۴۶۸. برای کتابنامه حدیث لوح: بنگرید به: کتابنامه آثار ماندگار تنها یادگار پیامبر، ص ۷۳ - ۷۶، از نگارنده .

در ۲۰۸ حدیث تأکید شده که از فرزندان سالار شهیدان علیه السلام است .

در ۱۶۰ حدیث آمده است که نهمین فرزند امام حسین علیه السلام می باشد .

در ۱۹۷ حدیث بیان شده که از نسل امام سجاد علیه السلام است .

در ۱۲۱ حدیث بیان شده که از تبار امام باقر علیه السلام است .

در ۱۲۰ حدیث تصریح شده که از فرزندان امام صادق علیه السلام می باشد .

در ۱۲۱ حدیث از اولاد امام کاظم علیه السلام معرفی شده است .

در ۱۱۱ حدیث تصریح شده که چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام است .

در ۱۰۹ حدیث از نسل امام جواد علیه السلام شناسانده شده .

در ۱۰۷ حدیث آمده که از تبار امام هادی علیه السلام است .

در ۱۰۷ حدیث تصریح شده که فرزند بلافضل امام حسن عسکری علیه السلام است .^(۱)

۲. مادر والاگهر آن حضرت

مادر گرامی حضرت مهدی علیه السلام «ملیکه» دخت یشوعا، پسر قیصر روم، از تبار شمعون صفا، مشهور به «پطرس»،

وصی حضرت عیسی علیه السلام می باشد.^(۲)

ملیکه پس از انتقال به دودمان امامت به «نرجس»، «سوسن»، «سبیکه»، «ریحانه»، «صقیل» و نام های دیگر شهرت

یافت.^(۳)

سرگذشت نرجس خاتون و انتقال او از کاخ قیصر به خاندان پیامبر در منابع حدیثی به تفصیل آمده است.^(۴)

امام صادق علیه السلام از حضرت نرجس خاتون به عنوان «سیده الاماء»؛ «بانوی کنیزان» یاد نموده است.^(۵)

امام هشتم نیز به عنوان «سیده الاماء» تعبیر کرده است.^(۶)

ص: ۱۸۴

۱-۱. این آمار براساس کتاب منتخب الأثر تنظیم شده است .

۲-۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۰ .

- ۳-۳. کامل سلیمان ، روزگار رهایی ، ج ۱ ، ص ۱۷۷ .
- ۴-۴. گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور ، از نگارنده سطور ، ص ۹ _ ۴۳ .
- ۵-۵. علامه مجلسی ، بحارالأنوار ، ج ۵۱ ، ص ۱۴۶ .
- ۶-۶. طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۴۱ .

هنگامی که از امام حسن عسکری علیه السلام پرسیدند: مادرِ حجت خدا چه کسی خواهد بود؟ فرمود:

مِنْ ابْنِهِ ابْنِ قَيْصَرَ مَلِكِ الرُّومِ؛ (۱)

او فرزند دخترِ پسرِ قیصر، نواده پادشاه روم می باشد.

نگارنده پس از تلاش فراوان، از بررسی نکات تاریخی به این نتیجه رسید که یسوعا پسرِ «توفیل» سی و پنجمین امپراتوری روم می باشد.

از توفیل (۸۲۹_ ۸۴۲ م.) به عنوان پادشاهی مدیر، مدبر، مصلح، بت شکن و آبادگر یاد شده است. (۲)

توفیل در سال ۲۱۷ ه. با مأمون (۳) و در سال ۲۲۳ ه. با معتصم درگیر شد. ۹.

۳. نام نامی و یاد گرامی آن حضرت

در ۵۴ حدیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله این مضمون رسیده که:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي» (۴)

مهدی از فرزندان منست، نام او نام من و کنیه اش کنیه منست.

در شماری از احادیث از جمله حدیث لوح نام مقدس آن حضرت به صراحت آمده که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

ص: ۱۸۵

۱-۱. شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۶۹.

۲-۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۵۵۰.

۳-۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۵۲۱. ۹. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱۶، ص ۱۴.

۴-۴. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶؛ خزاز، کفایه الأثر، ص ۶۷؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۲۶؛

صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ج ۱، ص ۱۳۳.

۱. جابر بن عبدالله انصاری متن حدیث لوح را که در دست حضرت فاطمه علیها السلام دیده بود به محضر امام باقر علیه السلام نقل می کند و در آخرین فراز می گوید :

أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ ، هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ الْقَائِمُ ، أُمُّهُ جَارِيَةٌ ، إِسْمُهَا نَرْجِسُ ؛ (۱)

ابوالقاسم محمد بن حسن ، حجت خدا و قائم به امر خدا می باشد ، که مادرش کنیزی است به نام نرجس .

۲. در کافی شریف پس از یاد امام حسن عسکری علیه السلام چنین آمده :

وَأَكْمَلُ ذَلِكَ بَيْنَهُ « م ح م د » رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ ؛ (۲)

اوصیای ترا با فرزندش : « م ح م د » که رحمت برای جهانیان است کامل می گردانم .

۳. در غیبت طوسی از ابوسهل نوبختی روایت شده که امام حسن عسکری علیه السلام در آخرین لحظات عمر شریفش خطاب به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه فرمود :

أُبَشِّرُ يَا بُنَيَّ فَأَنْتَ صَاحِبُ الزَّمَانِ ، وَأَنْتَ الْمَهْدِيُّ ، وَأَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى أَرْضِهِ ، وَأَنْتَ وَوَلَدِي وَوَصِيِّي ، وَأَنَا وَلَدْتُكَ ، وَأَنْتَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ

ص: ۱۸۶

۱-۱. شیخ صدوق ، عیون الأخبار ، ج ۱ ، ص ۳۳ ، ب ۶ ، ح ۱ .

۲-۲. کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۵۲۸ . در اینجا برای رعایت احادیث فراوان که در آنها از بردن نام اصلی حضرت در عهد غیبت نهی شده ، نام شریفش از سوی مؤلف و یا ناسخین به صورت تقطیع شده نوشته شده ، تا به هنگام قرائت تلفظ نشود .

الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السَّلام؛ (۱)

پسرم بشارت باد که تو صاحب الزمان ، مهدی ، حجت خدا در روی زمین ، پسر و جانشین من هستی ، من ترا به دنیا آوردم ، تو محمد ، فرزند حسن ، فرزند علی ، فرزند محمد ، فرزند علی ، فرزند موسی ، فرزند جعفر ، فرزند محمد ، فرزند علی ، فرزند حسین ، فرزند علی بن ابی طالب علیهم السلام هستی .

۴ . رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی از یک حدیث طولانی به شمارش امامان پرداخته ، پس از امام حسن عسکری علیه السلام از آخرین وصی خود چنین نام می برد :

ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْهَادِي الْمَهْدِي النَّاطِقُ الْقَائِمُ بِحَقِّ اللَّهِ ؛ ۲

سپس فرزندش محمد فرزند حسن عسکری مهدی هدایت گر ، قائم ناطق به حق خداوند .

۵ . هنگامی که « ابوسوره » به محضر حضرت بقیه الله شرفیاب شد ، از او پرسید : شما کی هستید ؟ فرمود :

أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ ؛ (۲)

من محمد فرزند حسن می باشم .

اینها چند نمونه از مواردی بود که نام شریف آن حضرت به صورت صریح و

ص: ۱۸۷

۱-۱ . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۲۷۳ ، ح ۲۳۷ . ۲ . طبری امامی ، دلائل الامامه ، ص ۴۴۹ ، ح ۴۲۴ .

۲-۲ . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۲۶۹ ، ح ۲۳۴ ؛ قطب راوندی ، الخرائج و الجرائح ، ج ۱ ، ص ۴۷۱ ، ب ۱۳ ، ح ۱۵ ؛ ابن حمزه ، الثاقب فی المناقب ، ص ۵۹۷ ، ح ۵۳۹ ؛ نیلی ، منتخب الأنوار المضيئه ، ص ۲۸۸ ؛ سیدهاشم بحرانی ، تبصره الولی ، ص ۱۶۲ ، ح ۶۶ .

شفاف در کلمات معصومین علیهم السلام آمده است .

بسیاری از علمای اهل سنت نیز در کتب حدیث ، تاریخ ، رجال ، سیره و تراجم خود ، نام آن حضرت را به صورت صریح آورده اند .^(۱)

۴ . میلاد نور

تاریخ دقیق میلاد مسعود آن کعبه مقصود شب نیمه شعبان ۲۵۵ ه . می باشد .

قدیمیترین منبعی که تاریخ تولد آن امام نور در آن ثبت شده ، کتاب ارزشمند اثبات الرجعه از فضل بن شاذان نیشابوری ، متوفای ۲۶۰ هجری می باشد .

مؤلف که در عهد امام حسن عسکری علیه السلام دیده از جهان فرو بسته ، با یک واسطه از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که فرمود :

قَدْ وُلِدَ وَلِيَّ اللَّهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ ، وَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي ، مَحْتُونًا لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ ، سِنَةَ خَمْسٍ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ ، عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ؛^(۲)

حجت خدا بر بندگان ، ولی خدا و جانشین من پس از من ، در شب نیمه شعبان ، به سال ۲۵۵ ه . به صورت ختنه شده ، به هنگام طلوع فجر ، دیده به جهان گشود .

ص: ۱۸۸

۱- ۱ . در اینجا شماری از منابع اهل سنت را می آوریم که از آن حضرت به عنوان « محمد بن الحسن » یاد کرده و تصریح نموده اند که آن حضرت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است ، از آن جمله است : (۱) ابن طلحه شافعی (م : ۶۵۲ ه .) ، مطالب السؤل ، ص ۳۱۱ . ب) سبط ابن جوزی (م : ۶۵۴ ه .) ، تذکره الخواص ، ص ۳۲۵ . ج) ابن خلکان (م : ۶۸۱ ه .) ، وفيات الأعیان ، ج ۴ ، ص ۱۷۶ . د) ابوالفداء (م : ۷۳۲ ه .) ، المختصر فی تاریخ البشر ، ج ۲ ، ص ۴۵ ه . ابن صباغ مالکی (م : ۸۵۵ ه .) ، الفصول المهمه ، ص ۲۹۱ . و) ابن طولون (م : ۹۵۳ ه .) ، الائمة الاثنا عشر ، ص ۱۱۷ . ز) خواند میر (م : ۹۴۲ ه .) ، تاریخ حبیب السیر ، ج ۲ ، ص ۱۰۰ . ح) دیاربکری (م : ۹۶۶ ه .) ، تاریخ الخمیس ، ج ۲ ، ص ۳۴۳ . ط) ابن حجر هیثمی (م : ۹۷۴ ه .) ، الصواعق المحرقة ، ص ۲۰۸ . ی) شبلینجی (م : بعد از ۱۲۹۰ ه .) ، نور الأبصار ، ص ۲۵۷ .

۲- ۲ . شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۷۰ .

اصل ولادت حضرت مهدی علیه السلام از ضروریات مذهب و از مسلمات تاریخ است و همه علمای امامیه در طول قرون و اعصار بر آن اتفاق نظر داشتند. جالب تر اینکه گروهی از بزرگان علمای عامه نیز با علمای امامیه هم عقیده هستند و تولد آن حضرت را در شب نیمه شعبان ۲۵۵ ه. ثبت کرده اند. (۱)

۵. شاهدان عینی

در شب میلاد حضرت ولیعصر ارواحنا فداه فرزانه خاندان عصمت و طهارت، حکیمه دخت گرامی امام جواد علیه السلام به دعوت امام حسن عسکری علیه السلام در خانه امام عسکری علیه السلام حضور داشته، شاهد طلوع خورشید امامت بود که در منابع حدیثی فراوان با اسناد معتبر آمده است. (۲)

امام حسن عسکری علیه السلام براساس یک سلسله مصالح از قابله ای از اهل سنت نیز دعوت به عمل آورد که در لحظه میلاد نور در خاندان عصمت و طهارت حضور یافته، شاهد میلاد نور باشد. (۳)

شماری از غلامان و کنیزان خاندان امامت نیز در روز تولد آن خورشید فروزان امامت در کنار گهواره آن حضرت حضور یافته، جمال باهر النور آن امام نور را مشاهده کرده، گزارش آن را به شیعیان مورد اعتماد بشارت و نوید داده اند.

امام حسن عسکری علیه السلام گروهی از شیعیان مورد اعتماد را در سومین روز میلاد مسعود آن کعبه مقصود به منزل خود فراخوانده، میلاد مسعود آن قبله موعود را به آنان خبر داده، چهره فروزان آن مهر تابان را به آنان ارایه نمود. (۴)

در طول ۵ سال (۲۵۵ - ۲۶۰ ه.) صدها نفر در محضر امام عسکری علیه السلام به دیدار

ص: ۱۸۹

۱-۱. در کتاب «او خواهد آمد» منابع حدیثی و تاریخی ۲۰ تن از علمای عامه آمده که به ولادت آن حضرت در شب نیمه شعبان ۲۵۵ ه. تصریح شده است.

۲-۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۴؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۱۴؛ طبری امامی، دلائل الامامه، ص ۴۹۷.

۳-۳. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۰.

۴-۴. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۱.

جمال دلربای یوسف زهرا نایل آمده اند که اسامی شماری از آنها در دیگر آثار نگارنده آمده است. (۱)

۶. غیبت صغری

یکی از ضروریات اعتقادی شیعیان امامیه پنهان زیستی حضرت ولیعصر ارواحنا فداه می باشد که آن را « غیبت » می نامند .

دوران غیبت به دو بخش مشخص به نام : « غیبت صغری » و « غیبت کبری » تقسیم می شود .

در احادیث فراوان تصریح شده که برای آن حضرت دو غیبت هست ، برخی از این احادیث در اصول کافی با اسناد معتبر از امام صادق علیه السلام روایت شده است .

با توجه به این که مرحوم کلینی در اواخر غیبت صغری و پیش از آغاز غیبت کبری دیده از جهان فرو بسته ، بودن این احادیث در اصول کافی از اهمیت خاصی برخوردار است .

مرحوم کلینی با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود :

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ ، إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ ، الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ إِلَّا خَاصَّةُ شِيعَتِهِ ، وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةُ مَوَالِيهِ؛ (۲)

برای قائم علیه السلام دو غیبت است : یکی کوتاه ، دیگری طولانی ، در غیبت نخستین جز شیعیان خاص کسی از جایگاهش مطلع نمی شود و در غیبت دومی به جز متصدیان خدمتش کسی از محل آن حضرت آگاهی نخواهد داشت .

ص : ۱۹۰

۱- ۱ . فهرست چهل مورد از آنها در مقدمه جزیره خضرا آمده است .

۲- ۲ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۴۰ .

علامه طبرسی پس از نقل حدیثی از کتاب مشیخه حسن بن محبوب زَراد متوفای ۲۲۴ هـ . یادآور می شود که او بیش از یک قرن پیش از آغاز غیبت کبری دیده از جهان فرو بسته ، آنگاه می فرماید :

خوب بنگر که چگونه دو غیبت برای آن حضرت حاصل شد ، همانگونه که پدران بزرگوارش پیش از تولد آن حضرت پیش بینی کرده بودند .(۱)

برخی از علمای عامه نیز به روایات دو غیبت تصریح کرده اند ، به عنوان مثال :

ابن صباغ مالکی ، متوفای ۸۵۵ هـ . می نویسد :

در روایت صحیح آمده است که برای آن حضرت دو غیبت است ، که یکی از آنها طولانی تر از دیگری است . اما غیبت نخستین که کوتاه تر است ، از تولد آن حضرت آغاز می شود و تا پایان وجود سفیران بین او و شیعیان ادامه می یابد .

غیبت دوم از روز انقطاع سفارت آغاز می شود و در پایان آن با شمشیر خروج می کند .۲

۷ . نواب اربعه

مهمترین شاخصه دوران غیبت صغری وجود چهار سفیر شناخته شده بود که بین شیعیان و آن حضرت رابط بودند .

نواب اربعه که به عنوان « نایب خاص » شناخته می شدند به ترتیب عبارت بودند از :

۱ . ابو عمرو عثمان بن سعید عمری

۲ . ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید

۳ . ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

ص : ۱۹۱

۱-۱ . علامه طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۵۹ . ۲ . ابن صباغ ، الفصول المهمه ، ص ۲۹۱ .

چهار نایب خاص پرسش ها و مشکلات شیعیان را به محضر حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تقدیم داشته ، پاسخ های لازم را با خط مبارک آن حضرت که برای شیعیان شناخته شده بود به آنها ارسال می نمودند .

۸ . مدت سفارت

روز هشتم ربیع الاول ۲۶۰ هجری پدر بزرگوارشان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسید و از همان روز امامت و زعامت به آن حضرت منتقل شد . و در نتیجه دوران سفارت چهار سفیر و نایب خاص نیز از همان روز آغاز گردید .

دوران سفارت در روز ۱۵ شعبان ۳۲۹ ه . با درگذشت آخرین سفیر به پایان رسید .

بر این اساس دوران سفارت چهار نایب خاص قریب هفتاد سال طول کشید .

در مورد آغاز سفارت و پایان آن هیچ اختلافی وجود ندارد ، زیرا همه علمای شیعه در طول قرون و اعصار در مورد آغاز و انجام آن متفق القول هستند .

ولی در مورد مدت دوران غیبت صغری دو تعبیر وجود دارد :

۱ . ۷۰ سال

۲ . ۷۴ سال

کسانی که آن را هفتاد سال ثبت کرده اند ، از روز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در نظر گرفته اند ، اما کسانی که آن را ۷۴ سال ثبت کرده اند ، آن را از روز میلاد مسعود حضرت ولیعصر علیه السلام منظور کرده اند .

راز این نگرش به جهت پنهان زیستی امام عصر علیه السلام در دوران امامت پدر بزرگوارش می باشد ، زیرا خورشید فروزان امامت از روزی که طلوع کرده ، همواره در پشت ابر غیبت بود ، از این رهگذر بسیاری از بزرگان دوران غیبت صغری را ۷۴ سال و مبدأ آن را از روز تولد ثبت کرده اند ، که از آن جمله است : [شیخ مفید، \(۱\)](#)

ص: ۱۹۲

علامه طبرسی، (۱) محدث قمی (۲) و بیشتر مورخان و محدثان .

ولی دوران سفارت نواب اربعه بی گمان ۷۰ سال می باشد .

۹. غیبت کبری

در روزهای پایانی غیبت صغری، توقیعی از ناحیه مقدسه به آخرین سفیر از سفیران چهارگانه « علی بن محمد سمري » رسید که در آن از درگذشت او پس از شش روز و بسته شدن سفارت و آغاز غیبت کبری خبر داده بود . دقیقاً شش روز پس از وصول این توقیع، علی بن محمد سمري درگذشت و طبق دستور کسی را به جای خود تعیین نکرد و باب سفارت بسته شد (۳).

ابوالحسن علی بن محمد سمري روز نیمه شعبان ۳۲۹ هـ . درگذشت (۴).

روی این بیان هیچ تردیدی نیست که غیبت کبری، روز نیمه شعبان ۳۲۹ هـ . آغاز شده و در پایان آن به فرمان حق تعالی آن دست نیرومند الهی از آستین غیبت بیرون آمده، حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی در پهنشد گیتی استوار خواهد نمود .

۱۰. راز بقا

در بخش ضرورت وجود امام به تفصیل بیان کردیم که اگر يك لحظه حجت خدا در روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می برد . از همانجا نقش امام زمان در جهان هستی روشن می شود، از این رهگذر در دوران غیبت که آن خورشید فروزان در پشت پرده غیبت نهان است، جهان هستی به طفیل وجود او ادامه زندگی می دهد .

هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون غیبت امام عصر علیه السلام سخن می گفت، جابر بن

ص: ۱۹۳

۱-۱ . طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۵۹ .

۲-۲ . محدث قمی، تتمه المنتهی، ص ۴۷۵ .

۳-۳ . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۶ .

۴-۴ . شیخ طوسی، الغیبه، ص ۳۹۵ .

عبدالله انصاری پرسید: آیا شیعیان در دوران غیبت از وجود مقدس آن حضرت بهره می برند؟ فرمود:

إِي، وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ، إِنَّهُمْ لَيَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ، كَأَنْتَفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ؛ (۱)

آری، سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت، از وی نفع می برند و از نور ولایتش سود می برند، همانگونه که مردمان از خورشید بهره می برند، هنگامی که در پشت ابر نهان باشد.

براساس هیئت جدید، خورشید در مرکز منظومه قرار دارد و کرات دیگر در فواصل معین و در مدارهای منظمی به دور آن می گردند.

با توجه به حجم بزرگ و جرم سنگین خورشید و رابطه مستقیم نیروی جاذبه با وزن جسم جاذب، نیروی جاذبه خورشید کرات منظومه را به سوی خود جذب می کند، در مقابل این کرات نیز با نیروی مرموزی به نام گریز از مرکز با سرعت سرسام آوری از مرکز خود (خورشید) دور می شوند، تعادل دو نیروی جاذبه و گریز از مرکز کرات منظومه را در مدار خود با فاصله ثابتی در اطراف خورشید به گردش در می آورد. (۲)

روی این بیان نقش خورشید در امر بقای کرات منظومه به خوبی روشن می شود، اگر چهره دل آرای خورشید در پشت ابر نهان شود، نور، حرارت و دیگر آثار ارزشمند به طور کامل به اهل این کرات نرسد، یک خاصیت مهم آن همواره به این کرات می رسد و آن بقای نظام کرات منظومه در پرتو تعادل دو نیروی جاذبه و دافعه می باشد.

و از همین جا وجه تشبیه امام زمان در عصر غیبت به خورشید نهان در پشت ابر روشن می گردد.

ص: ۱۹۴

۱-۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲-۲. در کتاب او خواهد آمد به تفصیل در این رابطه سخن گفته ایم.

پس اگر خورشید فروزان امامت در پشت پرده غیبت نهان شود و جهان هستی از فیوضات بی کران آن منبع فیض به طور کامل برخوردار نشوند، ابرهای تیره غیبت در مورد یکی از ویژگی های وجود آن حضرت تأثیر ندارد و آن بقای جهان هستی به طفیل وجود آن راز بقا و رمز تداوم این چرخ گردون می باشد.

در احادیث فراوان آمده است که اگر يك لحظه حجت خدا در روی زمین نباشد، زمین ساکنانش را در کام خود فرو می برد

ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا ممکن است روی زمین خالی از حجت باشد؟ امام علیه السلام فرمود:

لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ؛ (۱)

اگر زمین خالی از امام باشد، فرو می ریزد.

امام رضا علیه السلام در همین رابطه فرمود:

لا، إِذَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛ (۲)

نه، هرگز، زیرا در آن صورت اهل خود را در کام خود فرو می برد.

۱۱. طول عمر

از عقاید قطعی شیعیان اعتقاد به طول عمر حضرت ولی عصر علیه السلام می باشد، در ۳۶۳ حدیث پیرامون دیرزیستی آن حضرت گفتگو شده، (۳) از نظر قرآن، کتب آسمانی، احادیث اهل بیت و یافته های دانش زیست شناسی هیچ محدودیتی برای عمر انسان بیان نشده است. (۴)

ص: ۱۹۵

۱-۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲-۲. شیخ صدوق، عیون الأخبار، ص ۲۱۲.

۳-۳. برای دسترسی به آمار یادشده: بنگرید به: منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۷۲ _ ۲۸۴.

۴-۴. برای آگاهی از امکان دیرزیستی از دیدگاه کتب آسمانی، قرآنی، حدیث و علوم جدید: بنگرید به: راز طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان، از نگارنده.

هم اکنون عمر شریف حضرت عیسی علیه السلام از مرز دو هزار سال و عمر شریف حضرت خضر علیه السلام از مرز شش هزار سال گذشته است .

عمر طولانی حضرت عیسی علیه السلام برای این است که روزی از آسمان فرود آمده ، یار و یاور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه باشد ، ولی عمر طولانی حضرت خضر علیه السلام صرفاً برای اتمام حجت و قطع عذر می باشد . امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید :

در علم خدا گذشته بود که قائم آل محمد علیه السلام عمر بسیار طولانی داشته باشد ، چون خدا می دانست که بسیاری از مردمان در زمان غیبت در اثر عمر طولانی آن حضرت دچار تردید خواهند شد ، به بنده صالح خود حضرت خضر علیه السلام عمر طولانی عطا فرمود .

و این عمر طولانی صرفاً برای آن بود که مؤمنان بتوانند به استناد عمر طولانی او به عمر طولانی قائم ما استدلال کنند ، تا حجت بر مخالفان تمام شود و کسی را بر خدا عذری نباشد . (۱)

۱۲ . تشرفات

در طول یازده قرنی که از آغاز غیبت کبری می گذرد ، صدها نفر از علما ، مراجع ، شیعیان با اخلاص و در ماندگان از ادیان و مذاهب مختلف ، توفیق تشرف به محضر آن خورشید فروزان پیدا کرده ، به وسیله این دیدار از عنایات خاص آن منبع جود و سخا برخوردار شده اند .

برخی از بزرگان شرح این دیدارها را در کتاب های مستقل گرد آورده اند ، که با عناوین شماری از آنها آشنا می شویم :

ص : ۱۹۶

۱. بغیه الطالب فیمن رأی الامام الغائب ، از شیخ محمدباقر بیرجندی .

۲. تبصره الولی فیمن رأی القائم المهدی ، از سیدهاشم بحرانی .

۳. جنه المأوی فی ذکر من فاز بقاء الحجه ، از میرزا حسین نوری .

۴. دارالسلام فیمن فاز بسلام الامام ، از شیخ محمود میثمی عراقی .(۱)

برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده از این تشریفات ، در آخرین توقیعی که از ناحیه مقدسه در تاریخ نهم شعبان ۳۲۹ هـ . توسط علی بن محمد سمری صادر شده آمده است :

وَ سَيَأْتِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمَشَاهِدَةَ ، أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفِيَانِي وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٌ؛(۲)

کسانی به نزد شیعیان ما آمده ادعای مشاهده خواهند نمود ، آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و بانگ آسمانی ادعای مشاهده کند ، دروغگو و افتراپرداز می باشد .

بسیاری از بزرگان در طول قرون و اعصار تصریح کرده اند که در غیبت کبری راه دیدار بسته نیست و افرادی به طور یقین به محضر آن خورشید تابان راه یافته اند . به فرازهایی از کلمات بزرگان اشاره می کنیم :

۱. سید مرتضی علم الهدی ، متوفای ۴۳۶ هـ . در تعدادی از آثار خود می نویسد :

ما هرگز یقین نداریم که احدی به خدمت آن حضرت نمی رسد ، هر یک از ما فقط از حال خود آگاه است ، منعی نیست که امام برای برخی از شیعیان ظاهر شود ، آنها را اصلاح ، ارشاد ، موعظه ، تأدیب و یا تعلیم فرماید .(۳)

ص: ۱۹۷

۱-۱. کتاب شناختی عناوین یادشده را در کتاب کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام از نگارنده سطور ملاحظه فرمایید .

۲-۲. شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۳۹۵ .

۳-۳. بنگرید به : سیدمرتضی علم الهدی ، تنزیه الأنبیا ، ص ۲۳۵ ؛ الشافی ، ج ۱ ، ص ۱۴۹ ؛ المقنع فی الغیبه ، ص ۷۵ .

۲. شیخ طوسی پس از نقل کلمات استادش علم الهدی می افزاید :

کسی که امام علیه السلام بر او ظاهر نمی شود ، او متوجه می شود که لابد در او قصور و یا تقصیری هست ، که امام علیه السلام بر او ظاهر نمی شود .(۱)

۳. سید بن طاووس در این رابطه می نویسد :

بعد از غیبت صغری نیز بسیاری از شیعیان و غیر آنها ، آن حضرت را ملاقات کرده ، از معجزات و کراماتی که به دست آن حضرت به وقوع پیوسته فهمیده اند که او همان مهدی موعود است .(۲)

بسیاری از مراجع تقلید نیز به صراحت از امکان تشریف به محضر آن حضرت سخن گفته اند ، که از آن جمله اند :

آیات عظام آخوند خراسانی ، میرزای نائینی ، میرزا محمد حسین اصفهانی ، سید محسن حکیم ، سید محمد هادی میلانی و سید محمدرضا گلپایگانی قدس الله اسرارهم .(۳)

تنها موضوعی که در برابر این تشرفات مطرح می شود ، ناسازگاری آنها با توقیع شریف می باشد ، که در این رابطه بسیاری از بزرگان بیاناتی فرموده اند ، که از آن جمله است :

۱. علامه مجلسی پس از نقل توقیع شریف می نویسد :

شاید این توقیع مربوط به کسانی باشد که ادعای نیابت کنند و همانند نواب خاص حامل پیام هایی باشند از آن حضرت به سوی شیعیان ، تا با اخباری که

ص: ۱۹۸

۱-۱. شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۹۹ .

۲-۲. سید بن طاووس ، الطرائف ، ص ۳۵۶ .

۳-۳. برای دسترسی به متن گفتارشان: بنگرید به: مجله موعود ، شماره یک ، مقاله « تشرفات بین نفی و ایجاب » از نگارنده .

متضمن تشریف به محضر آن حضرت می باشند ، منافات پیدا نکند .(۱)

۲ . محدث نوری جمعاً شش توجیه برای توقیع نقل کرده و اثبات کرده که این تشریفات با توقیع شریف منافاتی ندارد .(۲)

۳ . آیت الله صافی بیان علامه مجلسی را نقل کرده و تأیید نموده ، سپس از محدث نوری نقل کرده که فرمود :

توقیع شریف خبر واحد است ، سندش ضعیف و مرسل می باشد ، شیخ صدوق که آن را نقل کرده به آن عمل نکرده ، اصحاب نیز از آن اعراض کرده اند ، این توقیع با این ضعف سند قدرت مقابله با رخدادها و حکایت های فراوانی که پیرامون تشریفات نقل شده و از مجموع آنها قطع حاصل می شود را ندارد ، به ویژه برخی از آنها که متضمن کرامات و معجزاتی است که صدور آنها از غیر آن حضرت امکان ندارد .(۳)

در پایان این مقال تذکر این سخن ضرورت دارد که در عصر ما داستان تشریفات به شکل دیگری درآمده ، برای هر فرد برجسته ای که یادنامه و یادواره ای منتشر می شود ، تلاش فراوان می شود که چند تشریف برای او ذکر شود و این مسأله بسیار خطرناک است که موجب می شود تشریفات مسلم و تردید ناپذیری چون تشریفات مقدس اردبیلی ، سید بحر العلوم ، سید ابن طاووس و نظایر آنها نیز زیر سؤال برود .

بحث پیرامون حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از دیدگاه شیعه ابعاد گسترده ای دارد و ما در فصل های مختلف این کتاب در این رابطه سخن بسیار گفته ایم ، از این رهگذر بخش موعودباوری در میان شیعیان اثناعشری را در همینجا پایان داده ، علاقمندان به تحقیقی

ص : ۱۹۹

۱-۱ . علامه مجلسی ، بحار الأنوار ، ج ۵۲ ، ص ۱۵۱ .

۲-۲ . محدث نوری ، جنّه المأوی ، ص ۱۴۵ _ ۱۵۳ .

۳-۳ . صافی گلپایگانی ، منتخب الأثر ، ج ۲ ، ص ۵۲۰ .

وسیع تر را به دیگر فصول این کتاب و دیگر آثار نگارنده این سطور ارجاع می دهیم .

* * *

ص: ۲۰۰

اشاره

پس از شیعیان اثنا عشری، یکی از مشهورترین فرقه های شیعی، شیعیان اسماعیلی می باشد.

فرقه اسماعیلیه در نیمه های قرن دوم هجری به دنبال شهادت امام جعفر صادق علیه السلام در سال ۱۴۸ ه. پدیدار گشته، به شاخه های مختلف انشعاب یافته، برخی از شاخه های آن تا زمان ما ادامه دارند.

شیعیان اسماعیلی شش تن از امامان معصوم حضرت علی تا امام صادق علیه السلام را به امامت پذیرفته، پس از امام صادق علیه السلام به امامت فرزندش اسماعیل معتقد شده، بعد از ایشان امامت را در فرزندان او جستجو کردند.

بیوگرافی اسماعیل

شیخ مفید قدس سره فرزندان امام جعفر صادق علیه السلام را به شرح زیر آورده:

اسماعیل، عبدالله و امّ فروه، که مادرشان فاطمه دخت حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام بود. (۱)
موسی، اسحاق و محمد که مادرشان کنیز بود.

عباس، علی، اسماء و فاطمه که از مادران مختلف بودند. (۲)

آنگاه شیخ مفید می افزاید:

ص: ۲۰۲

۱-۱. شیخ مفید و علامه طبرسی مادر اسماعیل را فاطمه دخت حسین بن امام سجاد علیه السلام مشهور به «حسین اصغر» دانسته که مردی دانشمند، زاهد، پارسا و متقی بوده، از امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام حدیث نقل کرده، به سال ۱۵۷ ه. وفات کرده، در بقیع مدفون شده است. [تستری، قاموس الرجال، ج ۳، ص ۴۹۴] ولی ابن طباطبا و ابن عنبه او را فاطمه دخت حسین اثرم فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام ثبت کرده اند. [ابن طباطبا، ابناء الامام، ص ۱۳۲؛ ابن عنبه، عمده الطالب، ص ۲۳۳].

۲-۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۹.

اسماعیل در میان برادرانش از همه بزرگتر بود، پدرش به او محبت فراوان داشت و به شدت به او مهر می ورزید، از این رهگذر گروهی از شیعیان تصور می کردند که بعد از امام صادق علیه السلام او جانشین پدر و قائم به امر امامت می باشد، زیرا او بزرگترین فرزندان و مورد عنایت و محبت پدرش بود.

اسماعیل در عهد پدر در «عُریض» در گذشت(۱) و بر دوش مردم به مدینه، به محضر پدرش تشییع شده، در بقیع خاکسپاری شد.(۲)

در حدیث آمده است که امام صادق علیه السلام برای درگذشت اسماعیل به شدت محزون شد، بدون کفش و عبا پیشاپیش تابوت حرکت می کرد، چندین بار پیش از دفن امر فرمود تابوت را بر زمین نهاده، صورتش را باز کرده، به صورتش می نگریست، درگذشت او را برای همگان تثبیت می کرد، تا کسانی که تصور می کردند که او جانشین امام صادق علیه السلام می باشد، از مرگ او آگاه شده، از اشتباه خود برگردند.

پس از درگذشت اسماعیل بسیاری از کسانی که در حق او دچار اشتباه شده بودند از اشتباه خود برگشتند، ولی تعداد اندکی بر خیال باطل خود باقی مانده به زنده بودن وی معتقد شدند، این گروه از خواص امام صادق علیه السلام و از راویان احادیث آن حضرت نبودند، بلکه بیگانه و از مناطق دوردست بودند.

پس از شهادت امام صادق علیه السلام گروهی از آنها به امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام معتقد شدند و برخی به دو گروه منقسم شدند:

۱. گروهی از اعتقاد به زنده بودن اسماعیل برگشتند و به امامت پسرش محمد بن اسماعیل معتقد شدند، زیرا آنان گمان می کردند که اسماعیل امام است، حالا که او در گذشته فرزندش به مقام امامت از برادر شایسته تر است.

ص: ۲۰۳

۱-۱. عُریض نام یکی از روستاهای معروف مدینه بود که در اثر توسعه مدینه منوره اینک یکی از محلات مدینه به شمار می آید، قبر شریف علی بن جعفر (فرزند امام صادق علیه السلام) در آنجا بود که به سال ۱۴۲۵ ه. توسط وهابیان تخریب شد و پیکر پاکش به صورت ترو تازه مشاهده گردید و به قبرستان بقیع انتقال یافت.

۲-۲. شیخ مفید، همان.

۲. گروهی دیگر بر زنده بودن اسماعیل پای فشرده و اینها تعداد اندکی هستند و در زمان ما کسی بر این عقیده شناخته نمی شود.

هر دو گروه اینک به عنوان « اسماعیلیه » نامیده می شوند و در زمان ما تنها گروه اول معروف هستند که امامت را پس از اسماعیل در فرزندان او تا آخر الزمان معتقد می باشند. (۱)

در مورد اسماعیل احادیث فراوانی از معصومین علیهم السلام رسیده که ما به شماری از آنها اشاره می کنیم:

۱. عمرو بن ابان گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم، آن حضرت پیرامون اوصیاء سخن گفت، من نام اسماعیل را بر زبان راندم، امام علیه السلام فرمود:

لَا وَاللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا ذَاكَ إِلَيْنَا، مَا هُوَ إِلَّا إِلَى اللَّهِ، يُنَزَّلُ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ؛ (۲)

ای ابا محمد، به خدا سوگند آن به ما مربوط نمی باشد، منحصرًا به خدا مربوط می شود، یکی را به دنبال دیگری می فرستد.

۲. مفضل بن مزید گوید: در حال حیات اسماعیل، از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا خداوند منان اطاعت فرزندت اسماعیل را همانند نیاکانش بر ما واجب کرده است؟ فرمود:

يَكْفِي ذَلِكْ؛

خداوند از این پرسش بی نیاز می کند.

من تصور کردم که امام علیه السلام در پاسخ من تقیه نمود، ولی طولی نکشید که اسماعیل در گذشت. (۳)

ص: ۲۰۴

۱-۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۰؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۵۴۶.

۲-۲. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱۰، ص ۴۷۱، ح ۴.

۳-۳. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۳۷، ح ۳۹.

۳. فیض بن مختار در ضمن یک حدیث طولانی از امام صادق علیه السلام روایت می کند که در مورد اسماعیل فرمود:

إِنَّ إِسْمَاعِيلَ لَيْسَ مِنِّي كَأَنَّ مِنْ أَبِي؛ (۱)

اسماعیل از من ، همانند من از پدرم نمیباشد .

۴. ولید بن صبیح گوید : به محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم که شخصی به نام عبدالجلیل به من گفت که شما سه سال پیش از وفات اسماعیل به او وصیت کرده بودید ؟ امام علیه السلام فرمود :

يَا وَلِيدُ لَا وَاللَّهِ ، فَإِنْ كُنْتُ فَعَلْتُ فَلَإِي فُلَانٍ يَعْنِي : ابوالحسن موسی علیه السلام وَ سَمَّاهَا ؛ (۲)

ای ولید به خدا سوگند نه ، اگر وصیتی بوده به فلانی یعنی ابوالحسن حضرت موسی کاظم علیه السلام بوده و از او نام برد .

۵. عبید بن زراره گوید : در محضر امام صادق علیه السلام در مورد اسماعیل سخن گفتم ، فرمود :

وَ اللَّهُ لَا يُشْبِهُنِي وَلَا يُشْبِهُ أَحَدًا مِنْ آبَائِي ؛ ۴

به خدا سوگند شبیه من نیست و به هیچکدام از پدرانم شباهت ندارد .

۶. حسن بن راشد گوید : از امام صادق علیه السلام در مورد اسماعیل پرسیدم ، فرمود :

ص: ۲۰۵

۱-۱. نعمانی ، الغیبه ، ص ۳۲۴ _ ۳۲۶ ، باب ۲۴ ، ح ۲ .

۲-۲. همان ، ص ۳۲۶ ، ح ۴ . ۳. شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۷۰ .

عَاصٍ ، لَا يُشْبِهُنِي وَلَا يُشْبِهُهُ أَحَدًا مِنْ آبَائِي؛ (۱)

او معصیت کار است ، به من شباهت ندارد ، و به هیچکدام از پدرانم شباهت ندارد .

بزرگان علمای شیعه به جلالت قدر اسماعیل معترف هستند و این دو حدیث را برخلاف جلالت قدر او نمی دانند ، بلکه می فرمایند :

حسن بن راشد از امام صادق علیه السلام می پرسد که آیا اسماعیل لیاقت امامت را دارد ؟ و امام علیه السلام با نفی عصمت او به عدم لیاقتش برای تصدی مقام امامت پاسخ می دهد ، اما تعبیر « عاص » با جلالت قدر او منافات ندارد ، زیرا از هر شخص عادل متقی نیز امکان صدور معصیت هست ، جز اینکه هر وقت متذکر شود ، توبه می کند . (۲)

۷. ولید بن صبیح گوید : مردی به نزد من آمد و گفت : بیا فرزند این مرد را به تو نشان دهم ، همراه او رفتم و اسماعیل را دیدم که همراه گروهی مشروب می خورد ، بسیار اندوهگین شدم ، به مسجد الحرام آمدم و دیدم که اسماعیل از پرده کعبه آویخته ، آنقدر اشک ریخته که پرده کعبه خیس شده است . با تعجب برگشتم و دیدم که اسماعیل در میان آن جمع نشسته ، به مسجد بازگشتم و اسماعیل را مشاهده کردم که از استار کعبه آویخته و اشک خود را بر پرده کعبه روان ساخته است .

این واقعه را به محضر امام صادق علیه السلام عرضه داشتم ، فرمود :

لَقَدْ ابْتُلِيَ إِيَّيْ بِشَيْطَانٍ يَتَمَثَّلُ فِي صُورَتِهِ؛ (۳)

ص: ۲۰۶

۱-۱. همان .

۲-۲. آیت الله خوئی ، معجم رجال الحدیث ، ج ۳ ، ص ۱۲۶ .

۳-۳. شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۷۰ .

پسرم به شیطانی مبتلا شده که به شکل او ظاهر می شود .

این حدیث اگرچه دلالت می کند بر عدم لیاقت اسماعیل به امامت ، زیرا امام باقر علیه السلام می فرماید :

مَا يَقْدِرُ الشَّيْطَانُ أَنْ يَتَمَثَّلَ فِي صُورِهِ نَبِيٍّ وَلَا وَصِيِّ نَبِيٍّ؛^(۱)

هرگز شیطان نمی تواند به شکل پیامبر و یا وصی پیامبر تمثّل پیدا کند .

ولی دلالت می کند بر برائت اسماعیل از شرب خمر ، زیرا دشمنان اهل بیت همواره او را به می گساری متهم می کردند و می گفتند او شرابخوار و می گسار می باشد .^(۲)

موعودباوری در کیش اسماعیلی

اشاره

دکتر مصطفی غالب ، داعی مشهور اسماعیلیان در زمان معاصر در کتاب معروفش « الامامه و قائم القیامه » پیرامون موعودباوری در کیش اسماعیلی می نویسد :

اعتقاد به قائم القیامه یا مهدی منتظر عقیده‌های رایج در غالب ادیان و مذاهب شرقی است که پیامبران ، حکیمان ، به ویژه پیامبران بنی اسرائیل نوید داده اند که خداوند منان برای نجات انسان ها از ستمها و اضطراب ها و ناهنجاری ها نجات بخشی را خواهد فرستاد که جامعه بشری را از همه لغزش ها و ناملایمات نجات داده ، روی زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود و اینک بسیاری از مردمان در انتظار این نجات بخش ثانیه شماری می کنند .^(۳)

ص: ۲۰۷

۱-۱ . شیخ طوسی ، اختیار معرفه الرجال ، ص ۳۰۴ ، ح ۵۴۸ .

۲-۲ . همان ، ص ۴۷۴ ، ح ۸۹۹ .

۳-۳ . دکتر مصطفی غالب ، الامامه و قائم القیامه ، ص ۲۷۰ ؛ فان فلوتن ، السیاده العربیه ، ص ۱۰۷ .

آنگاه دکتر مصطفی غالب شرح می دهد که یهودیان همانند پیروان دیگر ادیان در انتظار این نجات بخش به سر می برند ، همانگونه که بسیاری از مسیحیان به بازگشت حضرت مسیح و نجات انسان ها توسط وی معتقد می باشند . به ویژه مسیحیان حبشه که در انتظار بازگشت پادشاه خود « تیودر » هستند که به عنوان « مهدی » در آخرالزمان ظهور کند ، در آن هنگام که خداوند فرمان رستاخیز را صادر کند . (۱)

وی در ادامه اضافه می کند که در میان ادیان زمینی و آیین های بشری نیز آراء و باورهایی وجود دارد که از دکتین مهدویت و باورداشت قائم القیامه در آیین اسلام تفاوت نمی کند ، فی المثل :

۱ . مغول معتقد است که چنگیزخان پیش از مرگ خود وعده داد که یکبار دیگر به دنیا بازگشته ، پیروان خود را از ستم چینی ها رهایی خواهد داد .

۲ . از خلال قصه های فارسی معلوم می شود که قوم مجوس در انتظار یکی از نوادگان زرتشت به نام : « اشیدر بابا » می باشند .

۳ . در مصر باستان نیز چنین باورداشتی وجود داشت .

۴ . در کتب چینی ها نیز چنین اعتقادی موجود است .

۵ . در اعتقاد هندوهای معتقد به تناسخ برهمنی نیز شبیه این باور وجود داشت .

۶ . اعتقاد به انتظار نجات بخش و بازگشت او به روی زمین از مرز ادیان و مذاهب شرقی بیرون رفته به اهالی شبه جزیره اسکانندیناوی نیز رسیده است .

۷ . در میان ساکنان مکزیک نیز این باور موجود است .

۸ . ولتر تأکید می کند که هندی ها و چینیهها معتقدند که مسیح از مغرب خارج می شود ، در حالی که غربی ها انتظار او را از مشرق زمین می کشند . (۲)

۹ . گلدزیهر ، خاورشناس معروف می نویسد : یهود معتقد است که حضرت ایلیا

ص: ۲۰۸

۱-۱ . این تعبیر گواه دیگری است که اسماعیلیان عصر ظهور را آغاز رستاخیز و سقوط احکام و نسخ شریعت می دانند ، چنانکه در بخش معاد اشارت رفت .

۲-۲ . دکتر مصطفی غالب ، الامامه و قائم القیامه ، ص ۲۷۱ ؛ فان فلوتن ، السیاده العربیه ، ص ۱۰۸ .

(الیاس) به آسمان ها برده شده ، روزی به ناگزیر برای اقامه عدالت و حقیقت در آخرالزمان به زمین باز می گردد .

وی معتقد است که « الیاس » یکی از نمونه های بارز امام غایب در مذاهب اسلامی است که زنده است و احدی او را نمی بیند ولی روزی به عنوان هدایت گر و نجات بخش برای نجات جامعه بشری به روی زمین باز می گردد .(۱)

۱۰ . کوتاه سخن اینکه پیروان همه ادیان در اعتقاد به وجود نجات بخش و انتظار مصلح با مسلمانان هم عقیده هستند ، مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی زنده است و در آسمان است ، یهودیان معتقدند که الیاس مردم را به سوی تورات دعوت کرد و به مدت ۵۰۰ سال غایب شد ، سپس ظاهر شده باز هم به سوی تورات دعوت کرد ، باز هم غیبت نمود و اینک زنده است و عمرش از ۳۰۰۰ سال می گذرد ، همچنین حضرت خضر در قید حیات است ، برهمنیان برهن را زنده می دانند و بوداییها به زنده و جاوید بودن بودا معتقد می باشند و هرگز عقیده ای پیدا نمی شود جز اینکه در مورد فردی معتقد هستند که او زنده است و روزی ظهور کرده جهان را پر از عدل و داد می نماید .(۲)

با توجه به نکات خاصی که در مورد موعودباوری اسماعیلیه لازم به بررسی می باشد ، مطالب این بخش را تحت عنوان چند نکته بیان می داریم :

۱ . شش امامی یا هفت امامی ؟

از دیدگاه ما اسماعیلیان شش امامی هستند زیرا آنها تنها به شش تن از امامان معصوم معتقد هستند و بعد از امام صادق علیه السلام امامت را در فرزندان اسماعیل تداوم می دهند ولی آنها خود را هفت امامی می دانند ، زیرا محمد بن اسماعیل را امام هفتم می دانند .(۳)

اسماعیلیان فقط امام هفتم را امام ظاهر و امام ناطق می نامند و لذا به « سبئیه » شهرت یافتند .(۴)

ص: ۲۰۹

۱-۱ . همو ، ص ۲۷۲ ؛ گلدزیهر ، العقیده و الشریعه ، ص ۱۹۴ .

۲-۲ . همو ، ص ۲۸۲ .

۳-۳ . سعد بن عبدالله ، المقالات و الفرق ، ص ۲۱۳ ، فراز ۱۵۶ .

۴-۴ . شریف یحیی ، معجم الفرق و المقالات ، ص ۱۳۳ .

آنها در مورد امامت امام هفتم به کواکب سبعة، (۱) آیه شریفه: « وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي »؛ (۲) اقالیم سبعة، بحار سبعة، ایام هفته و دیگر مسائلی که در جهان طبیعت هفت عدد می باشد استناد می کنند. (۳)

۲. هفت ناطق

اسماعیلیان در میان ۱۲۴۰۰۰ پیامبر هفت تن را «ناطق» و دیگران را صامت می نامند، پیامبران ناطق که اولوالعزم و صاحب شریعت می باشند عبارتند از: آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد صلی الله علیه و آله و محمد بن اسماعیل، که همه آنها همانند پاره های یک تن می باشند، حضرت آدم یک جزء، حضرت نوح دو جزء، و ... حضرت محمد صلی الله علیه و آله شش جزء و محمد بن اسماعیل هفت جزء کامل را دارا می باشد. (۴)

اخوان الصفا شریعت را به یک مولود تشبیه می کنند که در عهد حضرت آدم به صورت خاک، در عهد حضرت نوح، به صورت نطفه، در عهد حضرت ابراهیم، به صورت علقه، در عهد حضرت موسی، به صورت مضغه، در عهد حضرت عیسی، به صورت جنین، در عهد رسول اکرم صلی الله علیه و آله استخوانبندی شده، سرانجام در عهد محمد بن اسماعیل با گوشت پوشیده می شود. (۵)

۳. هفت دَور

در بخش نبوت ادوار هفت گانه را بحث کرده، دور کبیر و دور صغیر را به طور فشرده شرح دادیم.

ص: ۲۱۰

۱-۱. منظور از کواکب سبعة: زحل، مشتری، مریخ، زهره، خورشید، عطارد و ماه می باشد.

۲-۲. سوره حجر (۱۵)، آیه ۸۷.

۳-۳. شریف یحیی، معجم الفرق و المقالات، ص ۱۳۳.

۴-۴. حامدی، کنزالولد، ص ۲۶۹.

۵-۵. اخوان الصفا، الرسالة الجامعة، ص ۵۱۹_۵۲۳.

۴. هفتمین دُور

هر دوری حدوداً هزار سال است که با بعثت پیامبری اولوالعزم آغاز می شود، هر پیامبر اولوالعزم « ناطق » نامیده می شود، وصی او « اساس » یا « صامت » نام دارد، پس از هر وصی صامت هفت امام می باشد، که آنها را امامان مستقر می نامند.

ناطق ششم پیامبر اکرم، وصی او حضرت علی و امامان مستقر بعد از او: امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر، امام صادق، اسماعیل و محمد بن اسماعیل می باشند. (۱)

ناطق هفتم « محمد بن اسماعیل » است که در این دوره ناطق و اساس در یک نفر متمرکز می شود، با ظهور او دوران پایانی جهان آغاز می شود، او به عدالت حکم می راند و به داوری روز رستاخیز بر می خیزد. (۲)

۵. قائم القیامه

ناطق هفتم « قائم القیامه » نامیده می شود، زیرا با ظهور او قیامت بر پا می شود، حساب و کتاب، ثواب و عقاب به دست او خواهد بود. (۳)

اسماعیلیان آیات مربوط به بهشت و جهنم، ثواب و عقاب، بعث و نشر، نفخ صور، تعطیل فرائض و نسخ شرایع را به ناطق هفتم مربوط می دانند. (۴)

دکتر مصطفی به هنگام نقل اعتقاد مسیحیان حبشه در مورد بازگشت « تیودر » توضیح می دهد که: یعنی هنگامی که خداوند فرمان قیام رستاخیز را صادر می کند. (۵) و به هنگام نقل مطالب اخوان الصفا می گوید:

تحلیل های اخوان الصفا در اینجا پایان نمی یابد، بلکه در مورد ختم شریعت و

ص: ۲۱۱

۱-۱. در شمارش امامان دور ششم در میان اسماعیلیان دو نظر وجود دارد، برخی حضرت علی علیه السلام را به عنوان « اساس » می دانند و در شمار نمی آورند، گروهی دیگر او را نیز جزء امامان به شمار آورده، اسماعیل را در شمار نمی آورند.

۲-۲. برنارد لوئیس، اصول الاسماعیلیه، ص ۹۰.

۳-۳. کرمانی، راحة العقل، ص ۵۸۴.

۴-۴. همو، ص ۵۱۶، ۵۷۵، ۵۸۵.

۵-۵. مصطفی غالب، الامامه و قائم القیامه، ص ۲۷۱.

نسخ آن به وسیله قائم منتظر سخن می گویند. (۱)

عارف تامر در مقدمه خود بر کتاب اخوان الصفا، با صراحت بیشتر می نویسد:

واژه آسمان در آیه شریفه: «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِلْكُتُبِ»؛ (۲) روزی که آسمان را همانند طوماری درهم می پیچیم. به معنای شریعت می باشد و تأویل آن در نزد اسماعیلیان این است که به هنگام ظهور هفتمین قائم منتظر همه شریعت ها برچیده می شود. (۳)

قاضی نعمان نیز در این رابطه می نویسد:

قائم الزمان صاحب رستاخیز است، زیرا تکلیف در زمان او برداشته می شود، باطن شفاف و ظاهر ساقط می گردد. (۴)

داعی یمن نیز با صراحت بیشتر اعلام می دارد:

در عهد قائم شریعتی نخواهد بود، بلکه او شریعت ها را از بین می برد و آنها را با اقامه تأویل محض نسخ می کند. (۵)

عمادالدین می گوید:

محمد بن اسماعیل ناطق هفتم و خاتم بخش ناطق های هفتگانه و مقتدرترین آنان است که شریعت ناطق ششم را نسخ می کند (۶).

المعزالدین الله، چهارمین خلیفه فاطمی (۳۴۱ - ۳۶۵ ه.) در فرازی از دعای روز شنبه می گوید:

ص: ۲۱۲

۱-۱. همو، ص ۳۰۶.

۲-۲. سوره انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۴.

۳-۳. عارف تامر، جامعه الجامعه، ص ۵۸، مقدمه.

۴-۴. قاضی نعمان، اساس التأویل، ص ۶۲.

۵-۵. جعفر بن منصور، داعی یمن، تأویل الزکاه، ص ۱۱۹؛ محمد عبدالحمید، صائبه حران، ص ۱۳۹.

۶-۶. ادريس عمادالدین، زهر المعانی، ص ۵۳.

خدایا درود بفرست بر امام قائم به حق و ناطق به صدق ، که نهمین از تبار پیامبر و هشتمین نسل کوثر و هفتمین امام نور می باشد که او را گرامی داشته ، عالم طبیعت را به وسیله او پایان داده ، ظاهر شریعت حضرت محمد را به دست او تعطیل نمودی (۱).

حامدی در تفسیر آیه شریفه : « تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ »؛ (۲) روح الامین و فرشتگان به سوی او بالا می روند در روزی که مقدار آن ۵۰۰۰۰ سال می باشد ؛ می نویسد :

از زمان حضرت آدم تا حضرت خاتم ۷۰۰۰ سال است که قرآن اصغر می باشد و زمان قائم ۵۰۰۰۰ سال می باشد که قرآن اکبر و دوره کشف است. (۳)

کرمانی در تفسیر همین آیه می نویسد :

یعنی ای محمد صلی الله علیه و آله تو و شریعت تو در عهد قائم القیامه عروج می کنی ، که زمان او ۵۰۰۰۰ سال است و جامع همه ادوار می باشد. (۴)

۶. موعودباوری در انشعابات مختلف اسماعیلیه

اسماعیلیه خالصه ، از شاخه های اسماعیلیان نخستین به مهدویت اسماعیل ، غیبت و ظهور او در آخر الزمان عقیده داشتند ، ولی قرمطی ها از شاخه اکثریت مبارکیه نه تنها او را مهدی نمی دانستند ، بلکه به امامت او نیز معتقد نبودند ، آنها می گفتند : محمد پسر اسماعیل امام و مهدی و قائم القیامه است ، او نمرده ، بلکه زنده

ص: ۲۱۳

۱-۱. المعز لدین الله ، ادعیه الایام السبعه ، دعای روز شنبه ؛ ادریس عماد الدین ، زهر المعانی ، ص ۵۶ ؛ طاهر یمانی ، الانوار اللطیفه ، ص ۱۳۰ .

۲-۲. سوره معارج (۷۰) ، آیه ۴ .

۳-۳. حامدی ، کنزالولد ، ص ۱۳۶ .

۴-۴. کرمانی ، راحه العقل ، ص ۵۷۶ .

است و در سرزمین روم از دیدگان پنهان است ، روزی ظهور کرده جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود .

این گروه محمد بن اسماعیل را از پیامبران اولوالعزم به شمار آورده ، او را خاتم پیامبران می دانند و معتقدند که شریعت اسلام به دست او نسخ می شود ، بهشت حضرت آدم در اختیار او قرار می گیرد و همه محارم برای او مباح می شود .(۱)

آنها برای اثبات سخنان بی پایه خود به دلایلی استناد می کنند که هیچ ربطی به ادعای آنها ندارد ، مثلا می گویند :

آیه شریفه « فَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا »؛(۲)

« هر چه می خواهید بدون هیچ زحمت و محدودیتی از نعمت های بهشتی استفاده کنید . در حق محمد و پدرش اسماعیل می باشد ، ولی آیه « وَلَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ »؛(۳) « به این درخت نزدیک نشوید » در حق حضرت موسی بن جعفر و فرزندان او می باشد .(۴)

اسماعیلیه خالصه به امامت اسماعیل معتقد شده ، او را همان قائم و مهدی موعود می دانند که در آخر الزمان ظهور کرده ، جهان را پر از عدل و داد می کند . آنها می گویند : اسماعیل در عهد امام صادق علیه السلام فوت نکرده ، بلکه امام علیه السلام برای حفاظت از جان او چنین وانمود کرد ، زیرا امام صادق علیه السلام به او اشارت کرده و اطاعتش را واجب اعلام نموده ، و امام هرگز دروغ نمی گوید ، پس اسماعیل نمرده و او همان قائم می باشد .(۵)

مبارکيه گویند : امامت از آن اسماعیل بود ، ولی چون او در عهد پدر درگذشت ، امامت به پسرش محمد منتقل شد ، زیرا بعد از امام حسن و امام حسین علیهما السلام هرگز امامت در دو برادر جمع نمی شود ، از این رهگذر امام کاظم علیه السلام در امامت سهم نداشت ، چنانکه محمد حنفیه سهم نداشت .(۶)

ص: ۲۱۴

۱-۱ . اشعری ، المقالات و الفرق ، ص ۸۴ .

۲-۲ . سوره بقره (۲) ، آیه ۳۵ .

۳-۳ . همان .

۴-۴ . نوبختی ، فرق الشیعه ، ص ۷۴ .

۵-۵ . همو ، ص ۶۷ ؛ اشعری ، المقالات و الفرق ، ص ۸۰ .

۶-۶ . همو ، ص ۶۸ ؛ اشعری ، همان ، ص ۸۱ .

خطابیه ، پیروان ابوالخطاب محمد بن ابی زینب اسدی اجدع ، به نبوت ابوالخطاب معتقد شده ، پس از کشته شدن او به امامت و نبوت محمد بن اسماعیل معتقد شدند .(۱)

ابوالخطاب به الوهیت امام صادق علیه السلام معتقد شده ، خود را فرستاده آن حضرت معرفی می کرد ، بهشت را همان نعمت های دنیا و دوزخ را همان آم و اسقام دنیا دانسته ، همه محرّمات را مباح اعلام کرده بود و به سال ۱۳۸ ه . کشته شد .(۲)

پس از کشته شدن ابوالخطاب « خطابیه » به شاخه های مختلفی منشعب شدند که از آن جمله است : مفضلیه ، عجلیه ، عمریه ، معمریه و بزعیّه .(۳)

گروهی از خطابیه کشته شدن ابوالخطاب را منکر شده به غیبت او معتقد شدند .

آنها می گویند : روح امام صادق علیه السلام در ابوالخطاب حلول کرده بود ، پس از غیبت او به محمد بن اسماعیل منتقل شد .

آنها می گویند : روز عید غدیر ، پس از نصب امیرمؤمنان علیه السلام به امامت ، رسالت از پیامبر منقطع شده ، و به امیرمؤمنان علیه السلام منتقل گردید ، چنانکه امامت در حیات امام صادق علیه السلام از آن حضرت منقطع شده ، به پسرش اسماعیل منتقل گردید و او همان مهدی و قائم است که با شریعت جدید به رسالت مبعوث شده ، شریعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را نسخ می کند . این گروه به جهت انتساب به یکی از رهبران خود به نام « قرمطویه » ؛ « قرامطه » نامیده می شوند .(۴)

در این رابطه سخن بسیار فراوان است ، ولی چندان فایده ای عاید نمی شود و لذا به همین مقدار بسنده کرده ، طالبان تفصیل بیشتر را به کتابهای ملل و نحل و کتب اسماعیلیان حواله می نمایم .(۵)

ص: ۲۱۵

۱-۱ . همو ، ص ۶۹ _ ۷۱ ؛ اشعری ، همان ، ص ۸۱ و ۸۲ .

۲-۲ . شریف یحیی ، معجم الفرق الاسلامیه ، ص ۱۱۰ .

۳-۳ . همان .

۴-۴ . نوبختی ، فرق الشیعه ، ص ۷۱ _ ۷۳ .

۵-۵ . تعداد بیشماری از آثار داعیان اسماعیلی در دنیا چاپ و منتشر شده ، که ۷۰۰ عنوان از آنها را ولادیمیر ایوانف ، متوفای ۱۹۷۰ م . در سال ۱۹۳۳ م . معرفی کرده است .

یکی دیگر از فرقه های مشهور شیعیان ، فرقه « زیدیه » می باشد .

فرقه زیدیه در نیمه اول قرن دوم هجری پدیدار گشته برخی از شاخه های آن تا زمان ما ادامه دارند .

همه گروه های زیدی در اعتقاد به امامت جناب « زید » فرزند امام سجاد علیه السلام اتفاق نظر دارند .

زیدیه به چهارتن از امامان معصوم اعتقاد دارند ، از این رهگذر از نظر ما چهار امامی به شمار می آیند .

در این بخش پس از شرحی فشرده پیرامون جناب زید و فرقه های زیدی به موعودباوری از منظر شیعیان زیدی خواهیم پرداخت .

زید بن علی علیه السلام

جناب زید ، فرزند امام زین العابدین علیه السلام شخصیت بسیار ممتاز و چهره بسیار برجسته ای بود که همه معصومین علیهم السلام از او به نیکی و عظمت یاد کرده اند و همه دانشمندان در مورد مقام والای ایشان متفق القول می باشند .

۱ . شیخ مفید قدس سره در حق وی می نویسد :

« زید » فرزند علی بن الحسین علیه السلام بعد از ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام چشم و چراغ برادران ، برترین آنان ، مردی پارسا ، عبادت پیشه ، سخاوتمند و شجاع بود ، با شمشیر قیام کرد ، امر به معروف و نهی از منکر نمود ، و به خون خواهی امام حسین علیه السلام قیام کرد . (۱)

ص: ۲۱۶

۲. زیاد بن منذر، مشهور به ابوالجارود، بنیانگذار آیین زیدی جارودی می گوید:

وارد مدینه شدم، از هر کس در مورد زید بن علی پرسیدم، گفتند که او «حلیف القرآن» بود. (۱)

۳. از ابوحنیفه نقل شده که در مورد زید گفت:

من زید بن علی را دیدم، در زمان او کسی در فقه، در سرعت انتقال و در سلاست بیان از او برتر نبود، او فردی بی نظیر بود (۲).

۴. عبدالله، پدر نفس زکیه، به حسین فرزند زید گفت:

کمترین نیاکان تو پدرت بود که نه در میان ما و نه در میان دیگران همانندی برای او سراغ نداریم. (۳)

۵. خالد بن صفوان که در «رصافه» او را دیده بود می گفت:

آنقدر از ترس خدا می گریست که اشک دیدگانش بر چهره اش سرازیر می شد. (۴)

۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده که زید بن علی علیه السلام می گفت:

من سیزده سال با قرآن خلوت کردم، آن را تلاوت می کردم و در مورد آن

ص: ۲۱۷

۱-۱. همو، ص ۱۷۲.

۲-۲. ابوزهره، تاریخ المذاهب الاسلامیه، ص ۶۳۷.

۳-۳. همان.

۴-۴. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۷۲.

تدبّر می نمودم. (۱)

۷. به هنگام شهادت زید، عاصم بن عبدالله بن عمر گفت:

مردی را از دست دادید که تصور نمی‌کنم در آینده نیز همانندی برای او پیدا شود، او زید بن علی است، من او را به هنگام نوجوانی اش دیدم، چون نام خدا در نزد او برده می‌شد، آنچنان حالتی بر وی رخ می‌داد که انسان تصوّر نمی‌کرد که او زنده شود. (۲)

۸. عمر بن موسی و جیهی در مورد زید می‌گوید:

من کسی را سراغ ندارم که بر کتاب خدا، ناسخ و منسوخ آن، بر مشکلات و اعراب آن از زید بن علی داناتر باشد. (۳)

۹. ابن ابی الحدید معتزلی به هنگام بحث از «أباه ضمیم» (۴) می‌نویسد:

یکی دیگر از کسانی که روش و منش پیشوایان و نیاکان خود را شیوه خود قرار داده، از پذیرش هرگونه ستم و حقارت امتناع ورزیده و هرگز زیر بار ظلم و مذلت نرفته، مرگ سرخ را برگزیده و تصمیم گرفته که شرافتمندانه بمیرد، ابوالحسن زید بن علی بن الحسین علیه السلام می‌باشد. (۵)

۱۰. نسابه معروف ابن عنبه می‌نویسد:

ص: ۲۱۸

۱-۱. دخیل، زید بن الامام علی بن الحسین علیه السلام، ص ۲۳، به نقل از: حسین بن احمد سیاعی، الروض النضیر، ج ۱، ص ۵۴.

۲-۲. همو، به نقل از مقریزی، الخطط المقریزیّه، ج ۴، ص ۳۰۷.

۳-۳. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۲۷، رقم ۵۰۹.

۴-۴. «أباه» جمع «آبی» به معنای ممتنع و «ضمیم» به معنای «ظلم» می‌باشد، «أباه ضمیم» یعنی کسانی که به زیر بار ظلم نمی‌روند.

۵-۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۸۵.

مناقش فراتر از آن است که به شمار آید و فضائلش بیش از آن است که وصف شود. (۱)

سیمای زید در آینه پیشوایان

در احادیث فراوان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام از جناب زید و شهادت او خبر داده اند که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

يا حُسَيْنُ يُخْرِجُ مِنْ صُلبِكَ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ « زَيْدٌ » يَتَخَطَى هُوَ وَ أَصِيحَابُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِقَابَ النَّاسِ ، غُرًّا مُحَجَّلِينَ ، يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ (۲)

ای حسین ، از صلب تو مردی خارج شود که « زید » نامیده می شود ، او و یارانش در روز رستاخیز سرفراز و پیشانی سپیدانند ، بدون حساب وارد بهشت شوند .

۲. و در حدیث دیگری فرمود:

يُقْتَلُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي ، فَيُضَلَبُ ، لَا تَرَى الْجَنَّةَ عَيْنٌ رَأَتْ عَوْرَتَهُ؛ (۳)

مردی از اهل بیت من کشته می شود ، سپس به دار زده می شود ، هر کس به

ص: ۲۱۹

۱-۱. ابن عنبه ، عمده الطالب ، ص ۲۵۵ .

۲-۲. شیخ صدوق ، الأمالی ، ص ۲۷۰ ، مجلس ۵۳ ، ح ۹ ؛ همو ، عیون الأخبار ، ج ۱ ، ص ۱۹۵ .

۳-۳. ابوالفرج اصفهانی ، مقاتل الطالبیین ، ص ۱۲۳ .

عورتش بنگرد بهشت را مشاهده نمی کند .

۳. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زید بن حارثه را دید ، پس به سوی او نگریست ، آنگاه گریه کرد و فرمود :

الْمَظْلُومُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَمِيَّ هَذَا ، وَالْمَقْتُولُ فِي اللَّهِ وَالْمَضْلُوبُ مِنْ أُمَّتِي سَمِيَّ هَذَا؛ (۱)

مظلوم خاندانم هم نام اوست ، آنکه در راه خدا کشته می شود و آنکه از امت من به دار زده می شود ، هم نام اوست .

۴. آنگاه زید بن حارثه را به نزد خود طلبید و فرمود :

يَا زَيْدُ زَادَكَ اللَّهُ حُبًّا عِنْدِي ، فَإِنَّكَ سَمِيَّ الْحَبِيبِ مِنْ وُلْدِي زَيْدٍ؛ (۲)

ای زید ! خداوند محبت ترا در نزد من افزون کرده ، زیرا تو هم نام محبوب من از فرزندانم « زید » می باشی .

۵. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود :

يُصَلِّبُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي بِالْكُوفَةِ عُرْيَانًا ، لَا يَنْظُرُ أَحَدٌ إِلَى عَوْرَتِهِ مُتَعَمِّدًا إِلَّا أَعَمَّاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (۳)

ص: ۲۲۰

۱-۱. متقی هندی ، کنز العمال ، ج ۱۳ ، ص ۳۹۹ ، ح ۳۷۰۷۵ .

۲-۲. ابن عساکر ، تاریخ دمشق ، ج ۲۱ ، ص ۳۲۴ .

۳-۳. دخیل ، زید بن الامام علی بن الحسین ، ص ۱۹ ؛ به نقل از حمد بن احمد یمانی ، الحدائق الوردیه ، ج ۱ ، ص ۱۴۴ .

مردی از اهل بیت من بدون جامه در کوفه به دار آویخته می شود ، احدی عمدا به عورتش نمی نگرد جز اینکه خداوند او را در روز رستاخیز نابینا محسورش می کند .

۶. و در حدیث دیگری فرمود :

يُقْتَلُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يُقَالُ لَهُ « زَيْدٌ » بِمَوْضِعٍ يُعْرَفُ بِالْكَنَاسَةِ ، يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ ، يَتَّبِعُهُ عَلَيْهِ كُلُّ مُؤْمِنٍ ؛ (۱)

مردی از فرزندانم کشته می شود که زید نامیده می شود ، در محلی معروف به « کناسه » ، او به سوی حق فرا می خواند ، هر مؤمنی از او پیروی می کند .

۷. ابن حجر عسقلانی از جریر بن حازم نقل کرده که می گفت : در عالم رؤیا حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که به چوبه داری که زید بن علی بر آن آویخته بود ، تکیه کرده بود و می فرمود :

هَكَذَا تَفْعَلُونَ بَوْلَدِي ؛ (۲)

با فرزند من اینگونه رفتار می کنید ؟ !

۸. روزی امیرمؤمنان علیه السلام در کوفه ، در محلی که بعدها زید در آنجا به دار زده شد ، ایستاد ، آنقدر گریست که محاسن شریفش تر شد و همه اصحاب به گریه افتادند ، از علت گریه اش پرسیدند ، فرمود : برای مردی از فرزندانم گریه می کنم که در اینجا به دار آویخته می شود . (۳)

ص : ۲۲۱

۱-۱ . همو ، به نقل از حسین بن احمد سیاعی ، الروض النضیر ، ج ۱ ، ص ۵۹ .

۲-۲ . ابن حجر ، تهذیب التهذیب ، ج ۲ ، ص ۲۴۵ ، رقم ۲۵۲۰ .

۳-۳ . سید بن طاووس ، التشریف بالمنن ، ص ۲۴۴ ، ب ۳۱ ، ح ۳۵۵ .

۹. خوارزمی با اسنادش از امیرمؤمنان روایت کرده که فرمود :

شهید فرزندانم، قیام کننده به حق از تبارم، به دار آویخته شده در کناسه کوفه، پیشوای مجاهدان، سرور پیشانی سپیدان، خود و یارانش روز رستاخیز می آیند، در حالی که فرشتگان آنها را استقبال می کنند و ندا سر می دهند که وارد بهشت شوید که هیچ حزن و اندوهی بر شما نیست. (۱)

۱۰. امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن خطبه مفصلی بر فراز منبر کوفه به تفصیل از شهادت امام حسین علیه السلام، آنگاه از کشته شدن جناب زید و طعمه حریق شدن پیکر مقدسش سخن گفته، به شدت اشک می ریزد. (۲)

خروج زید از دیدگاه معصومان

از نگاهی گذرا به روایات یاد شده در بخش پیشین مقام والا و جایگاه رفیع زید بن علی علیه السلام معلوم گردید و اینک شماری از بیانات شفاف و صریح معصومین علیهم السلام را در دفاع از حرکت زید و خروج او در اینجا می آوریم :

۱. هنگامی که « زید » برادر امام رضا علیه السلام در بصره خروج کرد و خانه های بنی العباس را به آتش کشید، مأمون او را عفو کرد و خطاب به امام رضا علیه السلام گفت : اگر برادرت « زید » خروج کرده این حوادث را به وجود آورد، پیش از او نیز زید بن علی خروج کرده کشته شد، کار او کار کوچکی نبود، اگر رعایت جایگاه شما نبود من او را می کشتم .

امام رضا علیه السلام در پاسخ مأمون فرمود :

ص: ۲۲۲

۱-۱. اخطب خوارزم، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲-۲. سید بن طاووس، همان، ص ۲۷۱، ب ۵۹، ح ۳۹۳.

برادرم زید را هرگز با زید بن علی مقایسه نکن که زید بن علی از علمای آل محمد بود، برای خدا خشمگین شد، و با دشمنان خدا نبرد کرد تا در راه خدا کشته شد.

پدرم موسی بن جعفر علیه السلام از پدرش امام صادق علیه السلام شنیده بود که می فرمود:

خدای رحمت کند عمویم زید را که به سوی «رضا از آل محمد» فرا می خواند، و اگر به قدرت می رسید به گفته اش وفا می کرد.

سپس امام صادق علیه السلام می افزاید:

زید در مورد خروج خود با من مشورت کرد، من گفتم:

عموجان اگر می پسندی که مقتول و مصلوب در کناسه تو باشی، مانعی ندارد.

هنگامی که زید از محضر امام صادق علیه السلام بیرون رفت، حضرت فرمود:

وای بر کسی که فراخوانی او را بشنود و به یاری اش نشتابد.

مأمون گفت: ای ابوالحسن، مگر نه این است که در مورد مدعیان دروغین امامت آن همه روایات رسیده است؟!

امام رضا علیه السلام در پاسخ او فرمود:

زید بن علی هرگز چیزی را به ناحق ادعا نکرد، او در نزد پروردگار پارساتر از این معنی بود. او همواره می گفت: من شما را به رضا (فرد پسندیده) از آل محمد علیهم السلام فرا می خوانم.

امام رضا علیه السلام در پایان فرمود :

به خدا سوگند زید از کسانی بود که با این آیه شریفه(۱) مورد خطاب قرار گرفته که خداوند فرمود : « وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ »(۲) « در راه خدا جهاد کنید همانگونه که شایسته است ، او شما را برگزید . »

۲ . امام صادق علیه السلام در مقام نهی از جنبش های پراکنده فرمود :

نگویید که زید خروج کرد ، او دانشمند بود ، او راستگو بود ، او هرگز به سوی خودش دعوت نکرد ، او شما را به سوی رضا از آل محمد فراخواند و اگر پیروز می شد به آنچه دعوت می کرد وفا می نمود .(۳)

۳ . فضیل بن یسار که در رکاب زید نبرد کرده ، پس از شهادت او به مدینه رفته به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شده ، در فرازی از یک حدیث طولانی نقل می کند که امام علیه السلام فرمود :

مَضَى وَاللَّهِ زَيْدٌ عَمِّي ، وَ أَصْحَابُهُ الشُّهَدَاءُ ، مِثْلَ مَا مَضَى عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَصْحَابُهُ ؛(۴)

به خدا سوگند عمویم زید و یاران شهیدش همان راهی را رفتند که امیرمؤمنان و یاران او رفتند .

۴ . در حدیث دیگری در مورد کسانی که از زید بیزاری می جستند فرمود :

ص: ۲۲۴

۱-۱ . سوره حج (۲۲) ، آیه ۷۸ .

۲-۲ . شیخ صدوق ، عیون الأخبار ، ج ۱ ، ص ۱۹۴ ، ب ۲۵ ، ح ۱ .

۳-۳ . کلینی ، الکافی ، ج ۸ ، ص ۲۲۰ ، ح ۳۸۱ .

۴-۴ . شیخ صدوق ، عیون الأخبار ، ج ۱ ، ص ۱۹۸ ، ب ۲۵ ، ح ۷ .

خداوند بیزاری می جوید از کسی که از زید بیزاری بجوید ، به خدا سوگند او در تلاوت قرآن ، فهم دین و عمل به صله رحم از همه ما پیشروتر بود ، او در میان ما کسی را جایگزین نکرد که همانند او باشد برای دین و دنیای ما .(۱)

۵ . هنگامی که خبر شهادت جناب زید در محضر امام صادق علیه السلام مطرح شد فرمود :

« إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ » ؛

ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم .

سپس فرمود :

عمویم را در نزد خدای محسوب می دارم ، او مردی بود برای دنیای ما و آخرت ما ، به خدا سوگند عمویم شهید از دنیا رفت ، همانند شهیدانی که با رسول خدا ، امیرمؤمنان ، امام حسن و امام حسین علیهم السلام به شهادت رسیدند .(۲)

۶ . امام صادق علیه السلام از ابی ولّاد کاهلی پرسید : آیا عمویم زید را دیدی ؟ گفت : آری ، او را در حالی که به دار آویخته بود دیدم ، گروهی از مردمان شماتت جانکاهی می کردند و گروهی از شدت اندوه می سوختند ، فرمود :

أَمَّا الْبَاكِي فَمَعَهُ فِي الْجَنَّةِ ، وَ أَمَّا الشَّامِتُ فَشَرِيكٌ فِي دَمِهِ ؛(۳)

گریه کن ها در بهشت همراه اویند ، و شماتت کنندگان در خون او شریک می باشند .

ص: ۲۲۵

۱-۱ . ابن عساکر ، ج ۲۱ ، ص ۳۲۵ ؛ به نقل از : بغية الطلب ، ج ۲ ، ص ۴۰۲۹ .

۲-۲ . شیخ صدوق ، همان ، ص ۱۹۷ ، ح ۶ .

۳-۳ . علامه مجلسی ، بحار الأنوار ، ج ۴۶ ، ص ۱۹۳ ، ح ۶۳ .

۷. فضیل بن رسان گوید: به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، مرا به اندرون خانه رهنمون شدند، در آنجا به من فرمودند: یا فضیل! عمویم زید کشته شد، گفتم: آری، جانم به فدای شما. فرمود:

رَحِمَهُ اللَّهُ ، أَمَا إِنَّهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَكَانَ عَارِفًا وَكَانَ عَالِمًا وَكَانَ صَادِقًا ، أَمَا إِنَّهُ لَوْ ظَفَرَ لَوْفِي ، أَمَا إِنَّهُ لَوْ مَلَكَ لَعَرَفَ كَيْفَ يَضَعُهَا ؛

خدایش رحمت کند، به راستی او مؤمن بود، او عارف، دانشمند و راستگو بود، اگر پیروز می شد به عهدش وفا می کرد، اگر به قدرت می رسید می دانست که آن را در کجا قرار دهد.

عرضه داشتم اجازت می فرمایید چکامه ای بخوانم؟ فرمود: مهلت ده، آنگاه دستور داد پرده ای آویختند و درهایی را گشودند، سپس فرمود بخوان. من چکامه ای خواندم و ناله هایی را از پشت پرده شنیدم، فرمود: این چکامه از کیست؟ گفتم: از سید حمیری، فرمود: خدایش رحمت کند. (۱)

۸. پس از شهادت زید حضرت صادق علیه السلام به شدت متأثر شد و آثار حزن و اندوه در سیمای آن حضرت آشکار شد، آنگاه ابو خالد واسطی را فراخواند و هزار دینار از اموال شخصی خود به او داد و به او امر فرمود که آنها را در میان خانواده های افرادی که در محضر زید کشته شده اند تقسیم کند.

ابو خالد گوید که من آن را در میان خانواده ها تقسیم کردم، به خانواده عبدالله بن زبیر، برادر فضیل بن رسان چهار دینار رسید. (۲)

به نقلی دیگر هزار دینار به عبدالرحمان بن سیاه دادند و امر فرمودند که آن را در

ص: ۲۲۶

۱-۱. شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۲۸۵، ح ۵۰۵.

۲-۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۷۳.

میان خانواده های مصیبت دیده تقسیم کند ، پس به هر خانواده ای چهار دینار رسید .(۱)

در شهادت جناب زید امام صادق علیه السلام به سوک نشستند ، مردم به محضرش می شتافتند و تسلیت می گفتند .(۲)

اساتید و شاگردان زید

زید شهید سه امام معصوم را درک کرده :

۱ . پدر بزرگوارش امام سجاد علیه السلام

۲ . برادر بزرگوارش امام باقر علیه السلام

۳ . برادرزاده بزرگوارش امام صادق علیه السلام

بیشترین استفاده جناب زید از پدر بزرگوارش فخر الساجدین زین العابدین امام سجاد علیه السلام بوده است .

با نگاهی گذرا به کتاب « مجموعه فقهی » زید که به عنوان « مسند زید » چاپ شده و منتشر شده(۳) میزان استفاده و کسب دانش زید در محضر امام سجاد علیه السلام روشن می شود .

در کتاب مسند زید بیش از ۶۰۰ حدیث گرد آمده که سند همه آنها بدون استثناء به شرح زیر می باشد :

« حَدَّثَنِي زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ ، عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ » .(۴)

مرا حدیث گفت : « زید بن علی ، از پدرش ، امام زین العابدین ، از جدش ، امام

ص: ۲۲۷

۱-۱ . شیخ طوسی ، همان ، ص ۳۳۸ ، ح ۶۲۲ ؛ ابن عنبه ، عمده الطالب ، ص ۲۵۸ .

۲-۲ . ابوالفرج اصفهانی ، الأغانی ، ج ۷ ، ص ۲۵۱ .

۳-۳ . این کتاب مجموعه احادیث فقهی زید بن علی علیه السلام (مستشهد ۱۲۲ ه .) می باشد که توسط عبدالعزیز بن اسحاق ، متوفای ۳۱۳ ه . گردآوری شده ، متن عربی آن به پیوست ترجمه لاتینی احادیث به سال ۱۹۱۹ م . به همت استاد غرفینی در میلانو ایتالیا به چاپ رسیده ، سپس در مطبعه المعارف العلمیه به سال ۱۳۴۰ ه . در مصر و اخیرا از سوی دارالکتب العلمیه به سال ۱۴۰۱ ه . در بیروت چاپ و منتشر شده است . [سرکیس ، معجم المطبوعات العربیه ، ج ۱ ، ص ۹۸۴ ؛ تهرانی ، الذریعه ، ج ۲۱ ، ص ۲۶] .

۴-۴ . عبدالعزیز بن اسحاق ، مسند الامام زید ، ص ۴۷ _ ۳۸۲ .

حسین ، از حضرت علی رضی الله عنهم .

گوینده حدیثی « عبدالعزیز بن اسحاق بغدادی » متوفای ۳۱۳ ه . می باشد که این مجموعه را با سلسله اسنادش از زید بن علی علیه السلام گرد آورده است .

نقل بیش از ۶۰۰ حدیث در یک کتاب با یک مسند ، میزان استفاده و کسب فیض او را از محضر پدر بزرگوارش به روشنی اثبات می کند .

مخصوصا اگر به این نکته توجه کنیم که تولد زید در حدود سال ۸۰ هجری و شهادت امام سجاد علیه السلام به سال ۹۵ هجری بوده است .^(۱)

نقل این همه حدیث که همه اش حدیث فقهی و پایه استنباط احکام می باشد در اوان نوجوانی بسیار جالب و ارزنده است .

یکی دیگر از میراث های ارزشمند زید بن علی به جهان بشریت صحیفه کامله سجادیه است ، که متن آن به خط زید و املاء امام سجاد علیه السلام می باشد .

متوکل بن هارون هنگامی که آن را از یحیی بن زید گرفته همراه خود به مدینه آورد و به امام صادق علیه السلام ارایه داد ، امام علیه السلام فرمود : به خدا سوگند این خط عمویم زید و دعای جدم حضرت علی بن الحسین علیه السلام می باشد .^(۲)

استنساخ صحیفه سجادیه که به حق زبور آل محمد علیهم السلام نامیده می شود ، توسط جناب زید در آن سن نوجوانی بسیار حائز اهمیت می باشد .

بعد از امام سجاد علیه السلام بزرگترین استاد و معمار فکری زید برادر بزرگوارش امام محمدباقر علیه السلام می باشد .

جناب زید به امام محمدباقر علیه السلام به شدت عشق می ورزید و معالم دینش را از او می آموخت و احادیث فراوانی از آن حضرت روایت کرده است .^(۳)

هشام بن عبدالملک برای به غضب آوردن زید به امام باقر علیه السلام جسارت کرد ،

ص: ۲۲۸

۱-۱ . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۱۳۷ .

۲-۲ . صحیفه سجادیه ، مقدمه ، ص ۴۶ .

۳-۳ . ابن حجر ، تهذیب التهذیب ، ج ۲ ، ص ۲۴۴ .

زید آنقدر برآشفته که نزدیک بود قالب تهی کند ، آنگاه با شجاعت مخصوص به خود به او فرمود :

رسول خدا صلی الله علیه و آله او را « باقر » نام نهاد و تو اینگونه تعبیر می کنی ؟ چقدر با رسول خدا مخالفت می کنی ؟ خوب توجه کن ، همانگونه که در دنیا با وی از در مخالفت رفتار می کنی ، در آخرت نیز مخالفت خواهی نمود ، او وارد بهشت و تو وارد دوزخ خواهی شد . (۱)

بعد از امام باقر علیه السلام بیشترین استفاده زید از محضر امام صادق علیه السلام بود ، او را حجت خدا می دانست ، و در تعبیر بسیار زیبایی فرمود :

فِي كُلِّ زَمَانٍ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ ، يَحْتَجُّ اللَّهَ بِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ زَمَانِنَا ابْنِ أَخِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، لَا يَضِلُّ مَنْ تَبِعَهُ وَ لَا يَهْتَدِي مَنْ خَالَفَهُ ؛ (۲)

در هر زمانی مردی از ما خاندان حجت خدا در میان مخلوقات می باشد ، حجت زمان ما برادرزاده ام جعفر بن محمد علیه السلام می باشد ، هر کس از او پیروی کند گمراه نمی شود و هر کس با او مخالفت کند راه به جایی نبرد .

مشهور است که زید بن علی علیه السلام در فراخوان های خود می گفت :

مَنْ أَرَادَ الْجِهَادَ فَالِي وَ مَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَالِي ابْنِ أَخِي جَعْفَرٍ ؛ (۳)

ص: ۲۲۹

۱-۱ . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۳ ، ص ۲۸۶ .

۲-۲ . شیخ صدوق ، الامالی ، ص ۶۳۷ ، ب ۸۱ ، ح ۶ .

۳-۳ . خزاز ، کفایه الاثر ، ص ۳۰۲ .

هر کس آماده نبرد باشد به سوی من بشتابد و هر کس طالب علم باشد به سوی برادرزاده ام جعفر علیه السلام .

در میدان نبرد نیز چون از زید بن علی در مورد امام صادق علیه السلام پرسیدند گفت :

جَعْفَرُ إِمَامُنَا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ؛^(۱)

در احکام خدا حلال و حرام جعفر صادق امام ما است .

هنگامی که خواستند او را با امام صادق علیه السلام قیاس کنند ، فرمود :

به خدا سوگند کتاب های امیرمؤمنان علیه السلام در نزد اوست .^(۲)

مهدویت از دیدگاه زیدیه

از زید بن علی علیه السلام روایات فراوان پیرامون حضرت مهدی علیه السلام در منابع حدیثی آمده، که به برخی از آنها در اینجا تبرک می جوئیم:

۱ . محمد بن بکیر در ضمن یک حدیث طولانی از جناب زید روایت کرده که فرمود :

يَابْنَ بُكَيْرِ! بِنَا عَرَفَ اللَّهُ، وَ بِنَا عُبَيْدَ اللَّهِ، وَ نَحْنُ السَّبِيلُ إِلَى اللَّهِ، وَ مِنَّا الْمُصْطَفَى وَالْمُرْتَضَى، وَ مِنَّا يَكُونُ الْمَهْدَى، قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛

ای پسر بکیر، خداوند به وسیله ما خاندان شناخته شده، و به وسیله ما پرستیده شده، ما راه به سوی خداوندیم، پیامبر برگزیده و وصی انتخاب شده از ماست

ص: ۲۳۰

۱-۱ . شیخ طوسی ، اختیار معرفه الرجال ، ص ۳۶۱ ، ح ۶۶۸ .

۲-۲ . همو ، ص ۳۷۶ ، ح ۷۰۶ .

و مهدی قائم این امت از خاندان ما است.

ابن بکیر گوید: پرسیدم ای فرزند پیامبر خدا، آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شما میثاق فرموده که قائم شما چه وقتی قیام می کند؟ فرمود:

يَا بَنَ بَكِيرٍ إِنَّكَ لَنْ تُلْحِقَهُ، وَإِنَّ هَذَا الْأَمْرَ يَلِيهِ سِتَّةٌ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ هَذَا، ثُمَّ يَجْعَلُ اللَّهُ خُرُوجَ قَائِمِنَا، فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛

ای پسر بکیر، تو او را درک نمی کنی، بعد از این شش تن این مقام را بر عهده می گیرند، سپس خداوند خروج قیام ما را قرار می دهد، پس زمین را پر از عدل و داد می کند، همانگونه که پر از جور و ستم شده است.

ابن بکیر می گوید: پرسیدم از پسر رسول خدا، مگر تو صاحب این امر نیستی؟ فرمود:

أَنَا مِنَ الْعِتْرَةِ؛ (۱)

من از عترت پیامبرم.

۲. عمرو بن موسی الوجیهی از زید بن علی علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی نقل کرده که در محضر پدرش امام زین العابدین علیه السلام بوده، جابر بن عبدالله انصاری آمده، با امام باقر علیه السلام دیدار کرده، سلام پیامبر اکرم را به آن حضرت ابلاغ نموده و سپس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که در حق امام باقر علیه السلام فرمود:

سَبَعَهُ مِنْ وُلْدِهِ أَمَنَاءٌ مَعْصُومُونَ أَيْمَهُ أَبْرَارٍ، وَالسَّابِعُ مَهْدِيُهُمُ الَّذِي يَمْلَأُ

ص: ۲۳۱

الدُّنْيَا قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ (۱)

هفت تن از فرزندان او امین، معصوم و امام نیکوکار می باشند و هفتمین آنها مهدی آنهاست، که زمین را پر از عدل و داد کند، همانگونه که پر از جور و ستم شده است.

۳. ابو خالد واسطی از جناب زید روایت کرده که گفت: پدرم از پدرش امام حسین علیه السلام روایت کرد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود:

يَا حُسَيْنُ أَنْتَ الْإِمَامُ وَ أَخُو الْإِمَامِ وَ ابْنُ الْإِمَامِ، تَشِيَعُهُ مِنْ وُلْدِكَ أُمَّنَاءُ مَعْصُومُونَ وَ النَّاسُ مَهْدِيهِمْ، فَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُمْ وَ الْوَيْلُ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ؛ (۲)

ای حسین، تو امام، برادر امام و پسر امام هستی، نه تن از فرزندان امین و معصومند که نهمین آنها مهدی آنهاست. خوشا به حال کسی که آنها را دوست بدارد و وای به حال کسی که آنها را دشمن بدارد.

۴. یحیی فرزند زید می گوید: از پدرم در مورد امامان پرسیدم، فرمود:

امامان دوازده تن می باشند، چهار تن از گذشته ها و هشت تن از آیندگان.

گفتم: پدرجان! آنها را برای من نام ببر. فرمود:

اما از گذشته ها: علی بن ابیطالب، حسن، حسین و علی بن الحسین علیهم السلام.

ص: ۲۳۲

۱-۱. همان، ص ۲۹۸.

۲-۲. همان، ص ۲۹۹.

اما از آیندگان، برادرم باقر، پسرش جعفر صادق، پسرش موسی، پسرش علی، پسرش محمد، پسرش علی، پسرش حسن، سپس مهدی علیهم السلام .

پرسیدم: پدرجان، مگر تو از آنها نیستی؟ فرمود: نه، لکن من از عترت می باشم.

پرسیدم: پس اسامی آنها را از کجا می دانی؟ فرمود:

پیمان معهودی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را برای ما پیمان بسته است. (۱)

۵. محمد بن مسلم می گوید: به خدمت زید بن علی رسیدم و عرض کردم: گروهی خیال می کنند که تو صاحب این امر هستی!

فرمود: نه من از عترت هستم .

پرسیدم: بعد از شما چه کسی این مقام را برعهده می گیرند؟ فرمود:

سَبْعَةٌ مِنَ الْخُلَفَاءِ وَ الْمَهْدَى مِنْهُمْ ۳؛

هفت تن از جانشینان پیامبر، که مهدی از آنهاست .

۶. متوکل بن هارون بجلی از یحیی پسر زید می پرسد: آیا پدرت ادعای امامت کرد و خروج نمود؟ یحیی در پاسخ می گوید:

مَهْ يَا عَمِي يَا عَمِي! إِنَّ أَبِي كَانَ أَعْقَلَ مِنْ أَنْ يَدْعِيَ مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقٍّ، وَإِنَّمَا قَالَ: أَدْعُوكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، عَنِي بِذَلِكَ ابْنُ عَمِي جَعْفَرًا؛

ای بنده خدا، ساکت باش، پدرم عاقلتر بود از اینکه چیزی را به ناحق ادعا کند، او می گفت: من شما را به فرد برگزیده از آل محمد فرا می خوانم، منظورش

ص: ۲۳۳

پسر عمویم جعفر بود.

متوکل پرسید: پس الآن صاحب این امر، امام جعفر صادق علیه السلام می باشد، یحیی گفت:

نَعَمْ، هُوَ أَفَقَّهُ بَنِي هَاشِمٍ؛^(۱)

آری، او فقیه ترین بنی هاشم می باشد.

۷. جناب زید بن علی نیز در این رابطه فرمود:

فِي كُلِّ زَمَانٍ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَحْتَجُّ اللَّهَ بِهٖ عَلَى خَلْقِهِ، وَحُجَّتُهُ زَمَانِنَا ابْنُ أَخِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، لَا يَضِلُّ مَنْ تَبِعَهُ وَلَا يَهْتَدِي مَنْ خَالَفَهُ؛^(۲)

در هر زمانی مردی از ما خاندان هست که خداوند به وسیله او بر مخلوقاتش احتجاج می کند و حجتِ زمانِ ما پسر برادرم جعفر بن محمد علیه السلام می باشد. هر کس از او پیروی کند گمراه نمی شود و هر کس با او مخالفت کند هدایت پیدا نمی کند.

این بود شماری از احادیث معتبر و مستند که با اسناد قابل اعتماد از جناب زید و پسرش یحیی روایت شده و جناب زید صریحا به امامت امام صادق علیه السلام و امامان معصوم از نسل او تا حضرت مهدی علیه السلام اعتراف نموده است.

* * *

ص: ۲۳۴

۱- ۱. تستری، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۵۶۶.

۲- ۲. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۴۳۷، ب ۸۱، ح ۶.

در صفحات پیشین چندین نصّ صریح از جناب زید نخستین امام زیدیان از منابع حدیثی نقل کردیم و اینک چند نمونه از منابع زیدیه :

۱. زید بن علی ، نخستین امام زیدیه ، مستشهد ۱۲۲ هـ . در ضمن ایاتی می فرماید :

ما سروران قریش هستیم .

اساس و پایه حق در میان ماست .

ما همان انوار درخشانیم که پیش از آفرینش مخلوقات بودیم .

پیامبر برگزیده و انتخاب شده از ماست ، مهدی نیز از ماست .(۱)

۲. ابراهیم بن عبدالله ظاهر ، برادر نفس زکیه ، که در ربیع الاول سال ۱۴۵ هـ . در زندان منصور در گذشت ،(۲) در پاسخ این پرسش که آیا محمد نفس زکیه همان مهدی است که از او گفت و گو می شود ، گفت :

مهدی وعده الهی است که به پیامبرش وعده فرموده ، که او را در اهل بیت پیامبرش قرار داده است ، نام و عصر و زمان خروجش برای ما مشخص نیست ، اما برادر من به امر به معروف و نهی از منکر برخاست که امری واجب بود .(۳)

۳. ابو محمد ، قاسم بن ابراهیم الرّسی ، از امامان زیدی ، متوفای ۲۴۶ هـ . در مجموعه خود به تفصیل از نام ، نسب ، صورت و سیرت حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته است .(۴)

ص: ۲۳۵

۱-۱. قاسم بن ابراهیم رسی ، مجموع کتب و رسائل الامام زید بن علی ، ص ۳۶۰ .

۲-۲. ابوالفرج اصفهانی ، مقاتل الطالبیین ، ص ۱۶۵ .

۳-۳. یحیی بن حسین بن هارون ، تیسیر المطالب فی أمالی ابیطالب ، ص ۱۹۴ . این کتاب در صنعا و بیروت آ چاپ شده و نسخه دستنویس آن در کتابخانه الجامع الکبیر صنعا موجود است .

۴-۴. قاسم بن ابراهیم ، همان ، ص ۱۹۲ . این کتاب در صنعا ، پایتخت یمن چاپ شده و نسخه دست نویس آن در کتابخانه الجامع الکبیر موجود است .

۴. یحیی بن حسین بن قاسم بن ابراهیم ، مشهور به امام هادی ، متوفای ۲۹۸ ه . در موضوع وصایت می نویسد :

خداوند به وسیله پیامبرش مردم را وصیت کرد به امامت علی بن ابی طالب ، امام حسن ، امام حسین و برترین های نسل آن دو ، که نخستین آنها علی بن الحسین و آخرین آنها مهدی است .(۱)

وی از زید بن علی قیام قائم آل محمد علیهم السلام را در زمانی بعد از نفس زکیه روایت کرده(۲) و خود در اشعاری از آن حضرت به عنوان : مهدی ، فاطمی ، عادل ، قائم ، ملجأ ؛ و پناه شرق و غرب تعبیر کرده است .(۳)

۵. یحیی بن حسین بن هارون ، متوفای ۴۲۴ ه . از ابراهیم برادر نفس زکیه نقل می کند که مهدی وعده الهی است ، خداوند به پیامبرش وعده فرمود که او را در نسل آن حضرت قرار خواهد داد .(۴)

۶. ابو عبیدالله حمیدان بن یحیی القاسمی ، از بزرگان زیدیه در قرن ششم ، می نویسد :

مهدی منتظر در آخر الزمان ظهور خواهد کرد .(۵)

۷. ابو محمد عبدالله بن حمزه بن سلیمان ، متوفای ۶۱۴ ه . ، در این رابطه می نویسد :

ص: ۲۳۶

۱-۱ . امام هادی ، مجموع الرسائل الاصولیه ، ص ۶۲ .

۲-۲ . همو ، الأحكام فی الحلال و الحرام ، ص ۴۷۰ .

۳-۳ . همان ، ص ۴۰ .

۴-۴ . یحیی بن حسین بن هارون ، تیسیر المطالب ، ص ۱۹۴ .

۵-۵ . حمیدان ، مجموع السید حمیدان ، ص ۴۲۷ . این مجموعه شامل نُه رساله است و در صنعا به چاپ رسیده است .

مهدی از نسل پیامبر ظهور خواهد کرد ولی نام و زمان ظهورش معلوم نیست. (۱).

۸. قاضی ابومحمد ، عبدالله بن محمد بن ابی النجم صعدي ، متوفای ۶۴۶ هـ . از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود :

مهدی هنگامی ظهور می کند که فتنه ها فراوان ، کتاب و سنت تعطیل ، فساد و تباهی فراگیر ، ربا و رشوه رایج ، ستم زمامداران شایع ، امر به معروف و نهی از منکر فراموش ، و ... شده باشد . آنگاه با ظهور او عدل در سطح جهان فراگیر شده و ظلم و ستم رخت بر می بندد. (۲).

۹. امیرحسین بن بدرالدین ، متوفای ۶۶۳ هـ . ، از ابن مسعود ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود :

دنیا به پایان نمی رسد ، جز اینکه مردی از اهل بیت من بر عرب سیطره پیدا می کند که هم نام من است و نام پدرش هم نام پدر من می باشد. (۳).

۱۰. مجدالدین بن محمد بن منصور ، از علمای زیدیه در قرن اخیر ، روایات فراوانی پیرامون حضرت مهدی آورده ، به تواتر آنها اعتراف کرده ، (۴) می نویسد :

امامان اهل بیت همواره به او بشارت داده ، برای فرج او دعا کرده ، انتظار کشیده ، هر امامی به امام بعدی وصیت نموده است (۵).

ص: ۲۳۷

۱-۱ . عبدالله بن حمزه ، شرح الرساله الناصحه بالأدله الواضحه ، ص ۲۷۹ .

۲-۲ . قاضی ابومحمد صعدي ، درر الأحادیث النبویه بالأسانید الیحيویه ، ص ۱۴۲ .

۳-۳ . امیرحسین بن بدرالدین ، ینابع النصیحه فی العقائد الصحیحه (مخطوط) .

۴-۴ . مجدالدین بن محمد بن منصور ، لوامع الأنوار بجوامع العلوم والآثار ، ج ۱ ، ص ۵۸ .

۵-۵ . همان . ۶ . همان ، ص ۶۰ _ ۶۳ .

آنگاه از وفور نعمت در عصر ظهور، فراگیر شدن عدالت، نزول عیسی و نماز خواندنش به امامت حضرت مهدی، خشنودی همگان از حکومت او، صورت، سیرت، نام، نشان و نسب آن حضرت در پرتو احادیث واصله سخن گفته است. ۶.

سپس در باب انتظار حضرت مهدی، از یحیی بن حسین روایت می کند که گفت:

هر کس منتظر قائم ما باشد، همانند کسی است که در راه خدا نبرد کرده، به خون خود آغشته شده، در میان شمشیر و سپرش دست و پا می زند. (۱)

این بود نمونه هایی چند از کلمات امامان زیدی پیرامون حضرت مهدی علیه السلام.

مدعیان مهدویت از ائمه زیدیه

اشاره

بدون تردید زید بن علی علیه السلام که نخستین امام زیدیه به شمار می آید، هرگز ادعای امامت و یا مهدویت نکرده است.

پسرش یحیی نیز ادعای امامت و یا مهدویت نکرد، بلکه براساس اجازه ای که از پدرش تحصیل نمود، خروج کرد و در سن ۱۸ سالگی کشته شد.

اولین فردی که از امامان زیدی ادعای مهدویت نمود، محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب، مشهور به «نفس زکیه» می باشد.

نفس زکیه هم خودش ادعای مهدویت کرد، هم دیگران برای او چنین ادعایی نمودند:

۱. ابوالفرج اصفهانی نقل می کند منصور دوانیقی یکی از غلامانش را فرستاد که در پای منبر وی بنشیند و خطبه اش را گوش دهد.

او می گوید: من در پای سخنان نفس زکیه نشستم و شنیدم که می گفت:

ص: ۲۳۸

إِنَّكُمْ لَا تَشْكُونَ أَنِّي أَنَا الْمَهْدِيُّ ، وَ أَنَا هُوَ ؛ (۱)

شما شک نمی کنید در اینکه من مهدی هستم و من همان مهدی موعود می باشم .

۲ . آنگاه از پدرش عبدالله محض نقل می کند که در ضمن خطبه ای گفت :

هَلَمْ تُبَايِعْ مُحَمَّدًا ، فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ الْمَهْدِيُّ ؛ ۳

بیاید با محمد نفس زکیه بیعت کنیم ، به راستی می دانید که او مهدی است .

۳ . جالب تر اینکه منصور دوانیقی در حق او چنین اعتقادی داشت و می گفت :

او محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن ، مهدی ما خاندان است . (۲)

۴ . شهرستانی می نویسد :

ابوحنیفه با او بیعت کرده بود و از پیروان او بود ، هنگامی که منصور دوانیقی از وضع او مطلع شد او را به حبس ابد محکوم کرد و در زندان درگذشت . (۳)

۵ . سوکمندانه باید گفت که چندین بار عبدالله پدر نفس زکیه به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از آن حضرت خواست که با نفس زکیه بیعت کند ، هنگامی که امام علیه السلام او را نصیحت کرد و از این کار منع کرد ، عیسی بن زید به خدمت آن حضرت رسیده ، عرضه داشت :

أَسْلِمُ تَسْلِيمًا ؛

ص : ۲۳۹

۱-۱ . ابوالفرج اصفهانی ، مقاتل الطالبیین ، ص ۲۰۳ . ۳ . همان ، ص ۲۱۴ .

۲-۲ . همان ، ص ۲۰۳ .

۳-۳ . شهرستانی ، الملل و النحل ، ج ۱ ، ص ۱۵۸ .

اسلام بیاور تا سالم بمانی !!

امام علیه السلام فرمود: مگر بعد از پیامبر اکرم آیین جدیدی پدید آمده؟!؟

گفت: چاره نیست، باید بیعت کنی، تا جان و مال و خانواده ات سالم بماند. چون امام علیه السلام استنکاف نمود، امام را به زندان انداختند و اموالش را مصادره کردند. (۱)

۶. عبدالله بن جعفر پسری داشت که نسل به نام اسماعیل، او را وادار به بیعت کردند، چون استنکاف نمود، آنقدر لگد به او زدند که جان سپرد. (۲)

۷. مروان روزی به عبدالله پدر نفس زکیه گفت: مهدی شما چه می کند؟ عبدالله گفت: اینطور نگو، اینگونه نیست که به شما رسیده، مروان گفت: نخیر، همین طور است، خداوند اصلاحش کند و به راه راست رهنمونش شود. (۳)

۸. به هنگام خروج محمد نفس زکیه محمد بن عجلان فقیه اهل مدینه نیز با او خروج کرد، پس از کشته شدن نفس زکیه، جعفر بن سلیمان والی مدینه او را احضار کرد که زبانش را قطع کنند، حاضران شفاعت کردند و گفتند:

ای امیر، او فقیه اهل مدینه و اهل عبادت است، امر بر او مشتبه شده، او خیال کرده که نفس زکیه همان مهدی موعودی است که در روایات آمده است. (۴)

۹. عبدالله بن جعفر بن عبدالرحمان بن مسور، از نزدیکان نفس زکیه بود، پس از کشته شدن نفس زکیه، والی مدینه _ جعفر بن سلیمان _ به او گفت: تو با این همه فضل و دانش چرا به دنبال نفس زکیه رفتی؟ او در پاسخ گفت:

ص: ۲۴۰

۱-۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۳ - ۳۸۵.

۲-۲. همان، ص ۳۶۴.

۳-۳. ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۲۱۸.

۴-۴. همان، ص ۲۴۲؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۹، ص ۲۲.

من به هنگام خروج شکی نداشتم که او همان مهدی موعود است ، چون کشته شد به اشتباه خود پی بردم ، دیگر به احدی فریفته نمی شوم .(۱)

۱۰ . ابوالفرج اصفهانی نقل کرده که نفس زکیه از دوران کودکی مخفی می شد و برای مردم پیک می فرستاد و آنها را به سوی خود فرا می خواند و مهدی نامیده می شد .(۲)

جعل احادیث برای اثبات مهدویت نفس زکیه

جای شگفت است که برای اثبات مهدویت محمد بن عبدالله مشهور به نفس زکیه احادیث فراوانی جعل شده که غالب آنها را ابوالفرج اصفهانی نقل کرده است ، که از آن جمله است :

۱ . از ابوهریره نقل کرده اند که نام مهدی : محمد بن عبدالله است و در زبانش گیر هست .(۳)

نفس زکیه در زبانش گیر داشت ، به هنگام سخنرانی سخنان در سینه اش موج می زد ، با دست بر سینه اش می زد تا سخن را رها سازد .(۴)

۲ . از عبدالله بن موسی نقل کرده اند که به هنگام ولادت نفس زکیه ، خال سیاهی به بزرگی یک تخم مرغ در میان دو کتف او بود ، او را صریح قریش(۵) و مهدی می نامیدند و سلمه بن اسلم جهنی در این رابطه سروده است :

هنگامی که فرزند عبدالله شانه اش را برهنه کند ، آنچه روایت گران نقل

ص: ۲۴۱

۱-۱ . همان ، ص ۲۴۳ .

۲-۲ . همان ، ص ۲۰۳ .

۳-۳ . همان ، ص ۲۰۵ .

۴-۴ . طبری ، تاریخ الامم و الملوک ، ج ۶ ، ص ۴۹۳ .

۵-۵ . نفس زکیه را از این جهت « صریح » می گفتند که در میان مادرانش کنیزی نبود ، بلکه همه از بانوان شناخته شده قریش بودند ، مادرش « هند » دختر ابوعبیده بن عبدالله بن زمعه بن اسود بن عبدالمطلب ؛ مادر او نیز : « قریبه » و مادرش : « خدیجه » و مادرش : « ام مسلم » و مادرش : « قده » و مادرش : « دنیبه » و مادرش : « بنت العداء » و مادرش : « رزا » و ... همگی از خاندان های مشهور قریش بودند . [ابوالفرج ، مقاتل الطالبیین ، ص ۱۹۷] .

می کنند ، هویدا می شود .

برای او مَهْری هست که خداوند به دیگری عطا نفرموده ، نشانه های هدایت و نیکی در آن هست .(۱)

۳ . به فاطمه دختر امام حسین علیه السلام نسبت می دهند که قابلیت می کرد ، فرزندانش اعتراض کردند ، گفت : به دنبال چیزی هستم ، هر وقت به آن دسترسی پیدا کنم این کار را رها می کنم ، در شب تولد نفس زکیه گفت : من گمشده ام را پیدا کردم .(۲)

۴ . از ام کلثوم دخت وهب نقل می کنند که در روایات آمده است :

مردی هم نام پیامبر به قدرت می رسد ، هم نام پیامبر است و نام مادرش سه حرفی ، اولش هاء و آخرش دال است !!

نفس زکیه نامش محمد و نام مادرش هند بود . و لذا تصور می کردند که او همان فرد موعود می باشد .(۳)

۵ . به فاطمه دخت علی علیه السلام نسبت داده که کیف مَهْر شده ای را در حضور مردم به نفس زکیه داد و گفت : این کیف را برادرم امام حسین علیه السلام به صورت مَهْر شده به من داده تا به محمد بن عبدالله بدهم ، او نیز آن را گرفت و به خانه اش برد .(۴)

۶ . باز به فاطمه دختر امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده اند که گفته : پدرم می فرمود که کوچکترین فرزندش مهدی را درک می کند ، من کوچکترین فرزند او می باشم و نشانه هایی می گفت که در غیر او نمی بینم .(۵)

ص: ۲۴۲

۱-۱ . ابوالفرج اصفهانی ، مقاتل الطالبیین ، ص ۲۰۵ .

۲-۲ . همان ، ص ۲۰۱ .

۳-۳ . همان ، ص ۲۰۳ .

۴-۴ . همان ، ص ۲۰۴ .

۵-۵ . همان ، ص ۲۰۵ .

۷. احتمالاً جمله معروف: «إِسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ أَبِي» را نیز برای اثبات مهدویت او جعل کرده اند، زیرا این حدیث با ده ها سند از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، در هیچکدام جمله: «إِسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ أَبِي» وجود ندارد، (۱) فقط در نقل عبدالله بن موسی، از زائده، از عاصم، این فراز افزوده شده (۲) حافظ گنجی شافعی در کتاب ارزشمند البیان به تفصیل در این رابطه سخن گفته، سپس فرموده:

کسی که «و اسم ابیه اسم ابی» را افزوده، «زائده» می باشد و او همواره در احادیث می افزاید. (۳)

با توجه به اینکه زائده در کوفه در میان شیعیان اهل بیت زندگی می کرد و ایام خروج نفس زکیه او بر کرسی حدیث تکیه داشت و سرانجام در سال ۱۶۱ ه. در سرزمین روم کشته شد و این غزوه به فرماندهی حسن بن قحطبه بود و او از هم سنگرهای ابومسلم خراسانی بود، (۴) می توان نتیجه گرفت که وی این فراز را برای حمایت از حرکت نفس زکیه بر متن حدیث افزوده است.

بعدها منصور دوانیقی نیز از این حدیث مجعول، برای مهدویت پسرش «مهدی عباسی» بهره جست. (۵)

منصور که روزی از پیروان نفس زکیه بود و او را «مهدی» می خواند، هنگامی که به قدرت رسید و نفس زکیه خروج کرد و بر فراز منبر اعلام می کرد که من مهدی هستم، منصور گفت: او دروغ می گوید، مهدی پسر من می باشد! (۶)

ص: ۲۴۳

۱-۱. بنگرید به: آیت الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲-۲. ابی داود، صحیح سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۷.

۳-۳. گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۲۶، ب ۱، ح ۷.

۴-۴. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۳۷۷.

۵-۵. مأمون نامش عبدالله بود، پسرش را محمد نام نهاد و به مهدی ملقب ساخت تا این حدیث مجعول با او تطبیق کند.

۶-۶. ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۲۰۳.

منصور روزی مسلم بن قتیبه را طلبید و به او گفت: محمد بن عبدالله خروج کرده و خود را « مهدی » ملقب ساخته، ولی سوگند به خدا او مهدی نیست.

سپس به مسلم بن قتیبه گفت: من رازی به تو می گویم که به احدی نگفته ام و بعد از تو به احدی نخواهم گفت، و آن اینکه:

پسر من نیز به خدا سوگند آن مهدی موعود که در روایات آمده، نیست، من او را تیمنا « مهدی » نامیدم، خواستم فال نیک زده باشم. (۱).

با توجه به همه آنچه گفته شد، آیت الله صافی می نویسد:

بعید نیست که این فراز از حدیث برای تقویت حکومت بنی العباس جعل شده باشد، تا به این وسیله مأمون خلافت پسرش: محمد بن عبدالله (مهدی عباسی) را استوار سازد. و یا برای تقویت نهضت محمد بن عبدالله، مشهور به نفس زکیه جعل شده باشد.

و در پایان می فرماید: این احتمال در نظر من بسیار نزدیک است. (۲).

ابن طقطقا در این رابطه می نویسد:

نفس زکیه در میان مردم شایع کرده بود که او همان مهدی موعود است و پدرش نیز این معنی را در دل ها استوار نموده بود.

از پیامبر روایت شده که اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی باشد، خداوند آن را به

ص: ۲۴۴

۱- همان، ص ۲۰۸.

۲- آیت الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۰۴.

قدری طولانی نماید که مهدی ما (قائم ما) در آن برانگیخته شود، نامش هم نام من و نام پدرش هم نام پدر من می باشد.

آنگاه ابن طقطقا می افزاید: امامیه این حدیث را خالی از تعبیر «وَأَسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ أَبِي» روایت می کنند.

عبدالله محض می گفت: این پسر من همان مهدی است که بشارت داده شده، او محمد بن عبدالله است. (۱)

اینها چند نمونه از احادیثی بود که برای حمایت از نهضت نفس زکیه جعل شده بود.

در مورد نفس زکیه مبالغه های گزافی ثبت شده که موجب شرمساری است: عیسی بن زید می گفت:

اگر خداوند اراده می کرد که بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخص دیگری را به پیامبری مبعوث کند، او بی گمان محمد بن عبدالله بن الحسن بود! (۲)

نفس زکیه سرانجام در چهاردهم رمضان ۱۴۵ هـ در مدینه کشته شد و در بقیع مدفون شد و سرش را در طبقی نهاده در کوچه و بازار کوفه گردانیدند، سپس به شهرها فرستادند. (۳)

با توجه به اینکه نفس زکیه در برابر دژخیمان بنی عباس قیام کرد و سرانجام به دستور منصور که روزی با او بیعت کرده، او را مهدی می دانست و می گفت:

در میان آل محمد کسی از او به دین خدا آگاه تر نیست، و کسی به تصدی منصب ولایت امر از او شایسته تر نیست. (۴)

کشته شد، ما از قاتلانش بیزاری می جوئیم و چیزی از نسبت های یاد شده را به عهده

ص: ۲۴۵

۱-۱. ابن طقطقا، الفخری، ص ۱۶۵.

۲-۲. ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۲۱۳.

۳-۳. طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۶، ص ۵۲۳-۵۲۷؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۵۵۴؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۹، ص ۳۱.

۴-۴. ابوالفرج، همان، ص ۲۱۳.

نمی‌گیریم، زیرا ما براساس آنچه در منابع حدیثی و تاریخی ثبت شده داوری کردیم. (۱)

ص: ۲۴۶

۱-۱. براساس منابع تاریخی نفس زکیه، رسماً ادعای مهدویت داشت، حتی در نامه اش به منصور در ردّ امان نامه مینویسد: «من المهدی محمد بن عبدالله» [ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۹، ص ۲۴].

با توجه به اینکه زیدیه هر یک از امامان خود را، امام، مهدی و امام زمان (۱) می نامند، اعتقاد به منتظر در میان آنها بسیار کم رنگ است، ولی در مورد جمعی از امامان زیدیه به شرح زیر اعتقاد و انتظار دارند:

۱. گروهی از زیدیه محمد بن عبدالله نفس زکیه را مهدی منتظر می دانند و معتقد هستند که او نمرده و کشته نشده، روزی خارج شده بر پهنه زمین سیطره پیدا خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. (۲)

در حالی که او بی گمان روز دوشنبه، ۱۴ رمضان ۱۴۵ ه. در مدینه در یک نبرد خونین کشته شد. (۳)

اینها گروهی از جارودیه هستند که «محمدیه» نیز نامیده می شوند به جهت اعتقاد به مهدویت «محمد بن عبدالله». اینها معتقدند که نفس زکیه کشته نشده در منطقه نجد در کوهی به نام «حاجر» اقامت دارد (۴) از دیده ها مخفی است، تا روزی که فرمان خروج برسد، پس خروج کرده جهان را تحت سیطره خود درمی آورد. (۵)

۲. گروه دیگری از جارودیه در انتظار خروج محمد بن قاسم بن عمر بن امام زین العابدین علیه السلام می باشد.

محمد بن قاسم به صاحب طالقان معروف است به سال ۲۱۹ ه. در خراسان خروج کرده، پیروانی پیدا کرد، در طالقان به قدرت رسید، روز ۱۵ ربیع الاول دستگیر و زندانی شد، شب عید فطر از زندان گریخت، دیگر خبری از وی به دست نیامد (۶).

ص: ۲۴۷

۱-۱. قاسم بن الحسین، ناظر داخلی اوقاف یمن، در مورد کتاب «مسند زید» می نویسد: من این کتاب را از امام زمان ما «المتوکل علی الله...» روایت می کنم. [مسند زید، ص ۳۸۵].

۲-۲. شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۵۹؛ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۶۳؛ اسفراینی، الفرق بین الفرق، ص ۳۱؛ ذهبی، تاریخ اسلام، ج ۹، ص ۲۷۲.

۳-۳. ذهبی، تاریخ اسلام، ج ۹، ص ۳۱؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۶، ص ۵۲۳؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۵۵۴.

۴-۴. «حاجر» نام کوهی است نرسیده به «فید». [یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۰۴].

۵-۵. اسفراینی، الفرق بین الفرق، ص ۵۸؛ اشعری، المقالات و الفرق، ص ۷۶.

۶-۶. ابن تغری بردی، النجوم الزاهره، ج ۲، ص ۲۳۰؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۴۴۲.

عده ای گویند به واسطه گریخت و در آنجا درگذشت ، عده ای دیگر معتقدند که در عهد معتصم و واثق مختلفی شد ، در عهد متوکل دستگیر و زندانی شد و در زندان درگذشت .(۱)

مسعودی گوید : در مورد محمد بن قاسم اختلاف هست ، برخی گویند : به زهر کشته شد ، برخی گویند : گروهی از پیروانش از خراسان آمده او را نجات دادند ، جمع کثیری به امامت او از زیدیه معتقد شدند و الآن که سال ۳۳۲ هجری می باشد گروه کثیری از زیدیه معتقد هستند که محمد بن قاسم نمرده ، زنده است ، تا روزی که خارج شده ، جهان را پر از عدل و داد کند و او مهدی این امت می باشد .(۲)

سپس اضافه می کند که پیروان او در اطراف کوفه ، دیلم ، طبرستان و بسیاری از نواحی خراسان موجود می باشند .(۳)

۳ . گروه دیگری از جارودیه در انتظار ابوالحسن یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی می باشند .

یحیی بن عمر به سال ۲۵۰ ه . در عهد مستعین در کوفه خروج کرد ، گروهی از زیدیه با او بیعت کردند ، پس از یک درگیری نافرجام کشته شد ، سرش به نزد مستعین برده شد ، لحظه ای در سامرا به دار زده شد ، سپس به بغداد ارسال گردید ، چکامه های فراوان در سوگ او سروده شد .(۴)

گروهی از جارودیه در فوت او تشکیک کرده ، در انتظار بازگشت او می باشند ، آنها می گویند : او نمرده ، زنده است ، او همان مهدی منتظر است ، او نمی میرد تا اینکه روی زمین را پر از عدل و داد نماید .(۵)

۴ . گروه حسینی ، پیروان حسین بن قاسم بن علی بن عبدالله ، متولد ۳۷۸ ه . و متوفای ۴۰۴ ه . معتقد هستند که او زنده است ، نمرده ، نمی میرد تا زمین را پر از عدل

ص: ۲۴۸

-
- ۱-۱ . ابوالفرج ، مقاتل الطالبیین ، ص ۴۵۲ .
 - ۲-۲ . مسعودی ، مروج الذهب ، ج ۲ ، ص ۳۴۸ .
 - ۳-۳ . همان ، ص ۳۴۹ .
 - ۴-۴ . طبری ، تاریخ الامم و الملوک ، ج ۸ ، ص ۲۲۹ - ۲۳۴ ؛ مسعودی ، مروج الذهب ، ج ۲ ، ص ۴۰۹ - ۴۱۳ ؛ ابن اثیر ، الکامل فی التاریخ ، ج ۷ ، ص ۱۲۶ - ۱۳۰ .
 - ۵-۵ . دکتر فؤاد ، الفرق الاسلامیه ، ج ۲ ، ص ۲۹۳ .

و داد کند ، او همان مهدی منتظر قائم می باشد در نزد آنها. (۱)

آنگاه پیروان او به دو گروه منقسم می شوند :

گروهی می گویند : او در دوران غیبتش مخفیانه به آنها سر می زند و آنها کاری جز به فرمان او انجام نمی دهند .

گروهی دیگر می گویند : تا به هنگام ظهورش دیدار غیر ممکن است باید به محتوای آثارش عمل کرد. (۲)

او روز شنبه ۴ صفر ۴۰۴ ه . در صنعا به دست قبیله همدان کشته شد. (۳)

۵ . گروه دیگری از زیدیه معتقدند که حسن بن قاسم ، از امامان زیدی ، نمرده و زنده است و روزی خواهد آمد و زمین را پر

از عدل و داد خواهد کرد ، او همان مهدی منتظر است. (۴)

ابومحمد ، حسن بن قاسم ، مشهور به داعی جلیل پس از چند سال حکومت در طبرستان به سال ۳۱۶ ه . کشته شد. (۵)

۶ . گروهی از مغیره نیز در انتظار بازگشت پیشوای خود « مغیره بن سعید عجلی » می باشند. (۶)

بیشتر گفتیم که خالد بن عبدالله قسری مغیره را دستگیر کرده وادار به توبه نمود ، پس از استنکاف او را به دار زد و پیکرش را

طعمه آتش نمود. (۷)

روی این بیان عقیده رایج در میان زیدیه آن است که حضرت مهدی علیه السلام هنوز متولد نشده ، در آینده متولد می شود و

جهان را پر از عدل و داد می کند ، نام و نسب او روشن نیست ، آنچه مسلم است این است که از نسل امیرمؤمنان از تبار

حضرت فاطمه و از فرزندان امام حسن یا امام حسین علیهم السلام می باشد .

ص: ۲۴۹

۱-۱ . همان ، ص ۳۰۰ .

۲-۲ . نشوان حمیری ، الحور العین ، ص ۲۱۱ .

۳-۳ . همان ؛ دکتر فؤاد ، همان ، ص ۳۰۱ .

۴-۴ . فضیلت شامی ، تاریخ زیدیه ، ص ۲۵۰ ؛ نشوان حمیری ، الحور العین ، ص ۱۵۶ .

۵-۵ . ابن اثیر ، الکامل فی التاریخ ، ج ۸ ، ص ۱۸۹ .

۶-۶ . شریف یحیی ، معجم الفرق الاسلامیه ، ص ۲۳۴ .

۷-۷ . نوبختی ، فرق الشیعه ، ص ۶۳ ؛ اشعری ، المقالات و الفرق ، ص ۷۷ .

ولی به طوری که بیان شد، برخی از گروه‌ها افراد خاصی را انتظار می‌کشند.

در پایان این مقال به چند نکته اشاره می‌شود:

۱. زیدیه به عصمت، نص، علم لدنی، تقیه، رجعت و غیبت معتقد نیستند.

۲. زیدیه هر فرد فاطمی را که شمشیر کشیده به سوی خود دعوت کند و واجد شرایط امامت باشد، مفترض الطاعه می‌دانند.

۳. ائمه اهل بیت علیهم السلام را اولیای الهی می‌دانند، ولی واجب الاطاعه نمی‌دانند، الا امیرمؤمنان، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را.

۴. زیدیه هر یک از امامان خود را امام، مهدی و قائم به معنای لغوی آنها می‌نامند، مگر در مورد زید و نفس زکیه.

۵. زیدیه ای که امروزه در یمن هست کلاً جارودی هستند و در میان آنها زیدی غیر جارودی وجود ندارد و آنها در صنعا، صعده و اطراف آنها پراکنده اند. (۱)

۶. از عبدالله بن حمزه، یکی از امامان زیدی نقل شده که بعد از جناب زید هیچ امام غیر جارودی نبوده است. (۲)

۷. در کتب حدیثی، تاریخی، سیره و تراجم مشهور است که یاران زید از او خواستند که از خلفای پیش از امیرمؤمنان علیه السلام بیزاری بجوید، زید نپذیرفت، پس بیعت او را شکستند و از او دوری جستند، زید گفت: مرا رفض ترک کردند، پس از آن روز شیعیان رافضی نامیده شدند. (۳)

مقدسی این نامگذاری را به دوران خلافت امیرمؤمنان علیه السلام نسبت می‌دهد، (۴) بغدادی پیروان عبدالله بن سبا را «رافضی» می‌نامد، (۵) آنگاه می‌گوید: رافضی‌ها بعد از زمان علی علیه السلام به چهار گروه منقسم شدند: زیدی، امامی، کیسانی و غلات، (۶)

ص: ۲۵۰

۱-۱. نشوان حمیری، الحور العین، ص ۲۰۷.

۲-۲. ابوالقاسم صلاح قاسمی، الرسالة الموضحة للحق، به نقل دکتر فؤاد، الفرق الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۹۴.

۳-۳. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۴۳۶؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۲۴۳؛ ابن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۱۶۸.

۴-۴. مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۳۸.

۵-۵. بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۲۱.

۶-۶. همان.

ابن عبدربه نیز از زیدی ها به عنوان « زیدی های رافضی » تعبیر کرده است. (۱)

روی این بیان نمی توان به طور قطع و یقین نامگذاری شیعیان به رافضی را به جناب زید نسبت داد .

۸. پیشنهاد براءت از خلفا به جناب زید یک توطئه بود ، تا او را با مشکل روبرو کنند و امتناع وی از براءت و بیزاری یک تاکتیک ، تقيه و جلوگیری از بروز فتنه بود و لذا می بینیم که جناب زید در لحظات آخر پرده ها را کنار می زند و چهره غاصبان خلافت را به صورت شفاف ترسیم می کند :

سید صلاح بن علی بن محمد قاسمی ، از علمای مشهور زیدیه در قرن یازدهم می نویسد :

از زید بن علی پرسیدند که نظر شما در مورد خلفای پیش از علی علیه السلام چیست ؟ زید پاسخ نداد .

هنگامی که تیر به چشمش اصابت کرد فرمود : آن پرسشگر دیروزی کجاست ؟ او را حاضر کردند ، خطاب به او فرمود :

هَذَا السَّهْمُ مِنْ أَصْحَابِ السَّقِيفَةِ؛ (۲) این تیر از اصحاب سقیفه به من اصابت کرد .

و در نقلی دیگر فرمود :

هُمَا رَمِيَانِي ، هُمَا قَتَلَانِي ، هُمَا أَقَامَانِي هَذَا الْمَقَامَ ، هُمَا أَوَّلُ مَنْ ظَلَمْنَا حَقَّنَا وَ حَمَلَا النَّاسَ عَلَيَّ أَكْتَفَانَا ، فِدِمَاءُنَا فِي رِقَابِهِمْ إِلَى أَنْ تَقُومَ الْقِيَامَةُ؛ (۳)

ص: ۲۵۱

۱-۱ . ابن عبدربه ، العقد الفرید ، ج ۲ ، ص ۴۰۹ .

۲-۲ . سید صلاح قاسمی ، الرساله الموضحة (مخطوط) ؛ دکتر فؤاد ، الفرق الاسلاميه ، ج ۲ ، ص ۲۹۰ ؛ همو ، الامام الزیدی ، ص ۲۵ .

۳-۳ . همان .

آن دو نفر به من تیر انداختند ، آن دو تن مرا کشتند ، آن دو نفر مرا در این جایگاه قرار دادند ، آنها نخستین کسانی هستند که به ما ستم کردند و مردم را بر گردن ما سوار کردند ، تا روز قیامت هر خونی از ما ریخته شود بر گردن آنهاست .

شبهه این پاسخ از یحیی بن زید نیز روایت شده است .^(۱)

ص: ۲۵۲

۱-۱ . همان .

مسأله مهدویت و اعتقاد به منجی بشریت یکی از مهمترین و ریشه دارترین مسائل حیاتی جهان اسلام است و با سایر مسائل عقیدتی و احکام اسلامی پیوند ناگسستنی دارد .

بیش از ۳۰۰ آیه از آیات قرآن کریم در احادیث واصله از پیشوایان معصوم علیهم السلام به مهدی موعود تفسیر شده ، در کتب تفسیر و مجامع حدیثی به تفصیل بیان شده است .(۱)

در لابه لای روایات متواتری که از رسول عالمیان و دیگر پیشوایان معصوم صلوات الله علیهم اجمعین به دست ما رسیده ، کلیه اوصاف و تمام جزئیات زندگی آن مصلح آسمانی از ولادت تا ظهور ، و از ظهور تا تحقق یافتن آرزوی دیرینه انبیاء و اولیای الهی به روشنی ترسیم شده است .

هم اکنون بیش از ۲۰۰۰ کتاب مستقل در دست داریم که در طول قرون و اعصار توسط عالمان با فضیلت پیرامون آن واپسین حجت پروردگار به رشته تحریر در آمده ، روایات و مطالب مربوط به حوزه مهدویت را در خود جای داده است .(۲)
در حدود یک دهم این آثار توسط علمای اهل سنت تألیف شده است .

نخستین کتابی که از طرف علمای اهل سنت پیرامون آن حضرت به رشته تحریر در آمده ، کتاب اخبار المهدی از عبّاد بن یعقوب رواجنی ، متوفای ۲۵۰ ه . می باشد .(۳)

رواجنی از بزرگان اهل سنت است ، بخاری ، ترمذی ، ابن ماجه ، ابوحاتم ، بزار و دیگر محدثان اهل سنت از او روایت کرده ، همگی به وثاقت او اتفاق نظر دارند .

اهمیت کتاب رواجنی در این است که این کتاب پیش از تولد حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تألیف شده ، زیرا رواجنی به سال ۲۵۰ ه . یعنی پنج سال قبل از تولد آن

ص: ۲۵۳

۱- ۱ . بنگرید به : بحرانی ، تفسیر البرهان ؛ فیض کاشانی ، تفسیر صافی ؛ حسکانی ، شواهد التنزیل ؛ المحججه فیما نزل فی القائم الحججه ؛ شیرازی ، المهدی فی القرآن ؛ سید شرف الدین ، تأویل الآیات الظاهره ؛ میرصابری ، الآیات الباهره .

۲- ۲ . کتاب شناختی بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب پیرامون حضرت ولی عصر ارواحنا فداه ، توسط نگارنده در کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام آمده است .

۳- ۳ . نگارنده ، کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام ، ج ۱ ، ص ۷۰ ، رقم ۱۱۶ .

حضرت در گذشته است. (۱)

شیخ طوسی از کتاب او اخبار المهدی تعبیر کرده (۲) ولی زرکلی از آن : اخبار المهدی المنتظر یاد کرده است. (۳)

بعد از رواجی ، ابوالعباس محمد بن اسحاق ، از ندیمان متوکل ، قاضی صیمره ، متوفای ۲۷۵ هـ . کتاب مستقلی به نام صاحب الزمان به رشته تحریر درآورده است. (۴)

همزمان با او ابو داود سلیمان بن اشعث سجستانی ، صاحب کتاب سنن متوفای ۲۷۵ هـ . کتابی به نام : کتاب المهدی نوشت و آن را در میان کتاب سنن خود ، که یکی از سنن و صحاح شش گانه اهل سنت است ، جای داد. (۵)

در قرون بعدی شخصیت های برجسته اهل سنت کتاب های مستقل فراوان در این رابطه تألیف کرده از خود به یادگار نهاده اند ، که از آن جمله است :

۱ . ابو نعیم اصفهانی ، متوفای ۴۳۰ هـ . که از آثار اوست :

(ا) الأربعون حدیثا فی الهدی

ب) کتاب المهدی

ج) صفه المهدی

د) مناقب المهدی

ه) نعت المهدی (۶)

۲ . گنجی شافعی ، مستشهد ۶۵۸ هـ . صاحب کتاب کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب.

حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی کتاب ارزشمندی در این رابطه تألیف کرده و آن را البیان فی اخبار صاحب الزمان نام نهاده است. (۷)

ص: ۲۵۴

-
- ۱-۱ . بخاری ، التاریخ الکبیر ، ج ۶ ، ص ۴۴ .
 - ۲-۲ . شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۱۹۲ ، رقم ۵۴۰ .
 - ۳-۳ . زرکلی ، الأعلام ، ج ۳ ، ص ۲۵۸ .
 - ۴-۴ . ابن ندیم ، الفهرست ، ص ۱۶۹ .
 - ۵-۵ . ابوداود ، سنن ابی داود ، ج ۲ ، کتاب المهدی .

- ۶-۶. چلبی، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۴۶۵؛ بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۷۵.
- ۷-۷. این کتاب ده ها بار در ایران، عراق، ترکیه، لبنان و پاکستان چاپ شده، از جمله: (۱) چاپ سنگی تبریز، به سال ۱۳۲۴ ه. ب (چاپ کربلا، به سال ۱۳۲۷ ه. ج) چاپ استانبول، به سال ۱۳۳۱ ه. د (چاپ اصفهان، به سال ۱۳۴۳ ه. ه) چاپ نجف، به سال ۱۳۵۲ ه. و (چاپ نجف، با تحقیقات علامه سید مهدی خراسان، به سال ۱۳۸۲ ه. ز) چاپ بیروت، به سال ۱۳۹۷ ه. ح (چاپ تهران، به سال ۱۴۰۴ ه. ط) چاپ قم، به سال ۱۴۰۹ ه. با تعلیقات استاد سید محمد جواد جلالی. ی (چاپ بیروت، با تحقیقات استاد فتلاوی، به سال ۱۴۲۱ ه.)

۳. مقدسی شافعی ، متوفای ۶۸۵ ه .

یوسف بن یحیی بن علی بن عبد العزیز مقدسی سلمی شافعی ، کتاب ارزشمندی به نام عقد الدرر فی أخبار المنتظر تألیف کرده است .(۱)

۴. جلال الدین سیوطی ، متوفای ۹۱۱ ه .

جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی ، که صدها اثر حدیثی و اعتقادی از وی منتشر شده ، کتاب ارزشمندی به نام العرف الوردی فی أخبار المهدی به حوزه مهدویت اختصاص داده است .

سیوطی چهل حدیث ابونعیم اصفهانی را تلخیص کرده ، در حدود ۲۲۵ حدیث به آن افزوده و اثر ارزشمندی از خود به یادگار نهاده است .(۲)

۵. ابن حجر مکی ، متوفای ۹۷۴ ه .

ابوالعباس محمد بن حجر هیتمی ، مشهور به : ابن حجر مکی ، صاحب ۸۸ اثر

ص: ۲۵۵

۱-۱. از این کتاب نسخه های خطی فراوان در کتابخانه های : استانبول ، اسکندریه ، برلین ، سوهاج ، قاهره ، کربلا ، مشهد و نجف اشرف موجود است . نخستین چاپ آن به همت آیت الله کلباسی ، با تحقیقات دکتر عبدالفتاح محمد حلو ، به سال ۱۳۹۹ ه . در قاهره به چاپ رسید . آن چاپ در ایران و لبنان افست شد . سپس با تحقیقات استاد مهیب صالح عبدالرحمن اردنی به سال ۱۴۰۳ ه . در ریاض ، و به سال ۱۴۰۵ ه . در اردن ، به عنوان رساله دکترای ایشان منتشر شد . و اخیرا چندین بار در قم از سوی مسجد مقدس جمکران چاپ و منتشر شده است .

۲-۲. این کتاب پنجاه و دومین رساله ، از ۷۸ رساله مؤلف است که در کتابی به نام الحاوی للفتاوی گرد آمده ، ده ها بار به چاپ رسیده است . نسخه های خطی فراوانی از این کتاب در کتابخانه های : استانبول ، برلین ، بنگلادش ، پتنه ، صنعاء ، قاهره ، لکهنو و مکه معظمه موجود است .

ارزنده ، کتابی پیرامون حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تألیف کرده و آن را القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر نام نهاده است .(۱)

۶. متقی هندی ، متوفای ۹۷۵ ه . صاحب کنز العمال .

علاءالدین ، علی بن حسام الدین ، مشهور به « متقی هندی » کتاب ارزشمندی در حوزه مهدویت به نام : البرهان فی علامات مهدي آخر الزمان تألیف کرده است .(۲)

۷. مقدسی حنبلی ، متوفای ۱۰۳۳ ه .

مرعی بن یوسف مقدسی حنبلی ، کتاب بسیار ارزشمندی به حوزه مهدویت اختصاص داده ، آن را فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدي المنتظر نام نهاده است .(۳)

۸. شوکانی ، متوفای ۱۲۵۰ ه . صاحب نیل الأوطار

محمد بن علی بن محمد شوکانی ، صاحب ۱۱۴ جلد اثر ارزنده ، کتاب ارزشمندی در اثبات تواتر احادیث مهدویت نوشته و آن را التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدي المنتظر و الدجال و المسيح نام نهاده است .(۴)

۹. محمد بن احمد بن اسماعیل (معاصر)

مؤلف که از شخصیت های برجسته اهل سنت است ، به سال ۱۴۰۰ ه . براساس کهن ترین منابع اهل سنت کتابی ارزشمند فراهم آورده ، آن را : المهدي حقیقه لاخرافه نام نهاده است .(۵)

ص: ۲۵۶

۱-۱ . از این کتاب ۳۵ نسخه خطی در کتابخانه های عمومی جهان یافت می شود ، مکرر به چاپ رسیده ، از جمله دوبار در قاهره : (۱) با تحقیقات مصطفی عاشور ، به سال ۱۴۰۷ ه . از سوی مکتبه القرآن . ب) با تحقیقات استاد محمد زینهم محمد ، به سال ۱۴۰۷ ه . از سوی دارالصحوه .

۲-۲ . از این کتاب ده ها نسخه خطی در کتابخانه های مهم دنیا موجود است و مکرر به چاپ رسیده است ، از جمله : (۱) تهران ، نشر رضوان ، به سال ۱۳۹۹ ه . ب) کویت ، ذات السلاسل ، به سال ۱۴۰۸ ه . با تحقیقات جاسم بن مهلهل یاسین ، در دو مجلد و ۱۰۳۹ صفحه وزیری .

۳-۳ . نسخه دستنویس مؤلف در کتابخانه ملی پاریس موجود است و نسخه های دیگری در استانبول و بمبئی موجود است . و با تحقیقات ارزشمند استاد سامی الغیری ، به سال ۱۴۲۴ ه . در قم به چاپ رسیده است .

۴-۴ . همه دانشمندان معاصر به ویژه وهابیان از کتاب او بهره جسته ، در آثار تحقیقی خود تواتر احادیث حضرت مهدی علیه السلام را از او نقل کرده اند . قنوجی در الاذاعه ، منصور علی ناصف در غایه المأمول ، عبدالمحسن العباد در عقیده اهل السنه

و الأثر و کنانی در رساله رابطه العالم الاسلامی تواتر احادیث مهدویت را از کتاب شوکانی نقل کرده اند .
۵-۵ . این کتاب ده ها بار در مصر ، لبنان ، عربستان و هلند به چاپ رسیده است .

دکتر عبدالعلیم بن عبدالعظیم بستوی ، از اساتید دانشگاه مکه معظمه ، کتاب ارزشمندی پیرامون احادیث حضرت مهدی علیه السلام گرد آورده ، احادیث را به دو بخش تقسیم کرده :

۱ . احادیث صحیح و معتبر از نظر سند ، که آن را : المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الآثار الصحیحه نام نهاده است .

۲ . احادیثی که سند آنها از نظر مؤلف محکم و استوار نیست ، و آن را : الموسوعه فی احادیث المهدی الضعیفه و الموضوعه نامیده است . (۱)

از آثار بزرگان اهل سنت که مستقلاً پیرامون حضرت مهدی علیه السلام تألیف شده و تعداد آنها از مرز ۲۰۰ جلد گذشته ، به ده نمونه یاد شده بسنده می کنیم و اشاره می کنیم که در منابع حدیثی اهل سنت ده ها اثر مستقل پیرامون : فتن ، ملاحم و اشراط السیّاعه وجود دارد ، که در هر یک از آنها فصل مهمی به احادیث مهدویت اختصاص داده شده ، که از هر کدام به معرفی یک نمونه بسنده می کنیم :

۱ . الفتن

تألیف : نعیم بن حماد بن معاویه بن حارث خزاعی مروزی ، متوفای ۲۲۹ ه . شامل بیش از ۲۰۰۰ حدیث از طریق اهل سنت ، که بخش عمده آن به علایم ظهور اختصاص دارد . (۲)

۲ . الملاحم

تألیف : حافظ احمد بن جعفر بن محمد ، معروف به : « ابن المنادی » متوفای ۳۳۶ ه . شامل ۲۹۷ حدیث پیرامون علایم ظهور (۳)

ص: ۲۵۷

۱-۱ . هر دو مجلد به سال ۱۴۲۰ ه . در مکه معظمه و همزمان در بیروت به چاپ رسیده است .

۲-۲ . مکرر به چاپ رسیده ، از جمله : (۱) با تحقیقات سمیر بن امین زهره ، مکتبه التوحید ، قاهره ، ۱۴۱۲ ه . (ب) با تحقیقات دکتر سهیل زکار ، دارالفکر ، بیروت ، ۱۴۱۴ ه . (ج) با تحقیقات ایمن محمد محمد عرفه ، المکتبه الحیدریه ، ۱۴۲۴ ه .

۳-۳ . چاپ دار السیره ، قم ، ۱۴۱۸ ه . با تحقیقات عبدالکریم عقیلی .

تألیف : سید محمد صدیق بن حسن بن علی قنوجی ، متوفای ۱۳۰۷ هـ . (۱)

مجامع حدیثی اهل سنت

در کتب صحاح ، سنن و دیگر مجامع حدیثی اهل سنت ۶۵۷ حدیث پیرامون حضرت مهدی علیه السلام وارد شده ، و تعدادی از آنها فصلی را به این منظور اختصاص داده اند .

نگارنده کتابی به نام چهل حدیث پیرامون نور یزدان دارد ، که در آن چهل حدیث ، از چهل کتاب ، از چهل دانشمند فرزانه از بزرگان اهل سنت ، که بابی را به احادیث حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده اند ، با تسلسل زمانی آورده است . (۲)

در اینجا به عنوان تبرک ، سه حدیث از سه کتاب معروف و معتبر اهل سنت می آوریم که مؤلفین آنها قبل از تولد حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ، دیده از جهان فرو بسته اند :

۱. المصنّف

تألیف : حافظ ابوبکر ، عبدالرزاق بن همام صنعانی ، استاد بخاری ، متولد ۱۲۶ هـ . و متوفای ۲۱۱ هـ .

وی در فصلی که به احادیث حضرت مهدی اختصاص داده از طریق ابن عباس روایت کرده که فرمود :

لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى تَطْلُعَ مَعَ الشَّمْسِ آيَةٌ . (۳)

مهدی علیه السلام خروج نمی کند ، جز هنگامی که همراه با خورشید نشانه های ظاهر شود .

ص: ۲۵۸

۱-۱ . در جده ، مدینه ، قاهره و بیروت مکرر به چاپ رسیده است .

۲-۲ . چاپ قم ، نشر حاذق ، ۱۴۱۴ هـ .

۳-۳ . عبدالرزاق ، المصنّف ، ج ۱ ، ص ۳۱۷ ، ب ۲۴۱ ، ح ۲۰۹۴۰ .

تألیف: حافظ ابوبکر، عبدالله بن محمد بن ابراهیم کوفی، مشهور به: «ابن ابی شیبه» متولد ۱۵۹ ه. و متوفای ۲۳۵ ه.

او نیز در بابی که به این موضوع اختصاص داده، از طریق عبدالله بن عمرو روایت کرده که گفت:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ أَنْتُمْ أَسْعَدُ النَّاسِ بِالْمَهْدِيِّ؛^(۱)

ای اهل کوفه شما در رابطه با مهدی خوشبخت ترین انسان روی زمین هستید.

و چه سعادت‌تی که به هنگام ظهور موفور السرور حضرت مهدی علیه السلام و استقرار پایتخت دولت کریمه در کوفه، اهل کوفه سعادت آن را دارند که همه نمازهای یومیه را به امامت یوسف زهرا بخوانند.

تألیف: امام احمد بن حنبل، متولد ۱۶۴ ه. و متوفای ۲۴۱ ه. پیشوای حنابله.

مسند احمد حنبل جامع ترین کتاب حدیثی اهل سنت و بنابر مشهور شامل ۴۰/۰۰۰ حدیث مسند می باشد.^(۲)

احمد حنبل در بابی که به احادیث مهدی علیه السلام اختصاص داده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافِ مِنَ النَّاسِ، وَ زَلَايَزَلْ، فِيمَلَأُ الْأَرْضَ قِسِيًا وَ عَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا؛^(۳)

۱-۱. ابن ابی شیبه، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۸۹.

۲-۲. در مسند احمد حنبل ۲۷۷۱۸ حدیث از ۸۷۶ صحابی پیامبر روایت شده است.

۳-۳. احمد حنبل، المسند، ج ۳، ص ۳۷؛ چاپ جدید ۱۲ جلدی: ج ۴، ص ۷۵، ح ۱۱۳۲۶.

شما را نوید می‌دهم با مهدی علیه السلام، که به هنگام اختلاف مردم و در سالی پر زلزله، در میان امت من برانگیخته می‌شود، پس زمین را پر از عدل و داد کند، آنگونه که پر از جور و ستم شده است.

ساکنان زمین و آسمان از او خشنود می‌شوند.

او ثروت را به صورت «صِحَاحَا» تقسیم می‌کند.

یکی از اصحاب پرسید: «صِحَاحَا» یعنی چه؟ فرمود:

بِالسَّوِيَةِ بَيْنَ النَّاسِ؛

به طور مساوی در میان مردمان.

برای توجه به کثرت احادیث وارده در مسند احمد حنبل، یادآور می‌شویم که یکی از فضیلت‌های حوزه علمیه، احادیث مربوط به آن حضرت را از مسند احمد حنبل استخراج کرده و به صورت کتاب مستقلی منتشر نموده است. (۱)

در پایان این مقاله یادآوری این نکته لازم است که جمعی از بزرگان جهان تشیع با تلاش پیگیر و همت والای خود احادیث موجود در کتب اهل سنت را گردآوری کرده و به صورت کتابی مستقل منتشر نموده‌اند که از آن جمله است:

۱. آیت الله سید صدرالدین صدر، متوفای ۱۳۷۱ ه. در کتابی به نام: المهدی. (۲)

۲. علامه شیخ نجم الدین جعفر بن محمد طهرانی عسکری، متوفای ۱۳۹۵ ه. در کتابی به نام: المهدی الموعود المنتظر عند علماء اهل السنه و الامامیه. (۳)

ص: ۲۶۰

۱-۱. جلالی، احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل، چاپ جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ه.

۲-۲. این کتاب مکرر در ایران و لبنان به چاپ رسیده، به فارسی و انگلیسی نیز ترجمه شده است.

۳-۳. این کتاب در دو مجلد مکرر در ایران و لبنان به چاپ رسیده و جمعا ۹۹۲ حدیث از منابع اهل سنت گرد آورده است.

۳. علامه سید عبدالعزیز طباطبایی ، متوفای ۱۴۱۶ ه . در کتابی به نام : المهدی فی السنّه النبویه .(۱)

۴ . علامه شیخ مهدی فقیه ایمانی معاصر در کتابی به نام : الامام المهدی عند اهل السنّه .(۲)

* * *

ص: ۲۶۱

-
- ۱-۱ . شرح حال نابغه دوران ، نادره زمان ، محقق طباطبائی رحمه الله در منابع فراوان ، از جمله : المحقق الطباطبائی فی ذکراه السنویه الاولی در سه مجلد از سوی مؤسسه اهل لیت ، به سال ۱۴۱۷ ه . چاپ و منتشر شده است .
- ۲-۲ . مکرر به چاپ رسیده ، از جمله در اصفهان ، به سال ۱۴۰۲ ه . در دو مجلد ، شامل ۱۰ رساله مستقل و ۴۶ فصل مخصوص حضرت از ۴۶ کتاب معتبر اهل سنت .

اشاره

تلاشگران حوزه مهدویت به خوبی می دانند که در میان کتب حدیثی شیعیان ، شاید کتابی یافت نشود که در آن به مسائل مهدویت تعرّض نشده باشد ، از این رهگذر ما در این جا فقط به آمار احادیث حضرت مهدی علیه السلام در مجامع حدیثی شیعه اشاره می کنیم ، سپس به شماری از احادیث آن حضرت در منابع تدوین شده پیش از میلاد مسعود حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را تیرکا می آوریم :

آمار احادیث مهدویت

- ۱ . در ۱۰۹۲ حدیث نوید ظهور حضرت مهدی علیه السلام آمده است .
- ۲ . در ۵۵۵ حدیث از نشانه های ظهور سخن رفته است .
- ۳ . در ۴۰۷ حدیث تصریح شده که مهدی موعود از عترت پیامبر است .
- ۴ . در ۲۲۵ حدیث آمده است که آن حضرت از نسل امیرمؤمنان است .
- ۵ . در ۲۰۲ حدیث تصریح شده که از نسل حضرت فاطمه است .
- ۶ . در ۲۰۸ حدیث تأکید شده که از تبار سالار شهیدان است .
- ۷ . در ۱۶۰ حدیث آمده که نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است .
- ۸ . در ۱۹۷ حدیث تصریح شده که از نسل امام سجاد علیه السلام است .
- ۹ . در ۱۲۱ حدیث بیان شده که هفتمین فرزند امام باقر علیه السلام است .
- ۱۰ . در ۱۲۰ حدیث تصریح شده که از تبار امام صادق علیه السلام است .
- ۱۱ . در ۱۱۲ حدیث تأکید شده که ششمین فرزند امام صادق علیه السلام است .
- ۱۲ . در ۱۲۱ حدیث تصریح شده که از تبار امام کاظم علیه السلام است .
- ۱۳ . در ۱۱۵ حدیث تأکید شده که پنجمین فرزند امام کاظم علیه السلام است .
- ۱۴ . در ۱۱۱ حدیث تصریح شده که چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام است .

۱۵. در ۱۰۹ حدیث آمده است که از نسل امام جواد علیه السلام است .

۱۶. در ۱۰۷ حدیث بیان شده که از تبار امام هادی علیه السلام است .

ص: ۲۶۳

۱۷. در ۱۰۷ حدیث تصریح شده که فرزند بلافضل امام حسن عسکری علیه السلام است .
۱۸. در ۴۲۶ حدیث از میلاد مسعود و مادر و الاتبار کعبه مقصود سخن رفته است .
۱۹. در ۳۶۳ حدیث از عمر طولانی آن حضرت گفتگو شده است .
۲۰. در ۱۰۰ حدیث از غیبت طولانی آن حجت بالغه الهی سخن رفته .
۲۱. در ۱۴۸ حدیث آمده که جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود .
۲۲. در ۸۳ حدیث از سیرت و صورت آن ماه تابان گفتگو شده .
۲۳. در ۶۳ حدیث از علایم حتمی ظهور گفتگو شده است .
۲۴. در ۲۹ حدیث از مدت حکومت دولت حقه سخن رفته .
۲۵. در ۳۹ حدیث از نزول عیسی و اقتدارش به مقتدای جهان گفتگو شده .
۲۶. در ۱۰ حدیث تصریح شده که برای آن حضرت دو غیبت هست .
۲۷. در ۲۵ حدیث از پاداش انتظار گفتگو شده است .
۲۸. در ۶۰ حدیث از تکالیف منتظران در عهد غیبت سخن رفته .
۲۹. در ۱۶۲ حدیث آمده که تعداد اوصیای پیامبر ۱۲ تن می باشد .
۳۰. در ۱۴۸ حدیث آمده که شمار خلفای پیامبر به تعداد نقبای بنی اسرائیل و حواریون حضرت عیسی علیه السلام می باشد .
- در بسیاری از آنها تصریح شده که امیرالمؤمنین نخستین آنها و حضرت مهدی علیه السلام آخرین آنها می باشد. (۱)
- اینها نمی از یم ، مشتی از خروار و اندکی از بسیار احادیث وارده از پیشوایان معصوم ، پیرامون آخرین حجت پروردگار بود که تنها به آمار شماری از آنها بسنده شد .
- در اینجا یادآور می شویم که علاوه بر مجامع حدیثی شیعه ، بیش از ۴۰۰۰ عنوان کتاب مستقل پیرامون حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تدوین شده و بسیاری از آنها در دسترس می باشد. (۲)

- ۱-۱. این آمار با نگاهی گذرا به کتاب ارزشمند منتخب الأثر استخراج شده است .
- ۲-۲. بیش از ۲۰۰۰ جلد از این آثار در کتابخانه شخصی نگارنده موجود است و کتاب شناسی توصیفی بیش از ۲۰۰۰ مجلد از آنها را در کتاب کتابنامه حضرت مهدی آورده ایم .

در میان مجامع حدیثی فوق شماری از آنها به عنوان کتاب مرجع شناخته شده که به معرفی تعداد اندکی از آنها بسنده می‌کنیم:

کتاب های پایه و مرجع در حوزه مهدویت

۱. غیبت نعمانی، از ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی، مشهور به: «ابن ابی زینب» که در سال ۳۴۲ ه. تألیف شده و شامل ۵۰۰ حدیث معتبر با اسناد قابل اعتماد و استناد می‌باشد.
۲. کمال الدین و تمام النعمه، از ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، مشهور به: «شیخ صدوق» متوفای ۳۸۱ ه. شامل ۷۰۰ حدیث.
۳. غیبت شیخ طوسی، از ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، متوفای ۴۶۰ ه. شامل ۵۰۵ حدیث و استوارترین دلایل عقلی و نقلی در اثبات وجود اقدس آن کعبه مقصود.
۴. بحار الأنوار، از علامه محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ ه. در سه مجلد، گسترده ترین متن حدیثی در حوزه مهدویت.
۵. منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر، از آیت الله حاج شیخ لطف الله صافی، از مراجع معاصر، در سه مجلد، شامل ۱۲۰۰ حدیث.

سیری در متون حدیثی صدر اسلام

اشاره

برخی از دشمنان قسم خورده اسلام برای تضعیف احادیث مهدویت به شبهه پراکنی پرداخته و اظهار کرده اند که احادیث مهدویت در عهد صفویه جعل شده اند!!

برای رفع این تهمت از ریشه و بن، به بررسی متون تدوین شده، در قرن های اولیه، و تألیف شده پیش از تاریخ میلاد مسعود آن قبله موعود می پردازیم:

الف) قرن اول

اشاره

ص: ۲۶۵

تنها کتاب حدیثی بر جای مانده از قرن اول هجری، کتاب ارزشمند سلیم بن قیس هلالی متوفای حدود ۹۰ ه. می باشد.

سلیم بن قیس در حدود چهار سال پیش از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله دیده به جهان گشوده است. (۱)

از بررسی دقیق روایات سلیم استفاده می شود که او در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خلیفه اول در مدینه نبوده است.

نخستین سرنخی که از اقامت او در مدینه در دست داریم به عهد خلیفه دوم مربوط می شود.

هنگامی که امیرمؤمنان علیه السلام به کوفه مهاجرت نمود و روز ۱۲ رجب ۳۶ ه. وارد کوفه شده، آنجا را به عنوان پایتخت دولت علوی برگزید، (۲) سلیم نیز در کوفه رحل اقامت افکنده، ملازم محضر مولا شده، حوادث را به دقت دنبال کرده، خطبه ها و نامه های امیرمؤمنان علیه السلام را بدون واسطه در کتاب خود روایت کرده است. (۳)

وی رخدادهای صدراسلام را از افراد مورد اعتماد و استناد استماع کرده (۴) سپس آنها را به عرض امیرمؤمنان علیه السلام رسانده، پس از آنکه آن حضرت بر آنها صحه گذاشته، در کتاب خود ثبت نموده است.

کلینی در کافی، شیخ صدوق در فقیه، شیخ طوسی در تهذیب و دیگر محدثان در آثار حدیثی خود بر کتاب سلیم اعتماد کرده، احادیث آن را نقل کرده اند. (۵)

ص: ۲۶۶

۱-۱. در جنگ صفین سلیم بن قیس حضور فعال داشت. هنگامی که ابان بن ابی عیاش از او می پرسد: در جنگ صفین شما چند ساله بودید؟ او در پاسخ می گوید: من در آن هنگام چهل ساله بودم. (کتاب سلیم، ص ۱۷۶). با توجه به آغاز جنگ صفین در روز پنجم شوال ۳۶ ه. (نصر بن مزاحم، وقعه صفین، ص ۱۳۱) روشن می شود که تولد سلیم حدوداً چهار سال قبل از هجرت بوده است.

۲-۲. نصر بن مزاحم، وقعه صفین، ص ۳.

۳-۳. کتاب سلیم، ص ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۴۵، ۱۵۳، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۹۷.

۴-۴. کسانی که سلیم در کتاب خود روایت کرده عبارتند از: امیرمؤمنان، امام حسن مجتبی، امام حسین، سلمان، ابوذر، مقداد، عمار، حذیفه، محمد بن ابی بکر، عبدالله بن عباس، عبدالله بن جعفر، براء بن عازب، ابوسعید خدری و عبدالرحمن بن غنم.

۵-۵. بنگرید به: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹۷؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۱۷۶، ح ۷۱۴؛ شیخ صدوق، الفقیه، ج ۴، ص ۱۳۹، ح ۴۸۴؛ نعمانی، الغیبه، ص ۶۸-۸۴.

سلیم بن قیس در محضر امیرمؤمنان علیه السلام بسیار مقرب و به تصریح شیخ مفید در زمره شرطه الخمیس آن حضرت قرار داشت. (۱).

سلیم به قدری در نزد اهل بیت تقرب داشت که در مجلسی که امیرمؤمنان علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام وصیت می فرمود، به او افتخار حضور ارزانی شده بود. (۲).

به همین دلیل او مورد ایذاء دشمنان اهل بیت قرار داشت و هنگامی که حجاج بن یوسف در صدد قتل وی برآمد، از کوفه فرار کرد، به نواحی فارس رفت و در «نوبندگان» (۳) به ابان بن ابی عیاش پناه برد. (۴) و هنگامی که اجلس فرا رسید کتابش را به او سپرد و ابان تنها راوی کتاب او می باشد، (۵) ولی مرحوم نجاشی طریق دیگری برای نقل کتاب سلیم دارد که آن را در ضمن شرح حال سلیم آورده است. (۶).

ابن ندیم در بخش آغازین فقه‌های شیعه از کتاب سلیم نام برده و آن را نخستین کتابی معرفی کرده که در جهان تشیع پدید آمده است. (۷) ولی بی گمان کتاب ابورافع بر آن مقدم است، جز اینکه نسخه ای از آن به دست ما نرسیده است. (۸) و مقدم بر آن کتاب امیرمؤمنان علیه السلام می باشد. (۹).

ص: ۲۶۷

۱-۱. شرطه الخمیس به سران ارتش و پیشگامان لشکر مولای متقیان علیه السلام گفته می شد. امیرمؤمنان با آنها شرط کرده بود که اگر آنها به وظیفه شرطه الخمیس عمل کنند، حضرت نیز بهشت را برای آنها تضمین می کند. (شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲-۳).

۲-۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹۷؛ شیخ صدوق، الفقیه، ج ۴، ص ۱۳۹، ح ۴۸۴.

۳-۳. نوبندگان نام شهری در ۲۶ فرسخی شیراز بود (حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۰۷) و اینک با عنوان «نوبندگان» یکی از بخش های پنجگانه شهرستان فسا می باشد، که از ۱۳ ده تشکیل یافته، مرکز دهستان نیز به همین نام شناخته می شود. (دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۶، ص ۲۱۴۹).

۴-۴. شیخ طوسی از او به عنوان «ابان بن ابی عیاش فیروز ابو اسماعیل» یاد کرده، او را از اصحاب امام سجاد، امام باقر و امام صادق بر شمرده است. (شیخ طوسی، الرجال، ص ۸۳، ۱۰۶، ۱۵۲). برای شرح حال، مصادر ترجمه و مقدار اعتبارش بنگرید به. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۶۴-۷۱.

۵-۵. علامه حلی، الرجال، ص ۸۳.

۶-۶. نجاشی، الرجال، ص ۸.

۷-۷. ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۷۵.

۸-۸. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۲.

۹-۹. ابطحی، تهذیب المقال، ج ۱، ص ۱۵۸.

ابوزینب محمد بن ابراهیم نعمانی، در کتاب غیبت، که در سال ۳۴۲ ق. از تألیف آن پرداخته می نویسد:

در میان همه شیعیان، از راویان حدیث و حاملان علم، که از امامان معصوم علیهم السلام حدیث کرده اند، اختلافی نیست در این که کتاب سلیم بن قیس هلالی یکی از بزرگترین کتاب های پایه و اصل می باشد و قدیمترین کتابی است که حاملان حدیث آن را از پیشوایان اهل بیت روایت کرده اند. زیرا همه آنچه در این کتاب اصل آمده، از شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام، از سلمان، مقداد، ابوذر و امثال آنها، از افرادی که پیامبر اکرم و امیرمؤمنان را درک کرده اند و از آنها بدون واسطه روایت کرده اند، می باشد. این کتاب از آن کتاب های اصل است که شیعیان به آن مراجعه و اعتماد می کنند. (۱)

ابان بن ابی عیاش می گوید:

بعد از ارتحال سلیم بن قیس در همان سال به حج رفته، به محضر امام زین العابدین علیه السلام مشرف شدم، متن کامل کتاب سلیم را ملاحظه نمودند و فرمودند:

خداوند سلیم را رحمت کند، او راست گفته، همه اینها سخنان ما می باشد، ما آنها را می شناسیم. (۲)

وی بعدها به محضر امام باقر علیه السلام شرفیاب شده، برخی از احادیث سلیم را برای آن

ص: ۲۶۸

۱-۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۰۱.

۲-۲. کتاب سلیم، ص ۱۱؛ حلّی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۰.

حضرت نقل کرده ، امام باقر علیه السلام آن را تصدیق فرموده است .(۱)

حجت تاریخ شیخ آغا بزرگ تهرانی می فرماید : از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود :

مَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُجِبِّينَا كِتَابُ سَلِيمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ ، فَلَيْسَ عِنْدَهُ مِنْ أَمْرِنَا شَيْءٌ ، وَلَا يَعْلَمُ مِنْ أَسْبَابِنَا شَيْئًا ، وَهُوَ أَبْجَدُ الشِّيْعَةِ وَهُوَ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؛

هر یک از شیعیان و دوستان ما ، کتاب سلیم بن قیس را نداشته باشد ، چیزی از امر ما در نزد او نیست و چیزی از اسباب ما را نمیداند . این کتاب ابجد شیعه(۲) و سری از اسرار آل محمد علیهم السلام می باشد .(۳)

ابن الغضائری آن را تضعیف کرده و ادعا نموده که در آن آمده است که امامان سیزده تن می باشند ! (۴)

آنچه ابن الغضائری به کتاب سلیم نسبت داده بی گمان در کتاب سلیم وجود ندارد ، آنچه در کتاب سلیم است این است که :

یک راهب نصرانی به نام « شمعون بن حمون » به هنگام بازگشت امیرمؤمنان علیه السلام از جنگ صفین به محضر آن حضرت رسید . او کتابی در دست داشت که در آن نام ۱۳ تن از فرزندان حضرت اسماعیل آمده بود . آنگاه به تفصیل از رسول اکرم ، امیرمؤمنان و یازده امام از تبار آنان یاد

ص: ۲۶۹

۱-۱ . شیخ طوسی ، اختیار معرفه الرجال ، ص ۱۰۵ ، ح ۱۶۷ .

۲-۲ . « ابجد » نام نخستین صورت از صور هشتگانه حروف جمل ، به ترتیب حروف عبری آرامی است ، ابجد شیعه یعنی : الفبای معارف شیعه .

۳-۳ . تهرانی ، الذریعه ، ج ۲ ، ص ۱۵۲ .

۴-۴ . ابن الغضائری ، الرجال ، ص ۶۳ ، رقم ۵۵ .

شده است. (۱).

احتمالاً ابن الغضائری در اثر شتابزدگی تعبیر: « ثَلَاثَةٌ عَشْرَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ » را بد متوجه شده و یا به کتاب هبه الله بن احمد کاتب اعتماد کرده، که جناب زید را به امامان افزوده و تعداد آنها را ۱۳ تن دانسته و آن را به کتاب سلیم نسبت داده است. (۲).

چنین مطلبی در کتاب سلیم وجود ندارد، آنچه در کتاب سلیم آمده این است که پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه ۷۷ از سوره حج فرمود:

خداوند در این آیه ۱۳ انسان اراده فرموده؛ من، برادرم (علی علیه السلام) و ۱۱ تن از تبار من. (۳).

و این حدیث در کتب حدیث و تفسیر از کتاب سلیم روایت شده است. (۴).

برای تحقیق بیشتر پیرامون استواری کتاب سلیم، بنگرید به:

۱. علامه تهرانی، الذریعه، ج ۲، ۱۵۲-۹-۱۵.

۲. آیت الله خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۲۱۶-۲۲۸.

۳. آیت الله ابطحی، تهذیب المقال، ج ۱، ص ۱۸۳-۱۹۸.

۴. سید احمد صفایی، کشف الاستار، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۳۲.

احادیث حضرت مهدی علیه السلام در کتاب سلیم

پس از توضیح مختصر پیرامون کتاب سلیم و اشاره کوتاه به تاریخ زندگی او، فرازهایی از احادیث مربوط به امام جن و انس حضرت مهدی موعود (عج) را از

ص: ۲۷۰

۱-۱. سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ص ۱۱۶.

۲-۲. نجاشی، الرجال، ص ۴۴۰، رقم ۱۱۸۵.

۳-۳. سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ص ۱۵۱.

۴-۴. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۹؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۶۵؛ سید هاشم بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۶، ص ۵۹۷؛ ابن المشهدی، تفسیر کنز الدقایق، ج ۹، ص ۱۵۲.

کتاب سلیم بن قیس ، تنها اثر بازمانده از قرن اول هجری در اینجا می آوریم :

۱ . سلیم بن قیس هلالی ، از جناب سلمان بدون واسطه روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بستر بیماری ، خطاب به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود :

وَمِنَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ ، الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا ، كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛ (۱)

سوگند به خدایی که جان من در دست اوست ، مهدی این امت ، که خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد کند ، آنگونه که پر از جور و ستم شده باشد ، از ماست .

۲ . سلیم بن قیس ، از مولای متقیان ، از پیامبر عالمیان حدیث مفصّلی پیرامون امامان نور روایت می کند ، در پایان خطاب به سلیم می فرماید :

مِنْهُمْ وَاللَّهِ يَا بَنِي هِلَالٍ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ ، الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا ، كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا ، وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْرِفُ جَمِيعَ مَنْ يُبَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ، وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَ الْجَمِيعِ وَقَبَائِلِهِمْ؛ (۲)

ای فرزند هلال ، به خدا سوگند مهدی این امت از آنهاست ، همان مهدی که جهان را پر از عدل و داد کند ، همانگونه که پر از جور و ستم شده باشد ، به خدا سوگند من همه کسانی را که در میان رکن و مقام با او بیعت می کند می شناسم ، نام همه آنها و قبایل آنها را می دانم .

ص: ۲۷۱

۱-۱ . سلیم بن قیس ، کتاب سلیم ، ص ۱۸ .

۲-۲ . همان ، ص ۶۵ .

۳. سلیم بن قیس می گوید: به هنگام بازگشت از جنگ صفین سپاه امیرمؤمنان علیه السلام در نزدیکی دیر یک راهب نصرانی منزل کردند، پیرمردی زیبا، با وقار و خوش سیما از دیر بیرون آمد، او شمعون بن حمون نام داشت و از تبار شمعون صفا، از حواریون حضرت عیسی علیه السلام بود، او کتابی در دست داشت، به محضر پیشوای پروا پیشگان شرفیاب شد و از روی کتاب خود به تفصیل از فضایل و مناقب سیزده انسان که از تبار حضرت اسماعیل پدید می آیند (حضرت پیامبر و دوازده امام علیهم السلام) سخن گفت. در پایان از نزول حضرت عیسی و نماز خواندنش پشت سر آخرین امام نور گفت و گو نموده و افزود: عیسی علیه السلام می فرماید:

شما پیشوایانی هستید که شایسته نیست که احدی بر شما پیشی بگیرد.

پس او جلو می ایستد و نماز را به جماعت می خواند و عیسی علیه السلام پشت سر او در صف اول نماز می گذارد.

آنگاه به تفصیل از بعثت پیامبر اکرم، وصایت امیرمؤمنان، امامت نه تن از تبار امام حسین علیهم السلام سخن گفت و در پایان افزود:

أَخْرَجَهُمُ الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ... يَمَلَأُ جَمِيعَ بِلَادِ اللَّهِ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَيَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ عَلَى الْأَدْيَانِ كُلِّهَا؛ (۱)

آخرین آنها کسی است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند... او همه ممالک خداوند را پر از عدل و داد نماید، شرق و غرب جهان را تحت سیطره خود در می آورد، تا خداوند او را بر همه ادیان پیروز گرداند.

ص: ۲۷۲

۴. سلیم بن قیس که در جنگ صفین حضور داشت ، نامه معاویه به امیرمؤمنان علیه السلام و پاسخ آن حضرت به معاویه را به تفصیل نقل کرده ، در فرازی از آن مولای متقیان از خروج سفیانی و خسف لشکر سفیانی در سرزمین پیدا سخن گفته ، آنگاه در مورد یاران حضرت مهدی علیه السلام می نگارد :

وَيَبْعَثُ اللَّهُ لِلْمَهْدِيِّ أَقْوَامًا يُجْمَعُونَ مِنَ الْأَرْضِ قُرْعَ كَقُرْعِ الْخَرِيفِ . وَاللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُ أَسْمَاءَهُمْ وَأَسْمَ امِيرِهِمْ وَمُنَآخَ رِكَابِهِمْ ؛

خداوند برای حضرت مهدی علیه السلام اقوامی را برانگیخته می کند که همانند قطعات ابر پاییزی ، گروه گروه ، از اطراف زمین گردآوری می شوند . به خدا من اسامی آنها و اسم فرمانده آنها را می دانم و محل فرود آمدن مرکب هایشان را می شناسم . (۱)

۵. سلیم بن قیس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که در یکی از خطبه های خود پیرامون خلقت نورانی خاندان خود فرمود :

أَلَا وَنَحْنُ بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، أَنَا وَعَلِيٌّ وَجَعْفَرٌ وَحَمْزَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَفَاطِمَةُ وَالْمَهْدِيُّ ؛

آگاه باشید که ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم : من ، علی ، جعفر ، حمزه ، حسن ، حسین ، فاطمه و مهدی (۲)

ص : ۲۷۳

۱-۱ . همان ، ص ۱۶۰ .

۲-۲ . همان ، ص ۲۰۴ .

بیشتر کتاب هایی که در قرن دوم هجری به رشته تحریر درآمده ، جزء کتب پایه و مرجع و به اصطلاح اصل می باشند .

اصل به کتابی گفته می شود که مؤلف آن را از اثر مکتوب دیگری گردآوری نکرده باشد ، بلکه همه نصوص آن را از امام و یا روایانی که بی واسطه یا با واسطه از امام علیه السلام شنیده اند ، استماع کند و آن را بدون هیچ دخل و تصرفی در اثر خود ثبت نماید .

در میان اصحاب ائمه ۴۰۰ تن صاحب اصل بودند که بدون بهره گیری از آثار مکتوب ، متن مسموع خود را در کتابی گرد آورده بودند .

این چهارصد اصل به عنوان اصول اربعمائه شهرت یافته است .(۱)

صاحبان اصل هرگز حدیثی را نقل به معنی نمی کردند ، بلکه عین الفاظ متن و سند را بدون هیچ تغییری در نوشتاری به رشته تحریر در می آوردند ، سپس نسخه خود را بر شیخ و استاد خود عرضه می کردند ، یا با نسخه او مقابله می نمودند و از او به دریافت اجازه نقل نایل می شدند .

از این رهگذر آنچه اصل نامیده می شود ، از لحاظ استواری متن بر دیگر مصنفات برتری روشن دارد ، تا جایی که برخی از پیشگامان در علم حدیث ، روایت از غیر اصل را مجاز نمی دانستند و نبودن حدیثی را در یکی از اصول موجب تشکیک و تردید بر آن برمی شمردند .(۲)

شیخ بهایی در کتاب مشرق الشمس در میان اموری که موجب می شد قدما حکم به صحت حدیث نمایند ، از امور زیر نام برده است :

۱ . وجود حدیث در شماری از اصول چهارصد گانه مشهور و متداول در نزد آنها .

۲ . تکرار یک حدیث در یک یا چند اصل با اسناد مختلف .

۳ . وجود حدیث در اصل یکی از اصحاب اجماع .(۳)

ص: ۲۷۴

۱- ۱ . ابن شهر آشوب ، معالم العلماء ، ص ۳ .

۲- ۲ . برای اطلاع وسیع تر بنگرید به : علامه تهرانی ، الذریعه ، ج ۲ ، ص ۱۲۵ _ ۱۶۷ ؛ فرامرز حاج منوچهری ، دائره

المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۲۱۸ - ۲۲۰.

۳-۳. تهرانی، الذریعه، ج ۲، ص ۱۲۶.

محقق داماد در این رابطه می فرماید :

صاحبان اصل تا حدیثی را از معصوم می شنیدند بدون تأخیر آن را در اصل خود ثبت می کردند ، و لذا وجود حدیث در یک اصل مورد اعتماد به تنهایی برای حکم کردن به صحت حدیث در میان قدا کافی بود .(۱)

روی این بیان کتاب های موسوم به اصل در مقایسه با دیگر تألیفات در تصنیفات از نظر اعتماد ، استناد ، اطمینان به صدور آن از معصوم ، محفوظ بودن از دخل و تصرف ، حکم به صحت و اثبات حجیت برتری آشکار دارد .

صاحبان اصول هنگامی که به محضر معصومین علیهم السلام می رسیدند ، قلم و کاغذ با خود می بردند ، تا مطلبی از امام علیه السلام می شنیدند آن را ثبت می کردند .(۲)

تعداد اصحاب ائمه که آثار مکتوب از خود به یادگار نهادند بالغ بر ۴۵۰۰ نفر می باشند .(۳)

با توجه به کثرت اصحاب امام صادق علیه السلام که تعداد ۴۰۰۰ نفر از آنها را ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید ، مشهور به ابن عقده ، متوفای ۳۳۲ ق . در کتاب رجال خود آورده و از هر یک حدیثی نقل کرده ،(۴) و پژوهشگر معاصر شیخ عبدالحسین شبستری بیوگرافی ۳۷۵۹ تن از آنها را در سه مجلد گردآورده(۵) و فقیه علم و تحقیق علامه قزوینی(۶) بالغ بر ۵۰۰۰ نفر از آنها را در دائرة المعارف ارزشمند خود با ذکر احادیث آنها یاد کرده است ؛ اگر همه آنها را صاحب اصل بدانیم ، تعداد صاحبان اصل از

ص: ۲۷۵

۱-۱ . همان ، ص ۱۲۷ ؛ میرداماد ، الزواشح السماویه ، راسحه ۲۹ .

۲-۲ . سید بن طاووس ، مهج الدعوات ، ص ۴۱۱ .

۳-۳ . تهرانی ، الذریعه ، ج ۲ ، ص ۱۳۳ .

۴-۴ . علامه حلی ، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال ، ص ۲۰۴ .

۵-۵ . شبستری ، عبدالحسین ، الفائق فی رواه و اصحاب الامام الصادق علیه السلام ، در سه مجلد .

۶-۶ . علامه سید محمد کاظم قزوینی ، متوفای ۱۴۱۵ ه . موسوعه الامام الصادق ، که بیش از ۳۰ مجلد آن تا کنون منتشر شده ، دیگر مجلدات آن در دست انتشار است .

اصحاب دیگر امامان در حدود ۵۰۰ نفر خواهد بود .

در نتیجه بیشتر اصول چهارصد گانه به اصحاب امام صادق علیه السلام اختصاص خواهد یافت . لکن شیخ مفید قدس سره تصریح کرده که اصول چهارصد گانه مربوط به اصحاب امامان ، از امیرمؤمنان تا امام حسن عسکری علیهم السلام می باشد (۱).

سرگذشت اصول اربعمائه

در میان بیش از ۴۵۰۰ کتاب اصل و پایه که از اصحاب ائمه علیهم السلام به یادگار مانده ، تعداد ۴۰۰ اصل از آنها اعتبار ، اشتها و رواج خاصی برخوردار شده به اصول اربعمائه معروف گشته است .

همه اصول چهارصد گانه تا قرن سوم و چهارم موجود بود و تقریباً همه احادیث آنها در چهار کتاب پایه و مرجع که کتب اربعه معروف هستند (۲) با ترتیب و تبویت خاصی در باب های مناسب خود آمده است .

اولین فاجعه ای که بر کتب شیعه و اصول اربعمائه پیش آمد حادثه دلخراش آتش سوزی کرخ بغداد در سال ۴۴۸ ق . بود ، که همه کتاب های موجود در کتابخانه شیخ طوسی و کتابخانه شاپور کرخ در آتش کین سوخت (۳).

ص: ۲۷۶

۱- ۱. ابن شهر آشوب ، معالم العلماء ، ص ۳؛ در مقابل بیان شیخ مفید قدس سره از برخی از شخصیت های برجسته جهان تشیع نقل شده که اصول اربعمائه را به اصحاب امام صادق علیه السلام اختصاص داده اند : علامه تهرانی از امین الاسلام طبرسی نقل فرموده که در کتاب اعلام الوری فرموده : ۴۰۰ نفر از مشهورین اهل دانش از امام صادق علیه السلام حدیث روایت کرده ، از پاسخ های آن حضرت در مسائل ، ۴۰۰ کتاب تألیف کرده ، آنها را « اصول » نامیده اند . این ۴۰۰ اصل را اصحاب امام صادق و اصحاب فرزندش امام کاظم علیهم السلام روایت کرده اند . (تهرانی ، الذریعه ، ج ۲ ، ص ۱۲۹) . محقق حلی نیز در این رابطه می فرماید : از پاسخ های امام صادق علیه السلام چهارصد کتاب توسط چهارصد نفر نوشته شد که آنها را اصول نام نهادند . (محقق ، المعبر ، ج ۱ ، ص ۲۶) . مرحوم شهید نیز می نویسد : از پاسخ های امام صادق علیه السلام چهارصد کتاب توسط چهارصد نفر تألیف شده و از شاگردان معروف آن حضرت تعداد هزار نفر گردآوری شده اند . (شهید اول ، الذکری ، ص ۶) .

۲- ۲. کتب اربعه عبارتند از : (۱) کافی شریف ، تألیف : محمد بن یعقوب کلینی ، متوفای ۳۲۹ ه . (۲) من لایحضره الفقیه ، تألیف : محمد بن علی بن حسین بن بابویه ، مشهور به شیخ صدوق ، متوفای ۳۸۱ ه . (۳) تهذیب (۴) استبصار ، تألیف : شیخ الطائفه ، محمد بن الحسن ، مشهور به شیخ طوسی ، متوفای ۴۶۰ ه .

۳- ۳. خوشبختانه این فاجعه هنگامی رخ داد که شیخ طوسی از تألیف کتاب تهذیب و استبصار پرداخته بود و احادیث موجود در اصول را در آن دو کتاب گردآورده بود (تهرانی ، الذریعه ، ج ۲ ، ص ۱۳۴) . این فاجعه هنگامی رخ داد که طغرل بک به قصد نابود کردن حکومت شیعیان (آل بویه) وارد بغداد شد (ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۳۰ ، ص ۲۲ ، حوادث سال ۴۴۷

ق .). در آن ایام کرخ بغداد کلا شیعه بودند ، حتی یک نفر غیر شیعه در آنجا یافت نمی شد (حموی ، معجم البلدان ، ج ۴ ، ص ۴۴۸). در این فاجعه سپاهیان طغرل حوادث خونباری پدید آوردند و از هیچ جنایتی دریغ نکردند (ذهبی ، همان ، ص ۲۶). در این فاجعه بیش از ۸۰۰۰۰ جلد کتاب نفیس در کتابخانه شیخ طوسی و بیش از ۱۰۰۰۰ جلد کتاب نفیس در کتابخانه شاپور بن اردشیر وزیر بهاءالدوله ، پسر عضدالدوله طعمه حریق شد . (علی دوانی ، هزاره شیخ طوسی ، ص ۱۸). به دنبال این فاجعه بود که شیخ طوسی از بغداد خارج شده به نجف اشرف شرفیاب شد (ابن کثیر ، البدایه و النهایه ، ج ۱۲ ، ص ۶۹ ، ۹۷) و حوزه علمیه نجف اشرف را در کنار حرم مطهر امیرمؤمنان علیه السلام بنیاد نهاد .

قسمت عمده اصول اربعمائه به دست ابن ادریس و سید ابن طاووس رسیده ، آنها در تألیف مستطرفات و کشف المحججه از آنها بهره برده اند ، ولی بعدها بیشتر آنها از بین رفته است .

حجت تاریخ ، علامه تهرانی گزارش ۱۱۷ اصل از اصول چهارصد گانه را با معرفی پدید آورندگان آنها آورده است .^(۱)

بقایای اصول اربعمائه

جای بسی خوشوقتی است که تعداد ۱۶ اصل از اصول چهارصد گانه در طول قرون و اعصار ، از حوادث خانمان سوز جان سالم به در برده تا زمان ما بدون هیچ کم و کاستی باقی مانده است .

غالب این اصول شانزده گانه از روی نسخه ای استنساخ شده که توسط منصور بن حسن بن حسین آبی ، به سال ۳۷۴ ق . از روی دستنویس محمد بن الحسن قمی استنساخ شده ، که او نیز از ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری روایت نموده است .^(۲)

این اصول شانزده گانه توسط علامه حاج شیخ حسن مصطفوی در ۱۷۱ صفحه در تهران چاپ و منتشر شده است .

نسخه این کتاب در اختیار علامه مجلسی بوده و مورد استفاده او در تألیف بحارالانوار بوده است .^(۳)

ص: ۲۷۷

۱-۱ . تهرانی ، الذریعه ، ج ۲ ، ص ۱۳۵ _ ۱۶۷ .

۲-۲ . تهرانی ، همان ، ص ۱۶۳ ؛ الاصول الستة عشر ، ص ۱۳ ، ۱۹ ، ۴۱ ، ۵۸ ، ۹۷ ، ۱۳۲ ، ۱۶۹ .

۳-۳ . مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۱ ، ص ۴۳ .

علامه تهرانی به هنگام گزارش هر یک از این اصول تصریح کرده که نسخه آن تا زمان ما عیناً باقی مانده است .

علامه تستری نیز هر یک از آنها را در ضمن شرح حال صاحبانش معرفی کرده و تصریح نموده که نسخه آن را در کتابخانه جزایری شوشتر مشاهده کرده است .

سیمای موعود در اصول موجود

اشاره

اینک ما تعدادی از احادیث حضرت مهدی علیه السلام را از این اصول بر جای مانده از قرن دوم که همگی از اصحاب امام صادق علیه السلام می باشند ، نقل می کنیم :

۱. اصل زید زراد

مقدم علمای رجال مرحوم نجاشی می نویسد : زید زراد اهل کوفه بود و از امام صادق علیه السلام روایت کرده است .

آنگاه سلسله سندش را از طریق ابن ابی عمیر به کتاب او می شمارد .(۱)

ابن الغضائری نیز تصریح می کند که کتاب او توسط ابن ابی عمیر روایت شده است .(۲)

ابن ابی عمیر از اصحاب اجماع می باشد(۳) و لذا روایت کردن او از زید زراد بر اعتبار ، شخصیت و وثاقت او می افزاید و بر اهمیت اصل او دلالت می کند .

خوشبختانه اصل او عیناً تا زمان ما باقی مانده است .(۴)

زید زراد در این اصل خود می نویسد : من به امام صادق علیه السلام عرض کردم : می ترسم که ما از زمره مؤمنان نباشیم ! فرمود : چرا ؟ گفتم : برای اینکه ما در میان خود کسی را نمی یابیم که برادر دینی اش در نزد او از درهم و دینار عزیزتر باشد ، بلکه درهم و

ص: ۲۷۸

۱- ۱. نجاشی ، الرجال ، ص ۱۷۵ ، رقم ۴۶۱ .

۲- ۲. ابن الغضائری ، الرجال ، ص ۶۲ ، رقم ۵۳ .

۳- ۳. اصحاب اجماع به کسانی گفته می شود که اصحاب امامیه اجماع کرده اند که سند هر حدیثی اگر تا به آنها صحیح باشد ، دیگر نیازی به بررسی نیست ، زیرا آنها ملتزم هستند که هرگز از افراد ضعیف روایت نکنند ، یکی از آنها محمد بن ابی

عمیر است . (شیخ طوسی ، اختیار معرفه الرجال ، ص ۵۵۶ ، رقم ۱۰۵۰) .

۴-۴ . تهرانی ، الذریعه ، ج ۲ ، ص ۱۵۱ .

دینار در نزد ما از برادری که رشته ولایت امیرمؤمنان علیه السلام بین ما و او پیوند داده است ، عزیزتر می باشد . فرمود :

كَلَّا إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ ، وَ لَكِنْ لَا تَكْمُلُونَ إِيْمَانَكُمْ حَتَّىٰ يَخْرُجَ قَائِمُنَا ، فَعِنْدَهَا يَجْمَعُ اللَّهُ أَحْلَامَكُمْ ، فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ؛ (۱)

نه شما نیز مؤمن هستید ، لکن ایمان شما به حد کمال نمی رسد تا هنگامی که قائم ما ظهور کند ، در آن هنگام خداوند عقل های شما را گرد می آورد ، پس مؤمن کامل می شوید .

۲ . اصل درست بن ابی منصور

شیخ طوسی از او نام برده و طریق خودش را به کتاب او برشمرده ، (۲) نجاشی نیز از او یاد کرده و کتابش را از طریق ابن ابی عمیر روایت کرده است (۳) چنانکه قبلا یادآور شدیم روایت کردن ابن ابی عمیر از او بر اعتبار وثاقت او می افزاید .

درست بن ابی منصور با یک واسطه از معلی بن خنیس روایت کرده که از محضر امام صادق علیه السلام پرسیدم : آیا قائم علیه السلام برخلاف سیره امیرمؤمنان علیه السلام رفتار می کند ؟ فرمود : آری ، معلی پرسید : برای چه ؟ فرمود :

لَإِنَّ عَلِيًّا سَارَ بِالنَّاسِ سِيرَةً وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّ عَدُوَّهُ سَيُظْهِرُ عَلَىٰ وَلِيهِ مِنْ بَعْدِهِ ، وَإِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ لَيْسَ إِلَّا السَّيْفَ؛ (۴)

زیرا علی علیه السلام می دانست که پس از او دشمن بر دوستان او چیره می شود و لذا با

ص: ۲۷۹

۱-۱ . الاصول الستة عشر ، اصل زید زراد ، ص ۶ .

۲-۲ . شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۱۲۶ ، رقم ۲۸۸ .

۳-۳ . نجاشی ، الرجال ، ص ۱۶۲ ، رقم ۴۳۰ .

۴-۴ . الاصول الستة عشر ، اصل درست بن ابی منصور ، ص ۱۶۴ .

شیوه خاصی با آنها رفتار نمود، ولی چون قائم علیه السلام قیام کند، چیزی جز شمشیر نخواهد بود.

به طوری که پژوهشگران معاصر یادآور شده اند این حدیث در مورد آن عده از دشمنان اهل بیت می باشد که در مقابل آن حضرت ایستادگی می کنند و به روی آن حضرت اسلحه می کشند،^(۱) چنانکه در روایات فراوان آمده سیره حضرت مهدی علیه السلام همان سیره امیرمؤمنان علیه السلام می باشد.^(۲)

۳. اصل جعفر بن محمد بن شریح حضرمی

شیخ طوسی از او و کتابش نام برده^(۳) و نجاشی در طریق خود به حمید بن شعیب از او نام برده است.^(۴)

وی با سلسله اسنادش از امام باقر علیه السلام روایت کرده که خطاب به جابر بن یزید جعفری فرمود:

يَا جَابِرُ إِنَّ لِبَنِي الْعَبَّاسِ رَايَةً وَلِغَيْرِهِمْ رَايَاتٌ ، فَإِيَّاكَ ، ثُمَّ إِيَّاكَ ثَلَاثًا حَتَّى تَرَى رَجُلًا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُبَايِعُ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ، مَعَهُ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ ، وَ مَغْفَرُ رَسُولِ اللَّهِ ، وَ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ ، وَ سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ؛^(۵)

ای جابر برای بنی عباس پرچمی است، برای دیگران نیز پرچمهایی است، دور باش، باز هم دور باش سه بار فرمود تا مردی را از فرزندان امام

ص: ۲۸۰

۱-۱. گروه تحقیق، معجم الحدیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۴۰، ذیل حدیث ۱۱۰۷.

۲-۲. امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید: ان قائلنا اذا قام لبس لباس علی علیه السلام و سار بسیرته: قائم ما هنگامی که قیام کند جامه علی علیه السلام را در بر می کند و با سیره آن حضرت رفتار می کند. (کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۴۴).

۳-۳. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۹۳، رقم ۱۴۸.

۴-۴. نجاشی، الرجال، ص ۱۳۳، رقم ۳۴۱.

۵-۵. الاصول الستة عشر، اصل جعفر بن محمد بن شریح حضرمی، ص ۷۹.

حسین علیه السلام بینی که در میان رکن و مقام با او بیعت کنند، اسلحه، کلاه خود، زره و شمشیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او باشد.

۴. اصل ابوسعید عباد عصفری

نجاشی از او یاد کرده و طریق خودش را برای نقل از این کتاب برشمرده است. (۱)

وی در این کتاب هیچ حدیثی را بدون واسطه از امام علیه السلام روایت نکرده، بلکه همه احادیث خود را با یک یا دو واسطه از امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت کرده است.

با توجه به روایت او از عمر بن ابی المقدام ثابت بن هرمز، که از امام سجاد علیه السلام روایت می کند (۲) معلوم می شود که او در قرن دوم می زیسته، و ربطی به عباد بن یعقوب رواجنی (متوفای ۲۵۰ ق.) ندارد. (۳)

ابو سعید عباد عصفری از طریق امام باقر علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود:

مِنْ وُلْدِي أَحَدَ عَشَرَ نَقِيًّا نَجِيًّا مُحَدِّثُونَ مُفَهِّمُونَ، أَخْرَجَهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا؛ (۴)

یازده تن نقیب، نجیب، محدث و فرزانه از فرزندان من هستند، که آخرین آنها قائم به حق است که زمین را پر از عدل کند، همان گونه که پر از ستم باشد.

ج (احادیث غیبت در آثار بر جای مانده از دوران پیش از غیبت

اشاره

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام در صدها حدیث، از غیبت آخرین امام

ص: ۲۸۱

۱-۱. نجاشی، الرجال، ص ۲۹۳، رقم ۷۹۳.

۲-۲. همان، ص ۲۹۰، رقم ۷۷۷.

۳-۳. بسیاری از تراجم نگاران «عباد عصفری» را با «عباد بن یعقوب رواجنی» خلط کرده اند (سید احمد صفائی، کشف الاستار، ج ۲، ص ۲۶۵؛ محمد حسین جلالی، فهرس التراث، ج ۱، ص ۲۶۴) ولی شیخ طوسی به تعدد آنها توجه داشته به عنوان دو نفر آورده و تصریح کرده که رواجنی از اهل سنت بوده است. (شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۹۲، رقم ۵۴۰ و ۵۴۱).

۴-۴. الاصول الستة عشر، اصل ابی سعید عباد العصفری، ص ۱۵.

نور خیر داده اند و هنگامی که این خبرها به حقیقت پیوسته و آن امام نور پس از شهادت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام (۱) در پشت پرده غیبت قرار گرفته، هر یک از این حدیث‌ها، یکی از معجزات آن پیشوای معصوم به شمار آمده است. (۲)

با توجه به شبهه افکنی خفاشان کوردل، که تاب دیدن فروغ جهان تاب آفتاب امامت را ندارند، یکی از آثار برجسته تدوین شده پیش از غیبت و امامت آن حضرت را در این فصل بررسی نموده، احادیث غیبت آن را به عنوان سندی زنده بر بطلان شبهات ایادی ابلیس نقل می‌کنیم.

قرعه فال به نام فضل بن شاذان افتاد و علت گزینش کتاب ایشان این بود که:

اولا: او شخصیت برجسته قرن سوم هجری است.

ثانیا: مورد تأیید رسمی امام حسن عسکری علیه السلام است.

ثالثا: آثارش جامعترین، جالترین و پربرترین اثر برجای مانده از قرن سوم هجری است.

رابعا: تاریخ وفاتش معلوم است و اختلافی در آن نیست.

جایگاه فضل بن شاذان

فرزانه زمان، یگانه دوران، پیشوای اهل ایمان، افتخار خطه خراسان، فضل بن شاذان علیه الرحمه والغفران از پیشگاه چهار معصوم کسب فیض کرده، در برابر ده‌ها محدث زانو زده، از خرمن علمی فرهیختگان زمان خود خوشه‌ها چیده، اندوخته‌های علمی خود را در ۱۸۰ تألیف گرانبها گردآورده، (۳) حداقل ۶ مجلد از آنها را به حوزه مهدویت اختصاص داده است.

از امام حسن عسکری علیه السلام در حق فضل بن شاذان سه تعبیر بلند، و در واقع سه مدال

ص: ۲۸۲

۱-۱. شهادت امام حسن عسکری علیه السلام روز هشتم ربیع الاول ۲۶۰ هجری واقع شد. (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۰؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۱۳؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۲؛ ابن فقیه، روضه الواعظین، ج ۱، ص ۵۶۵؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۱۳۱؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۴۵۵).

۲-۲. و لذا ابو نعیم احادیث غیبت را در کتاب دلائل التبوه به عنوان معجزات رسول اکرم صلی الله علیه و آله آورده است.

۳-۳. نجاشی، الرجال، ص ۳۰۷، رقم ۸۴۰.

افتخار، صادر شده که هر سه تعبیر را مرحوم کشی در رجال خود با سلسله اسنادش آورده، و شیخ طوسی آنها را در گزیده رجال کشی نقل فرموده است. و اینک متن تعبیر امام علیه السلام:

۱. امام حسن عسکری علیه السلام به هنگام مشاهده یکی از تألیفات ارزشمند فضل بن شاذان فرمود:

أَغْبَطُ أَهْلَ خُرَاسَانَ بِمَكَانِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ، وَكَوْنِهِ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ؛ (۱)

من به حال اهل خراسان غبطه می خورم که شخصیتی چون فضل بن شاذان در میان آنهاست.

۲. امام حسن عسکری علیه السلام کتاب یوم و ليله فضل بن شاذان را صفحه به صفحه ملاحظه نموده، فرمودند:

هَذَا صَحِيحٌ يَتَّبَعِي أَنْ يُعْمَلَ بِهِ؛ (۲)

این کتاب صحیح است و شایسته است که به آن عمل شود.

۳. چند روز پیش از شهادت امام حسن علیه السلام گروهی از اهالی نیشابور در سامرا به محضر امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شد، امام علیه السلام از احوال فضل بن شاذان جويا شدند، اظهار کردند که الحمد لله حالش خوب بود، امام علیه السلام سه بار فرمود:

رَحِمَ اللَّهُ الْفَضْلَ؛ (۳)

ص: ۲۸۳

۱-۱. شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۴۲، رقم ۱۰۲۷؛ ابن داود، الرجال، ص ۱۵۱؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۹۰؛ آیت الله خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۲۹۳.

۲-۲. شیخ طوسی، همان، ص ۵۳۸؛ سید بن طاووس، التحریر الطاووسی، ص ۴۵۵؛ تهرانی، مصفی المقال، ص ۳۶۱؛ محدث قمی، سفینه البحار، ج ۷، ص ۱۰۱.

۳-۳. شیخ طوسی، همان، ص ۵۴۲؛ سید بن طاووس، همان، ص ۴۵۹؛ شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۰۰.

خداوند فضل را رحمت کند .

هنگامی که آنها به خراسان بازگشتند و به نیشابور رسیدند مطلع شدند که در همان ایام فضل بن شاذان دیده از جهان فرو بسته است .^(۱)

پس از نقل تعبیرهای بسیار بلند امام حسن عسکری علیه السلام نیازی به نقل سخنان علمای رجال نیست ، فقط به شماری از آنها اشاره می کنیم :

۱ . جلالت قدر او مشهورتر از آن است که ما او را وصف کنیم .^(۲)

۲ . او رئیس طائفه امامیه است و بزرگوارتر از آن است که کسی بر او خرده بگیرد .^(۳)

۳ . همه رجالیون او را توثیق نموده ، از جلالت قدرش سخن گفته اند .^(۴)

۴ . همه ارباب تراجم بر جلالت قدرش اتفاق کلمه دارند .^(۵)

۵ . جلالت قدر او چون خورشید نیمروز واضح و آشکار است ، دیگر نیازی به اقامه بینه و برهان ندارد .^(۶)

فضل بن شاذان به محضر چهار امام (امام رضا تا امام حسن عسکری علیه السلام) شرفیاب شده و از همه آن بزرگواران به شرف دریافت حدیث مفتخر شده است .^(۷)

آثار پربار فضل بن شاذان

مرحوم نجاشی از گنجی^(۸) نقل کرده که تعداد کتاب هایی که فضل بن شاذان به رشته

ص: ۲۸۴

۱-۱ . مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۰ ، ص ۳۰۰ ؛ مامقانی ، تنقیح المقال ، ج ۲ ، ص ۹ .

۲-۲ . نجاشی ، الرجال ، ص ۳۰۷ ، رقم ۸۴۰ .

۳-۳ . علامه حلی ، الرجال ، ص ۱۳۳ .

۴-۴ . مامقانی ، تنقیح المقال ، ج ۲ ، ص ۹ (چاپ سنگی) .

۵-۵ . قزوینی ، الامام الهادی من المهدی الى اللحد ، ص ۳۶۱ .

۶-۶ . خیابانی ، ریحانه الأدب ، ج ۸ ، ص ۴۱ .

۷-۷ . نجاشی ، الرجال ، ص ۳۰۷ ؛ شیخ طوسی ، الرجال ، ص ۴۲۰ و ۴۳۴ ؛ علامه ، الرجال ، ص ۱۳۳ ؛ ابن داود ، الرجال ،

ص ۱۵۱ ؛ تفرشی ، نقد الرجال ، ص ۲۶۷ ؛ شرف الدین ، تأسیس الشیعه ، ص ۳۷۷ ؛ همان ، عیون الرجال ، ص ۶۹ .

۸-۸ . مظنور از گنجی ، ابوالقاسم یحیی بن زکریا می باشد که در اواخر قرن دوم دیده به جهان گشوده و در اوایل قرن

چهارم دیده از جهان فروبسته است . تلعلکبری به سال ۳۱۸ ق . از او روایت کرده که در آن تاریخ ۱۲۰ ساله بوده است . (تهرانى ، مصفى المقال ، ص ۳۶۱) .

تحریر در آورده به ۱۸۰ مجلد می رسد. (۱)

آنگاه نجاشی عنوان ۴۸ مجلد از آنها را ثبت کرده است. (۲)

برای آشنایی با قدرت علمی، استواری بیان، زیبایی تعبیر، گیرایی سخن و نیروی استدلال ایشان یک نگاه اجمالی به کتاب الایضاح کافی است. (۳)

فضل بن شاذان تعدادی از آثار خود را به حوزه مهدویت اختصاص داده، کتاب های ارزشمندی در این رابطه از خود به یادگار نهاده که از آن جمله است:

۱. اثبات الرجعه

۲. اثبات الغیبه

۳. القائم (عج)

۴. الملاحم

۵. التنبیه من الحیره و التبه

۶. حذو التعل بالتعل (۴)

با توجه به تاریخ درگذشت فضل بن شاذان در سال ۲۶۰ هجری، اندکی قبل از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام (۵) کتاب های ایشان از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا پیش از آنکه حضرت مهدی علیه السلام به امامت برسد و دوران غیبت صغری آغاز شود. (۶) فضل بن شاذان دیده از جهان فرو بسته و اغلب آثارش پیش از ولادت امام

ص: ۲۸۵

۱-۱. نجاشی، الرجال، ص ۳۰۷.

۲-۲. نجاشی، همان.

۳-۳. این کتاب با تحقیقات ارزشمند پژوهشگر فقید، مرحوم محدث ارموی، در ۷۲۷ صفحه وزیری، از سوی دانشگاه تهران انتشار یافته است.

۴-۴. نجاشی، الرجال، ص ۳۰۷؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۹۰؛ بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۸۱۷.

۵-۵. در منابع فراوان تصریح شده که فضل بن شاذان به سال ۲۶۰ وفات کرده (شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۴۳، رقم، ۱۰۲۸؛ خیابانی، ریحانه الادب، ج ۸، ص ۴۱؛ زرکلی، الأعلام، ج ۵، ص ۱۴۹، تهرانی، الذریعه، ج ۱، ص ۹۳) و در کتب تراجم تصریح شده که امام حسن عسکری علیه السلام برای او طلب مغفرت نموده، هنگامی که حاضران به

نیشابور بازگشته اند معلوم شده که فضل بن شاذان در همان ایام در گذشته بود. (شیخ طوسی ، همان ، ص ۵۳۸ ، رقم ۱۰۲۳ ؛ تستری ، قاموس الرجال ، ج ۸ ، ص ۴۰۸) روی این بیان ایشان در اوایل سال ۲۶۰ هجری ، چند روزی قبل از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام دیده از جهان فرو بسته است .

۶-۶ . پایان غیبت صغری دقیقا روز ۱۵ شعبان ۳۲۹ هجری می باشد ، زیرا در توقیعی که روز نهم شعبان ۳۲۹ ق . از ناحیه مقدسه به آخرین سفیر ، علی بن محمد سمری صادر شده ، به صراحت آمده است که شش روز بعد تو از دنیا خواهی رفت ، کسی را به جای خود تعیین نکن ، دیگر غیبت کامل فرا رسید ، و ایشان شش روز بعد ، روز ۱۵ شعبان ۳۲۹ ق . درگذشت (شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۵۱۶ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۳۹۵ ؛ طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۲ ، ص ۴۷۸) ولی در مورد آغاز غیبت صغری از معصوم علیه السلام چیزی به صورت صریح نرسیده ، برخی از بزرگان آغاز غیبت صغری را از روز ولادت حضرت حجت عجل الله فرجه الشریف ، یعنی از روز ۱۵ شعبان ۲۵۵ ق . دانسته اند ، (شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۳۴۰ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۵۹) . روی این حساب مدت غیبت صغری دقیقا ۷۴ سال می شود . (از نیمه شعبان ۲۵۵ تا نیمه شعبان ۳۲۹ ق .) ولی علامه مجلسی پس از نقل کلام طبرسی می نویسد : ظاهر این است که آغاز غیبت صغری را از آغاز امامت آن حضرت تا روز وفات سمری باید محاسبه کنیم و در این صورت کمتر از ۷۰ سال می شود ، زیرا ابتدای امامت آن حضرت از روز هشتم ربیع الاول ۲۶۰ ه . ق . و وفات سمری روز نیمه شعبان ۳۲۸ ق . می باشد (مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۱ ، ص ۳۶۶) . ولی شیخ طوسی تصریح کرده که وفات علی بن محمد سمری روز ۱۵ شعبان ۳۲۹ ق . بود (طوسی ، الغیبه ، ص ۳۹۴) و یقینا ۳۲۹ صحیح است ، زیرا وفات سمری بعد از علی بن بابویه می باشد و علی بن بابویه در سال تناثر نجوم (۳۲۹) وفات کرده است . (نجاشی ، الرجال ، ص ۲۶۲ ، رقم ۶۸۴) روی این بیان مدت غیبت صغری ۶۹ سال و ۵ ماه و یک هفته خواهد بود (از هشتم ربیع الاول ۲۶۰ تا نیمه شعبان ۳۲۹) . هدف از این تفصیل ، بیان این معنی بود که تاریخ رحلت فضل بن شاذان پیش از آغاز غیبت صغری بود و لذا کتاب اثبات الغیبه ایشان از اهمیت خاصی برخوردار می باشد .

غایب به رشته تحریر درآمده است . زیرا به هنگام درگذشت ایشان تنها چهار سال و نیم از تولد خورشید امامت می گذشت . حتی اگر فرض کنیم که آثار ایشان در آخرین روزهای عمر شریفش به رشته تحریر درآمده باشد ، باز هم پیش از آغاز غیبت صغری می باشد و لذا از اهمیت ویژه ای برخوردار است .

سرگذشت کتاب اثبات الرجعه

کتاب ارزشمند اثبات الرجعه نه قرن تمام در دست محدثان بود ، هر محدثی در حد توان از آن بهره مند می شد ، تا در قرن نهم نسابه پر آوازه سید علی نیلی نجفی(۱) آن را تلخیص کرده ، تعداد ۲۰ حدیث از آن برگزید .

گزینش نیلی از اثبات الرجعه به دست شیخ حر عاملی رسیده ، شیخ حر آن را با خط خود استنساخ نموده و با اصل آن مقابله کرده است .

دستنویس شیخ حر در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است .(۲)

ص: ۲۸۶

۱-۱ . سید علی بن عبدالکریم نیلی ، شاگرد فخرالمحققین (م : ۷۷۱ ق .) و استاد ابن فهد (م : ۸۴۱ ق .) صاحب منتخب الانوار المضيئه .

۲-۲ . محمد آصف فکرت ، فهرست الفبایی کتب خطی ، ج ۱۳ ، ص ۱۷ .

نسخه دیگری از آن با دست خط و تملک شیخ حر در کتابخانه مرحوم آیت الله حکیم در نجف اشرف موجود است. (۱)

این رساله در مجله تراثنا با تحقیق باسم موسوی به طبع رسیده است. (۲)

متن کامل اثبات الرجعه تا قرن دوازدهم هجری از حوادث روزگار جان سالم به در برده ، به دست سید محمد میرلوحی (معاصر علامه مجلسی) رسیده است. (۳)

میرلوحی ۴۰ حدیث از آن برگزیده ، کتابی به نام کفایه المتهدی تألیف نموده است . از این کتاب نسخه های خطی فراوانی موجود است از جمله در کتابخانه های :

۱ . الزهراء ، اصفهان ، در ضمن مجموعه ای به شماره ۱۰۲ _ ۱۰۷ .

۲ . وزیری یزد ، به شماره ۱۶۵۵ . (۴)

۳ . مجلس (۵)

۴ . محدث ارموی

۵ . آیت الله بروجردی ، نجف اشرف . (۶)

۶ . مرکزی دانشگاه ، به شماره ۶۱۹ (در ضمن کتب اهدایی سید محمد مشکات) .

اصل کتاب اثبات الرجعه به دست ما نرسیده ، ولی احادیث آن در ضمن مجامع حدیثی ، چون : غیبت شیخ طوسی ، ارشاد مفید ، اثبات الهداه شیخ حر عاملی ، بحار الانوار علامه مجلسی ، اربعین خاتون آبادی ، و کفایه المتهدی میرلوحی به دست ما رسیده است. (۷)

با توجه به اهمیت خاص اثبات الرجعه فضل بن شاذان ، شماری از احادیث غیبت

ص: ۲۸۷

۱-۱ . ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه ، نسخه های خطی ، دفتر پنجم ، ص ۴۲۴ .

۲-۲ . مجله تراثنا ، سال چهارم ، شماره دوم (مسلسل ۱۵) ص ۴۳۳ _ ۴۶۲ .

۳-۳ . میرمحمد میرلوحی پیش از سال ۱۰۰۰ دیده به جهان گشوده ، بعد از ۱۰۸۳ ه . دیده از جهان فرو بسته است . (تهرانی ، طبقات اعلام الشیعه ، قرن ۱۱ ، ص ۴۸۰) .

۴-۴ . محمد شیروانی ، فهرست نسخه های خطی کتابخانه وزیری ، ج ۲ ، ص ۴۴۸ .

۵-۵ . فهرست کتابخانه مجلس ، ج ۳ ، ص ۶۰ _ ۶۲ .

۶-۶. تهرانی، الذریعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۷-۷. نگارنده براساس نسخه کتابخانه الزهرا، آستان قدس و کتابخانه الهیات مشهد مقدس، چهل حدیث برگزیده، در سال

۱۴۱۵ ه. تحت عنوان: چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان منتشر نمود.

را از این کتاب نقل می کنیم :

احادیث غیبت در اثر برجای مانده از پیش از دوران غیبت

با توجه به تاریخ رحلت فضل بن شاذان در سال ۲۶۰ هـ . یعنی پیش از وقوع غیبت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه ، شماری از احادیث غیبت را از کتاب اثبات الرجعه به وسیله کتاب کفایه المهتدی نقل می کنیم :

۱ . فضل بن شاذان ، از عبدالرحمن بن ابی نجران ، از عاصم بن حمید ، از بوحمزه ثمالی ، از امام باقر علیه السلام روایت کرده ، که رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرموده :

ای علی ، قریش به زودی کینه های درونی اش را نسبت به تو آشکار می کند ، همگی با اتفاق کلمه برای ظلم و شکست تو برخیزند ، اگر یار و یابوری پیدا کردی با آنها نبرد کن و اگر یابوری نیافتی دست نگهدار و خونت را حفظ نما ، که شهادت از پی تست . بدانکه فرزندانم از کسانی که به تو ، فرزندان و شیعیانم ستم کنند ، در همین دنیا انتقام خواهد گرفت و خداوند آنها را در آخرت به عذابی سخت معذب فرماید .

سلمان فارسی پرسید : ای رسول خدا ! او کیست ؟ فرمود :

التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ ابْنِ الْحُسَيْنِ ، الَّذِي يَظْهَرُ بَعْدَ غَيْبِهِ الطَّوِيلِ ، فَيَعْلُنُ أَمْرَ اللَّهِ ، وَيُظْهِرُ دِينَ اللَّهِ ، وَ يَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ ، وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا ؛

او نهمین فرزند پسر حسین است ، که بعد از غیبت طولانی اش ظاهر می شود ، امر خدا را آشکار نماید ، دین خدا را پیروز گرداند ، از دشمنان خدا انتقام گیرد و زمین را پر از عدل و داد نماید ، آن چنان که پر از جور و ستم شده است .

ص : ۲۸۸

سلمان عرضه داشت : ای رسول خدا ! او کی ظاهر می شود ؟ فرمود :

لَا يَعْلَمُ ذِيكَ إِلَّا اللَّهُ ، وَلَكِنْ لِذَلِكَ عَلَامَاتٌ ، مِنْهَا زَيْدَاءٌ مِنَ السَّمَاءِ ، وَخَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ ، وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ ، وَخَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ ؛
(۱)؛

وقت ظهورش را جز خداوند احدی نمی داند ، ولكن برای آن نشانه هایی است ، که از آن جمله است : ندایی از آسمان ، خسفی در شرق ، خسفی در غرب ، و خسفی در سرزمین بیدا .

بیدا نام دشت شن زاری در میان مکه و مدینه است .(۲)

براساس روایات فراوان بانگ آسمانی و خسف بیدا از نشانه های حتمی ظهور است .(۳)

۲ . فضل بن شاذان ، از فضاله بن ایوب ، از ابان بن عثمان ، از محمد بن مسلم ، از امام باقر علیه السلام از رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده ، که خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود :

أَنَا أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ، ثُمَّ أَنْتَ يَا عَلِيُّ ... ثُمَّ الْجُجَّجَةُ بْنُ الْحَسَنِ ، الَّذِي يَنْتَهِي إِلَيْهِ الْخِلَافَةُ وَالْوَصَايَةُ ، وَيَغِيبُ مِידَهُ طَوِيلَةً ، ثُمَّ يَظْهَرُ وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا ، كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْمًا ؛(۴)

ص : ۲۸۹

-
- ۱-۱ . فضل بن شاذان ، مختصر اثبات الرجعه ، (مخطوط) ، حدیث سوم ؛ میرلوحی ، کفایه المهتدی ، (مخطوط) ، برگ ۲۱ ؛ منتخب کفایه المهتدی ، ص ۱۱۵ ؛ گزیده کفایه المهتدی ، ص ۳۳ ؛ تراثنا ، شماره ۱۵ ، ص ۲۰۶ .
- ۲-۲ . حموی ، معجم البلدان ، ج ۱ ، ص ۵۲۳ .
- ۳-۳ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۷ ؛ شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۰ .
- ۴-۴ . فضل بن شاذان ، مختصر اثبات الرجعه ، (مخطوط) حدیث پنجم ؛ کفایه المهتدی (مخطوط) برگ ۳۶ ؛ گزیده کفایه المهتدی ، ص ۶۷ ؛ تراثنا ، شماره ۱۵ ، ص ۲۰۷ .

من برای مؤمنان از خود آنان شایسته تر (اولی به نفس) هستم، سپس تو ای علی... آنگاه ائمه علیهم السلام را تا امام حسن عسکری علیه السلام یکایک برشمرده، سپس فرمود: سپس حجت بن الحسن، که خلافت و وصایت به او منتهی می شود و مدتی طولانی غایب می شود، سپس ظاهر شده، جهان را پر از عدل و داد می کند، آنچنان که پر از جور و ستم شده باشد.

۳. فضل بن شاذان، از حسن بن علی بن سالم، از پدرش، از ابو حمزه ثمالی، از سعید بن جبیر، از عبدالله بن عباس، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که در ادامه یک حدیث طولانی پیرامون خلقت نوری پنج تن و امامان از تبار امام حسین علیه السلام فرمود:

التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِي وَ مَهْدِي أُمَّتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي، فِي سَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَعْمَالِهِ، يَظْهَرُ بَعْدَ غَيْبِهِ طَوِيلَهُ وَ حَيْرَهُ مُضِئَةً، فَيَعْلَمُ أَمْرَ اللَّهِ، وَيُظْهِرُ دِينَ اللَّهِ وَ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ، وَيَنْصُرُ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا؛ (۱)

نهمین آنها قائم اهل بیت من و مهدی امت من می باشد، که در سیرت، صورت، گفتار و رفتار، شبیه ترین مردمان است به من. او پس از غیبتی طولانی و سرگردانی همگانی، ظاهر می شود، امر خدا را آشکار و دین خدا را پیروز می گرداند. او با نصرت خداوند و یاری فرشتگان مؤید است. او زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنان که پر از جور و ستم شده باشد.

شیخ صدوق نیز این حدیث را با سلسله اسانید خود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است. (۲)

ص: ۲۹۰

۱-۱. میرلوحی، کفایه المهتدی (مخطوط) برگ ۴۰؛ گزیده کفایه المهتدی، ص ۸۷؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۰۸.

۲-۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۷؛ خزاز، کفایه الأثر، ص ۱۰؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۸۲.

۴. فضل بن شاذان با سلسله اسنادش از جابر بن عبدالله انصاری حدیث می کند که به هنگام نزول آیه شریفه: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ » (۱) عرضه داشتیم: ای رسول خدا، خدا و رسولش را شناختیم، آیا اولی الامر چه کسانی هستند که خداوند اطاعت آنها را به اطاعت شما مقرون ساخته است؟ فرمود:

آنها جانشینان من هستند ای جابر و پیشوایان مسلمانها هستند بعد از من، اولین آنها علی بن ابیطالب ...

سپس آنها را تا امام حسن علیه السلام برشمرد، آنگاه فرمود:

ثُمَّ سَمِي وَ كُنِيَ ، حُجَّهَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِيَادِهِ ، ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي ، ذَاكَ الَّذِي يَفْتِيحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا ، ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ ؛

سپس هم نام و هم کنیه من، حجت خدای متعال در روی زمین، ذخیره الهی در میان بندگان، فرزند حسن بن علی، که خداوند شرق و غرب جهان را به دست او فتح می کند، هموست که از دوستان و شیعیانش غایب می شود، آنچنان غیبتی که بر اعتقاد به امامت او باقی نمی ماند به جز کسی که خداوند قلبش را با ایمان آزموده باشد.

جابر می پرسد: آیا شیعیان در زمان غیبت از او سود می برند؟ می فرماید:

آری سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت، آنان از پرتو نورش کسب نور می کنند و از ولایتش بهره مند می شوند، همانند بهره وری مردمان از خورشید هنگامی که ابر آن را بپوشاند. (۲)

ص: ۲۹۱

۱-۱. سوره نساء (۴)، آیه ۵۹.

۲-۲. در مورد راز تشبیه امام غایب به خورشید نهان در پشت ابر بنگرید به: او خواهد آمد، ص ۱۴۱-۱۵۷، چ ۱۲.

ای جابر! این از گنجینه اسرار پروردگار و از رازهای دانش خداوند است، آن را مکتوم بدار، مگر از اهلش. (۱)

شیخ صدوق و دیگر محدثان نیز این حدیث را با سلسله اسناد خود روایت کرده اند. (۲)

۵. فضل بن شاذان از ابن ابی عمیر؛ و احمد بن محمد بن ابی نصر؛ هر دو از ابان بن عثمان احمر، از ابان بن تغلب، از عکرمة، از ابن عباس روایت کرده که یک نفر یهودی به نام نعثل به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شده، مسائل فراوانی پرسیده، سرانجام از اوصیای آن حضرت پرسید، در پایان از دوازدهمین امام پرسید، پیامبر رحمت فرمود:

يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى، وَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْأِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ، وَمِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ، فَحِينَئِذٍ يَأْذَنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ؛

او غایب می شود و از دیده ها ناپدید می گردد، بر امت من زمانی می رسد که از اسلام جز نام و از قرآن جز نقش و نگاری باقی نماند، در آن هنگام خداوند به او اذن خروج دهد. (۳)

خزاز این حدیث را با سلسله اسنادش نقل کرده است. (۴)

۶. فضل بن شاذان، از علی بن حکم از جعفر بن سلیمان ضبعی، از سعد بن ظریف، از اصبع بن نباته، از سلمان فارسی روایت کرده که روزی رسول عالمیان خطبه ای ایراد فرموده، از نزدیک شدن رحلت خود خبر داده، امت را به ستارگان فروزان امامت توجه دادند.

ص: ۲۹۲

۱-۱. میرلوحی، کفایه المتهدی (مخطوط) برگ ۲۸؛ گزیده کفایه المتهدی، ص ۴۵.

۲-۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۳؛ خزاز، کفایه الأثر، ص ۵۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۸۱؛ شیخ حرّ، اثبات الهداه، ج ۱، ص ۵۰۱.

۳-۳. میرلوحی، کفایه المتهدی (مخطوط) برگ ۳۴؛ گزیده کفایه المتهدی، ص ۶۱.

۴-۴. خزاز، کفایه الأثر، ص ۱۱؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۸۳.

سلمان از اسامی آنان پرسیدند ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از امیر مؤمنان تا امام حسن عسکری برشمردند ، سپس فرمودند :

ثُمَّ ابْنَهُ الْحُجَّةَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ فِي غَيْبَتِهِ ، الْمَطَاعِ فِي ظُهُورِهِ ، فَبِأَنَّهُمْ عَتَرْتَنِي ، مِنْ لَحْمِي وَدَمِي ، عَلِمْتُهُمْ عِلْمِي وَحُكْمْتُهُمْ حُكْمِي ، مَنْ آذَانِي فِيهِمْ فَلَا أَنَالَهُ اللَّهُ شَفَاعَتِي؛ (۱)

سپس فرزندش حجت قائم ، که در زمان غیبت ظهورش را انتظار می کشند و به هنگام ظهور از او فرمان می برند . آنها از تبار من و از گوشت و خون من هستند . دانش آنها دانش من ، فرمان آنها فرمان من است . هر کس مرا در رابطه با آنان بیازارد ، خداوندن شفاعتم را به او قسمت نکند .

خزاز این حدیث را نیز با سلسله اسنادش روایت کرده است . (۲)

۷ . فضل بن شاذان ، از محمد بن حسن واسطی ، از زخر بن هذیل ، از سلیمان بن مهران أعمش ، از موریق ، از جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند که یکی از یهودیان خیبر به نام : جندل بن جناده به محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شده ، پس از گفتگوی فراوان ، از اوصیای حضرت پرسیده ، رسول خدا در آخرین فراز فرمود :

فَإِذَا أَدِنَ اللَّهُ لِلْحُجَّةِ خَرَجَ وَطَهَرَ الْأَرْضَ مِنَ الظَّالِمِينَ ، فِيمَلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا ، كَمَا مَلَأْتُ جُورًا وَظُلْمًا ، طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ ، طُوبَى لِلسَّالِكِينَ فِي مَحَبَّتِهِ وَالثَّابِتِينَ فِي مَوَالِيَتِهِ وَ مَحَبَّتِهِ ، أَوْلِيَّكَ مِمَّنْ وَصِيَّ مَقَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ ، فَقَالَ : « الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ » (۳) وَقَالَ : « أَوْلِيَّكَ

ص : ۲۹۳

-
- ۱-۱ . میرلوحی ، کفایه المهتدی (مخطوط) برگ ۴۱ ؛ گزیده کفایه المهتدی ، ص ۸۱ .
 - ۲-۲ . خزاز ، کفایه الأثر ، ص ۴۰ ؛ مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۳۶ ، ص ۲۸۹ .
 - ۳-۳ . سوره بقره (۲) ، آیه ۴ .

حِزْبُ اللَّهِ ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ »؛ (۱)

هنگامی که خداوند حجت خود را اذن دهد ، او خارج می شود و زمین را از لوٹ ستمگران پاک می سازد و زمین را پر از عدل و داد نماید ، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد . خوشا به حال آنانکه در دوران غیبتش شکیبایی پیشه کنند و در راه او گام بسپارند و در محبت و ولایت او پابرجا بمانند . آنها از جمله کسانی هستند که خداوند آنها را در کتاب خود ستایش کرده و فرموده : « آنانکه به غیبت ایمان و باور دارند » و فرموده : « آنها حزب خدایند ، آگاه باش که حزب خداوند رستگارانند » . (۲)

این حدیث بسیار طولانی بود و با اسناد دیگر نیز روایت شده است .

اینها جمعا هفت حدیث بود که فضل بن شاذان پیرامون غیبت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه پیش از وقوع غیبت از شخص حضرت ختمی مرتبت (۳) با سلسله اسنادش روایت کرده است . و اینک شماری از احادیث غیبت از دیگر پیشوایان معصوم که فضل بن شاذان در کتاب گرانسنگ اثبات الرجعه آورده است :

۸ . فضل بن شاذان ، از حسن بن محبوب ، از مالک بن عطیه ، از ابو حمزه : ثابت بن ابی صفیه دینار ، (۴) از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود :

شب عاشورا سالار شهیدان امام حسین علیه السلام پس از آنکه اصحاب خود را آزمودند و هیچکدام حاضر نشدند که از دشت کربلا بیرون بروند ، خطبه مفصلی خواندند و در فرازی از آن فرمودند :

فَأَبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ ، فَوَاللَّهِ إِنَّمَا نَمَكْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى بَعْدَ يَجْرِي عَلَيْنَا ، ثُمَّ

ص: ۲۹۴

۱-۱ . سوره مجادله (۵۸) ، آیه ۲۲ .

۲-۲ . میرلوحی ، کفایه المهتدی (مخطوط) برگ ۳۷ ؛ گزیده کفایه المهتدی ، ص ۶۹ ؛ خاتون آبادی ، کشف الحق ، ص ۱۱۷ .

۳-۳ . خزاز ، کفایه الأثر ، ص ۵۷ ؛ مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۳۶ ، ص ۳۰۴ .

۴-۴ . ابو حمزه ثمالی ، ثابت نام داشت و پدرش دینار به ابوصفیه مکنی بود .

يُخْرِجُنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ حِينَ يَظْهَرُ قَائِمُنَا ، فَيَتَّقِمَنَّ مِنَ الظَّالِمِينَ ، وَ أَنَا وَ أَنْتُمْ نُشَاهِدُهُمْ فِي السَّلَاسِلِ وَ الْأَغْلَالِ وَ أَنْوَاعِ الْعِيَابِ وَ النَّكَالِ؛ (۱)

شما را به بهشت بشارت باد ، به خدا سوگند پس از آنکه به شهادت رسیدیم ، تا خدا بخواهد در کرامت الهی می مانیم ، سپس خداوند به هنگام ظهور قائم ما ، ما و شما را خارج می نماید ، پس او انتقام ما را از ستمگران می گیرد . ما و شما آنها را در غل و زنجیر و انواع شکنجه و عذاب مشاهده می کنیم .

پرسیدند : قائم شما کیست ؟ فرمود :

السَّابِعُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ، (۲) وَهُوَ الْحَجَّهُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ : ابْنِي ، وَهُوَ الَّذِي يَغِيبُ مُدَّةً طَوِيلَةً ، ثُمَّ يَظْهَرُ وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا ، كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ (۳)

او هفتمین فرزند پسر محمد بن علی الباقر است ، او حجت خدا فرزند حسن ، بن علی ، بن محمد ، بن علی ، بن موسی ، بن جعفر ، بن محمد ، بی علی (پسر) ، می باشد ، که مدتی بس دراز غایب می شود ، سپس ظاهر شده ، زمین را پر از عدل و داد نماید ، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد .

این حدیث را شیخ حر عاملی نیز از کتاب اثبات الرجعه روایت کرده است . (۴)

ص: ۲۹۵

۱-۱ . براساس روایات فراوان نخستین کسی که در رجعت باز می گردد ، حضرت حسین علیه السلام است که با شهادت کربلا رجعت می کند و به مدت پنجاه هزار سال حکومت می کند . (شیخ حرّ عاملی ، الايقاظ من الهجعه ، ص ۳۳۸) .

۲-۲ . حضرت باقر علیه السلام در کربلا حضور داشت و ظاهرا امام سجاد علیه السلام در اثر شدت بیماری در محفل اصحاب حضور نداشت ، و لذا امام حسین علیه السلام در مقام بیان نسبت امام زمان علیه السلام را به امام محمدباقر علیه السلام نسبت داده فرمود : هفتمین فرزند پسر محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) .

۳-۳ . فضل بن شاذان ، مختصر اثبات الرجعه (مخطوط) حدیث هفتم ؛ میرلوحی ، کفایه المهتدی (مخطوط) برگ ۵۰ ؛ گزیده کفایه المهتدی ، ص ۱۰۵ ؛ تراثنا ، شماره ۱۵ ، ص ۲۰۸ .

۴-۴ . شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۶۹ .

۹. فضل بن شاذان ، از صفوان بن یحیی ، از ابوایوب ابراهیم بن زیاد خزاز ، از ابوحمزه ثمالی ، از ابو خالد کابلی روایت کرده که گفت :

به محضر مولایم علی بن الحسین علیه السلام رسیدم ، در دست مبارکش ورقی بود که در آن می نگریست و به شدت می گریست .

عرض کردم : ای فرزند پیامبر خدا ، پدر و مادرم به فدای شما ، این ورق چیست ؟ امام سجاد علیه السلام فرمود :

این نسخه لوحی است که خداوند آن را به رسولش اهدا نمود ، نام خدا ، پیامبر خدا ، امیرمؤمنان و ... در آن بود .

آنگاه اسامی یکایک امامان را برشمرد و در آخر فرمود :

وَابْنُهُ حُجَّةُ اللَّهِ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ ، الْمُنتَقِمُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ ، الَّذِي يَغِيبُ غَيْبَهُ طَوِيلَهُ ، ثُمَّ يَظْهَرُ وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا ، كَمَا مِلَّتْ جُورًا وَظُلْمًا؛ (۱)

آنگاه پسرش حجت خدا ، قائم به فرمان خدا و منتقم از دشمنان خدا ، که مدتی بس دراز غایب می شود ، سپس ظاهر شده ، جهان را پر از عدل و داد کند ، آنچنان که پر از جور و ستم شده باشد .

این حدیث به حدیث لوح معروف است ، و در منابع فراوان با اسناد معتبر از امام سجاد ، امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت شده است . (۲)

ص: ۲۹۶

۱-۱. فضل بن شاذان ، مختصر اثبات الرجعه ، مخطوط ، حدیث چهارم ؛ میرلوحی ، کفایه المهتدی ، مخطوط ، برگ ۲۷ ؛ گزیده کفایه المهتدی ، ص ۴۳ ؛ تراثنا ، شماره ۱۵ ، ص ۲۰۷ ؛ منتخب کفایه المهتدی ، مخطوط ، ص ۶۴ .

۲-۲. بنگرید به : کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۵۲۷ ؛ مسعودی ، اثبات الوصیه ، ص ۲۶۰ ؛ شیخ صدوق ، عیونالأخبار ، ج ۱ ، ص ۳۴ ؛ همو ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۳۰۸ ؛ نعمانی ، الغیبه ، ص ۶۲ ؛ شیخ مفید ، الاختصاص ، ص ۲۱۰ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۱۴۳ ؛ ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابيطالب ، ج ۱ ، ص ۳۵۹ ؛ طبرسی ، إعلام الوری بأعلام الهدی ، ج ۲ ، ص ۱۷۴ ؛ حموی ، فرائد السمطين ، ج ۲ ، ص ۱۳۶ ؛ شیخ حرّ عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۱ ، ص ۴۶۸ .

۱۰. فضل بن شاذان، از محمد بن عبدالجبار روایت کرده که گفت:

به محضر مولایم امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم: ای فرزند پیامبر! خداوند مرا فدای شما کند، دوست دارم بدانم که حجت خدا بر بندگان و امام بعد از شما کیست؟

امام عسکری علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْأَمَامَ وَالْحُجَّةَ بَعْدِي ابْنِي سَمَى رَسُولِ اللَّهِ وَ كُنِيَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الَّذِي هُوَ خَاتَمُ حُجَجِ اللَّهِ وَ آخِرُ خُلَفَائِهِ؛

امام و حجت خدا بعد از من پسر من می باشد، که هم نام پیامبر خدا و هم کنیه آن حضرت است. او پایان بخش حجت های پروردگار و آخرین خلیفه الهی است.

پرسیدم: مادرش کیست؟ فرمود:

مِنْ ابْنِهِ ابْنِ قَيْصَرَ، مَلَائِكِ الرُّومِ، إِلَّا أَنَّهُ سَيُولَدُ، فَيَغِيبُ عَنِ النَّاسِ غَيْبَةً طَوِيلَةً، ثُمَّ يَظْهَرُ وَيَقْتُلُ الدَّجَالَ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا. فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يُسَمِّيَهُ أَوْ يُكْنِيَهُ بِإِسْمِهِ وَ كُنْيَتِهِ قَبْلَ خُرُوجِهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ؛ (۱)

مادرش دختر پسر قیصر پادشاه روم است. جز اینکه او به زودی متولد می شود، پس برای مدتی بس طولانی از دیده ها ناپدید می شود، آنگاه ظاهر شده، دجال را می کشد و زمین را پر از عدل و داد نماید، آنگونه که پر از جور و ستم شده باشد. برای هیچ کس روا نیست که او را پیش از ظهورش به نام و

ص: ۲۹۷

۱-۱. فضل بن شاذان، مختصر اثبات الرجعه، مخطوط، حدیث نهم؛ میرلوحی، کفایه المهتدی، مخطوط، حدیث ۲۸؛ گزیده کفایه المهتدی، ص ۱۳۳؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۵ و ۱۴۹.

کنیه نام ببرد ، که درود خداوند بر او باد .

این حدیث در دیگر منابع حدیثی نیز از طریق فضل بن شاذان از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است .(۱)

در این حدیث میان فضل بن شاذان و امام عسکری علیه السلام فقط یک واسطه هست و او محمد بن عبدالجبار است ، که شیخ طوسی بر وثاقتش تأکید نموده است .(۲)

۱۱ . فضل بن شاذان ، از احمد بن اسحاق بن عبدالله اشعری ، از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که فرمود :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أُرَانِي الْخَلْفَ بَعْدِي ، أَشْبَهُ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خُلُقًا وَخُلُقًا ، يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ فِي غَيْبَتِهِ ، ثُمَّ يُظَهِّرُهُ فِيمَا لِلْأَرْضِ قِسْطًا وَعَدْلًا ، كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛(۳)

سپاس خدایی را که مرا از دنیا بیرون نبرد ، تا جانشین پس از خودم را به من نشان داد ، که در خلقت و سیرت شبیه ترین مردمان به رسول خداست . خداوند او را در زمان غیبتش در کنف حمایت خود نگه می دارد ، سپس او را ظاهر می کند و زمین را پر از عدل و داد می کند ، آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد .

این حدیث در دیگر منابع حدیثی نیز به همین تعبیر روایت شده است .(۴)

ص: ۲۹۸

۱-۱ . شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۶۹ ؛ محدث نوری ، مستدرک الوسائل ، ج ۱۲ ، ص ۲۸۰ .

۲-۲ . شیخ طوسی ، الرجال ، ص ۴۲۳ و ۴۳۵ .

۳-۳ . فضل بن شاذان ، مختصر اثبات الرجعه ، مخطوط ، حدیث دهم ؛ میرلوحی ، کفایه المهتدی ، مخطوط ، برگ ۶۴ ؛ گزیده کفایه المهتدی ، ص ۱۴۳ .

۴-۴ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۴۰۹ ؛ خزاز ، کفایه الأثر ، ص ۲۹۱ ؛ شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۶۹ ؛ مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۵۱ ، ص ۱۶۱ .

۱۲. فضل بن شاذان ، از محمد بن علی بن حمزه بن حسن بن عییدالله بن عباس بن امیرالمؤمنین صلوات الله علیه از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که فرمود :

قَدْ وُلِدَ وَلِيَّ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ ، وَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي ، مَخْتُونًا لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ ، سَيِّئَةً خَمْسَ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ ، عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ ، وَ كَانَ أَوَّلُ مَنْ غَسَلَهُ رِضْوَانُ خَازِنِ الْجَنَانِ ، مَعَ جَمْعٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ بِمَاءِ الْكُوْثَرِ وَ السَّلْسَبِيلِ ، ثُمَّ غَسَلَهُ عَمَّتِي حَكِيمَةُ ، بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِي الرِّضَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ؛ (۱)

ولی خدا و حجت خدا بر بندگان ، و جانشین من بعد از من ، در شب نیمه شعبان ، سال ۲۵۵ ه . ، به صورت ختنه شده ، به هنگام طلوع فجر متولد شد . نخستین کسی که او را غسل داد رضوان خازن بهشت بود ، که با گروهی از فرشتگان مقرب با آب کوثر او را شستشو داد ، سپس عمه ام حکیمه دخت امام جواد علیه السلام او را شستشو داد .

از محمد بن علی بن حمزه پیرامون مادر آن حضرت پرسیدند ، او در پاسخ گفت :

مادرش : ملیکه است ، که او را سوسن ، ریحانه ، صیقل و نرجس نیز صدا می کنند . (۲)

محمد بن علی حمزه از تبار امیرمؤمنان علیه السلام ، از نسل حضرت ابوالفضل علیه السلام می باشد ، از امام هادی و امام عسکری علیهما السلام روایت کرده و همواره با آنها مکاتبه می نمود و در حد اعلای وثاقت بود .

پیشتر از علمای رجال مرحوم نجاشی پس از آنکه او را به وثاقت ، درستی اعتقاد و چشم و چراغ محدثان بودن ، ستوده ؛ می افزاید :

ص : ۲۹۹

۱- ۱ . فضل بن شاذان ، مختصر اثبات الرجعه ، مخطوط ، حدیث یازدهم ؛ میرلوحی ، کفایه المهتدی ، (مخطوط) ، برگ ۶۷ ؛ گزیده کفایه المهتدی ، ص ۱۴۹ ؛ خاتون آبادی ، کشف الحق ، ص ۳۳ .

۲- ۲ . همان .

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام مادر حضرت صاحب الأمر علیه السلام در خانه او اقامت گزید. (۱)

اهمیت حدیث یاد شده در این است که فضل بن شاذان آن را فقط با یک واسطه از امام عسکری علیه السلام روایت کرده، و او از اصحاب برجسته حضرت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بوده و همواره با آن دو بزرگوار مکاتبه داشته و خود از خاندان عصمت و طهارت بوده، که نسبش با چهار واسطه به حضرت ابوالفضل علیه السلام می رسید و اهل قلم بوده و کتابی به نام مقاتل الطالبیین از او به یادگار مانده است. (۲)

بسیاری از علمای رجال عامه نیز از او یاد کرده، او را به صداقت و وثاقت ستوده اند. (۳)

این محدث گرانیامیه ارتباطش با خاندان وحی به قدری محکم بود که به هنگام ناامن شدن اوضاع همسر امام حسن عسکری علیه السلام به خانه او منتقل شده است.

علامه مقّم پس از نقل فراز بالا می نویسد:

خانه ای که مادر گرامی امام عصر در آن زندگی کند، طبعاً محل رفت و آمد ناموس دهر، امام عصر، حضرت بقیه الله علیه السلام خواهد بود. (۴)

این محدث والا مقام با این ویژگی ها، تاریخ ولادت دقیق خورشید فروزان امامت را بدون واسطه از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده، آنگاه شخصیت بی نظیری چون فضل بن شاذان آن را در کتاب ماندگار خود اثبات الرجعه بدون واسطه از او ثبت کرده است.

این حدیث در دیگر منابع حدیثی نیز از طریق فضل بن شاذان روایت شده است. (۵)

نصّ صریح بر غیبت صغری و کبری از عهد رسالت تا عصر غیبت

ص: ۳۰۰

-
- ۱-۱. نجاشی، الرجال، ص ۳۴۷.
 - ۲-۲. همان، ص ۳۴۸.
 - ۳-۳. بنگرید به: رازی، الجرح و التعديل، ج ۸، ص ۲۸؛ خطیب، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۶۳؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۲۷.
 - ۴-۴. سید عبدالرزاق مقّم، العباس، ص ۲۰۳؛ همو، سردار کربلا، ص ۳۴۹.
 - ۵-۵. شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۷۰؛ محدث نوری، نجم ثاقب، ص ۲۴؛ تستری، تواریخ النبی و الآل، ص ۹۶؛ صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۳۶۹.

در احادیث فراوان از خاتم پیامبران و امامان راستین صلوات الله عليهم اجمعین تأکید شده که برای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه دو غیبت است ، یکی کوتاه تر و دیگری بلندتر .

در غیبت کوتاه ، که غیبت صغری مشهور شده ، شیعیان توسط وکلای آن حضرت ، که نواب خاص نامیده می شدند ، با آن حضرت در ارتباط بودند ، ولی در غیبت بلند که غیبت کبری معروف شده ، نایب مشخص و وکیل شناخته شده ای در میان مردم نیست و امکان ارتباط مستمر برای احدی وجود ندارد .

در یک حدیث بسیار طولانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله از تسلسل وصایت از حضرت آدم تا حضرت خاتم ، سپس از مولای متقیان تا حضرت صاحب الزمان ، صلوات الله عليهم اجمعین ، به تفصیل نام برده ، در آخرین فراز آن می فرماید :

وَالْحَسَنُ يَدْفَعُهَا إِلَى ابْنِهِ الْقَائِمِ ، ثُمَّ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ ، وَيَكُونُ لَهُ غَيْبَتَانِ ، إِحْدَاهُمَا أُطُولُ مِنَ الْأُخْرَى ؛

آنگاه حسن عسکری آن را به فرزندش قائم علیه السلام می سپارد ، سپس امامشان از آنها غایب می شود ، هر قدر که خدای بخواهد .

برای او دو غیبت خواهد بود ، که یکی از آنها از دیگری طولانی تر می باشد .(۱)

برخی از بیمار دلان برای ایجاد شک و تردید در دل باورداران گفته اند که قرن های اولیه تنها صحبت از غیبت بود ، هنگامی که غیبت صغری سپری شد و ظهور واقع نشد ، سخن از دو غیبت مطرح گردید ! .

در پاسخ این شبهه افکنی ها سیر احادیث نص بر تعدد غیبت را در قرون متوالی بررسی می کنیم :

ص: ۳۰۱

۱. ابوحمزه ثمالی ، از اصحاب امام سجاد ، امام باقر و امام صادق علیه السلام که به سال ۱۴۸ هـ (۱) یا ۱۵۰ هـ (۲) دیده از جهان فرو بسته ، در تفسیر خود ، در ذیل آیه شریفه : « وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ » (۳) از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که فرمود :

این آیه در حق ما نازل شده ، آن « کلمه پایدار » امامت است که در پشت امام حسین علیه السلام قرار گرفته تا روز رستاخیز . سپس فرمود :

وَإِنَّ لِلْقَائِمِ مَنَّا غَيْبَتَيْنِ ، إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى ؛

برای قائم ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی تر است . (۴)

این حدیث را شیخ صدوق نیز به همین تعبیر با سلسله اسناد خود از طریق ابوحمزه ثمالی از امام سجاد علیه السلام روایت کرده است . (۵)

ابوحمزه ثمالی شخصیت بسیار ممتاز و برجسته ای است که حضرت صادق علیه السلام در ستایش او می فرماید :

ابو حمزه در زمان خود همانند سلمان در زمان خویش می باشد . (۶)

ابوحمزه بیش از یک قرن پیش از ولادت امام زمان علیه السلام در گذشته ، و این حدیث را که به صراحت از دو غیبت سخن گفته ، در کتاب تفسیر خود آورده است .

۲. حسن بن محبوب در کتاب گرانسنگ مشیخه خود ، از ابراهیم بن اسحاق خارق ، از ابوبصیر روایت کرده که گفت :

به محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم :

ص: ۳۰۲

۱-۱ . ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۸ ، ص ۸۵ .

۲-۲ . نجاشی ، الرجال ، ص ۱۱۵ ، رقم ۲۹۶ .

۳-۳ . سوره زخرف (۴۳) ، آیه ۲۸ .

۴-۴ . ابوحمزه ثمالی ، تفسیر القرآن الکریم ، ص ۲۹۸ .

۵-۵ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۳۲۳ ، ب ۳۱ ، ح ۸ .

۶-۶ . نجاشی ، الرجال ، ص ۱۱۵ .

حضرت امام باقر علیه السلام می فرمود :

لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ غَيْبَتَانِ: وَاحِدَةٌ طَوِيلَةٌ وَالْأُخْرَى قَصِيرَةٌ؛

برای قائم آل محمد (عج) دو غیبت است، یکی طولانی و دیگری کوتاه.

فرمود :

نَعَمْ، يَا أَبَا بَصِيرٍ! إِخِيدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى، ثُمَّ لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى يَخْتَلَفَ وُلْدُ فُلَانٍ وَ تَضَيِّقَ الْحَلْفَةَ وَ يَظْهَرَ السُّفْيَانِي وَ يَشْتَدَّ الْبَلَاءُ وَيَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتٌ وَقَتْلٌ يَلْجَأُونَ مِنْهُ إِلَى حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛

آری ای ابوبصیر، یکی از آنها طولانی تر از دیگری است. لکن آن تحقق پیدا نمی کند تا هنگامی که فرزندان فلانی اختلاف کنند، حلقه تنگتر شود، سفیانی خروج کند، گرفتاریها شدت یابد، کشت و کشتار فراگیر شود، به طوریکه مردم به حرم خدا و حرم رسول خدا پناه ببرند.

این حدیث را حسن بن محبوب با ده ها حدیث دیگر در مشیخه خود آورده است.

حسن بن محبوب از اصحاب اجماع و از یاران امام هشتم علیه السلام بود، (۱) او مقام بسیار والایی داشت و یکی از ارکان اربعه زمان خود بود. (۲)

مشیخه حسن بن محبوب را گروهی تبویب کرده اند، که از آن جمله است :

۱. ابوسلیمان، داود بن کوره. (۳)

۲. ابوجعفر، احمد بن حسین بن عبدالملک. (۴)

شهید ثانی نیز آن را انتخاب کرده و در حدود ۱۰۰۰ حدیث از آن برگزیده است، شیخ حرّعاملی آن را به خط شهید دیده است. (۵)

ص: ۳۰۳

۱-۱. شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۵۶، رقم ۱۰۵۰.

۲-۲. همو، الفهرست، ص ۹۶، رقم ۱۶۲.

۳-۳. نجاشی، الرجال، ص ۱۵۸، رقم ۴۱۶.

۴-۴. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۶۷، رقم ۷۱.

۵-۵. شیخ حرّعاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۸۷.

کتاب مشیخه اگرچه به دست ما نرسیده ، ولی این حدیث را سعد بن عبدالله اشعری در کتاب بصائر الدرجات از کتاب مشیخه نقل کرده است .

اهمیت کتاب سعد بن عبدالله در این است که اولاً مؤلف از شخصیت های برجسته شیعه در قرن سوم می باشد ، ثانیاً او به سال ۲۹۹ یا ۳۰۱ ه . در گذشته است . (۱)

روی این بیان حدیث یاد شده را حسن بن محبوب بیش از یکصد سال پیش از آغاز غیبت کبری در مشیخه و اشعری سی سال پیش از غیبت کبری در بصائر الدرجات نقل کرده است .

حسن بن سلیمان حلّی ، شاگرد برجسته شهید اول کتاب اشعری را تلخیص نموده و حدیث فوق را در آن درج نموده است (۲).

این حدیث را نعمانی با سلسله اسنادش از حسن بن محبوب روایت کرده است . (۳)

امین الاسلام طبرسی نیز این حدیث را از کتاب حسن بن محبوب روایت کرده ، می فرماید :

از محدثان و مؤلفان مورد اعتماد و استناد شیعه ، حسن بن محبوب زرّاد (سرّاد) کتابی به نام مشیخه تألیف کرده که از کتاب های پایه و مرجع می باشد و بیش از کتاب مزنی و امثال آن شهرت دارد .

وی این کتاب را بیش از یکصد سال پیش از غیبت تألیف کرده است . (۴)

وی این اخبار را در کتاب مشیخه روایت کرده ، و همه آنچه در حدیث آمده ، اتفاق افتاده است .

آنگاه متن حدیث یاد شده را به عنوان یک نمونه نقل کرده ، سپس افزوده :

اینک بین چگونه دو غیبت برای حضرت صاحب الأمر علیه السلام رخ داده ، و مضمون احادیثی که پیش از تولد آن حضرت از پدران و نیاکانش روایت شده ، اتفاق افتاده است .

آنگاه به توضیح و تشریح منظور از غیبت صغری و کبری پرداخته است . (۵)

ص: ۳۰۴

۱- ۱ . نجاشی ، الرجال ، ص ۱۷۸ ، رقم ۴۶۷ .

۲- ۲ . حسن بن سلیمان حلّی ، مختصر بصائر الدرجات ، ص ۱۹۵ ؛ چاپ جدید ، ص ۴۳۴ ، ح ۵۲۱ .

۳- ۳ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۱۷۲ ، ب ۱۰ ، ح ۷ .

۴- ۴ . زیرا او به سال ۲۲۴ ه . وفات کرده و غیبت کبری به سال ۳۲۹ ه . رخ داده است .

٥-٥. طبرسى ، إعلام الورى بأعلام الهدى ، ج ٢ ، ص ٢٥٨ _ ٢٦٠ .

علی بن عیسی اربلی نیز همین متن را به نقل از طبرسی آورده است. (۱)

شیخ مفید در این رابطه می فرماید :

روایات فراوان از پیشوایان پیشین از آل محمد علیهم السلام رسیده است که حضرت قائم منتظر علیه السلام را دو غیبت است ، که یکی از آنها طولانی تر از دیگری است ، در غیبت کوتاه خواص شیعیان از اخبار او مطلع هستند ، ولی در غیبت طولانی محل استقرارش از عموم پوشیده است ، به جز نزدیکانش که متصدی خدمت او می باشند .

پیش از ولادت امام حسن عسکری و پدران بزرگوارش ، اخبار فراوان در این رابطه رسیده است ، هنگامی که وکلا و سفیران یاد شده در گذشتند ، نویدهای مربوط به غیبت کبری تحقق پیدا کرد. و این یکی از دلایل روشن بر حقانیت شیعه و اعتقادات راسخ آنان می باشد. (۲)

۳. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی با اسناد خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود :

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ ، يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَوَاسِمَ ، يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ؛ (۳)

برای قائم علیه السلام دو غیبت است که در یکی از آنها در موسم حج شرکت می کند ، او مردمان را می بیند ، ولی مردم او را نمی بینند .

۴. مرحوم کلینی در حدیث دیگری از آن حضرت روایت می کند که فرمود :

ص: ۳۰۵

۱-۱. اربلی ، کشف الغمّه ، ج ۳ ، ص ۳۱۹ .

۲-۲. شیخ مفید ، الفصول العشره ، ص ۱۸ ؛ مصنّفات الشیخ المفید ، ج ۳ ، الفصول العشره ، ص ۸۲ .

۳-۳. کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۳۳۹ ، کتاب الحجّه ، باب نادر فی الغیبه ، ح ۱۲ .

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ ، إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ ، وَ الْآخْرَى طَوِيلَةٌ ، الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّهُ شِيعَتِهِ ، وَالْآخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّهُ مَوَالِيهِ ؛

برای قائم علیه السلام دو غیبت است ، یکی کوتاه و دیگری طولانی ؛ در غیبت اولی به جز خواص شیعیان کسی از محل اقامت او خبر ندارد و در غیبت دیگری فقط خواص نزدیکانش از جایگاه او مطلع هستند .(۱)

۵. و در حدیث دیگری از آن حضرت روایت کرده که فرمود :

لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَانِ ، إِحْدَاهُمَا يَرْجِعُ مِنْهَا إِلَى أَهْلِهِ ، وَالْآخْرَى يُقَالُ : هَلَكَكَ ، فِي أَى وَادٍ سَلَكَكَ ؛

برای صاحب این امر دو غیبت است ، در یکی از آنها به نزدیکانش مراجعه می کند ، ولی در دیگری گفته می شود : هلاک شده ، یا در کدام وادی گام نهاده ؟ .

راوی پرسید : اگر چنین وضعی پیش آید ما چه کنیم ؟ فرمود :

إِذَا إِدْعَاهَا مُدَّعٍ فَاسْأَلُوهُ عَنْ أَشْيَاءٍ يُجِيبُ فِيهَا مِثْلَهُ ؛(۲)

اگر کسی آن را ادعا کند ، از او در مورد مطالبی پرسید که امثال او می تواند پاسخ دهد .

محمد بن یعقوب کلینی ، برجسته ترین ، استوارترین و مورد اعتمادترین محدث

ص: ۳۰۶

۱-۱ . همان ، ص ۳۴۰ ، ح ۱۹ .

۲-۲ . همان ، ح ۲۰ .

در عصر غیبت صغری بود و پیش از آغاز غیبت کبری ، به سال ۳۲۹ ه . دیده از جهان فرو بسته است ، از این رهگذر آمدن این احادیث در کتاب شریف کافی با این صراحت و شفافیت ، هرگونه تردید را از همگان می زداید و جای ابهامی برای احدی باقی نمی گذارد .

کتابنامه غیبت پیش از وقوع غیبت

هزاران حدیث در طول دو قرن و نیم از عهد رسالت تا عصر امام حسن عسکری علیه السلام از حضرت ختمی مرتبت و پیشوایان معصوم ، از امیرمؤمنان تا امام عسکری علیهم السلام پیرامون حضرت بقیه الله ، به ویژه در مورد غیبت آن حضرت صادر شده که هر یک از آنها یک معجزه به شمار می آید ، زیرا این احادیث ده ها و در مواردی صدها سال پیش از ولادت و غیبت آن حضرت نقل شده و سپس طبق همان نقل واقع شده است ، و لذا سیره نویسان ، احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را در کتب دلائل النبوه آورده اند . (۱)

در طول چهارده قرن که از صدر اسلام گذشته ، هزاران کتاب پیرامون مهدی علیه السلام تألیف شده ، که ما در اینجا فقط به تعدادی از آنها که پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام به رشته تحریر درآمده است اشاره می کنیم و تنها کتاب هایی را معرفی می کنیم که به نام الغیبه موسوم شده اند :

۱ . کتاب الغیبه

تألیف : ابواسحاق ابراهیم بن صالح انماطی ، از اصحاب امام باقر علیه السلام . (۲)

او شیعه اثناعشری است (۳) و این کتاب را بیش از یکصد سال پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام تألیف نموده است .

۲ . کتاب الغیبه

ص: ۳۰۷

۱-۱ . ابونعیم اصفهانی ، دلائل النبوه ، ص ۵۵۰ ، ح ۴۵۸ _ ۴۸۷ .

۲-۲ . نجاشی ، الرجال ، ص ۱۵ ، رقم ۱۳ ؛ شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۳۴ ، رقم ۲ .

۳-۳ . مامقانی ، تنقیح المقال ، ج ۴ ، ص ۸۴ ، رقم ۳۲۱ .

تألیف : ابوالحسن علی بن حسن بن محمد طائی جرمی ، از اصحاب امام کاظم علیه السلام .(۱)

۳ . کتاب الغیبه

تألیف : ابوعلی حسن بن محمد بن سماعه ، از اصحاب امام کاظم علیه السلام .(۲)

۴ . کتاب الغیبه

تألیف : حسن بن علی ابی حمزه بطائی ، از اصحاب امام کاظم علیه السلام .(۳)

او علاوه بر کتاب الغیبه ، آثار دیگری در حوره مهدویت نوشته ، که از آن جمله است :

۱ . کتاب الرجعه

۲ . کتاب الملاحم

۳ . کتاب القائم (الصغیر) (۴)

۵ . کتاب الغیبه

تألیف : ابوالفضل عباس بن هاشم ناشری ، مشهور به « عیسی » از اصحاب امام رضا علیه السلام .(۵)

با توجه به تاریخ درگذشت او به سال ۲۲۰ ه . این کتاب حداقل ۳۵ سال پیش از میلاد حضرت مهدی علیه السلام تألیف شده است .

۶ . کتاب الغیبه

تألیف : ابوالحسن علی بن محمد بن علی سواق ، معاصر امام رضا علیه السلام .(۶)

۷ . کتاب الغیبه

تألیف : ابوالحسن علی بن عمر اعرج ، معاصر امام رضا علیه السلام .(۷)

۸ . کتاب الغیبه

تألیف : علی بن حسن فضال ، از اصحاب امام صادق علیه السلام .(۸)

ص : ۳۰۸

- ۱-۱. نجاشی ، الرجال ، ص ۲۵۵ ، رقم ۶۶۷ .
- ۲-۲. شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۱۰۳ ، رقم ۱۹۳ .
- ۳-۳. نجاشی ، الرجال ، ص ۳۷ ، رقم ۷۳ .
- ۴-۴. از قید « صغیر » معلوم می شود که مولف دو کتاب به نام « القائم » دارد ، یکی بزرگ ، دیگری کوچک ، که فقط کوچک آن به دست مرحوم نجاشی رسیده بود .
- ۵-۵. نجاشی ، الرجال ، ص ۲۸۰ ، رقم ۷۴۱ .
- ۶-۶. همان ، ص ۲۶۰ ، رقم ۶۷۹ .
- ۷-۷. همان ، ص ۲۵۶ ، رقم ۶۷۰ .
- ۸-۸. همان ، ص ۲۵۸ ، رقم ۶۷۶ .

تألیف : ابراهیم بن اسحاق احمری ، معاصر امام حسن عسکری علیه السلام . (۱)

تألیف : ابوالعباس ، عبدالله بن جعفر حمیری ، از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام . (۲)

حمیری آثار دیگری در رابطه با حضرت بقیه الله دارد ، که از آن جمله است :

۲ . قرب الاسناد الی صاحب الامر علیه السلام (۳)

۳ . الفتره و الحیره (۴)

۴ . التوقعات (۵)

اینها ده مورد از موارد بسیاری است که پیش از وقوع غیبت پیرامون غیبت کتاب مستقل به رشته تحریر درآورده اند ، و اگر بخواهیم همه آثاری را که اصحاب ائمه در حوزه مهدویت پدید آورده اند ، بشماریم به درازا می کشد .

در اینجا لازم است اشاره کنیم که برخی از مؤلفین این آثار از گروه واقفیه هستند و آنها در امامت امام کاظم علیه السلام توقف نموده و امام هفتم راهمان مهدی موعود پنداشته اند ، ولی ما به دو جهت عناوین کتب آنها را نیز در این بخش یاد آور شدیم :

۱ . در متن این کتاب انحراف و لغزشی نبود و لذا شیخ طوسی و دیگران از این کتاب ها نقل حدیث فرموده اند .

۲ . کثرت این کتاب ها از فرقه های مختلف ، دلیل رسوخ اعتقاد به غیبت موعود در طول و قرون و اعصار بوده و بیانگر این حقیقت است که احادیث مهدی منتظر از نظر شهرت ، کثرت و تواتر در میان امت اسلامی در سطحی بوده که ده ها نفر از اصحاب

ص : ۳۰۹

۱-۱ . همان ، ص ۱۹ ، رقم ۲۱ ؛ مامقانی ، تنقیح المقال ، ج ۳ ، ص ۳۸۳ .

۲-۲ . شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۱۶۸ ، رقم ۴۳۹ .

۳-۳ . نجاشی ، الرجال ، ص ۲۲۰ ، رقم ۵۷۳ .

۴-۴ . شیخ طوسی ، همان .

ائمه در طول قرن های اول ، دوم و سوم کتاب مستقل در این رابطه تألیف نموده و آن را در کتاب الغیبه نام نهاده اند .

تعدد این کتاب ها مشتمل بر مخالفان لجاجت پیشه ای که عمدا شبیه پراکنی نموده ، و می گویند : احادیث غیبت بعد از غیبت حضرت مهدی علیه السلام گردآوری شده است .

پدید آورندگان یاد شده عموما از فرق وابسته به اهل بیت می باشند ، در اینجا به عنوان نمونه از یک اثر مهم از یک نویسنده ای پر آوازه یاد می کنیم که پیش از تولد موعود کتاب ارزنده ای در حوزه مهدویت از خود به یادگار نهاده است و او عباد بن یعقوب رواجنی صاحب کتاب أخبار المهدی می باشد .

اهمیت کتاب رواجنی در این است که این کتاب پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام تألیف شده است ، زیرا رواجنی به سال ۲۵۰ ق . وفات کرده (۱) و حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در سال ۲۵۵ ق . دیده به جهان گشوده است .

و اهمیت دیگر آن در این است که مؤلف از شخصیت های برجسته اهل سنت است ، بخاری ، ترمذی ، ابن ماجه ، ابوحاتم ، بزار و دیگر محدثین اهل سنت از او روایت کرده اند و همه رجالیون بر وثاقت و صداقت او تأکید کرده اند .

دل بستگی رواجنی به حضرت مهدی علیه السلام در حدی بود که شمشیری بالای سرش آویخته بود و می گفت :

آن را مهیا کرده ام که با آن در محضر حضرت مهدی علیه السلام شمشیر بزنم . (۲)

از این رهگذر برخی از علمای اهل سنت او را به تشیع متهم می کردند ، در حالی که همه رجالیون شیعه تأکید کرده اند که وی از اهل سنت بود . (۳)

ص: ۳۱۰

۱-۱ . بخاری ، التاريخ الكبير ، ج ۶ ، ص ۴۴ ، رقم ۱۶۴۵ .

۲-۲ . ذهبی ، میزان الاعتدال ، ج ۲ ، ص ۳۷۹ ؛ همو ، سیر اعلام النبلاء ، ج ۱۱ ، ص ۵۳۸ ، رقم ۱۵۵ .

۳-۳ . شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۱۹۲ ، رقم ۵۴۰ ؛ ابن شهر آشوب ، معالم العلماء ، ص ۸۸ ؛ ابن داود ، الرجال ، ص ۲۹۲ .

برخی از آثار چاپ شده ی مؤلف

- ۱_ ابو ریحان بیرونی / چاپ دوم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۲_ اجساد جاویدان / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.
- ۳_ ارزیابی تمدن غرب / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۴_ ارمغان صافی / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.
- ۵_ ارمغان مجلسی / چاپ پانزدهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۶_ از تبار محدثان (سکینه دخت امیر مؤمنان) / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۷_ ازدواج ام کلثوم افسانه یا حقیقت / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۸_ از شب عاشور تا آدینه ظهور / چاپ اول / انتشارات عطر عترت / تهران.
- ۹_ اسرار نماز / چاپ چهارم / انتشارات رسالت / قم.
- ۱۰_ اعتقادات علامه ی مجلسی / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۱۱_ او خواهد آمد / چاپ چهاردهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۱۲_ با دعای ندبه در پگاه جمعه / چاپ اول / نشر موعود / تهران.
- ۱۳_ تاریخ شیعه ی زیدیه / چاپ اول / دانشگاه شیراز.
- ۱۴_ تاریخ وهابیان / چاپ اول / نشر طوفان / تهران.
- ۱۵_ تاریخچه ی عاشورا / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۱۶_ تشرّف در سرداب مقدس / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۱۷_ تشیع یا اسلام راستین / چاپ ششم / بنیاد بعثت / تهران.
- ۱۸_ جزیره ی خضراء / چاپ چهاردهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۱۹_ چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان / چاپ اول / نشر حاذق / قم.

۲۰ _ چهل حدیث پیرامون نور یزدان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۲۱ _ چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۲۲ _ چهل حدیث در مناقب اوّلین پیشوا / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

۲۳ _ چهل حدیث در مناقب امّ اییها / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

ص: ۳۱۲

- ۲۴ _ روزگار رهائی / چاپ سوّم / نشر آفاق / تهران.
- ۲۵ _ زندگانی کریمه ی اہلبیت / نشر حاذق / قم.
- ۲۶ _ زیارت عاشورا و آثار معجز آسای آن / چاپ ئینجم / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۷ _ سرچشمہ کوثر / چاپ سوم / انتشارات راه وداد / کرج.
- ۲۸ _ سند حدیث کساء / چاپ دوّم / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۹ _ طول عمر امام زمان علیہ السلام / چاپ سوّم / انتشارات طاووس بہشتیان / قم.
- ۳۰ _ علی اول / چاپ دوم / نشر موعود / تهران.
- ۳۱ _ علی و فلسفہ ی الہی / چاپ اوّل / بنیاد علامہ ی طباطبائی / قم.
- ۳۲ _ کتابنامہ ی آثار ماندگار تنہار یادگار پیامبر / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.
- ۳۳ _ کتابنامہ ی حضرت مہدی علیہ السلام / چاپ اول / انتشارات الہادی / قم.
- ۳۴ _ کرامات معصومیہ / چاپ دوم / انتشارات حاذق / قم.
- ۳۵ _ کریمہ ی اہلبیت / چاپ اوّل / انتشارات حاذق / قم.
- ۳۶ _ گزارش لحظہ بہ لحظہ از میلاد نور / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۳۷ _ میثم تمار / چاپ اوّل / انتشارات توحید / تهران.
- ۳۸ _ میلاد نور / چاپ اوّل / مسجد صدریہ / تهران.
- ۳۹ _ نبراس الزائر / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۴۰ _ نبراس الفائزین بزیارہ امیرالمؤمنین علیہ السلام / چاپ اول / مولود کعبہ / قم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

